

کتابخانه ملی ایران  
جمهوری اسلامی ایران

# مزارات خوی

تألیف

محمد الوان کازرونی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



سرشناسه

الوансاز خوبی، محمد، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور

مژارت خوی /تألیف محمدالوансاز خوبی.

مشخصات نشر

تهران:کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری

۴۷۶ ص.

شابک

978-600-220-008-2

وضعیت فهرستنويسي

: فيپا.

موضوع

اما مرادها -- ایران -- خوی

موضوع

زيارتگاههای اسلامی -- ایران -- خوی

شناسه افزووده

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

ردیبدی کنگره

BPY۶۶۴ / ۷ / ۹ ح ۱۳۸۹ :

۲۹۷/۷۶۷۶ :

ردیبدی دیوی:

۲۲۵۹۱۵۴ :

شماره کتابشناسی ملی

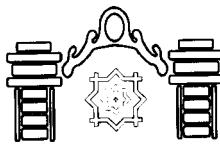
# مزارات خوی

تألیف

محمد الوانساز خویی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۸۹



کتابخانه ملی و مرکز اسناد  
جمهوری اسلامی ایران

## موزاییک خوی

تألیف: محمد الوانساز خوبی

نمایه‌ساز: سیده گوهری

صفحه‌آرا: محمود خانی

قلم‌های استفاده شده: لوتوس زر یاقوت Times

کاغذ مورد استفاده: ۷۰ گرمی تحریر خارجی

شماره انتشار: ۲۴۲

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

چاپخانه: فرشیوه

لیتوگرافی: نقره‌آبی

صحافی: سیدین

چاپ اول: ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰

بهای: ۸۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۸-۲

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوالیحان و دانشگاه، ساختمان فروردین  
طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۰۲۱-۱۲۰۶۴۹۶۶

نشانی سایت اینترنتی: [www.Ical.ir](http://www.Ical.ir)

نشانی پست الکترونیکی: [pajooheshlib@yahoo.com](mailto:pajooheshlib@yahoo.com)

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه،  
موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

## به نام آنکه جان را فکرت آموخت

سهم شهرهای مرزی ما در تمدن اسلامی - ایرانی، قابل توجه و البته ناشناخته است. از بسیاری از این شهرها، دانشمندان و هنرمندانی برخاسته‌اند که در بخش مهمی از فرهنگ ایران تأثیر داشته‌اند. از شهر خمین، امام خمینی، و از شهر خوی، مرحوم آیت‌الله خویی، نام‌هایی هستند که در سطح مرجعیت شیعه شناخته شده و در فرهنگ دینی و سیاسی معاصر ما تأثیرگذار بودند. شناخته فرهنگ این شهرها و عالمان آنها به منظور شناخت بسترها برای که برای تربیت این قبیل دانشمندان فراهم آمده، امری لازم است، بخصوص در عصر جدید که حوزه‌های فرهنگی و دانشی ما بیشتر به شهرهای اصلی منتقل شده و حاشیه‌ها مورد غفلت واقع شده‌اند.

از سوی دیگر، سهم بلاد آذربایجان در ایران، سهمی ستودنی است؛ این سهم هم به لحاظ سیاسی و هم دینی، بویژه از زاویه تشیع و بسط آن در ایران، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بیشتر این شهرها در طول تاریخ طولانی ایران، گرفتاری‌های فراوانی داشته و با وجود آن دشواریها، توانسته‌اند در حوزه فرهنگ نیز سهمی درخور داشته باشند.

کتاب حاضر، گرچه شرح مزارات خوی است، اما درواقع، شرح حالی است از عالمان و اندیشمندان این شهر که در طول سالیان، از خادمان علم و فرهنگ و دین در خطة آذربایجان، بلکه تمامی ایران عزیز بوده‌اند.

اهمیت این گونه کتابها، نه فقط برای امروز، بلکه برای روزگارانی است که بسا دست حوادث، بسیاری از آن آثار را از میان برده و نام و نشانی از آنچه امروز و دیروز وجود داشته است، باقی نخواهد گذاشت. چاپ این قبیل آثار باید مورد تشویق قرار گیرد تا هویت فرهنگی یک شهر و منطقه حفظ شود و حتی به فرض تغییرات، برای روزگاران آتی، این پیشینه باقی و پایدار بماند. از دوست عزیز جناب آقای الوانساز که تلاش قابل ستایشی در شناساندن عالمان خطة آذربایجان داشته‌اند و دارند، سپاسگزارم و توفیق ایشان را از خدای منان خواستار. و آخر دعوا نا  
ان الحمد لله رب العالمين.

رسول جعفریان

ریاست کتابخانه، موزه و مرکز استناد

مجلس شورای اسلامی



## ❖ فهرست مطالب

مقدمه ..... سیزده

### فصل اول: امامزادگان

(۶۵ - ۳)

۱	..... امامزاده سید بهلول
۶	..... مسجد صاحب الزمان
۶	..... حسینیه امامزاده سید بهلول
۷	..... صحن امامزاده سید بهلول
۹	..... امامزاده سید تاج الدین خویی
۱۳	..... امامزاده سید نظر علی
۱۵	..... امامزاده یدیلر
۱۷	..... بالا امامزاده
۱۹	..... بقعة سید تاج الدین موسوی
۲۱	..... مقبرة آقا سید کاظم موسوی
۲۳	..... مقبرة آقا میر ابراهیم

۲۵	۹. مقبره آقا میر اسدالله
۲۷	۱۰. مقبره آقا میر اسماعیل حسینی
۲۹	۱۱. مقبره آقا میر عبدالعلی حسینی کوه کمری
۳۵	۱۲. مقبره آقا میر فتاح
۴۱	۱۳. مقبره آقا میر هادی
۴۵	۱۴. مقبره آقا میر یعقوب مقیره
۵۵	۱۵. مقبره سادات سید جعفری
۵۷	۱۶. مقبره سادات سید مرغی
۵۹	۱۷. مقبره سادات صادقی
۶۱	۱۸. مقبره سادات موسوی
۶۳	۱۹. مقبره صادقیه
۶۵	۲۰. مقبره میر آقا حسینی

### فصل دوم: بقاع متبرکه

(۱۲۳-۷۱)

۷۱	۱. بقعه آخوند نوایی
۸۱	۲. بقعه آستانه علی
۸۳	۳. بقعه امیر جمشید
۸۵	۴. بقعه پیر عمر نخجوانی
۸۷	۵. بقعه پیر موسی
۸۹	۶. بقعه پیروی (پوریا ولی) پوریای ولی کیست؟
۹۰	پیروی کیست؟
۹۱	مزار پوریای ولی
۹۳	۷. بقعه خاک مردان
۹۷	۸. بقعه ذهبه
۹۹	۹. بقعه شاه محمد حنفیه
۱۰۵	۱۰. بقعه عرب آقا
۱۰۷	.....

١٥٩ .....	١١. بقعة علمدار .....
١١١ .....	١٢. بقعة قره شعبان .....
١١٣ .....	١٣. بقعة ملا على خوبي .....
١١٧ .....	١٤. بقعة ملا محمد مؤمن .....
١١٩ .....	١٥. بقعة يدى قارداشلار .....
١٢١ .....	١٦. تكية حضرت ابوالفضل العباس - عليه السلام -
١٢٣ .....	١٧. منار شمس تبریزی .....

## فصل سوم: مشاهیر مدفون در خوی

(٣٠٧ - ١٣٩)

١٣٩ .....	١. آزرم، شیخ عباس (١٣١٢ - ١٣٧٨ ش) .....
١٤١ .....	٢. آقاسی، محمد (١٢٩٦ - ١٣٧٩ ش) .....
١٤٥ .....	٣. آقاسی، مهدی (١٢٩٨ - ١٣٨٠ ش) .....
١٤٧ .....	٤. آیت‌الله‌ی، دکتر سید مجید (١٣٠٨ - ١٣٨٢ ش) .....
١٥١ .....	٥. اعلمی، شیخ عبدالحسین (١٢٩٠ - ١٣٧٥ ش) .....
١٥٥ .....	٦. انیس خویی، ملا محمد (سدۀ ١٣ ق) .....
١٥٧ .....	٧. بصیری، شیخ حسن (١٢٩٩ - ١٣٨٦ ش) .....
١٦١ .....	٨. تائب خویی، حاجی خداوردی (.... - ١١٦٦ ش) .....
١٦٣ .....	٩. تهمی، میر شفیع (١٢٥٥ - ١٣٢٧ ش) .....
١٦٥ .....	١٠. ثابت، ملا حسین (.... - ١٢٩٦ ش) .....
١٦٧ .....	١١. حسینی خویی (میر یعقوب دوم)، میر یعقوب (١٢٤٤ - ١٣٢٤ ش) .....
١٧٥ .....	١٢. چورسی، ملا محمد (.... - ١١٩٤ ش) .....
١٧٧ .....	١٣. حاجی قلیزاده، شهید حاج ولی (١٣٤٤ - ١٣٨٨ ش) .....
١٧٩ .....	١٤. حاجی‌گلاری، شیخ عبدالوهاب (١٢٢٢ - ١٣٠٦ ش) .....
١٨١ .....	١٥. حاجی مطلب خان (.... - ١٢٣٦ ش) .....
١٨٣ .....	١٦. حسام چورسی، میرزا محمد علی (.... - ١٣٢٥ ش) .....
١٨٥ .....	١٧. حلمی مهاجر، آخوند ملا حیدر (.... - ١٣٥٦ ش) .....
١٨٧ .....	١٨. خضرلو، شهید شیخ محمد حسن (١٣٢٧ - ١٣٥٧ ش) .....

- ۱۸۹ ..... خویی، شیخ محمد باقر (.... - ۱۳۲۳ ش).....
- ۱۹۱ ..... رسولزاده خویی، میر اسماعیل (۱۳۰۱ - ۱۳۸۴ ش).....
- ۱۹۷ ..... ساجدی، سید محمود (.... - ۱۳۳۷ ش).....
- ۱۹۹ ..... صادقی بدلآبادی، ملا حسین (۱۲۸۰ - ۱۳۳۳ ش).....
- ۲۰۱ ..... صادقی، شیخ سلطانعلی (۱۳۳۶ - ۱۳۸۲ ش).....
- ۲۰۳ ..... عرب، شیخ مهدی (.... - ۱۳۲۷ ش).....
- ۲۰۷ ..... علوی (مقبره‌ای)، سید ابراهیم (۱۲۹۴ - ۱۳۶۸ ش).....
- ۲۱۳ ..... فاضلی، شیخ ابوطالب (۱۳۰۵ - ۱۳۷۳ ش).....
- ۲۱۵ ..... فاضلی، شیخ جابر (۱۲۹۴ - ۱۳۶۰ ش).....
- ۲۱۷ ..... فاضلی، شیخ خلیل (۱۲۵۷ - ۱۳۷۱ ش).....
- ۲۱۹ ..... فاضلی، شیخ علی اصغر (۱۲۶۲ - ۱۳۲۱ ش).....
- ۲۲۱ ..... فتاحی، سید حسن (۱۳۰۴ - ۱۳۶۱ ش).....
- ۲۲۵ ..... فلاحت کوهکمری، شیخ اسماعیل (۱۳۱۱ - ۱۳۸۶ ش).....
- ۲۲۷ ..... فیاضی، شیخ حبیب (.... - ۱۳۴۱ ش).....
- ۲۲۹ ..... فیاضی، شیخ عبدالله (.... - ۱۳۲۰ ش).....
- ۲۳۱ ..... قاسمی، شیخ اسدالله (۱۲۷۷ - ۱۳۵۲ ش).....
- ۲۳۵ ..... قویدل، شیخ علی افسر (۱۳۱۲ - ۱۳۷۴ ش).....
- ۲۳۷ ..... کوچری، شهید قربانعلی (۱۳۱۹ - ۱۳۵۸ ش).....
- ۲۳۹ ..... گیلانی خویی، شیخ ابراهیم (.... -).....
- ۲۴۱ ..... مجتبه خویی، حاج آقا علی (.... - ۱۲۴۲ ش).....
- ۲۴۳ ..... مجتبه‌ی، زنجانی، شیخ جمال الدین (۱۳۰۱ - ۱۳۷۷ ش).....
- ۲۴۷ ..... مجتبه‌ی، شیخ علی (۱۳۰۶ - ۱۳۴۹ ش).....
- ۲۴۹ ..... محدث، میر علی آقا (۱۲۷۶ - ۱۳۶۸ ش).....
- ۲۵۱ ..... محسنی بدلآبادی، شیخ حسین (۱۳۰۴ - ۱۳۶۹ ش).....
- ۲۵۷ ..... محسنی بدلآبادی، شیخ علی مدد (۱۲۴۷ - ۱۳۱۵ ش).....
- ۲۶۳ ..... محمدی، شیخ عباس (۱۳۰۷ - ۱۳۸۶ ش).....
- ۲۶۵ ..... مرجعی، سید موسی (۱۲۷۰ - ۱۳۵۰ ش).....
- ۲۷۱ ..... مصری، سید محمد (۱۳۰۶ - ۱۳۸۴ ش).....

۴۷. معصومی، شیخ ابراهیم خلیل (۱۳۱۱ - ۱۳۰۹ ش) ..... ۲۷۳
۴۸. مقبره، میر اسماعیل (.... - ۱۲۷۲ ش) ..... ۲۷۷
۴۹. ملکی، شیخ فتح الله (۱۲۵۲ - ۱۳۴۰ ش) ..... ۲۷۹
۵۰. موحد، میرزا محمد علی (۱۲۷۲ - ۱۳۴۴ ش) ..... ۲۸۱
۵۱. موسوی، سید عبدالله (....) ..... ۲۸۳
۵۲. مهاجر، شیخ قاسم (۱۲۶۰ - ۱۳۲۱ ش) ..... ۲۸۵
۵۳. ناصری، بانو رخساره (.... - ۱۳۶۱ ش) ..... ۲۸۹
۵۴. نمازی، شیخ عبدالوهاب (۱۲۲۲ - ۱۳۱۸ ش) ..... ۲۹۱
۵۵. نمازی، شیخ محمد (.... - ۱۲۱۳ ش) ..... ۲۹۳
۵۶. نوایی، شیخ علی اکبر (۱۲۴۹ - ۱۳۲۹ ش) ..... ۲۹۵
۵۷. نوحه‌گر، حسینقلی (۱۳۱۳ - ۱۳۷۹ ش) ..... ۲۹۷
۵۸. واعظ شهانقی، میرزا علی اصغر (۱۲۵۷ - ۱۳۲۵ ش) ..... ۲۹۹
۵۹. واعظ شهانقی، شیخ ابوالفتح (۱۲۶۲ - ۱۳۰۹ ش) ..... ۳۰۱
۶۰. وحیدی، شیخ محمد (۱۲۷۷ - ۱۳۵۵ ش) ..... ۳۰۳
۶۱. هنرور، شیخ جلیل (۱۳۰۵ - ۱۳۷۶ ش) ..... ۳۰۷

## تصاویر و استاد

(۴۲۸ - ۳۱۱)

## نمایه‌ها

(۴۵۴ - ۴۲۹)

- ۴۳۱ ..... نام‌ها و خاندانها
- ۴۴۵ ..... جایهای
- ۴۵۱ ..... کتاب‌ها و نشریات
- ۴۵۵ ..... کتاب‌نامه
- ۴۵۸ ..... گفتگوها
- ۴۵۹ ..... آرشیوها



## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

از سال‌هایی که در دارالصفای خوی - از شهرهای استان آذربایجان غربی - مشغول تحصیل بودم، همیشه آرزوی قلبی ام بود که کتابی در خصوص امامزادگان، بقاع متبرکه و آرامگاه‌های موجود در زادگاه‌ها را به رشتة تحریر در بیاورم. بنابراین از همان زمان مشغول به فیش‌برداری و جمع‌آوری اطلاعات محلی شدم و در حین تحصیل در تبریز و قم، هر وقت به خوی مراجعت می‌نمودم این کار را با علاقه فراوان دنبال می‌کردم.

لابد سختی‌ها و مشقت‌های این راه بر صاحبان فضل و کمال پوشیده نیست چرا که نویسنده‌گان تاریخ‌های محلی در این مورد وارد نشده و یا خیلی گذرا از کنار آن رد شده‌اند و بدان جهت بود که هرچه در منابع و مأخذ بیشتر جستجو می‌کردم کمتر به هدف دست می‌یافتم. از طرفی دیگر بزرگان و دانشمندانی که در این زمینه صاحب اطلاعات بودند رخ در نقاب خاک کشیده و گنجینه دانسته‌های خود را چون دری در دل صدف نهان کردند.

با این توصیفات، چاره‌ای نبود جز تحقیق میدانی و دریافت اطلاعاتی که سینه به سینه از گذشتگان و پیشینیان به ارث رسیده بود. بنابراین با تحمل زحمات فراوان و تلاش‌های شبانه روزی و تماس‌های مکرر با شخصیت‌های محلی به جمع آوری اطلاعات مبادرت گردید و همزمان با آن، خود شخصاً از همه امامزادگان، بقاع و میارات دیدن نموده و به تهیه تصاویر و رونوشت قبور اقدام کرد.

البته اثر حاضر، حاصل نزدیک به ده سال تلاش و کوشش حقیر است که در ایام فراغت به تدوین آن پرداخته‌ام و امیددارم که همشهريان عزيز و جوانان فرهیخته و دانش دوست ديار روزهای کودکی ام بيش از پيش در اعتلای نام و پيشرفت علمی و فرهنگی آن تلاش و کوشش نمایند.

در پایان از همه سرورانی که بنده را در این راه کمک نمودند، بويژه دوستان خوبم در اداره اوقاف خوي، عکاس هنرمند آقاي رضا محمدی، همسر فداکارم سرکار خانم کريم‌زاده و رياست محترم کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شوراي اسلامي آقاي رسول جعفريان که زمينه چاپ اين كتاب را فراهم آورده، سپاسگزاری می‌نمایم.

قم، شهرک مهدیه

محمد بن على الوانساز خوي

۴ تير ماه ۱۳۸۹ ش

---

---

فصل اول  
امامزادگان

---

---



## امامزاده سید بهلول

قدیمی‌ترین امامزاده دارالصفای خوی، امامزاده سید بهلول - علیه السلام - است که هنگام آبادی خوی در بیرون باروی غربی شهر واقع بوده، که پس از انهدام بارو و توسعه شهر، آستان مقدس این سلاله زهرای اطهر، در داخل شهر قرار گرفته و هم اکنون به فاصله سه کیلومتر از مرکز شهر، در یکی از محلات قدیمی به نام « محله امامزاده » که به نام خود ایشان معروف است، قرار دارد. درگذشته، مدفن امامزاده سید بهلول - علیه السلام -، در قبرستان بزرگی که به نام « قبرستان امامزاده » مشهور بود، قرار داشت؛ این قبرستان در ایام سلطنت پهلوی تخریب و فضای آن که در حدود نیم هکتار بود، تبدیل به خانه‌های مسکونی و نهادهای دولتی گردید.<sup>۱</sup>

از خصوصیات فردی و اجتماعی وی، اطلاعی در دست نیست، ولی آنچه که سینه به سینه از پیشینیان به دست ما رسیده این است که: امامزاده سید بهلول از نوادگان امام

۱. محل فعلی دیبرستان حجاب، دبستان هاجر، ناحیه یک شهری شهید حبشهی، بهداشت شبانه روزی شهید جباری مقدم، ورزشگاه جانبازان، خانه‌های سازمانی اداره آموزش و پرورش و خیابان‌های همچوار همگی جزو قبرستان بزرگ محله امامزاده بوده و در سال‌های اخیر تبدیل به نهادهای دولتی و منازل مسکونی گشته است.

هادی - علیه السلام - بوده که در دوران پُرآشوب و خفغان بنی عباس به ایران مهاجرت نمود و در خوی مخفی گردید. اما زمانی که معاندان از نسب شریف ایشان اطلاع پیدا کردند، به قاضی القضاة خوی خبر دادند و قاضی القضاة متعصب دستور داد او را از مخفیگاهش بیرون کشیده و با تبر فرق مبارکش را بشکافند و او را به شهادت برسانند.

پس از مراسم خاکسپاری، مردم بر فراز قبرش بقعه‌ای ساختند و بنای امامزاده در طول تاریخ توسط عده‌ای خیر تعمیر و محافظت می‌شد.

اما بنای ساده و محقری که گروهی از سالخوردها محل آن را دیده‌اند عبارت از یک مقبره و ایوان کوچکی به اندازه دوازده متر مربع بوده که توسط یک فرد نیکوکار ساخته شده بود و هر ساله توسط همین شخص تعمیر و مرمت می‌گردید. با توسعه و خیابان کشی محله امامزاده و تشکیل هیأت امناء<sup>۱</sup> عمارت اولیه در سال ۱۳۲۳ ش تخریب و به جای آن ساختمانی در خور توجه به همت آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی و حاج محمد حسن اخطاری احداث گردید که اهم فعالیت‌های آنها بدین ترتیب است:

۱. احداث و توسعه بالاسر و پایین سر.

۲. ساخت مسجد و حسینیه در جوار مرقد شریف امامزاده سید بهلول.

۳. ساخت گنبد و دو گلدسته در سال ۱۳۴۹ ش.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل هیأت امنای جدید<sup>۲</sup> برنامه‌های توسعه و

۱. اسامی هیأت امنای اولیه امامزاده سید بهلول، در دو دوره در توسعه و آبادانی آن بقعة شریف ایفاء وظیفه نمودند.

دوره اول:

۱. آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی، ۲. مشهدی محمد فیاضی، ۳. عباسعلی عباچی‌پور، ۴. حاج قاسم محسن زاده.

دوره دوم:

۱. حاج شیخ جعفر وحیدی، ۲. حاج محمد حسن اخطاری، ۳. حسینقلی نوحه‌گر، ۴. حاج مرتضی مرتضی‌زاده، ۵. مشهدی محمد فیاضی، ۶. حاج جسین ولیزادگان، ۷. حاج علی کبر عسگر زاده، ۸. حاج علی محله‌ای.

۲. اسامی هیأت امنای فعلی امامزاده سید بهلول بدین ترتیب است:

۱. حاج شیخ حسن هاشم‌زاده، ۲. حاج یوسف سالم خوبی، ۳. حاج ولی زغال فروش، ۴. حاج غلامرضا بحرانی، ۵. حاج محمد حسین رنجکش زاده.

تکمیل آستان مقدس امامزاده سید بهلول وارد مرحله جدیدی شد، سرآغاز این فعالیت‌ها سال ۱۳۶۶ ش بود. مهمترین تلاش‌های آنان در جهت توسعه آستان مقدس چنین است:

۱. توسعه اطراف ضريح منور از ۱۷۵ متر مربع به ۲۵۰ متر مربع، در سال ۱۳۶۶ ش.
۲. ساخت دو گلدهسته هر کدام به ارتفاع ۲۸ متر و یک گلدهسته به ارتفاع ۲۴ متر.
۳. ساخت یک ایوان و دو گنبد ضربی در سال ۱۳۶۶ ش.
۴. احداث دو طبقه ساختمان به مساحت ۸۰۰ متر مربع در سال ۱۳۷۱ ش.
۵. ساخت ضريح منور به اندازه ۲×۳ در سال ۱۳۷۳ ش.
۶. تعمیر مسجد و حسینیه امامزاده با آجرهای سه سانتی و کاشیکاری در سال ۱۳۷۶ ش.
۷. احداث سرویس‌های بهداشتی به مساحت ۲۲ متر مربع در سال ۱۳۷۷ ش.
۸. ساخت یک گنبد بزرگ به ارتفاع هفت متر با روکش استیل.
۹. خرید پنج درب ورودی طلا با میناکاری ساخت اصفهان.
۱۰. احداث آشپزخانه و سالن غذاخوری در دو طبقه به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع در سال ۱۳۷۸ ش.

روی مزار شریف امامزاده سید بهلول با پارچه سبز رنگی پوشانده شده است. سنگ مزار امامزاده سید بهلول به اندازه ۷۰×۶۰ بوده و عبارت فوق بر روی آن حکاکی شده است:

يا مونس الوحد، هذه المرقد المرحوم السيد بهلول طيب الله مثواه في ...

ضريح امامزاده به ابعاد ۳×۲ بوده که در سال ۱۳۷۳ ش به همت هیات امنا و اهالی شهرستان خوی با آب طلای خالص در اصفهان ساخته شده است. سقف و تمام دیوارها و ستون‌های حرم توسط هنرمندان ایرانی و خویی آئینه کاری، گل کاری و کاشیکاری شده و بر فراز ضريح گنبد بزرگی به ارتفاع هفت متر بنا شده که استیل کاری آن در سال ۱۳۶۷ ش به اتمام رسیده است.

در قسمت جنوبی حرم، دو گلdstه هر کدام به ارتفاع ۲۸ متر سر به آسمان کشیده شده و یک پنجره بزرگ و ۱۸ پنجره کوچک به همان سمت باز می‌شود.

در قسمت غربی حرم، کفش کن زنانه و آشپزخانه و زائر سرای زنانه در دو طبقه، به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع قرار دارد.

در قسمت شرقی حرم، صحن کوچک و کفش کنی مردانه قرار دارد که به وسیله دو در با حرم مرتبط است.

در قسمت شمالی حرم، حسینیه آستان مقدس قرار دارد که به وسیله چهار پنجره و دو در با حرم مرتبط است.

### مسجد صاحب الزمان

مسجد امامزاده به نام مسجد صاحب الزمان - عجل الله تعالى فرجه الشَّرِيف - در قسمت شمال شرقی حرم قرار دارد. احداث این مسجد با کلنگ‌زنی آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی آغاز شد و پس از اتمام، مورد استفاده قرار گرفت که سال‌ها بعد، تعمیرات اساسی بر روی آن صورت گرفت که در سال ۱۳۷۶ ش به اتمام رسید. در جانب شرقی مسجد، یک پنجره و یک گلdstه به ارتفاع ۲۴ متر قرار دارد که ساخت آن در سال ۱۳۶۶ ش پایان یافته است.

سمت قبله شامل محراب، دو پنجره و درب ورودی است که به صحن کوچک باز می‌شود، همچنین در جانب شمالی مسجد، چایخانه قرار دارد. مسجد صاحب الزمان همیشه شاهد حضور مومنان در نمازهای جماعت و دیگر مجالس مذهبی می‌باشد. از ائمه جماعت این مسجد می‌توان به؛ آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی، حاج شیخ جعفر وحیدی و حاج شیخ حسن هاشم زاده اشاره نمود.

### حسینیه امامزاده سید بهلول

حسینیه یاد شده در قسمت شمالی حرم قرار دارد. این حسینیه به مساحت ۲۵۰ متر

مربع می باشد و در سال ۱۳۷۶ ش به طرز باشکوهی مرمت و بازسازی شده است. حسینیه با دو در طلای میناکاری شده و چهار پنجره با حرم ارتباط دارد. در قسمت شرقی حسینیه، چایخانه و قسمت غربی آن محل استراحت سرایدار<sup>۱</sup> و در قسمت شمالی آن، صحن بزرگ امامزاده و حسینیه مفصلی در طبقه بالا قرار دارد که با دو در بزرگ با حسینیه یاد شده مرتبط است. حسینیه با دو درب چوبی و چهار پنجره بزرگ با صحن امامزاده مرتبط است.

### صحن امامزاده سید بهلول

آستان مبارک امامزاده سید بهلول متشكل از دو صحن کوچک و بزرگ بوده و هر کدام به نحو خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. صحن کوچک امامزاده به شکل مثلث بوده و ایوان کوچک آستانه در آن قرار دارد، این صحن در جوار خیابان شهید کوچری قرار گرفته است. صحن بزرگ امامزاده در پشت آستانه مبارکه واقع شده و بسیاری از مؤمنین و شهدای انقلاب اسلامی در آن به خاک سپرده شده‌اند؛ این صحن دارای دو درب ورودی از ضلع‌های جنوبی و شرقی می‌باشد.

مشهور است که پیکر پاک امامزاده سید بهلول، بعد از سپری شدن سال‌ها از به خاک سپرده شدن‌شان، سالم و ترو تازه نمایان گردید. عالم فاضل، علی اکبر مهدی پور در خصوص سالم ماندن پیکر پاک ایشان می‌نویسد:

در حدود یک صد سال پیش سیل ویرانگری در شهرستان خوی جاری می‌شود که ویرانی فراوانی به بار می‌آورد، از جمله ساختمان امامزاده صدمه می‌بیند. دهها سال بعد حاج شیخ محمد وحیدی به تجدید بنای امامزاده همت می‌گمارد. هنگامی که بقعه شریف را خاکبرداری می‌کنند به یک تخته سنگ بسیار قدیمی می‌رسند، چون سنگ را بر

۱. اسامی خادمین آستان امامزاده سید بهلول و حضرت آقا میر هادی که از سال‌های متمادی در خدمت آن ۲ بارگاه شریف بوده‌اند، چنین است:

۱. کربلایی میر یعقوب عالی نسب (پدر)، ۲. کربلایی میر حبیب عالی نسب (پسر)، ۳. میر حسین عالی نسب (نوه) و همسرش خانم زهرا غلامعلی زاده اصل، ۴. میر حبیب عالی نسب و همسرش خانم فریبا عبدالله زاده.

می دارند، جسد شریف امامزاده تر و تازه مشاهده می شود.  
دانشمند گرانمایه، آقای شیخ جلیل هنرور، مقدم علمای خوی پس از بررسی و تحقیق،  
یکی از شاهدان عینی را شناسایی کرده کتبًا برای نگارنده (علی اکبر مهدی پور) مرقوم  
فرمودند:

آقای حسین شاه قلی فرزند محروم ساکن کوچه قره سو واقع در محله امامزاده، به هنگام  
تجدد بنای مرقد منور امامزاده توسط حاج شیخ محمد وحیدی، حدود ۱۰ سال داشته  
و جنازه امامزاده را شخصاً مشاهده نموده است.

آقای شاهقلی می گوید: علاوه بر پیکر پاک امامزاده، کفن نیز نبوسیده بود فقط رنگ آن  
به زردی گرا بود.<sup>۱</sup>

حرم حضرت امامزاده سید بهلول پیوسته مطاف شیعیان و علاقه مندان خاندان  
عصمت و طهارت بوده و در گرفتاری ها و برآورده شدن حاجات به این آستان مقدس  
پناهنده می شدند. برای نمونه به یک مورد از کرامات سید عالیقدر امامزاده سید بهلول  
اشاره می شود:

در دامداری که مشرف به کوچه تخته پل بود، مشغول کار بودم که پسرم از پشت بام  
سقوط کرد و ضربه سختی به او وارد شد و دیگر امیدی برای زنده ماندنش نداشت. اطراقیان در شکه آوردن تا او را به درمانگاه برسانیم، بچه در بعلم می لرزید و بی تابی  
می کرده و تحمل این صحنه برایم بسیار سخت بود، خدا می داند چه حالی داشتم. در شکه  
با سرعت تمام از کوچه ها و خیابان ها عبور می کرد تا اینکه به مقابل امامزاده سید بهلول  
-علیه السلام - رسید، وقتی متوجه ضریح مطهر شدم، مضطرب و محزون شفای فرزندم را  
خواستم و نذر کردم چنانچه فرزندم شفا یابد هزینه قسمتی از سیمانکاری بنا را که نیمه  
تمام مانده بود، تقبل نمایم. خوشبختانه به لطف خداوند منان و عنایت این بزرگوار حال  
فرزنندم خوب شد و بهبودی یافت و من نذر خود را ادا نمودم.<sup>۲</sup>

۱. اجساد جاویدان، صص ۱۳۴-۱۳۵.

۲. اعتاب مبارکه خوی، ص ۲۷.



## ❖ امامزاده سید تاجالدین خویی

آستان فیض آثار امامزاده سید تاجالدین خویی، در ۲۳ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خوی در زیر گردنه «خرسته گدوکی»، در روستایی که به نام خود وی<sup>۱</sup> مشهور است، قرار دارد. متأسفانه حالات وی در اثر گذشت زمان به باد فراموشی سپرده شده و فقط به ذکر نسب ایشان اکتفا شده است.

متن نسب نامه شریف ایشان که از طریق سید محمد عابد (صاحب بارگاه مجلل در

شیراز) به امام موسی کاظم -علیه السلام- می‌رسد، چنین است:

سید تاجالدین خویی فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید

حسین فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید حسین<sup>۲</sup> فرزند سید مرتضی فرزند

سید محراب فرزند سید محمد فرزند سید محمود فرزند سید احمد فرزند سید حسین

فرزند سید عبدالله فرزند سید محمد عابد فرزند امام همام موسی کاظم -علیه السلام-<sup>۳</sup>

۱. این روستا در محاوره محلی «سید حاجین» نامیده می‌شود.

۲. در *المشجر الواقي*، ج ۱، ص ۸۷ اسمی «سید علی فرزند سید محمد فرزند سید حسین» در شجره نامه ایشان ذکر نشده است.

۳. *جامع الانساب*، ص ۲۳؛ *المشجر الواقي*، ج ۱، ص ۸۷.

شجره نامه‌های مختلفی در دست ذریه امامزاده سید تاج‌الدین خویی موجود است که مورد تأیید علمای بزرگی همچون؛ آیت‌الحق حضرت آقا میر‌یعقوب مقبره، آیت‌الله حاج میر‌یعقوب حسینی خویی (میر‌یعقوب دوم)، آیت‌الله سید علی اصغر صادقی خویی بوده و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی ضمن تأیید یکی از آنها، می‌نویسد:

بسمه تعالیٰ  
لاریب فيها بارک الله في اغصانها،  
الراجح شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی سنة ۱۴۰۴ ق.

مرحوم سید تاج‌الدین دارای دو پسر بوده، اسمی آنها چنین است:  
۱. سید آفاجان.

حالات وی معلوم نیست، اما از نوادگان ایشان می‌توان به امامزاده سید نظر علی دارای بارگاه در قبرستان قدیمی روستای سید تاج‌الدین، سید تاج‌الدین موسوی مدفون در تپه غضنفر جاده خوی - سلماس و آیت‌الله العظمی خویی<sup>۱</sup> اشاره نمود.

۲. سید قاسم.

گوشه‌هایی از حالات ایشان و تعداد فرزندان و نوادهای وی به قلم آیت‌الله سید ابراهیم موسوی زنجانی<sup>۲</sup> که خود از نوادگان معظم له می‌باشد، چنین است:  
ایشان صاحب کشف و کرامات بوده و در همان قریه از دنیا رحلت نموده و تاریخ وفات ایشان معلوم نیست و یک ولدی صالح به نام سید عبدالله باقی مانده و از او یک پسری بوجود آمده به نام سید محمد و از سید محمد پسری یادگار مانده به نام سید علی اکبر و برای او پسری است به نام سید محمد و از ایشان پسری به وجود آمد به نام سید امین و از ایشان مولودی به وجود آمده به نام سید مراد علی و ایشان دارای چند پسری بوده‌اند یکی به نام سید حق‌وردي و دیگری سید میر‌الثوردي باقی مانده‌اند و اینها برادران اعیانی هستند و در اوائل قرن حادی عشر از خوی مهاجرت می‌کنند به عنوان ثامن‌الائمه حضرت رضا - عليه السلام - و بعد از مراجعت از زیارت حضرت رضا - عليه السلام - اهالی

۱. المشجر الواقي، ج ۱، ص ۸۷.

۲. المشجر الواقي، ج ۱، ص ۸۸.

صائب قلعه عالی نداشتند از این دو برادر تقاضای ماندن می‌نمایند و ایشان قبول می‌فرمایند و سید میر الله وردی در نزد فتحعلی شاه قاجار خیلی مقرب بوده و فتحعلی شاه در چمن سلطانیه قصری ساخته بود در وقت تابستان از تهران برای بیلاق به آنجا می‌رفته و از بزرگان آن محل دعوت می‌کرده و از جمله اشخاصی که به زیارت فتحعلی شاه نائل شده بوده‌اند آقا سید میر الله وردی به اتفاق پسر بزرگش سید بهرامعلی است و کراراً شاه از ایشان دعوت کرده و انعام و بخشش به سید بهرامعلی مرحمت کرده. و سید بهرامعلی جلیل‌القدر و صاحب کشف و کرامات بوده‌اند و لذا از اطراف صائب قلعه و از دهات قزوین از قبیل سکرآباد و خیارچ و دانسفهان و بوئن و امیرآباد و ریع و غیر اینها مرید ایشان بوده‌اند و برای دعا و شفا یافتن به خانه ایشان می‌آمدند و در حدود ۱۱۹ سال عمر کرده و از صائب قلعه برند به سکرآباد قزوین و در آنجا از دنیا رحلت نمود و دارای هفت اولاد ذکور بوده است.<sup>۱</sup>

عالی ریانی حاج شیخ حسن بصیری در توصیف امامزاده سید تاج‌الدین و نسل ایشان می‌گوید:

قبیر پاکش مطلع انسوار باد	سیدی والا تبار و پاکزاد
زانکه در آن خفته دُری تابناک	نور و رحمت خیزد از آن قبر پاک
نور چشم حضرت خیر النساء	گوهری اعلى ز نسل مصطفی
در فضیلت جعفر طیار بود	یادگار حیدر کرار بود
مرقد پاکش مطاف قدسیان	نور روشن همچو شمع آسمان
حور جنت از فراوش سینه چاک	بوی جنت می‌رسد زآن خاک پاک
یا چور وحی بوده از نوع ملک	همچو نوری بوده تابید از فلک
سر و بالای سرای سرمدی	یا گل گلزار دین احمدی
عشق پاکش ساغر و صهبا ماست	قبر پاکش ملجه و ماوای ماست
او بود در هر دو دنیا کارساز	ما همه دلداده بر آن پاک باز
در تجلی آمده در روی خاک	بس کراماتی که از آن نور پاک

از در اخلاص می‌باید رفاه	هر زمان هر در دمند آرد پنهان
صاحب عزم و اراده مهربان	نسل پاکش بس مبارک در جهان
در حقیقت بس نکو آثار داشت	کو نشان از احمد مختار داشت
در رواج دین حق غوغای نمود	نام آن سرور چو تاج الدین بود
با همه نیرنگ آمد رو برو	زین سبب در فکر قتل او عدو
این طرف آمد تو گو آن دادرس	لیک ذات حق نجاتش داد و بس
بُد مزار خلق در هر صبح و شام	شد ملاذ و مرجع هر خاص و عام
تا نجاتش باشد از هر رنج و درد <sup>۱</sup>	دامن مهوش «بصیری» چنگ زد

جمعی از نوادگان امامزاده سید تاج الدین خویی در شمار عالمان دینی و خادمین شریعت نبوی بوده‌اند که در رأس آنها می‌توان به بزرگ مرجع عالم تشیع، رئیس الفقهاء و المجتهدين حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی خویی اشاره نمود<sup>۲</sup> و همچنین شماری دیگر در ردیف شهیدان سرافراز انقلاب اسلامی هستند که بنای یادبود آنها در جوار آستان مقدس جدّشان حضرت آقا سید تاج الدین خویی بنا شده است.  
آستان مقدس امامزاده سید تاج الدین از سده‌های قبل مورد توجه مردم منطقه بوده و در اثر احترام و عظمتی که به آن محل قائلند، برخی از مؤمنان قسمتی از اموال خود را وقف آن آستان نموده‌اند.

بنای فعلی آن در سال ۱۳۶۵ش برابر ۱۴۰۷ق به همت افراد خیر و تلاش‌های بی‌شائبه حجت الاسلام و المسلمين حاج سید محمد موسوی امام جمعة محترم سلماس تجدید بنا یافته است.

کراماتی که از مزارِ فیض‌گستر آن بزرگوار به ظهور رسیده در حد تواتر است. مرحوم حاج شیخ ذبیح الله محلاتی در این خصوص می‌نویسد:  
در میان مردم روستای سید تاج الدین معروف است که اگر شخص مارگزیده خود را به قبر آن بزرگوار برساند و متول شود زهر مار در وی اثر نخواهد کرد.<sup>۳</sup>

۱. شعر و مناجات، ص ۱۲.  
۲. مجله الغری، س ۱۴۲۳، ش ۱۱، ص ۴۸.

۳. اختزان تابناک، ج ۲، ص ۵۶۲.

## ♦ امامزاده سید نظر علی

آرامگاه فیض گستر سید جلیل القدر، حضرت آقا سید نظر علی معروف به «نظرگاه» در قبرستان قدیمی روستای تاج‌الدین که قدمت آن به ۲۵۰ سال پیش می‌رسد، قرار دارد. از شرح حال و تاریخ زیست آن مطلبی بدست نیامد؛ اما بنا به اظهاراتِ عالم وارسته، حجت‌الاسلام و المسلمین حاج میر ابراهیم رضایی، ایشان از نوادگان امامزاده سید تاج‌الدین می‌باشد.

امامزاده سید نظر علی؛ از گذشته‌های دور دارای بنای محقری بوده که متشکل از یک اطاق  $3 \times 3$  و ایوان  $2/5 \times 2/5$  بوده که به همت اهالی روستا احداث شده بود. این بنا در سال ۱۳۸۰ ش جای خود را به بنای فعلی داده و با مصرف ثلث سهم حاجیه پسته خانم سید رضایی به شکل شایسته‌ای تجدید بنا گردید و هم اکنون مورد استفاده زائرین قرار می‌گیرد.

مرقد منور حضرت آقا سید نظر علی، در وسط یک اتاق بزرگ و مستطیل شکلی قرار دارد. درب ورودی مقبره از ضلع‌های شرقی و غربی تعبیه گردیده و از ضلع‌های

جنوبی و شمالی سه پنجره به بیرون مقبره باز می شود.<sup>۱</sup>

متن مزار امامزاده سید نظر علی که حاوی نسب نامه شریف ایشان است، بدین قرار است:

امامزاده سید برهان<sup>۲</sup> ابن سید احمد ابن سید علیجان ابن سید آقا جان ابن سید تاج الدین ابن سید علی ابن سید محمد ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید علی ابن سید محمد ابن سید حسین ابن سید مرتضی ابن سید محرباب ابن سید محمد ابن سید احمد ابن سید محمود ابن سید حسین ابن سید عبدالله ابن سید محمد ابن حضرت امام موسی الكاظم - علیه السلام .-

۱. به نقل از حاج میر ابراهیم سید رضایی.

۲. در چند سال اخیر سنگ مزاری که بر روی مزار ایشان قرار گرفته، اسم شریف وی سید برهان ضبط شده است. اما طی تحقیقات و صحبت های که با عالم محل مرحوم حاج میر ابراهیم سید رضایی داشتم ایشان تأکید داشتند که اسم وی «سید نظر علی» است.



## ❖ امامزاده یدیلر

یکی دیگر از مراقد شهرستان خوی امامزاده یدیلر است که در « محله یدیلر »<sup>۱</sup> در داخل مسجدی به همین نام قرار دارد. در منابع تاریخی و انساب ، مطلب خاصی در خصوص زیست نامه و حالات شخصی و نام وی بر نگارنده معلوم نگردید. به اعتقاد اهالی محل این سید بزرگوار برادر امامزاده سید بهلول و بالا امامزاده بوده که توسط قاضی القضاة خوی به قتل رسیده و سپس توسط دوستدارانش در محل فعلی، دفن شده است.

در سال ۱۳۸۴ ش مزار امامزاده یدیلر توسط هیأت امنای مسجد تعمیر و ضریح فلزی جدید بر بالای قبرش قرار داده شد و نامش به امامزاده سید حسن تغییر نام پیدا کرد. نام و نسب وی در سنگ قبر ایشان چنین آمده است:

آرامگاه خلد آشیان، جنت مکان سلاله السادات العظام سید حسن ابن سید محمد ابن امام علی النقی - عليه السلام ، فوت قرن سوم هجری قمری.

۱. کوچه یدیلر یکی از قدیم‌ترین کوچه‌های شهرستان خوی بوده و سابقه‌ای ۵۰۰ ساله دارد. بنا به گفته سالخورده‌گان محل ، اصل آبادی در قبرستان فعلی « گُمرلوح » قرار داشت که بر اثر حوادث طبیعی ، آن آبادی از بین رفته و سپس منتقل به مکان کنونی شده است.

در حال حاضر امامزاده مذکور یکی از زیارتگاه‌های مردم خوی بوده و هر پنج شنبه و جمعه شاهد حضور شیفتگان اهل بیت -علیهم السلام - می‌باشد. در طول زمان کراماتی از این بقیه شریف به ظهور رسیده که به ذکر یک نمونه از آنها بسنده می‌شود:

بانو زهرا لطفی که هم اکنون (سال ۱۳۸۸ ش) در سی امین سال زندگی خود به سر می‌برد، در سال ۱۳۸۶ ش به ترکیدگی روده مبتلا می‌گردد. با مراجعته به چند پزشک متخصص در خوی و تهران و انجام آزمایشات و عکسبرداری‌های مختلف، از ادامه معالجه قطع امید می‌شود. وی پس از مراجعت به خوی در شب نوزدهم رمضان ۱۳۸۸ ش به امامزاده سید بهلول، مقبره حضرت آقا میرفتح و مقبره حضرت آقا میرعقوب مقبره پناهدۀ شده و سپس در شب بیست و یکم رمضان در کنار مرقد منور امامزاده یدیلر دخیل می‌نشیند ولی فرجی حاصل نمی‌شود. پنج روز بعد باز می‌خواهند برای مداوا به تهران مراجعته کنند ولی به توصیه مادرش ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز بیست و ششم ماه رمضان وارد مسجد یدیلر شده و تا اذان مغرب و عشا در جوار مرقد مقدس امامزاده یدیلر به توصل و راز و نیاز مشغول می‌شود و درست مقارن اذان مغرب مورد توجه حضرت حق قرار گرفته و با عنایت امامزاده یدیلر شفا پیدا می‌کند.

بانو زهرا لطفی می‌گوید: زمانی که در مسجد بودم در عالم رویا مشاهده نمودم که یک آقای نورانی وارد مسجد شدند و فرمودند: بلند شو. گفتم: آقا مریض هستم. فرمود: ناراحت نباش، شفایت دادم.

بعد مرا به نماز اول وقت سفارش نمود و سه مطلب دیگر نیز یادآور شد و فرمود: آنها را برای دیگران بازگو مکن.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از آقای عزیز میرزا علیلو، از معتمدین محل.



## ♦ بالا امامزاده

یکی دیگر از آرامگاه‌های شهرستان خوی، مرقد بالا امامزاده یعنی امامزاده کوچک است که در جنوب شرقی آستان امامزاده سید بهلول قرار دارد. از تاریخ زندگی و حالات شخصی وی مطلب خاصی به دست نیامد، ولی به اعتقاد اهالی محل که سینه به سینه از پدران خود نقل می‌کنند، ایشان برادر کوچکتر امامزاده سید بهلول بوده که در این مکان به خاک سپرده شده است.

در سال‌های گذشته مزار بالا امامزاده، در داخل مسجد کوچکی به نام مسجد بالا امامزاده<sup>۱</sup> قرار داشت؛ اما در اثر توسعه و بازسازی این مسجد در سال ۱۳۷۲ ش، که از طرف هیأت امنا صورت گرفت، مسجد یاد شده مبدل به حسینیه و نام مبارکش به امامزاده سید محمد تغییر یافت! در سنگ مزاری که بر روی مرقد ایشان قرار گرفته اسم و نسب وی چنین معرفی شده است:

۱. مسجد بالا امامزاده یکی از مساجد مشهور و فعال خوی بوده و هر روز نماز جماعت در آنجا بر پا می‌شود. اسمی برخی از ائمه جماعت آن مسجد چنین است: آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی و فرزندش حاج شیخ جعفر وحیدی، حاج شیخ حسن هاشم زاده و شیخ علی افسر قویدل.

آرامگاه مرحوم سید محمد فرزند سید محمد بن علی النقی - علیه السلام - بن محمد تقی -  
علیه السلام - بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام.

هم اینک مزار این سید جلیل القدر در جوار دیوار غربی مسجد قرار دارد و ضریح  
قدیمی امامزاده سید بهلول بر بالای آن نصب شده است. از زمان‌های دور مزار بالا  
امامزاده مورد توجه اهالی محل بوده و هر پنج شنبه و جمعه و ایام سوگواری اهل بیت -  
علیهم السلام - محل تجمع دلبختگان ائمه هدی - علیهم السلام - بوده است.



## ◆ بقعه سید تاجالدین موسوی

از دیگر مزاراتی که در شهرستان خوی و بر فراز تپه غضنفر و در سمت چپ جاده خوی - سلماس قرار دارد، آرامگاه ابدی آقا سید تاجالدین موسوی فرزند عالم وارسته مرحوم میر علی اکبر موسوی<sup>۱</sup> است.

ایشان از نوادگان امامزاده حضرت سید تاجالدین خویی - علیه السلام - است که شجره نامه شریفتش به امام موسی بن جعفر - علیهم السلام - منتهی می شود. متن نسب نامه ایشان چنین است:

سید تاجالدین فرزند سید علی اکبر فرزند میر قاسم فرزند سید محمد ولی فرزند سید شربیت علی فرزند سید نعمت الله فرزند سید علیجان فرزند سید محمد ولی فرزند سید صادق فرزند سید آقا جان فرزند سید تاجالدین - صاحب بارگاه معروف در روستای سید

۱. عالم ریانی مرحوم آقا میر علی اکبر موسوی، روحانی روستای «دیزج دیز» بوده و امور شرعی آنجا را بر عهده داشت. در اوخر عمر به همراه روستائیان راهی زیارت حضرت ثامن الائمه - علیه السلام - می گردد که در خرمدره با اطلاع دادن از وفات خود، دارفانی را وداع می گوید و در همان جا به خاک سپرده می شود. مزارش در آنجا مشهور به «سید غریب» بوده و مورد احترام و توجه مردم آن نواحی است.

تاجالدین - فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید حسین فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید حسین فرزند سید مرتضی فرزند سید محراب فرزند سید محمد فرزند سید محمود فرزند سید احمد فرزند سید حسین فرزند سید عبدالله فرزند سید محمد عابد فرزند امام همام موسی کاظم - علیه السلام ..<sup>۱</sup>

آقا سید تاجالدین از سادات محترم شهرستان خوی بوده و در روستای «دیزج دیز» سکونت داشت. او در کنار فعالیت‌های دینی و تبلیغ احکام اسلامی به کشاورزی می‌پرداخت و از این راه گذران زندگی می‌نمود. اصالت خانوادگی، ساده زیستی، بندگی خدا، زهد و تقوایی که بر زندگی این سلاطه پیامبر سایه افکنده بود سبب شده بود، مردم در حال حیات و ممات ایشان در رفع مشکلات دنیوی و مرض‌های روحی و جسمی به ایشان پناه برده و از او استمداد بطلبند.

وی در سال ۱۳۴۲ ش برابر با ۱۳۸۳ ق دارفانی را وداع گفت و در محل فعلی به خاک سپرده شد. پس از به خاک سپاری، جمعی از ارادتمدان بر بالای مزارش گنبد کوچکی از آجر و ملات احداث نمودند که در سال ۱۳۸۶ ش بقعه یاد شده از طرف بازماندگانش تخریب گردید و قرار است بنای شایسته‌ای بر فراز مزار ایشان بنا گردد.

رونوشت مزار آقا سید تاجالدین که بر سنگ محقری حکاکی شده است، چنین است:

آرامگاه مرحوم مغفور کربلایی سید تاجالدین موسوی فرزند مرحوم سید علی‌اکبر، فوت ۲. ۱۳۴۲

۱. جامع الانساب، ص ۲۳ . ۲. به نقل از سید رضا موسوی، فرزند معظم له.



## ◆ مقبره آقا سید کاظم موسوی

از مزارات دیگری که در سال‌های اخیر در روستای بدل آباد احداث گردیده، متعلق به

مرحوم حاج سید کاظم موسوی بدل آبادی است. وی در سال ۱۳۲۰ش موفق با

۱۳۶۰ق در یک خانواده کم درآمد و مذهبی به دنیا آمد. پدرش، کربلایی میر علی اصغر

معروف به «کربلایی میری» از سادات محترم و متدين بدل آباد بوده است.

تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش سپری نمود و در سال ۱۳۳۷ش موفق به

دریافت مدرک ششم ابتدایی گردید و سپس به سفارش پدر در ردیف طلاب علوم

اسلامی قرار گرفت و علوم مقدماتی را در حضر حاج شیخ جابر فاضلی و حاج شیخ

جلیل هنرور فراگرفت و بعد در سال ۱۳۴۲ش به شهر مقدس قم رفت و پس از سه سال

اقامت در آن دیار و دریافت اجازه امور حسیبه و اجرای عقود و ایقاعات از حضر

آیت الله سید احمد زنجانی به شهر خویش بازگشت و به امر تبلیغ اشتغال ورزید.

ایشان در کنار کارهای تبلیغی به سخنرانی و روشهای خوانی در مجالس سوگواری اهل

بیت -علیهم السلام- خصوصاً در ماه‌های محرم، صفر و رمضان در خوی و روستاهای بدل

آباد، ویشلاق، باغ درق، آغشلو و ... می‌پرداخت و در ضمن به امر کشاورزی و باغداری

می پرداخت و در رفع گرفتاری ها و مشکلات مردم منطقه با نوشتن دعا های واردہ از معصومین ، تسکین بخش دل های مضطرب آنها بود.

سرانجام این سید عالیقدر پس از اقامه نماز هدیه به روح جدّ بزرگوارش در روز شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۷۴ شن مصادف با ۳ جمادی الثانی ۱۴۱۶ق ، رأس ساعت ۲۳/۲۰ ، در ۵۲ سالگی - بدون سابقه بیماری - دارفانی را وداع گفت و پس از تشییع شایسته و اقامه نماز به امامت حاج شیخ عباس آزم در قبرستان عمومی روستای بدل آباد و در جوار اجداد و نیاکانش به خاک سپرده شد.

بنای مقبره حاج سید کاظم موسوی چند ماه پس از وفات ایشان به همت فرزندانش در زمینی به مساحت ۹۰ متر مربع احداث گردیده و دارای دو گلدسته و فضای مناسبی جهت برپایی عزاداری اهل بیت - علیهم السلام - است.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از سید عبدالله موسوی فرزند معظم له .

## مقبره آقا میر ابراهیم



از آرامگاه‌های دیگری که در حومه شهرستان خوی قرار دارد، مقبره آقا میر ابراهیم بن میر اسماعیل است که در «ایواوغلى»<sup>۱</sup> قرار دارد. از حیات علمی، اجتماعی، عبادی و نسب نامه وی اطلاعاتی بدست نیامد. بنا به گفته پیران و سالخوردهان محل تا ۵۰ سال پیش بنای اولیه مقبره، خیلی کوچک و در اثر عدم توجه مردم به صورت مخروبه در آمده بود. با گذشت زمان و بروز کرامات از مزار ایشان، اهالی محل تعمیر و احداث بنای مقبره را عهده‌دار شدند و آن را به نحو آبرومندی احداث نمودند. پس از احداث بنا، بانوی مومنه‌ای به نام ریابه خانم سریرستی و تولیت مقبره آقا میر ابراهیم را عهده‌دار

۱. ایواوغلى در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان خوی و در مجاورت ۳ راهی خوی، مند و ماکو قرار دارد. به علت وضعیت خاص جغرافیایی - قرار گرفتن کوه‌های بلند در ضلع شمالی و رودخانه قطور در ضلع جنوبی آن - به ناجار به صورت نوار باریکی از شرق به غرب کشیده شده و ۱۰۰۰ خانوار جمعیت دارد که همه مذهب جعفری دارند. هم اکنون ۷ باب مسجد در آنجا قرار دارد که مورد استفاده اهالی قرار می‌گیرد: ۱. مسجد امام زمان (عج) ۲. مسجد امامزاده ۳. مسجد جامع ۴. مسجد کربلایی شرف ۵. مسجد بازار ۶. مسجد حاج شفیع ۷. مسجد قره بُرك.

گردید و پس از وفات وی، شادروان سید جعفر موسوی<sup>۱</sup> امور مربوط به آن مقبره را بر عهده گرفت.

در سال ۱۳۸۲ ش هیأت امناء مقبره آقا میر ابراهیم به فکر توسعه و ایجاد فضای بزرگی جهت آسایش زائران و بر پایی مجالس عزاداری افتاد که هم اینک قسمتی از کارهای ساختمانی آن پایان یافته و قسمتی دیگر در حال ساخت است.<sup>۲</sup>

---

۱. وی سیدی محترم بوده و در اوایل جوانی از همدان به ایواوغلى آمد و در تأسیس و رونق بخشیدن به دستجات عزاداری حسینی نقش به سزاوی داشت. او در اواخر عمر مقیم مشهد رضوی گردید و در آن شهر از دنیا رفت.

۲. به نقل از حاج شیخ محمود اصغر نژاد.

## ◆ مقبره آقا میر اسدالله

---

از مزارات دیگری که در نه کیلومتری جنوب شهرستان خوی قرار دارد، مزار مرحوم حضرت آقا میر اسدالله در روستای قوروق است. ایشان از سادات مشهور «اوجاق اولادی» بود و نسب شریفش از طریق امامزاده سید تاج الدین (مدفون در روستای سید تاج الدین) به امام موسی بن جعفر -علیهم السلام - می‌رسد.

حضرت آقا میر اسدالله در بین سال‌های ۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ ش به دعوت مرحوم حاج محمد درستی که از افراد متدين و متمكن روستای قوروق بود، از روستای سید تاج الدین به روستای قوروق مهاجرت نمود و پس از اندکی اقامت و هدایت مردم به تقاضای برادرانش به روستای سید تاج الدین مراجعت کرد. اما مرحوم حاج محمد درستی برای بار دوم از ایشان خواست در روستای قوروق سکنی نماید لذا آن سید بزرگوار به اتفاق همسر و طفل شیرخوارش راهی روستای یادشده گردید و برای همیشه در آنجا اقامت نمود.

حضرت آقا میر اسدالله از اوتاد روزگار و مروجین شریعت نبوی و مورد احترام و محبت مردم بوده است.

ایشان در حدود سال ۱۳۰۰ ش برابر با ۱۳۴۰ ق زندگانی را بدرود حیات گفت و پیکر پاکش در قبرستان عمومی روستای قوروق در دل خاک نهان گردید.

بنای مقبره پس از وفاتش به همت فرزندش مرحوم آقا میر عبدالرحمن که خود از اختیار روزگار و از مردان متقدی بود، در سال ۱۳۵۰ ش احداث گردید و هم اکنون مورد استفاده عموم قرار می‌گیرد.

مقبره حضرت آقا میر اسدالله همواره در طول سال مورد توجه مردم خوب این روستا بوده و در ایام عزاداری حضرت سید الشهداء -علیه السلام- هیأت‌های عزاداری در جوار مرقد ایشان به عزاداری می‌پردازند.

از آن سید بزرگوار ۳ پسر و یک دختر به یادگار مانده که اسامی آنها بدین قرار است:

۱. آقا میر محمد (درگذشته ۱۳۶۸ ش)،
۲. آقا میر عبدالله (درگذشته ۱۳۳۸ ش)،
۳. آقا میر عبدالرحمن (درگذشته ۱۳۶۷ ش)،
۴. بانو سیده معصومه.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از سید معصوم سیدی، نواده معظم له.



## مکبره آقا میر اسماعیل حسینی

رضوان جایگاه مرحوم کربلایی میر اسماعیل حسینی فرزند سید علی فرزند سید محمد از سادات محترم و اصیل روستای زاویه سکمن آباد<sup>۱</sup> بود. متأسفانه نسب نامه خانوادگی آنها هنگام شورش اشرار منطقه غارت شده و از بین رفته است.

کربلایی اسماعیل مانند دیگر مردمان روستا به شغل کشاورزی و دامداری اشتغال داشته و زندگی ساده، بی‌آلایش و توأم با تقوا و خداترسی و دوری از گناه او را مورد توجه اهالی روستا و منطقه قرار داده بود به گونه‌ای که او را شریک شادی‌ها و غم‌های خویش می‌دانستند و در موقع درماندگی به منزلش پناه می‌بردند. ایشان پس از ۷۰ سال زندگی با برکت در سال ۱۳۳۳ ش مصادف با ۱۳۷۴ق دارفانی را وداع گفت و در محل فعلی مقبره به خاک سپرده شد.

پس از وی چهار نفر دیگر از خویشان و نزدیکان ایشان در این مقبره دفن شده‌اند که

۱. روستای زاویه سکمن آباد از بخش صفائیه در ۴۸ کیلومتری شهرستان خوی قرار دارد. این روستا ۲۵۰ خانوار دارد که مردمانی خونگرم و زحمتکش هستند و بیشتر به شغل کشاورزی و دامداری اشتغال دارند.

اسامی آنها به ترتیب تاریخ وفات چنین است:

۱. سید جمال حسینی فرزند سید علی (۱۲۹۹/۶/۲۹ - ۱۳۶۱/۹/۱۰ ش)،
۲. سید جلال حسینی فرزند کربلایی سید اسماعیل (۱۳۰۴ - ۱۳۸۲/۹/۸ ش)،
۳. سید علی حسینی فرزند کربلایی سید اسماعیل (۱۳۴۸ - ۱۳۸۱/۶/۲۳ ش)،
۴. سید علی اصغر فرزند سید جمال (۱۳۴۲ - ۱۳۷۵/۳/۵ ش).

بنای اولیه مقبره در ساختمانی به مساحت ۱۶۰ متر مربع و مساحت زمین آن ۲۰۰۰ متر مربع بوده و احداث آن مربوط به سال ۱۳۴۱ ش می‌باشد.

همانطور که مرحوم سید در زمان حیات ملجا و پناهگاه مردم بود، پس از وفات نیز مزارش محل تجمع ارادتمندان و برآورده شدن حاجات مردم می‌باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از سید علی افسر حسینی، نواده معظم له.



## مُقْبَرَةُ آقا مير عبدالعلی حسیني کوه کمری

آرامگاه منور فقیه اهل بیت، حضرت آیت الله آقا میر عبدالعلی حسینی کوه کمری در کوچه مقبره و در داخل بن بست گل کار قرار دارد. شجره نامه ایشان از طریق سید محمد مصری به امام زین العابدین - علیه السلام - متنه شده و در سید معصوم با آقا میر یعقوب مقبره و آقا میر فتاح اشتراک نسب پیدا می‌کند، متن شجره نامه وی چنین است:

میر عبدالعلی فرزند سید رفیع فرزند سید محمد علی فرزند سید ولی فرزند سید عباس فرزند سید تراب فرزند سید نظام الدین فرزند سید معصوم فرزند سید علی فرزند سید حسن<sup>۱</sup> فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید عقيل فرزند سید احمد فرزند سید حسن شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقيل فرزند سید حسن فرزند سید حسن<sup>۲</sup>

۱. به تصویب آیت الله سید محمد حجت کوه کمری و آیت الله سید عبداللطیف قرشی کوه کمری، سید حسن مشهور به «سید حسن بابا» جد سادات کوه کمر، با سید هاشم مدفون در شهر توریستی زنوز جد سادات زنوز، برادر هستند.

۲. نسب نامه سادات کوه کمره، استخراج آیت الله سید ابراهیم علوی.

وی پس از تحصیل علوم متداول حوزه در شهرستان خوی، جهت تکمیل آموخته‌های خود راهی حوزه هزار ساله نجف اشرف گردید و در پیش فرزانگانی همچون؛ آیت الله سید حسین کوه‌کمری و آیت الله شیخ لطف‌الله مازندرانی به تحصیل کمالات پرداخت و سپس با کوله‌باری از علم و تقوا و معنویت به خوی بازگشت و به هدایت خلق پرداخت و از فرط قدسیش کراماتی در حال حیات و ممات از ایشان دیده شده است.

او عالمی عامل، فقهی وارسته، مجتهدی محتاط و بیزار از دنیا و مافیها بود و زندگی را به انزوا می‌گذرانید. آیت الله سید ابراهیم علوی در خصوص مقام زهد وی می‌نویسد: او از علمای بسیار متقد و زاهد در خوی بوده است.<sup>۱</sup>

تنها اثر علمی ایشان به نام مفتاح الرياض فی شرح الرياض در حدود سال ۱۳۱۰ق نوشته شده و استادش آیت الله شیخ لطف‌الله مازندرانی در ضمن نگارش تقریظ مقام اجتهاد وی را تأیید نموده است. متن تقریظ چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلی الله علی محمد و آلہ الطاھرین، مولای السید مصنف هذا الكتاب ادام الله ظلاله و ایام افاداته بالرياضات النفاسانية فی التنجف الاشرف على مشرف آلاف التحف قد جد و اجتهد فاستفاد ففاذ فغار بما هو غایة المراد من فهم عبارات الاصحاب و القوة القدسية و ملکة الاجتهاد و كفى بذلك شاهدان كتابه هذا و لسان الاحقر.

الجانی لطف الله المازندرانی  
با مهر مریعی با سجع  
«الراجی الى الله لطف الله»

مرحوم حاج شیخ حسن بصیری نقل کرده است:  
در یک روز عید اهل شهر برای زیارت مرحوم آیت الله حضرت آقا میر عبدالعلی حسینی کوه‌کمری می‌آیند.

۱. نسب نامه مدادات کوه‌کمره، استخراج آیت الله سید ابراهیم علوی.

همسرش می‌گوید: برای روشن کردن سماور زغال نداریم، باید زغال تهیه کنیم.  
آقا می‌فرماید: خرید زغال لازم نیست، زغال می‌رسد. در این حال مردی با مقداری  
زغال وارد شده، می‌گوید: آقا! در راه آمدن به اینجا دیدم این زغال‌ها خوب است،  
خوش آمد و مقداری خریداری نمودم تا شما نیز مصرف نمایید.<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ علی اصغر واعظ شهانقی از وزاعظ مشهور شهرستان خوی که همدرس و  
با جناق آیت الله آقا میر عبدالعلی حسینی کوه کمری بود، نقل می‌کرد:  
روزی به منزل آقا میر عبدالعلی وارد شدم و دیدم آن بزرگوار گریه می‌کند. دلیل گریه‌اش  
را پرسیدم.

در جواب فرمود: ما که طاقت این گرمای عادی را نداریم، چگونه گرمای آتش جهنم را  
تحمّل خواهیم کرد.<sup>۲</sup>

#### باز ازوی نقل شده است:

روزی به محضر مرحوم حضرت آقا میر عبدالعلی شرفیاب شدم و دیدم آقا بدون عمامه  
نماز می‌خواند. سبیش را پرسیدم.

فرمود: نماز با عمامه ثواب بسیاری دارد، ولی حضور قلب از آن مهمتر است، چون به  
سبب گرمی هوا ناراحت می‌شوم و حضور قلب را از دست می‌دهم، بدون عمامه نماز  
می‌خوانم.<sup>۳</sup>

عالیم ریانی، حاج شیخ حسن بصیری هم در مورد این مرد الهی چنین سروده است:	یکی دیگر زارکان گر بدانی
که گمنام گشته اندر دارفانی	ز او تاد و ز اقطابش توان گفت
که اندر گوشة خلوت همی خفت	چو گنجی بیکران آن گوهر پاک
نشسته بی خبر اندر دل خاک	فقیه است و نبیه است و نجیب است
عزیز است و خطیب است و ادیب است	منزه هم مقدس بندهای بود
که هرگز میل بر دنیا نفرمود	چه قائد بود و زاہد بود و ساجد
چه راکع بود و قائم بود و قاعد	

۱. کرامات و حکایات پندآموز، ص ۱۵۷. ۲. همان.

۳. همان.

بستقوی و ورع فرزانه بودی  
 به ایمانی قوی عمری سراسر  
 نشست اندر رضای حق بسنگر  
 حریم دین و مذهب رانگه داشت  
 میر عبدالعلی آن نیک کردار  
 خدایا حرمت ایشان بیفزا  
 مسمنی بوده چون دری گرانبار  
 «بصیری» همچو مردان کامگارند<sup>۱</sup>  
 به طاعت پیش حق مردانه بودی  
 به هر جا بذر ایمان را همی کاشت  
 بما توفیق حق شامل بفرما  
 ز اهل حق و باطل یادگارند<sup>۲</sup>

حضرت آقا میر عبدالعلی در محرم الحرام سال ۱۳۳۶ق برابر با آبان ماه ۱۲۹۶ش در خوی وفات نمود و در منزل مسکونی خویش به حاک سپرده شد. رو نوشته مزار شریف ایشان که توسط آیت الله حاج سید جعفر مرقاتی خویی به نگارش در آمده، چنین است:

### العلماء باقون ما بقى الدهر

هنا مثوى العالم الريانى وال Zahad الصمدانى الورع التقى وال عابد الصفى السيد عبدالعلى الحسيني الكوه كمرى المشهور بوجور الكرامات طيلة حياته وبعد الممات أنوار الله رفعة الدرجات واسكنه بجنته الجنات عكف برها من عمره على قبر جده امير المؤمنين صلوات الله عليه وبلغ مراتب سامية في مختلف العلوم وقد ثبى دعوة ربه الغنى في شهر محرم الحرام من شهور سنة ستة وثلاثين وثلاثمائة وألف ق.ق.

بعد از وفات حضرت آقا میر عبدالعلی مضجع شریف وی مورد توجه و استقبال عموم قرارگرفت وهم اکنون یکی از مراکز تجمع عاشقان اهل بیت -علیهم السلام- می باشد. بنای مقبره یاد شده در سال های گذشته به کوشش عالم ریانی، حاج شیخ جابر فاضلی مورد مرمت و تعمیر قرار گرفت و سپس در سال ۱۳۷۷ش به همت سید عبدالعلی، سید محمد، سید حسین و سیده دولت تهامی، فرزندان آیت الله حاج میر شفیع تهامی و اعضای هیأت امناء که متشكل از؛ حاج شیخ جلیل هنرور،<sup>۳</sup> بیوک آقا ایزد دوست، عزت

۱. شعر و مناجات، ص ۲۲.

۲. ایشان، قبل از بازاری مقبره وفات نمود و پس از او پرسش حاج شیخ جمیل هنرور سپرستی هیأت امناء را بر عهده گرفت.

صلاح‌لو و مجید مهدی‌بیزاده (نوه مرحوم حاج میر شفیع آقا) بود، در زمینی به طول ۱۴/۵ و عرض هشت متر مربع در سه بخش زیرزمین، طبقه همکف (حسینیه) و طبقه فوقانی احداث و مورد استفاده قرار گرفت.

هم اکنون مقبره آیت‌الله آقا میر عبدالعلی همواره شاهد تشکیل جلسات مذهبی، تعلیم و قرائت قرآن، آموزش احکام دینی، وعظ، ذکر فضائل و مناقب اهل بیت -علیهم السلام - می‌باشد.





## مُقْبَرَةُ آقا مِير فَتَّاح

آستان منور حضرت آیت‌الحق ، آقا میر فتّاح که در محاوره مردم «مامشخان اوچاقی» اطلاق می‌شود در دامنه کوه‌های روستای مشخان<sup>۱</sup> قرار دارد. نسب شریف ایشان با واسطه به امام زین‌العابدین -علیه السلام - می‌رسد. شجره‌نامه ایشان بدین قرار است:

۲۲ آقا میر فتّاح فرزند سید مرتضی بن سید کبیر فرزند سید محسن فرزند سید حسن فرزند سید مختار فرزند سید حسین فرزند سید معصوم فرزند سید علی فرزند سید حسن<sup>۲</sup> فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب بـ«الحجازی» فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند

۱. روستای مشخان جزء دهستان سکمن آباد بوده و در ۳۸ کیلومتری شمال غربی خوی قرار دارد. این روستا آب و هوای معتدل و خشک دارد و دارای طول جغرافیایی ۳۶° و عرض جغرافیایی ۴۴° می‌باشد. مشخان، از سمت شرقی با کوه‌های پیر عنبر و سمت جنوبی با کوه قیزیل زیارت به حصار در آمده است.

۲. سید حسن مشهور به «سید حسن بابا»، وی جد سادات کوه کمر بوده و در قرن نهم هجری قمری دارفانی را وداع گفته و در روستای کوه کمر به خاک سپرده شده است. آرامگاه او در کوه کمر زیارتگاه عام و خاص است.

سید حسین فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب  
-علیه السلام -.

پدرش، آقا سید مرتضی فردی مؤمن و متدين بود، و به اتفاق برادرش آقا سید رضا از روستای کوه کمر به خوی مهاجرت نموده و در محله آستانه علی سکونت نمودند. برادر دیگر آقا سید مرتضی به نام های حاج میر صالح و میر صادق راهی شهرستان تبریز شدند و نام خانوادگی «دادخواه» را برای خود انتخاب کردند و اکنون بازماندگان این دو برادر در تبریز ساکن هستند.

آقا سید مرتضی در سنین جوانی، با بانوی صالحه و عفیفه ای به نام معصومه خانم ازدواج نمود که حاصل این ازدواج مبارک، ولادت حضرت آقا میر فتاح در سال ۱۲۴۷ق برابر با ۱۲۳۶ش در شهرستان خوی می باشد. وی دوران طفولیت را تحت سرپرستی خانواده اش سپری نمود و دروس او لیه را در یکی از مدارس علوم دینی شهرستان خوی به پایان رساند و آنگاه برای ادامه تحصیل راهی شهرستان تبریز گردید.

ایامی که حضرت آقا میر فتاح در تبریز اشتغال به تحصیل داشت؛ پدر و عمویش آقا سید رضا روستای مشخان را برای اقامت خویش انتخاب کردند و ایشان هم بعد از بازگشت از تبریز به روستای یاد شده رفت و در همانجا با دختر عمویش که بانوی پاکدامن و صالحه بود وصلت کرد که ثمرة این ازدواج فرخنده تولد دو پسر به نام های آقا سید حسین و آقا سید محسن و یک دختر بوده است.

همسر آقا میر فتاح در ۱۳۲۴ق مصادف با ۱۲۸۵ش وفات نمود وی پس از آن، با خانمی صادقه و مؤمنه به نام شیرین بیگم ازدواج کرد که نتیجه این ازدواج ولادت یک پسر به نام آقا سید باقر و سه دختر بوده است.

آقا میر فتاح، سیدی پارسا، عالمی زاهد و فردی ملکوتی بود، هر کس در خدمتش حضور می یافت محو جمال و کمال او می شد. در اثر ابهت و عظمت خاصی که داشت در مجلس او کسی یارای سخن گفتن نداشت؛ مگر اینکه خودش شروع به صحبت نماید. غالباً در نگاه اول به خصوصیات کسی که به خدمتش رسیده بود، پی می برد و از

درون آنها خبر می‌داد.

همیشه مردم را به دستگیری از فقراء و مستمندان دعوت می‌کرد و از جمع نمودن مال و ثروت بر حذر می‌داشت و می‌فرمود: «وای بروزی که دنیا چشم انسان را بگیرد». مردم را به تقوای الهی دعوت می‌کرد و آن را مایه نجات انسان می‌شمرد و می‌فرمود: «قوم، نژاد و مقام در آخرت به درد شما نخواهد خورد».

در تبلیغ احکام الهی سعی وافر داشت و اگر کسی نذری به حضورش می‌آورد از وضع زندگانی ایشان استعلام می‌نمود، اگر توانگر بود قبول می‌کرد و گرنه برای اینکه قلب او نشکنده قبول کرده بعد از چند لحظه می‌فرمود من نیز به تو هدیه می‌دهم. بعد از اقامه نماز جماعت به منبر می‌رفت و مستمعین را موعظه می‌کرد و سپس متولّ به حضرت سید الشہداء - علیه السلام - می‌شد و چنان می‌گریست که هر شنونده را به گریه وا می‌داشت و گاه‌آن چنان به گریه می‌افتداد که از حال می‌رفت و می‌فرمود کسی دیگر ذکر مصیبت کند.

به نمازهای یومیه اهمیت می‌داد و همه مکلفین را به اقامه نماز توصیه می‌کرد و در محل مناسب امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود. حضرت آیت‌الحق، آقا میر فتاح پس از عمری تلاش و ترویج مذهب حقه جعفری روز یکشنبه ۲۱ ربیع‌المرجب ۹۹ سالگی، در روستای مشخان دارفانی را وداع گفت و به اجداد طاهرینش پیوست.

عالی ریانی حاج شیخ حسن بصیری در خصوص ایشان چنین سروده است:

چرا پاکان دنیا را ندانی	بگوش آمد ز غیم یک ندایی
به هر جا یافتنی از جان فدا باش	برو مردان حق را آشنا باش
چو مهر پُر فروغ اندر صباحد	که ایشان مایه خیر و صلاحند
بت نفس و هوس آندم شکست آر	برو دامان ایشان را به دست آر
بین از لطف حق آنجا چه سر داد	گذر کن بر محال سکمن آباد

زاری دامن کوه بلندی  
ملاذ و مرجع هر دردمند است  
عزیز است و شریف است و نجیب است  
به نامش فتح باب خیر بوده است  
روان پاک وی هر لحظه شاد است  
خدایا لطف او شامل بگردان  
« بصیری » بر درش کمتر گدایی  
بنای نخستین آستان مقدس آقا میرفتح مربوط به یک سال بعد از ارتحال ایشان بوده  
که توسط عده‌ای از مؤمنین پاکدل و نظارت پسران ایشان به ویژه پسر ارشدش، حاج  
سید حسین فتاحی بنا گردید و ضریحی با پایه‌های چوبی و میله‌های آهنی مشبکی بالای  
مرقد سید نصب نمودند.

هم اینک، ضریح حضرت آقا میرفتح، در داخل اتاق کوچکی قرار دارد و دارای  
گنبد کوچکی با روکش آلومینیومی است که در سال ۱۳۴۷ ق بر فراز مرقدش قرار گرفته  
است.

در ضلع شرقی ضریح، رواق کوچکی است که مدفن پسران حضرت آقا میرفتح به  
نام‌های؛ آقا سید حسین فتاحی (در گذشته ۱۳۳۷ ش)، آقا میر باقر فتاحی  
(۱۳۴۲-۱۲۹۳ ش) و آقا میر محسن فتاحی (۱۳۴۵-۱۲۷۸ ش) در آن قرار دارد. در  
جانب شرقی ضریح، حفره‌ای به عمق نیم متر وجود دارد که پر از تربت مزار سید  
می‌باشد که جهت استشفای بیماران از آن استفاده می‌شود.

در ضلع جنوبی ضریح، پنجره کوچکی است که به صحن باز می‌شود و در ضلع  
شمالی ضریح، رواق و حسینیه بزرگی قرار دارد که در ایام سوگواری ائمه اطهار  
-علیهم السلام - پُر از زائرانی است که از مناطق دور و نزدیک به بارگاه قدسی، حضرت آقا  
میرفتح - قدس الله نفسه الزکية - مشرف می‌شوند.

در ضلع غربی ضریح، سنگ مزار آقا میر فتاح قرار دارد که بر دیوار نصب شده و با کمال تأسف بیشتر نوشتگات آن از بین رفته و به سختی خوانده می‌شود. رونوشت آن بدین قرار است:

### هو الحى الذى لا يموت

هذا المرقد المنور للسيد الجليل و العالم النبيل المرحوم المبرور آقا مير فتاح بن مير مرتضى بن سيد كبير بن سيد محسن بن سيد حسن بن سيد مختار بن سيد حسين بن سيد معصوم بن سيد على بن سيد حسن بن سيد على بن سيد فخر الدين بن سيد شرف الدين بن سيد شمس الدين بن سيد محمد الحسيني الملقب «الحجازي» بن سيد شجاع الدين بن سعيد سليمان بن سيد عقيل بن سيد احمد بن سيد حسين بن سيد حسن بن سيد جعفر بن سيد على بن سيد على اصغر بن سجاد بن حسين بن على بن ابيطالب سلام الله عليهم اجمعين وكان وفاته في يوم الاحد عشرين من شهر رجب المرجب سنة ست وأربعين وثلاثمائة بعد الالف من هجرة النبي عليه وآلاف التحية من الله الوافي.

آستان مقدس حضرت آقا میر فتاح، دارای امکانات رفاهی اعم از آب، برق، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و منزلهایی جهت استراحت و اقامت زائران بوده و صحنش فضای نسبتاً بزرگی است که دارای سه در ورودی آهنی در ضلعهای جنوبی، شمالی و شرقی است.

هم اکنون تولیت آستان مقدس بانوادگان آن مرحوم بوده و توسط آنها اداره می‌شود. بارگاه حضرت آقا میر فتاح در بین مردم اعم از شیعه و سنتی از احترام خاصی برخوردار بوده و در گرفتاری‌ها به این آستان مقدس پناهندگی می‌شوند. کراماتی که از این آقا در زمان حیات و ممات به ظهور رسیده فراوانتر از آن است که به شمارش در آید. حجت الاسلام و المسلمين سید محمد مصری به منظور گرامیداشت مقام اخلاقی و معنوی حضرت آقا میر فتاح کتابی با عنوان کرامات مرحوم آقا میر فتاح نوشته و منتشر نموده است. نمونه‌ای از کرامات ایشان چنین است: مرحوم حاج سید محمد مصری از قول عالم ربانی، آیت الله حاج سید محمد حسین شجاع الدینی خوبی نقل می‌کند: آن موقع که ۱۰ یا ۱۲ سال داشتم و سید بزرگوار در حال حیات بود به روستای مشخان

رفنم. در مجلسی که چند نفر از اهل روستا نیز حضور داشتند، گفتند که فصل تابستان و موقع درو گندم هاست ما نیز در مزرعه گندم که متعلق به آقا میر فتاح بود مشغول درو بودیم. خود ایشان نیز حضور داشتند، یک موقع مشاهده کردیم که آقا به کناری رفت و نشست و شروع به گریه نمود و چنان به شدت می‌گریست که همه ما را منقلب نمود. بالاخره پیش ایشان رفته علت گریه شان را سؤال کردیم ایشان فرمودند: الآن عدّه‌ای مشغول تخریب بارگاه و ضریح مقدس ائمّه ما در قبرستان بقیع هستند<sup>۱</sup>، همه ما متّحیر ماندیم. پس از مذّتی خبر رسید که وهابیها در همان روز اقدام به تخریب نموده‌اند.<sup>۲</sup>

---

۱. سال تخریب قبور ائمّه بقیع ۱۳۴۲ق و یا در ۸ شوال ۱۳۴۴ق است.

۲. کرامات مرحوم آقامیر فتاح، ص ۱۲۶.

## ◆ مقبره آقا میر هادی

آستان بابرکت امامزاده حضرت آقا میر هادی - قدس الله نفسه الرکبة - فرزند میر کوثر<sup>۱</sup> از نوادگان حضرت سید الساجدين - عليه السلام - در ۵۰ متری شمال شرقی آستان مبارک امامزاده حضرت سید بهلول قرار دارد. آستان مبارک آقا میر هادی در بین اهالی شهرستان خوی از عظمت و معنویت خاصی برخوردار بوده و هر روز شاهد حضور گروهی از زائران مسلمان می باشد.

مع الاسف حالات شخصی و زیست نامه دقیق ایشان در جایی درج نشده و در کتابهای رجالی و تاریخی مطلب خاصی در این مورد ذکر نگردیده، فقط مطالبی در خصوص شخصیت و بعد زندگی اجتماعی و معنوی وی سینه به سینه نقل شده که حاکی از عظمت روحی، نفس قدسی و زندگانی طیب و طاهر او است.

حضرت آقا میر هادی در زمان حیات خویش ملجاء و پناهگاه مردمان و در پیشامد حوادث روزگار و گرفتاری‌ها یار و مدد کار آنها بوده و پس از وفات نیز مرقد شریف این

۱. بر بالای درب و روی آستان معظم له، عبارت «میر هادی سید کوثری» نقش بسته که اشتباه است، شایسته است هیأت امنای محترم در تصحیح آن اقدام فرمایند.

فرزنده زهرا ای اطهر پناهگاه دردمدان و حاجتمندان گردید.

معروف و مشهور است اگر کسی به حضرت آقا میر هادی نذری می‌نمود و یادش می‌رفت که نذر را پرداخت نماید و یا قصد پرداخت نداشت، خود نذرش را مطالبه می‌کرد و آن را در جاهای مخصوصی که خودش تشخیص می‌داد صرف می‌نمود. جریان زیر نمونه‌ای از آنهاست:

آیت الله شیخ قاسم مهاجر خوبی برادرزاده‌ای داشت که بایک نفر دیگر، برای کار به طور قلچاق و غیر قانونی به روسیه رفته بود. بعد از مدتی کار مقداری وسایل و طلا به دست می‌آورد و عازم خوی می‌شود. چون اسب رفیقش قوی بود طلاها و اثاث‌ها را در پشت آن، جای می‌دهند. وقتی برای عبور از رود ارس وارد آب می‌شوند، رفیقش عبور می‌کند ولی چون اسب او ناتوان بود، آب آنها را با خود می‌برد. در همین حال فریاد کرده و می‌گوید: وسایل مرا به پدرم تحويل بده.

وقتی رفیقش از نجات او مأیوس می‌شود، راه خوی را پیش می‌گیرد. وقتی به خوی می‌رسد، وسایل او را تحويل داده و ماجرا را بر ایشان تعریف می‌کند و خانواده‌اش مراسم ختم او را آغاز می‌کنند.

جوان در میان رود ارس متوجه کربلا می‌شود، به حضرت ابا عبد الله الحسین -علیه السلام- توسل کرده و عرض می‌کند: قربانت گردم آقا میر هادی را برای نجات من امر بفرما من هم دو رأس گوسفندی که دارم هر کدام را که پسند ایشان باشد به او تقدیم می‌نمایم. در این حال می‌بیند آقا میر هادی ظاهر شد و بعد از نجات دادنش با او احوالپرسی کرده و غایب می‌شود.

آن شخص نجات یافته راهی خوی می‌شود. در میان راه بایکی از همسایگان خود مصادف می‌شود که به او می‌گوید: امروز روز سوم عزاداری تو است. همسایه با عجله گشته و وارد مجلس می‌شود و چای شیرین می‌خواهد. مرحوم آقای شیخ قاسم می‌گوید: چای شیرین مناسب مجلس ترحیم نیست.

در جواب می‌گوید: من مژده‌ای آورده‌ام و ماجرا را نقل می‌کند. چند نفر اسب سوار به استقبالش رفته و وارد خانه‌اش می‌نمایند. در این وقت مرحوم آقا میر هادی رسیده و نذر خود را طلب می‌نماید.

جوان می‌گوید: هر کدام را بپسندید از آن شما است. آقا بایکی را انتخاب کرده و

می‌گوید : من این گوسفند را می‌فروشم . قصابی می‌گوید : من به پانزده دو هزاری - یعنی سه تومان - خریدارم . پس رو به جوان همراه قصاب کرده<sup>۱</sup> می‌فرماید : تو چند می‌خری ؟

جواب می‌دهد : من هشت دو هزاری - یعنی شانزده ریال امروز - دارم . آقا می‌فرماید : گوسفند را به تو می‌فروشم . پس هشت دو هزاری را گرفته یکی را برای خودش و یک دو هزار برای خرید نان به سگ‌های اطراف محله امامزاده و شش عدد دو هزاری را برای تقسیم در بین فقرای محل<sup>۲</sup> بر می‌دارد .<sup>۱</sup>

معظم له در تاریخ ۳ شعبان المظعم ۱۳۴۴ق برابر با ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ش وفات نمود و در جوار امامزاده سید بهلول به خاک سپرده شد .

بنای اولیه آستان مقدس حضرت آقا میر هادی ، مربوط به سال‌های پس از وفات ایشان بوده که توسط عده‌ای از علاقه‌مندان معظم له ، بر فراز آرامگاه وی ساخته شد ؛ این بنا مشکل از یک اتاق کوچک به اندازه  $2 \times 4/5$  متر مربع بوده است .

پس از انقلاب اسلامی هیأت امنی آستان مقدس حضرت آقا میر هادی<sup>۲</sup> را عهده‌دار گردیده و توسعه آن آستان مبارکه را از سال ۱۳۷۲ش آغاز نمود که تا سال ۱۳۷۸ش ادامه یافت . اهم تلاش‌های آنها در جهت توسعه حرم آقا میر هادی چنین است :

۱. توسعه اطراف ضریح از  $4/5 \times 2$  متر مربع به  $3 \times 7$  متر مربع .
۲. ساخت ضریح با نقره و آب طلای خالص به اندازه  $1/5 \times 2$  متر مربع در سال ۱۳۷۳ش .

۳. ساخت دو گلدسته به ارتفاع هر کدام ۱۴ متر در سال ۱۳۷۴ش .

۴. ساخت گبد به ارتفاع چهار متر با روکش استیل در سال ۱۳۷۵ش .

۵. خرید یک درب ورودی طلاکاری و میناکاری شده از اصفهان .

۶. احداث حسینیه و سرویس‌های بهداشتی با صرف هزینه ۱۳ میلیون تومان در سال ۱۳۷۸ش .

۱. کرامات و حکایات پندآموز ، ص ۱۳۳ .

۲. اسماعیل هیأت امنی آن چنین است :

۱. حاج ولی زغال فروش ، ۲. حاج حیدر قنبرلو ، ۳. حاج ابراهیم شادرخ ، ۴. کربلاجی مهدی مرتضایی .

مزار منور حضرت آقا میر هادی در وسط مقبره قرار دارد. بالای مزار شریف ضریح نقره‌ای قرار گرفته، که توسعه هنرمندان ایرانی در اصفهان ساخته شده است. رونوشت سنگ مزار حضرت آقا میر هادی که در داخل ضریح قرار گرفته، چنین است:

هذا

المرقد الشريف ، المرحوم المبرور ، صاحب الكرامات العالية ، آقا مير هادى ابن آقا مير  
كوثر - طاب ثراهما - ۳ شعبان سنه ۱۳۰۵ .<sup>۱</sup>

سمت شرقی ضریح، درب ورودی، دو پنجره کوچک و دو گلدهسته و در قسمت شمالی آن چهار پنجره به بیرون تعییه شده است.

سمت جنوبی آن، ساختمان دو طبقه‌ای متعلق به آستان مقدس امامزاده سید بهلول در ۸۰۰ متر مریع احداث شده است.

دیوارها و سقف آستان آقا میر هادی با مهارت خاصی با کاشی‌های منقش و گل‌های اسلیمی مزین شده است.

پس از به خاک سپاری حضرت آقا میر هادی در محل کنونی، هشت نفر از نزدیکان و نوادگان ایشان در جوار مرقد باصفای ایشان در دل خاک آرمیده‌اند که اسامی آنها بدین ترتیب است:

۱. مزار بانو مشهدی زهراء، همسر اول حضرت آقا میر هادی.
۲. مزار بانو کبری، همسر دوم حضرت آقا میر هادی.
۳. مزار بانو سیده علویه، دختر حضرت آقا میر هادی (از همسر اول) و سه فرزند علویه خانم به نام‌های مصور خانم، حبیب چرخگر و حسن چرخگر.
۴. مزار حاجیه سیده لطیفه، دختر حضرت آقا میر هادی (از همسر دوم).
۵. مزار اکبر مصور زاده، نتیجه حضرت آقا میر هادی.<sup>۲</sup>

۱. به نظر می‌رسد تاریخ وفات حضرت آقا میر هادی ۳ شعبان‌المعظم ۱۳۴۴ ق برابر با ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ ش صحیح باشد. چون هنوز از افراد سالخورده کسانی هستند که اوآخر حیات وی را در کردۀ‌اند که با محاسبه تاریخ حک شده بر روی مزار، این امر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۲. به نقل از حاج ولی زغال فروش و حاج حیدر قنبرلو.

## مُقْبَرَة آقا مير يعقوب مقبره

آستان قدسی فقیه ریانی، حضرت آیت الحق، آقا میر یعقوب مقبره<sup>۱</sup> در خیابان آیت الله طالقانی و در نبش کوچه‌ای که به نام نامی ایشان معروف است، قرار دارد. آقا میر یعقوب از سادات معروف ایض بوده و با پائزده پشت از طریق سید محمد مصری به حضرت سید الساجدین، امام زین العابدین - علیه السلام - می‌رسد. متن نیانامه شریف وی چنین است:

آقا میر یعقوب<sup>۲</sup> فرزند سید محسن فرزند سید حسن فرزند سید مختار فرزند سید حسین فرزند سید معصوم فرزند سید علی فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب بالحجازی فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند

۱. آقا میر یعقوب در بین اهالی خوی با عنوان «مقبره» شناخته می‌شد، ولی نوادگان ایشان با فامیل‌های همچون؛ آل یعقوب، آیت‌الله‌ی، حسینی خویی، شامخ، شجاع‌الدینی، صادقی، علوی، فریور، کوه‌کمری، مرجعی و مقبره مشهورند.
۲. آقا میر یعقوب با آقا سید کبیر (جد آقا میر فتاح، صاحب بارگاه معروف در روستای ممشخان) برادر بوده و در سید محسن اشتراک نسب دارند.

سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب - علیه السلام - .

در حدود سال ۱۱۷۶ق برابر با ۱۱۴۱ش در روستای «کوه کمر» از توابع شهرستان مرند چشم به جهان گشود و در حالی که هنوز چند بهار از عمرش نگذشته بود، در معیت خانواده‌اش راهی دارالصفای خوی گردید و در آن شهر نشو و نما یافت. تحصیلات علوم اسلامی را در حوزه علمیه خوی فراگرفت و آنگاه برای تکمیل معارف الهی رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و از بدرو ورود به آن دیار، در درس آیت الله سید مهدی بحرالعلوم حاضر و از دانش بیکران آن مرد الهی بهرها برد.

معروف است که قوه حافظه وی ابتداء ضعیف بود، و هر چه از استادش می‌شنید نمی‌توانست ضبط کند، یک شب در وقت مطالعه از فراموش کاریش ناراحت شده و به همان حال ناراحتی می‌خوابد. در عالم رویا خدمت جدش امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب - علیه السلام - می‌رسد و از کمی حافظه شکایت می‌کند، آقا می‌فرماید:

ولَدِيْ قُلْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ؛ پُسْرِمْ بَغْوٰ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ. سَيِّدُ بَعْدِ ازْ كَفْتَنِ بِسْمِ اللّٰهِ بِيَدَارِ شَدَهْ مَتَوْجَهٍ مِّيْ شَوْدَهْ كَشْرَحْ صَدَرِ بَرَايِ اوْ حَاصِلْ كَشْتَهْ. فَرَدَايِشْ درْ جَلْسَهْ دَرَسْ بَرْ خَلَافْ سَايِرْ رَوْزَهَا بَهْ اسْتَادِشْ بَحْرِ الْعِلُومِ اِيرَادْ مِيْ كَيِّرَدْ، اسْتَادِ جَوَابْ مِيْ دَهَدْ، سَيِّدُ قَانِعْ نَمِيْ شَوَدْ، تَا اِينَكَهْ اِيرَادْ وْ جَوَابْ رَدْ وْ بَدَلْ مِيْ شَوَدْ. سَرَانِجَامْ اسْتَادِشْ مِيْ فَرمَايِدْ: سَيِّد سَاكِتْ شَوْ! آقَايِيْ كَهْ بَهْ تو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ رَايَادِ دَادَهْ بَهْ مَنْ تَمَامْ فَاتَحَهْ رَايَادِ دَادَهْ اسْتَ. ۱ ، ۲

۱. اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران، در مورد عنایت علوی به آقا میر یعقوب می‌نویسد: آقا میر یعقوب از آغاز جوانی به درک و دریافت الطاف و امداد غیبی نائل می‌شده است. هنگام اقامتش در نجف شاگرد بسیار تبلی بود. شیی از شبهای [حضرت] علی، در خواب به او ظاهر می‌شود و کلمه «بسم الله» یعنی اولین کلید رمز قرآن را شخصاً به او یاد می‌دهد. یک چنین طلبه‌ای که مورد عنایت و توجه استاد اسنادان دهر قرار گرفته است، طبعاً هم در این دنیا و هم در دنیای دیگر، بدون تردید همیشه موقع خواهد بود. (ایران امروز، صص ۸۵-۸۶).

۲. سیمای خوی، ص ۱۶۲-۱۶۳.

وی، علی‌رغم میل باطنی، به دستور استادش راهی شهرستان خوی گردید و به امور مذهبی، تدریس و تألیف مشغول شد. از آثار وی الفیه در کلام و فلسفه<sup>۱</sup> و دوازده امام منظوم را می‌توان نام برد.<sup>۲</sup>

سید، مردی زاهد، و زحمتکش بود. امین الشرع می‌نویسد:

آن محروم در وضع و ملبوس و مرکوب خیلی سایی تکلفی زیست می‌کرده است. از شخص موافق شنیدم می‌گفت: دره‌ای است که فعلًاً به «درهٔ میریعقوب» معروف است. در آن دره که متصل به شهر است هر روز خود سید بـر الاغـی سوار شده و بـیـل در دست گرفته و شلوار پشمی که «شال خلجان» می‌نامند و معمول اهل کوه کمر و زنوز است و بـسـیـار درـشت و زـبر است، در پـای دـاشـته و مـیـرـفـته است و تـا غـرـوب در آـن محلـ مشـغـول درـخت کـاشـن و بـیـل کـارـی مـیـشـد و با هـمـین وـضـع در غـرـوب آـفـتاب به مـنـزل خـود مـراجـعت مـیـکـرـده است.<sup>۳</sup>

سادگی در رفتار و خلوص در اعمال، سید را مورد علاقه همگان قرار داده بود، وی در حالی که یکی از اعیان شهر بود مانند فقیران زندگی بـیـتـکـلـف دـاشـت و در حـمـایـت اـز مـظـلـومـین شـجـاع و نـترـس بـود. مـیرـزا عـبدـالـرـسـوـل فـنا در ضـمـن یـک غـزل مـفـصـل کـه تـارـیـخ مـعاـصـرـیـش بـیـان مـیـکـنـد، در مـورـد آـقا مـیرـیـعقوـب مـیـگـوـید:

غـصـة غـيـرـت دـيـنـدن آـقا مـيرـيـعقوـبـ	ساـكـن غـمـكـدـهـ كـلـبـةـ اـحـزانـ گـورـدـومـ
يرـ چـوـخـينـ کـامـنـهـ چـكـدـيـ کـه اوـنـاـ خـصـمـدـيلـ	اوـنـىـ مـوـسانـونـ عـصـاسـىـ کـيمـىـ ثـعبـانـ گـورـدـومـ <sup>۴</sup>
آـقا مـيرـيـعقوـب بـعـد اـز اـيـنـكـه بـه خـوـیـ مـراجـعـت نـمـودـ، نـزـديـکـ بـه ۴۰ سـالـ مـتـصـدـی اـمـرـ	
قضـاـوتـ بـودـ و درـايـنـ مـدتـ اـمـرـ خـلـافـیـ اـز اوـ صـادـرـ نـگـرـدـیدـ. نـوـءـ فـاضـلـشـ، آـيـتـ اللهـ سـيدـ	

ابراهیم علوفی در این خصوص می‌نویسد:

باری آن مغفور به امر آیت الله علامه بحرالعلوم، چون رفیق طریقش حجت الاسلام سید محمد باقر [شفتی]<sup>۵</sup> که به اصفهان مأمور برای مافسد عن الائمه از ناحیه استادش

۱. این کتاب در کتابخانه آیت الله علوفی نگهداری می‌شود، اما کتاب دوّمی مفقود شده است.

۲. سیمای خوی، ص ۱۶۳.

۳. میراث اسلامی ایران (نذکرة المعاصرین)، ج ۸، ص ۳۸۸.

۴. همان، ص ۳۹۰.

گردید، به خوی اعزام شد و در حینی که در خوی بود، فقط تدریس می‌کرد و مِن باب تیمن‌گاهی عقدی می‌خواند و تصریح کرده بوده است که بر سایر شئون مداخله نخواهم کرد. بعد از مدتی ملاحظه می‌شود که به قضایت هم مداخله می‌نماید. جای گفتگو در میان علماء قرار می‌گیرد. ثقة‌الاسلام آقای حاج شیخ عبدالوهاب خلف حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد جعفر نمازی از جد خود نقل کردن که مشغول تدریس طلاب در خانه بودم. سید با عصا پنجره اتاق را دق دق زد، تعارف کردم گفتند: مراحمتی ندارم آنچه گفته بودم بر سر آن هستم گمان می‌کردم عالم کافی برای قضایت در میان مردم هست، دیدم نیست ناچار گردیدم بر مداخله در آن، به رفاقت اعلام بفرما. در آن زمان سه دفعه سید - طاب ثراه - هدف اعراض واقع گردیده و قصد کشتنش نمودند به طور دسته جمعی.

اول: طلاب یکی از مدارس دینیه خوی به دره‌ای که ایشان مشغول کار بودند، هجوم کرده و نفر اولی از چوب آسیاب خود را به طرف سید پرت می‌نماید. پایش لیز خورده نهال قلمه که قلم شده بود به شکمش فرو می‌رود و در دم جان می‌دهد. رفاقت او را به دوش کشیده به شهر باز می‌گردند.

دوم: در «قانلو دالان» توطنه کرده مهمانی می‌نمایند. ضمناً جمعی از متنفذین محلی پس از شام بر می‌خیزند، آن مرحوم نیز بلند می‌شود در ضمن تعارف اظهار می‌دارند ما مختصراً صحبتی داریم. او بیرون می‌آید همین که از در حیاط بیرون می‌شود، ملا رستم نامی که قدَّ بلندی داشته است می‌گوید سید به پشت سوار شو.

می‌گوید: برای چه؟

می‌گوید: سبب را خواهم گفت.

او سوار می‌شود و از قانلو دالان رد می‌شوند بعد می‌گوید: چند نفر لوطی برای قتل شما گذارده بودند بدین وسیله نقش بر آب شد. آقایان پس از فصلی انتظار الواط را خواسته علت عدم انجام وظیفه را از آنان می‌پرسند. آنان اظهار می‌دارند جز ملارستم کسی از دالان رد نشده است.

سوم: محمد پهلوان را می‌فرستند در اتاق درسی او را بکشد. پس از ورود به اتاق با قدره می‌گوید: سید توبه می‌نمایم.

می‌گوید: از چه؟

می‌گوید برای کشتن تو آمده بودم از این صورت پیر، از پیغمبر اسلام خجالت کشیدم و  
۱ ترسیدم.

آقا میر یعقوب در امر قضاوت هیچ کس را بر دیگری ترجیح نمی‌داد مگر اینکه صاحب حقی بوده و این امر نشان از بلند نظریه ایشان در امر قضاوت است.

معروف است یکی از پسر عموهایش از سادات شاهانه (شهانق) از یک نفر ارمنی گاو میشی خریده و خواسته است او را به پای مرافعه کشیده دغلبازی به او کند. ارمنی گفته است به محاکمه فقط پیش سید می‌روم او به ناچار به محاکمه به پیش عموزاده‌اش آمده است سید - طاب ثراه - دریافتنه است که ارمنی ذیحق است حکم بر له مسیحی کرده و به سید تعدی کننده مواخذه نموده است.<sup>۲</sup>

حاج شیخ حسن بصیری در مورد عظمت، بزرگی و برخی خصوصیات اخلاقی

حضرت آقا میر یعقوب چنین سروده است:

قبر شریفش سبب فیض باد	سیدی عالی نسب و پاکزاد
شمع فروزان ره اولیاست	عالی‌ربانی و مرد خداست
ای به جلالش همه دنیا گواه	مرقد او محیط سرّ الله
زانکه تو را هیچ نباشد قرین	وصف تو را کس نتواند یقین
رهبر ارباب حقیقت توبی	صاحب بس کشف و کرامت توبی
اهل خوی آرد همه بر تو پناه	قبر شریف تو بود تکیه گاه
قبر تو و وصف تو از حد برون	ای سبب دفع بلا تاکنون
فخر تو از نسبت مولی علی	نام تو یعقوب ز نسل نبی
وین چه حقیقت به قیام و قعود	این چه فضیلت ز کجا رخ نمود
وارث علم و عمل و اجتهد	صاحب زهد و روع و هم سداد
بنده صالح بُد و هم رستگار	عبد خدا بوده و پرهیزگار
تاج شرف بر سرنیکان توبی	وارث پاکان و بزرگان توبی

۱. میراث اسلامی ایران (تذكرة المعاصرین)، ج ۸، ص ۳۹۱.

۲. تاریخ خوی، ص ۵۶۳.

نور خدا گشته فروزان چو طور  
مرحوم دلهای بصیر آمده  
تاکه عنایت بکنی با منت  
قلب «بصیری» ز جفا خون شده<sup>۱</sup>

صحن و سرایت همه فیض است و نور  
خاک درت مشگ و عبیر آمده  
دست توسل بزمن دامنت  
درد و بلاهم ز حد افزون شده

آقا میر یعقوب پس از عمری بابرت در سال ۱۲۵۴ق مصادف با سال ۱۲۱۷ش در شهرستان خوی جان به جان آفرین تسلیم نمود و دوستداران و علاقمندان خویش را داغدار کرد. بعد از رحلتش جمعی خواستند پیکر پاک وی را به صورت امانت دفن نموده و سپس به عتبات عالیات منتقل نمایند، ولی عالم ربیانی، حجت الاسلام و المسلمين آقا شیخ علی اصغر خویی مانع گردیده و حکم کرده بود که باید در خانه اش دفن شود. چراکه وی در حال حیات، مرجع ما بود و در حال ممات، مزار و مطاف ما خواهد بود، لذا در خانه اش دفن گردید.

بنای اولیه گنبد و بارگاه حضرت آقا میر یعقوب مقبره، با پولی که تجار خویی مقیم استانبول به آقا شیخ علی اصغر فاضلی فرستاده بودند، تعمیر گردید. هم اینک، آستان آقا میر یعقوب دارای چهار در ورودی است. دو در به خیابان آیت الله طالقانی، یک در به کوچه مقبره و یک در دیگر به بن بست دکتر آیت الله باز می شود. صحنه آستان مبارکه، با آجرهای مربعی شکل مفروش و سطح آن پنج پله از خیابان پایین تر است. همچنین در وسط صحنه، حوض سنگی کوچکی قرار دارد و در ضلع غربی آن، سرویس های بهداشتی و حجراتی جهت استراحت زائرین احداث گردیده است.

ضریح آقا میر یعقوب در داخل اتاق نسبتاً بزرگ و درست زیر گنبد قرار دارد. گردآگرد گنبد با آئینه های بسیار زیبایی تزئین شده و دیوارهای اتاق با تابلوهای نفیسی مزین شده است. ضریح حضرت آقا میر یعقوب دارای پایه های چوبی و شبکه های آهنی است که در قسمت شمالی آن بیت زیر که حاکی از تاریخ وفات حاج میر اسماعیل مقبره است، نقش بسته است.

۱. شعر و مناجات، ص ۴.

## سَمِي ذَبِيج از سَلِيل نَبِي هُم آغوش جَد شَد بَسال غَشِي

ق ۱۳۱۰

در داخل ضریح به غیر از حضرت آقا میر یعقوب دو تن از منسویین ایشان به نام‌های حاج میر اسماعیل مقبره (پسرش) و آقا سید موسی (نوه‌اش) مدفونند. سمت جنوبی ضریح، پنجره کوچکی رو به کوچه مقبره تعبیه گردیده و غالباً مؤمنین هنگام عبور و مرور جلوی پنجره ایستاده و بر سید فاتحه می‌خوانند و سنگ مزار آقا میر یعقوب از داخل مقبره، درست زیر پنجره مذکور قرار دارد. سنگ نوشته مزار شریف ایشان چنین است:

هذا

المرقد الفقيه الالمعي ، جناب سيد یعقوب ابن سيد محسن ابن سيد حسن ابن سيد مختار بن سيد حسن ابن سيد معصوم ابن سيد على ابن سيد حسن ابن سيد على ابن سيد فخرالدين ابن سيد شريف الدين ابن سيد شمس الدين ابن سيد محمد مصرى ابن سيد شجاع الدين ابن سيد سليمان ابن سيد عقيل ابن سيد احمد ابن سيد حسن ابن سيد حسين ابن سيد جعفر ابن على ابن الحسين ابن على بن ابيطالب - عليه السلام - نمقه قاسم الحسنى . ۱۲۵۶

سمت شمالی ضریح، رواق نسبتاً بزرگی وجود دارد که توسط فرزند صالحش، حاج میر اسماعیل مقبره احداث شده که هم اکنون جلسات مذهبی مانند؛ اخلاق، قرآن، تفسیر، وعظ و خطابه در آنجا برگزار می‌گردد.

سمت غربی ضریح، رواق تو در تو قرار دارد که به همت نواده‌اش، آقا سید حسین احداث شده که غالباً بانوان زائر در آنجا به دعا و مناجات می‌پردازند.

سمت شرقی ضریح، رواق بزرگی قرار دارد که به همت حاج میر اسماعیل مقبره پایه‌گذاری شده و گروهی از نوادگان حضرت آقا میر یعقوب در آنجا دفن شده‌اند. یگانه منارة حضرت آقا میر یعقوب حدود ۱۳ متر بلندی دارد و دارای کلاهک آهنی سبز رنگی است. ساختمان مقبره از لحاظ معماری و هنری قابل اهمیت بوده و دیواره‌های آن با کاشی‌های آبی‌رنگ و ۶۳ تابلوی قدیمی زینت داده شده است.

همچنین، آستان آقا میر یعقوب دارای محلی بوده به نام «بست» برای فرار مجرمان از مجازات.

کرامات این عالم عظیم الشان در رساله کوچکی که در بر دارنده شصت کرامات از آن وجود شریف بوده به اهتمام حاج سید علی خوانساری فرزند حاج سید رفیع و به امر آیت الله حاج ملا علی کنی تهرانی مجتهد طراز اول تهران، در زمان حاج میر اسماعیل مقبره، در حدود سال ۱۳۱۸ق در تبریز چاپ و منتشر شده است.<sup>۱</sup>

سه نمونه از کرامات ایشان چنین است:

آیت الله سید ابراهیم علوی خوبی از ثقة الاسلام و المسلمين حاج شیخ عبدالرحیم نجفی، ساکن محله امامزاده و ایشان هم از پدرش، آخوند ملا رضا چنین نقل می‌کند:

۱. ما طلبیه بودیم. درویشی آمد در مقابل مدرس سید که در جای گلدسته فعلی (مقبره) بود، ایستاده، آنچه توانست ناسزا به آن بزرگوار گفت. طلاب خواستند کتکش بزنند، اما سید مانع شد و گفت: از اجلش ساعتی بیش نمانده، مزاحمش نباشد.

#### ۱. سید علی خوانساری در خصوص چاپ آن رساله می‌نویسد:

پس از سی سال سیاحت به دارالصفاوی خوی رفتم و به مقبره منوره وارد شدم، دیدم از دحام مردم از حد گذشته به فکر فرو رفتم، گفتم: سیحان الله مگر چه خبر است. خدایا! اگر صاحب این بقیه شخص بزرگواری است به من بنما! چون به ضریح مقدس نزدیک شدم بوی عطر به مشام رسید که از آن به عظمت و جلالت شأن وی پی بردم.

پس از زیارت، به خدمت سلاله دودمان مصطفوی و چشم و چراغ مرتضوی آقای سید اسماعیل ولد ارشد آن بزرگوار کرامات ابوی شان را خواستار شدم، فرمود: صورت آن نزد خادم است؛ از وی گرفته راهی تبریز شدم که به طبع برسانم بر حسب تصادف در مرند به یک نفر برخورد نمودم که به این مسائل اعتقاد نداشت مرا آن قدر وسوسه نمود که از تصمیم خود منصرف شدم. شب که خوابیدم در عالم روایا دیدم که چند نفر از سادات مرا گرفته و بستند و بسیار کتک زدند.

در این اثنا دیدم آقای حاج میر اسماعیل تشریف آوردند، ناچار به ایشان پناهنه شدم ایشان شفاعت نموده مرا رها کردند.

در تهران خدمت آقای حاج ملا علی کنی رسیده جریان را به محضرشان عرضه داشتم. فرمود: برو تبریز و در چاپ آن تعجیل کن و خلعت فاخر از فرزند ارجمندش بگیر. روز هفدهم جمادی الآخر شروع نموده و غرّه شهر رجب چاپ آن را به اتمام رساندم و به نظر هر یک از متینین و مقدسین رسیدم شروع به تعریف و تمجید نمودند.

من از این حرف به حیرت رفته و در مقام مراقبت برآمدم . درویش از آنجا روانه گردید و در چهار راه مسیر کوچه که حالا بندر مقبره می‌گویند رسید ، و چهار پایه قصاب را که در یکی از چهار گوشة چهار راه بازار بود و حالا هم هست ، به زیر خود کشید و نشست و از قهوه خانه قلیانی خواست و مشغول صرف آن شد . من هم در گوشه‌ای ایستاده و منتظر تمام شدن یک ساعت بودم . قریب بود که وقت تمام شود . یک شخص از طرف کوچه دره وارد بازار گردید خیره به درویش نگاه کرد و رفت . کارد قصاب را برداشت و درویش را مثل گوسفند سرش را گوش تا گوش بربید . مردم جمع گردیدند داد و بیداد نمایند ؛ گفت : دست پاچه نشوید مدتی بود این شخص برادر مرا کشته بود و در پی اش می‌گشتم اینجا دیدم و قصاص کردم . همچنین دیداری که با مولانا ، زاهد عالم ، شیخ زین العابدین نوایی ، در رفع اضطراب روحی او ، پس از آنکه به صور بزرخیه بازاری‌ها مشرف گردیده بوده است و از ناحیه سید به وقوع پیوسته ، الان بالفعل در خوی معروف‌تر از آن است که کسی بتواند انکار نماید .<sup>۱</sup>

۲ . پاهای ملا محمد علی فرزند کربلایی حسینعلی کفاش - که در محله امامزاده ساکن بود - پشت و رو بود . یعنی پاهای راست ، رو به پای چپ و پای چپ رو به پای راست ، از مادر متولد شده بود . وی اضافه براینکه در موقع راه رفتن فوق العاده در زحمت و رنج بود ، دچار ناراحتی روحی نیز شده بود .

موقع غروب آفتاب بود که او به جای اینکه به خانه برود ، وارد مرقد شریف سید یعقوب گردید و پس از گریه و زاری فراوانی خواب بر او مستولی شد . ناگاه در عالم خواب دید که سید یعقوب به وی گفت : برخیز و به سوی خانه خود برو . او در جوابش گفت : کجی و وارونگی پاهایم مرا به قدری از پا درآورده که قادر بر حرکت نیستم .

سید بزرگوار به وی فرمود : پاهایت خوب شده ، پاشو ! وقتی ملا محمد علی از خواب برخواست دید پاهایش شفا یافته است . کمتر کسی از مردم خوی پیدا می‌شود که عکس این ملا محمد علی را که او اخر عمر خود را به عبادت در مقبره سید یعقوب طی کرده ندیده باشد و پینه‌های آن موضع پشت و رو شده پاهای او را تا آخر عمر ملاحظه ننموده باشد .

ملا محمد علی در سنة ۱۳۵۱ق از دنیا رفت و عکس وی برای اینکه شفا یافته بود در دست مردم به یادگار مانده است.<sup>۱</sup>

اوژن اوین، سفیر فرانسه در ایران پس از دیدار از شهر خوی، در مورد کرامات آقا میر یعقوب، به نقل از حاج میر یعقوب ثانی می‌نویسد:

۳. هر حاکمی که به خوی می‌آید ناچار است احترامات مقبره را رعایت کند. کسانی که در دوران خدمت خود در این شهر، هر چه بیشتر به آن علاقه و بستگی نشان دهند در مساعی خود موفق ترند، ولی در غیر این صورت، طولی نمی‌کشد که مقام خویش را از دست می‌دهند. حاکم بی‌دینی با سیدها در افتاده بود و با آنان بدرفتاری می‌کرد. در مدتی کوتاه، در مقابل چشمها یش همه کسان و بستگان وی یک دفعه سقط شدند. یک بار نیز زمین در زیر پای سواران وی که ادعا می‌کردند از روستای سیدی مالیات گرفته‌اند، سخت شروع به لرزیدن کرد.<sup>۲</sup>

هم اکنون تولیت آستان حضرت آقا میر یعقوب مقبره با حاج سید محمد علی مقبره، دکتر سید اسحاق مقبره و حاج سید حسن مرجعی بوده و با توجه و عنایت نوادگان معظم له اداره می‌شود.<sup>۳</sup>

به پاس تجلیل از مقام شامخ فقاہت و معنویت حالات حضرت آقا میر یعقوب مقبره به قلم نگارنده و با عنوان مستندنشین قدس (فارسی، قم، ۱۳۸۹ش) چاپ و منتشر شده است.

۱. آخران تابناک، ج ۱، ص ۵۵۹.

۲. ایوان امروز، صص ۸۵-۸۶.

۳. مستندنشین قدس، ص ۸۱

## ◆ مقبره سادات سید جعفری

یکی از مزارات شهرستان خوی، مقبره سادات سید جعفری است که در روستای «عذاب» قرار دارد. داخل مقبره سه تن از سادات جعفری به نام‌های آقا سید مهدی (۱۲۹۱- ۱۳۳۱ق)، آقا سید حبیب (۱۲۲۶- ۱۳۵۶ش) و سیده منور خانم سید جعفری (۱۲۷۸- ۱۳۵۶ش) دفن شده که دو نفر اخیر، فرزندان آقا سید مهدی هستند که در جوار پدرشان به خاک سپرده شده‌اند. نسب این خاندان از طریق امامزاده سید تاج‌الدین خویی - صاحب بارگاه مشهور در روستای سید تاج‌الدین - به امام موسی کاظم -علیه السلام- منتھی می‌شود. نسب شریف آقا سید مهدی که مورد تأیید بیش از سیزده تن از علماء بزرگان علم و دانش می‌باشد، چنین است:

سید مهدی فرزند سید قدیم فرزند سید جعفر فرزند سید گردخان فرزند سید محمد گردخان فرزند سید نعمت‌الله فرزند سید علیجان فرزند سید محمد ولی فرزند سید صادق فرزند سید آقا جان فرزند سید تاج‌الدین خویی فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید احمد فرزند سید حسین فرزند سید علی فرزند سید محمد فرزند سید حسین فرزند سید مرتضی فرزند سید محراب فرزند سید محمد فرزند سید محمود فرزند سید احمد فرزند سید حسین فرزند سید عبدالله فرزند سید محمد عابد فرزند امام همام موسی کاظم -علیه السلام-.

آقا سید مهدی از سادات بسیار محترم و در دیانت و تدین شخصی ممتاز بوده و در رفع حوائج و گرفتاری‌های مردم نقش فعالی ایفا می‌نمود. پس از وفات آقا سید مهدی سه نفر از ارادتمندان ایشان به نام‌های میر علی اکبر، میر محمد جعفری و سلیمان باقرلو در سال ۱۳۵۵ ش بر فراز قبرش بنایی احداث نمودند که در سال ۱۳۶۱ ش مورد بازسازی قرار گرفت. این مقبره در روزهای پنج شنبه مورد توجه اهالی روستا بوده و از طرف مردم مورد تعظیم و احترام قرار می‌گیرد. در نزدیکی این مقبره، مقبره دیگری قرار دارد که متعلق به سیده معصومه فرزند سید محبوب است که در سال ۱۳۳۵ ش برابر با ۱۳۷۶ق وفات نموده است.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از حاج میر علی اکبر سید جعفری.

## ◆ مقبره سادات سید مرغی

مقبره سادات سید مرغی در روستای باصفای رهال<sup>۱</sup> قرار دارد. این مقبره در اصطلاح محلی به «مقبره نعلبند» شهرت دارد و محل دفن حدود پنج نفر از سادات سید مرغی است. اوّل نفری که در این مقبره در دل خاک نهان گشته سلاله السادات مرحوم آقا میر اسماعیل سید مرغی است که پس از ایشان برادرش مرحوم آقا میر حسین سید مرغی در آنجا دفن شده است. برادران سید مرغی فرزندان رضوان جایگاه مرحوم میر آقا بوده که مردم اعتقاد راسخی به ایشان داشتند و خود در ردیف عالمان دینی بود که هنگام تحصیل در نجف اشرف دارفانی را وداع گفت و در آن دیار به خاک سپرده شد.

بنای اولیه مقبره مربوط به سال‌های نخست دفن سادات سید مرغی است که از طرف

۱. روستای رهال از دهستان رهال، بخش مرکزی بوده و دارای آب و هوای دشتی و معتدلی خشک می‌باشد. این روستا دارای طول جغرافیایی  $۵۲^{\circ} ۴۰'$  و عرض جغرافیایی  $۳۸^{\circ} ۲۹'$  بوده و در سیزده کیلومتری جنوب غربی شهرستان خوی قرار دارد. رودخانه قطور چای از جنوب آن می‌گذرد. کوه قرمزی گونی و کوه بش دره در ۲ کیلومتری شمال شرقی آن قرار دارد. شغل مردم آنجا کشاورزی، بازداری، دامداری، پرورش زنبور عسل و فرشبافی و محصولاتش گندم، جو، شبدر، یونجه، گردو، سیب درختی، گیلان و زردالو می‌باشد.

بازماندگان و علاقمندان آنها ساخته شده است. مقبره مشکل از یک اتاق ساده با سقف چوبی بود که هر سال از طرف عده‌ای مورد مرمت و بازسازی قرار می‌گرفت. در حدود سال ۱۳۷۹ ش مقبره یاد شده از طرف بازماندگان سادات سید مرغی مورد بازسازی قرار گرفت و هم اکنون نیز تولیت آن با بازماندگان ایشان می‌باشد. سادات سید مرغی از سادات موسوی و از نسل پاک امام موسی بن جعفر -علیهم السلام - است.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از آقا سید حسن سید مرغی.

## ◆ مقبره سادات صادقی

از مقابر مورد احترام شهرستان خوی، مقبره سادات روستای اگری بوجاق است که در سمت چپ ورودی روستا قرار دارد. اولین شخص مدفون در این مقبره سلاطه السادات آقا میر مصطفی صادقی<sup>۱</sup> است که در سال ۱۳۰۲ ش در این مقبره به خاک سپرده شده است. پس از او ۳ نفر دیگر از همین خاندان به نام‌های زیر در آن مقبره دفن شده‌اند:

۱. مزار آقا سید صالح صادقی فرزند سید مرتضی و برادرزاده آقا میر مصطفی (درگذشته ۱۳۱۸ ش)،

۲. مزار بانو رخشنه صادقی فرزند آقا سید صالح (درگذشته ۱۳۲۴ ش)،

۳. مزار آقا میر محمد صادقی فرزند آقا سید صالح (۱۲۹۶ - ۵۹/۹/۱).

این مقبره متعلق به سادات صادقی اگری بوجاق است که سیادت را از امام چهارم شیعیان حضرت امام زین العابدین - علیه السلام - به ارث برده‌اند. متن نسب نامه آنها چنین است:

---

۱. ایشان برادر آقا میر مجتبی صادقی پدر آیت الله حاج سید علی اصغر صادقی خوبی است که از فقیهان برتر عصر حاضر بوده است.

سید مصطفی فرزند سید صادق فرزند سید صالح فرزند سید علی اصغر فرزند سید مهدی فرزند سید مصطفی فرزند حاجی سید زین العابدین فرزند سید میر فرزند سید حسن فرزند سید هاشم (دارای بارگاه معروف در زنوز) فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصرى العلوى الحسينى الملقب بالحجازى فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سليمان فرزند سید عقيل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسين فرزند سید حسن فرزند علی فرزند علی بن الحسين - عليه السلام .<sup>۱</sup>

مقبره سادات صادقی در چند سال پیش به همت مردم اگری بوjac و نوادگان معظم له در مساحت خیلی وسیعی ساخته شده و هم اکنون در مناسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حاج شیخ حسن بصیری در خصوص سادات صادقی و مقابر موجود در آنجا چنین سروده است:

که بُد شایسته لطف الٰهی	یکی دیگر زارگان در حوالی
چه اشخاصی در این وادی دفین است	جزای نیک کرداری همین است
چنین بر خاک راه حق سودند	بزرگانی که راه حق بودند
به خیر دین و دنیا سر نمودی	همه آثار ایشان خیر بودی
منزه بوده هر یک از تباہی	چه نیکان نیک مردان الٰهی
که عمری در رضای حق بپیمود	همه مدفون در آن اگری بوjac بود
به رحمت هر زمان در یاد باشد	روان آن عزیزان شاد باشد
بود هر دم قبور پاک ایشان	مزار اهل دین و اهل ایمان
که مرضات خدا در آن مکان است <sup>۲</sup>	«بصیری» خادم آن خاندان است

۱. نسب نامه سادات کوهکمر، استخراج آیت الله سید ابراهیم علوی.

۲. شعر و مناجات، ص ۹۵.



## ⇒ مقبره سادات موسوی

از مقبره‌هایی که در بین اهالی محله قدیمی ربط از احترام و ارزش فوق العاده‌ای برخوردار است، مقبره سادات موسوی است. سادات موسوی چندین دهه پیش، از کربلای معلی مهاجرت نموده و در ایروان (پایتخت کشور جمهوری ارمنستان) ساکن شدند و پس از آن روستای سیه چشمہ یا قره‌عینی (شهر فعلی چالدران) واقع در آذربایجان غربی را برای سکونت اختیار نمودند. اولین شخص از این خاندان که وارد خوی گردید، جنت مکان مرحوم آقا میر جلال موسوی است. وی سیدی مؤفر، محترم و متدين بود و عمری را به پاکی و دیانت سپری نمود که در نهایت در سال ۱۳۳۷ ش مطابق با ۱۳۷۸ق دارفانی را وداع گفت و در محل فعلی مقبره که آن زمان قبرستان عمومی بود، به خاک سپرده شد. در پی تخریب قبرستان یاد شده در زمان حکومت پهلوی، پرسش مرحوم آقا میر جلیل موسوی از تخریب آن جلوگیری نمود و پس از آن بر فراز قبر پدرس بنایی احداث نمود که تا حال باقی است.

اسامی افرادی که در مقبره یاد شده به خاک سپرده شده‌اند، بدین قرار است:

۱. آقا میر عبدالله موسوی برادر آقا میر جلال (درجشته ۱۳۳۹ ش)،

۲. آقا میر محمد موسوی فرزند آقا میر جلال (درگذشته ۱۳۷۸ ش)،
۲. آقا میر جلیل موسوی، فرزند آقا میر جلال (درگذشته ۱۳۷۹ ش)،
۳. آقا میر هادی موسوی، (درگذشته ۱۳۸۳ ش).

همان طوری که از نام خانوادگی این خاندان پیدا است، نسب نامه آنها به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر -علیهم السلام - می‌رسد. این مقبره در کنار بقعه یدی قارداشlar قرار داشته و تولیت آن با خانواده موسوی است.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از عالم فرزانه، آقا سید قاسم موسوی، نواده معظم له.

## ◆ مقبره صادقیه

مقبره صادقیه در محله شهانق قرار دارد. این مقبره متعلق به سلاطین السادات مرحوم آقا میر صادق از سادات محترم شهانق است. وی از دوستداران و ارادتمندان خاندان نبوی و به ویژه سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین -علیه السلام- بود و در حال حیات وصیت کرده بود که پس از وفات در منزل مسکونیش دفن شود. پس از به خاک سپاری وی منزلش به حسینیه صادقیه مبدل گردید و هم اینک در مناسبت‌های مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. متأسفانه از شجره، زندگی نامه و بازماندگان ایشان اطلاعی حاصل نگردید.





## ✧ مقبره میر آقا حسینی

آرامگاه منور سید جلیل القدر حضرت میر آقا حسینی کوه کمری فرزند مرحوم میر محمد علی حسینی در هشت کیلومتری شهرستان خوی در محله بالای فیروزق، زیارتگاه مردم خوب آن دیار است. شجره نامه ایشان که به امام سجاد - علیه السلام - می رسد، چنین است:

میر آقا فرزند سید محمد علی فرزند سید باقر فرزند سید سلیمان فرزند سید احمد فرزند سید اکبر فرزند سید مختار فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب «الحجازی» فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید جعفر فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب - علیه السلام ..

مرحوم میر آقا در روستای کوه کمر از توابع شهرستان مرند دیده به جهان گشود. دوران کودکی را تحت تربیت پدری مؤمن و صاحب کرامت و مادری - مرحومه سیده زهرا حسینی - متدينه و پاکدامن سپری نمود و سپس به خوی عزیمت نمود و در فیروزق

سکونت اختیار نمود.

مرحوم میر آقا با حضرت آیت الحق آقا میر فتاح صاحب بارگاه مشهور در روستای مشخان معاصر بوده و با وی معاشرت داشته است.

معروف است وقتی که وی در روستای مشخان میهمان حضرت آقا میر فتاح بود، مرحوم آقا میر فتاح ازوی می خواهد که برای رفع خشکسالی که پیش آمده نماز استسقاء بخواند. ایشان آماده نماز می شود و پس از اقامه نماز، باران مفصلی می بارد و زمین خشک و محروم از آب، از نعمت خداوندی بهرمند می شود.

معظم له پس از یک عمر بندگی و عبودیت خداوند متعال و در حالی که در اثر تقواو پرهیزگاری در بین مردم جایگاه ویژه‌ای یافته بود، در روز چهار شنبه ۳۰ اسفند ماه ۱۳۴۶ شن برابر با ۲۰ ذی الحجه الحرام ۱۳۸۷ق در فیروزق دارفانی را وداع گفت و در محل فعلی مقبره که اهدایی مرحوم کربلائی علی اکبر رضاپور به معظم له بود، به خاک سپرده شد. متن مزار وی چنین است:

#### هواباقی

المرحوم میر آقا ابن میر محمد علی ابن میر باقر ابن میر سلیمان ابن سید احمد ابن سید اکبر ابن سید مختار ابن سید حسن ابن سید علی فرزند ابن حسن ابن سید علی ابن سید فخرالدین ابن سید شرف الدین ابن سید شمس الدین ابن سید محمد مصری ابن سید شجاع الدین ابن سید سلیمان ابن سید عقیل ابن سید احمد ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید جعفر ابن سید علی ابن علی ابن الحسین ابن علی ابن ابیطالب - علیه السلام - بیستم ذی الحجه الحرام ۱۳۸۷ قمری .

پس از دفن ایشان، فرزند بزرگ وی، مرحوم میر محمد آقا به کمک خیرین محل مقبره‌ای بر بالای مزار پدرش احداث نمود و سپس در سال ۱۳۷۵ شن آن را به نحو شایسته‌ای تجدید بنا نمود.

کراماتی که در حال حیات و ممات از این سید عالیقدر صادر شده که بیش از آن است که در این مختصر بگنجد.

نسل مرحوم میر آقا با ازدواج با سیده خانم رخساره حسینی کوهکمری ادامه یافته و  
ثمرة ازدواج آنها ولادت دو پسر و یک دختر به اسمی زیر است:

۱. میر محمد حسینی کوهکمری (در گذشته ۱۳۸۷ ش)،
۲. میر عزیز حسینی،
۳. سیده عصمت حسینی.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از میر مرتضی حسینی کوهکمری، نواده معظم له.



---

---

فصل دوّم  
بقاع متبرکه

---



## بقعه آخوند نوایی

از آرامگاه‌های مشهور دارالصفای خوی، مرقد عارفِ واصل، حضرت آخوند ملا زین‌العابدین نوایی - رضوان الله عليه - است که در جنوب غربی شهر، در ابتدای بلوار شیخ نوایی قرار دارد. این بقعه که در حقیقت به مقبره‌العلماء تبدیل شده، مزار بیش از بیست تن از فرهیختگان خویی است که در جوار حضرت آخوند سر بر خاک تیره نهاده‌اند. حضرت آخوند نوایی در حدود سال ۱۱۷۹ق مصادف با ۱۱۴۴ش در روستای «نوایی» قدم بر عالم خاکی نهاد. خانواده‌اش ایشان را زین‌العابدین نام نهادند. پس از رشد و شکوفایی در زادگاهش، راهی حوزه علمیه اصفهان گردید و از فرزانگان آن دیار بهره‌ها برداشت سپس به شهرستان خوی مراجعت کرد و مشغول تربیت نفوس مستعده گردید.<sup>۱</sup> آخوند نوایی، عالمی عامل، فقیهی وارسته، واعظی دلسوز، انسانی کامل و به دور از تشریفات و تجملات دنیوی و آراسته به فضائل اخلاقی و انسانی بود. سید محسن هدایت خویی در خصوص ویژگی‌های فردی و اجتماعی وی می‌نویسد:

عالم جلیل و سالک الى الله حضرت آخوند نوایی علاوه بر جنبة فقاوت و روحانیت که

داشت صاحب مراتب اعلاء در زهد و تقوا و متصف به خصائص عالیه در ورع و پرهیزگاری بود.

در اعمال و اقوالش خیلی متوع و محتاط بود، به خصوص در اکل و شرب بینهایت، صاحب دقّت و احتیاط بود. ایشان انزوا و عزلت را همواره بر مجالست و مخالطت با اهل دنیا ترجیح می‌داد و با هر کس ارتباط و صحبت نداشت، حتی غالباً امراء و اعیان و اکابر که مشتاق زیارت و دیدار آن بزرگوار بودند حتی امکان از ملاقات و مصاحبه آنها اجتناب می‌فرمود.

پکی از خصائص عالیه و صفات کمالیه حضرت آخوند نوای عدم میل به دنیا و مافیها و بی‌اعتنایی به لذایذ و غنائم دنیوی بود؛ به مال و مکنت و منال و ثروت دنیا هیچ‌گونه رغبت و علاقه نداشت. در نظرش زر و سیم چون خشن و خاشاک بود.

در بی‌میلی و عدم اعتمای آن بزرگوار به دنیای فانی و حفظ و لذایذ امانی آن همین قدر کافی است که روزی وقت آمدن به شهر یک خورجین پراز پول، طلا و نقره که در سر راه افتاده بود دید و بر خود واجب و لازم شمرد که آن خورجین را آن قدر مواظبت و نگهداری نماید تا به صاحبیش برساند و در عین حال چون نمی‌خواست به آن دست بزنند عبایش را بر روی آن کشید و خود نیز در کناری نشست و مشغول حراست آن گردید. ظهر شد از صاحب خورجین خبری نشد. آن مرحوم وضو گرفته مشغول نماز شد. در اثنای نماز یک نفر سواری در حالی که اسب را خیلی تند می‌راند از سمت شهر آمده با سرعت تمام و عجله بیشتری از جلوی او گذشت. بعد از ساعتی که از ادای فریضه فارغ شد سوارکار مذبور را دید که با سرعت زیادتری می‌آید. چون نزدیک شد سلام کرد. آن مرحوم جواب داده علت و سبب رفتن و برگشتن را با این سرعت و شتاب از او پرسید. سوارکار گفت: من مأمور اخذ مالیات هستم. مقدار زیادی طلا و نقره بابت مالیات از اطراف جمع کرده در خورجین گذاشته به شهر می‌آوردم. وقتی به شهر رسیدم دیدم خورجین افتاده. حالا پی خورجین می‌گردم که بلکه پیدا کنم. اگر پیدا نشود مبلغ متابهی پول دولت از بین می‌رود و من خانه خراب می‌شوم.

این بگفت و از شدت ترس و اضطراب گریه گلوگیرش شد.

آن بزرگوار گفت: برو زیر آن عبارا نگاه کن بین چه چیز است.

مأمور از شادی دست و پا نشناخته عبا را برداشت و خورجین را دید. در حالی که

سریسته و دست نخورده باقی مانده است.

گفت : همین است پیدا کردم .

فرمود : بردار و برو و مرا از زحمت و انتظار خلاص کن .

مأمور ، خورجین را برداشت و دعا گویان و شادی کنان عازم شهر شد و آن مرحوم نیز به ده برگشت .<sup>۱</sup>

آخوند نوایی از شخصیت‌هایی است که نزد دانشمندان و شرح حال نویسان از مقام و منزلت خاصی برخوردار است . آنان در وصف این عالم ریانی مطالب فراوانی نواشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود :

مورخ شهیر ، آیت الله میرزا ابوالقاسم امین الشرع خوبی می‌گوید :

آن مرحوم در میان اهالی خوی به مکاشفه و کرامات مشهور است ؛ اگر چه مرتبه علمی اش چندان نبوده ، لیکن در مقام عمل ممتاز بوده است ... قبر آن مرحوم در «قبرستان قوچلو» در زیر گنبدی و طاقی بزرگ معروف و مشهور است .<sup>۲</sup>

محمد علی تربیت به بعد عبادی و معنوی ایشان اشاره کرده و می‌نویسد :

آخوند زین العابدین نوایی از هد و اورع زمان خود بوده است .<sup>۳</sup>

مهدی آقاسی می‌نویسد :

فقیهی فاضل و عالمی متقدی و در زمان حیات خود مورد احترام قاطبه اهالی خوی بوده است . مردم او را گرامی می‌داشتند و از حضورش کسب فیض می‌کردند .<sup>۴</sup>

مؤلفان کتاب بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی در زمینه شخصیت وی می‌نویسند : آخوند ملا زین العابدین نوایی در اثر مطالعات و تحقیقات شخصی در فقه و حکمت به مقام ارجمندی نائل آمده است . مرحوم نوایی از احترام عمومی مردم خوی برخوردار بوده است .<sup>۵</sup>

۱. زعماء الشیعه ، خطی .

۲. میراث اسلامی ایران (تذکرة المعاصرین) ، ج ۸ ، ص ۳۹۳ .

۳. دانشمندان آذربایجان ، ص ۱۶۹ . ۴. تاریخ خوی ، آقاسی ، ص ۵۱۴ .

۵. بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی ، ص ۱ .

شیخ محمد شریف رازی هم می‌نگارد:

آخوند نوایی فقیهی بود فاضل و عالمی متّقی و مورد ثقة و احترام اهالی شهرستان خوی  
و حومه آن بود. مردم عموماً از فیض حضورش بهره‌مند می‌شدند. قبرش زیارتگاه مردم  
آن سامان است و کراماتی حیاً و میتاً از وی صادر شده است که معروف در بین اهل  
 محل است.<sup>۱</sup>

حجت الاسلام و المسلمين بصیری در مورد وی چنین می‌سراید:

<p>آنکه از نورش منور شهر ما هم عنایتش خدا را مستحق عالی و عارف بدو هم کارساز اهل قرآن اهل حق حبل المتن نی نظریش همچو در شهر و بلوک افتخار هر که بُد از اهل دین ظاهر آمد زآن وجود با ثبات صد هزاران رحمت او را بُد قرین مثل و مانندی برایش می‌نبود بود از روی حقیقت بالمدام اهل خوی را خیر کلی سر بداد رحمت هر لحظه‌ای آرد بیاد کن به لطفت هر زمانی روبرو تا به دست آرد رموز نیک و بد<sup>۲</sup></p>	<p>صاحب نفس زکیه مرد حق عابد و زاهد بُد و هم اهل راز اهل تقوی اهل دل اهل یقین اهل باطن اهل سیرو هم سلوک بُد مسمی او به زین العابدین بس کراماتی که در موت و حیات تریبت پاکش مزار اهل دین با بصیرت صاحب کشف و شهود مخلص آن سید والا مقام فیض آن قبر مبارک بیش باد بارالهاروح وی هر لحظه شاد والدین و همسر و اولاد او دامن مهرش «بصیری» چنگ زد</p>
--	---

سرانجام، حضرت آیت‌الحق آخوند ملا زین‌العابدین نوایی پس از عمری تلاش در راه  
کمال و تربیت انسان‌های صالح، در روز سه شنبه ۱۷ ربیع‌الاول ۱۲۵۹ق برابر با  
۲۹ فروردین ماه ۱۲۲۲ش در خانه خانمش و در شهرستان خوی ندای الهی را تیک گفت و

۲. شعر و مناجات، ص ۵.

۱. گنجینه‌اشمندان، ج ۵، ص ۷۴.

روح بلندش به بهشت برین پرواز کرد و در جوار رحمت واسعة حضرت احادیث آرام گرفت. پیکر پاک وی با تجلیل و احترام فراوان مردم و علمای خوی تشییع گردید و در قبرستان شهانق، مشهور به «قبرستان قوچلو» به خاک سپرده شد.

معروف است که در حین وفات وصیت کرده بود که؛ جنازه‌اش را زودتر بردارند و حتی الامکان عموم اهالی شهر در تشییع جنازه او حاضر شوند تا در امان بمانند، چون بلایی دهشتناک عمومی روی خواهد داد. نظر به اعتقاد کامل و اطمینان وافری که قاطبه اهالی به فرموده‌ها و پیشگویی‌های ایشان داشتند، تقریباً کلیه طبقات ذکور اهالی و عده کثیری از زنان و اطفال در حدود بیست هزار نفر از شهر خارج و در تشییع جنازه آن مرحوم حاضر شدند. زمانی که مشغول دفن جنازه بودند زلزله هولناک بینان کنی در شهر و محلات خارج اتفاق افتاد، به نحوی که از شدت آن بسیاری از عمارت‌های عالیه و بزرگ شهر خراب و با خاک یکسان گشت و یک عده از زنان و اطفال که در شهر مانده بودند هلاک شدند. این واقعه جانگدای در روز سه شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۲۵۹ ق اتفاق افتاد.<sup>۱</sup>

از آخوند نوایی پسری به نام حاج ملا عبدالله نوایی به یادگار ماند که او هم اهل علم بود و در سلک روحانیت بوده است. وی پدر عالم پارسا، شیخ علی اکبر نوایی است. فرزند دیگر ملا عبدالله، مرحوم آقا اصغر بود که هم اکنون فرزندان ایشان در قید حیاتند و نام خانوادگی «نوایی» مشهورند. نسل آخوند نوایی از فرزندان مرحوم آقا اصغر بوده و فرزندان دیگر وی بلا عقب می‌باشند.<sup>۲</sup>

مزار منور حضرت آخوند نوایی در یک کیلومتری مرکز خوی، در سمت جنوب غربی شهر قرار دارد. مرقد وی هر روز شاهد حضور زائران عاشقی است که برای زیارت و فاتحه و روشن کردن شمع به سویش می‌شتابند و در کنار بارگاه قدسی وی برای رفع حوائج تضرع و زاری می‌کنند.

بعد از دفن وی و بروز کرامات کثیره از ایشان، مردم شهرستان خوی گنبدی بر

۱. زعماء الشیعه، خطی؛ میراث اسلامی ایران (ذکرالمعاصرين)، ج ۸، ص ۳۹۳.

۲. به نقل از آقای حاجی نوایی، نواده حضرت آخوند.

مزارش بنا نمودند و محلی برای روشن نمودن شمع بر سر قبرش درست کردند. در سال ۱۳۷۲ ش با تولیت مرحوم حاج شیخ جلیل هنرور بنای باشکوهی بر روی قبر حضرت آخوند احداث گردید. هم اکنون مقبره حضرت آخوند نوایی از جانب شرقی با مدرسه دخترانه شیخ نوایی و از جانب شمالی با هلال احمر و از جانب جنوبی و غربی با خیابان‌های هم جوار مرتبط است. بر سر مزار شریف آخوند ضریح آهنی مستطیل شکلی قرار دارد که مردم هدایا و نذورات خویش را داخل آن می‌ریزند. اطراف تربت مقدس حضرت آخوند قبور متبرکه حدود ۲۰ تن از علماء و بزرگان خوی می‌باشد که چونان ستارگان فروزان مرقد حضرت آخوند را احاطه کرده‌اند. در جانب شمالی مقبره اجاق دودی سیاه رنگی وجود دارد که زائرین در شباهی جمعه در آن شمع روشن می‌کنند.

در سمت غربی مقبره آشپزخانه، حسینیه و مجتمع دینی احداث گردیده و در طرف جنوبی آن، خانه سرایدار واقع است. هم اینک مقبره از امکانات رفاهی مانند آب، برق، تلفن، سرایدار، دستشویی، وضوخانه مردانه و زنانه و هیئت امناء برخوردار است.

از آخوند نوایی کرامات زیادی نقل شده که به ذکر سه نمونه از آنها بسنده نموده و بقیه آنها را به کتاب نوای شهرشمس (فارسی، قم، ۱۳۸۸ ش) که به قلم نگارنده در حالات و کرامات آخوند نوایی به نگارش درآمده است، ارجاع می‌دهیم.

#### ۱. سید محسن هدایت خویی می‌نویسد:

حاجی محمد امین خویی که از اخیار تجار زمان آن بزرگوار بود، نظر به اخلاص و ارادت و میل و محبت وافری که به آخوند مرحوم داشت غالب روزها خصوصاً ایام جمعه برای استفاده و ادای نماز جمعه به حضورش می‌رسید و تا آخر روز مشغول صحبت و نماز و استماع احادیث و اخبار و بیانات خارق العادة آن بزرگوار می‌شد. یک روز هم بر حسب عادت مألف در روستای نوایی به محضر آن مرحوم حاضر شده در اثنای صحبت آثار تأثر و تألم در قیافه و سیمای آخوند مشاهده نمود و بر خلاف سایر اوقات او را خیلی ملول و متفکر دید. سبب کسالت و گرفتگی و ملالت و افسردگی را

سائل و جویا شد.

آن مرحوم اول از اظهار علت محووظتیت خود استنکاف نمود؛ ولی چون حاجی محمد امین اصرار کرد فرمود:

چگونه متأثر و محزون نشوم که الآن کربلا معلی از طرف قشون عثمانی تحت محاصره است. حاجی محمد امین از شنیدن این خبر بی نهایت دل تنگ و مغموم شد و تفصیل قضیه را سوال کرد.

آن بزرگوار فرمود: اهالی کربلا برای مسئله مالیات که از طرف دولت به عهده آنها تحمیل شده ایستادگی نموده‌اند و دولت یک عدد قشون به سرکردگی یک نفر صاحب منصب خدا نشناسی برای تنبیه آنها مأمور نموده که الساعه شهر در محاصره و اهالیش در خوف و اضطراب هستند.

بعد از ساعتی اثرات حزن و اندوه شدید از جناب آخوند - قدس سره - ظاهر و قطرات اشک بی اختیار از چشمهاش جاری و سرازیر شد. حاجی محمد امین از مشاهده این حال آخوند، منتقل گردیده سبب گریه را پرسید. ایشان فرمودند: قشون داخل شهر شد و دست به نهب و غارت اهالی گشود. پس از لحظه‌ای فرمود: متهاجمین وارد حرم مطهر حضرت سید الشهداء شدند و پاشای عثمانی امر کرد در بالای ضریح مبارک حسینی قهقهه دم کنند.

خلاصه آن روز به واسطه این غائله ناگوار و قضیه مؤله آخوند بزرگوار و سایر حضار خیلی مهموم و غمگین شده و بسیار گریه می‌کنند. تقریباً بعد از یک ماه یا چیزی کم و زیاد خبر قضیه به وسیله قاصد به خوی می‌رسد که در فلان روز قشون عثمانی کربلا را محاصره و غارت نموده‌اند. این قضیه در سال ۱۲۵۸ هجری قمری اتفاق افتاده و نام فرمانده لشکر عثمانی ژنرال نجیب پاشا بوده است.<sup>۱</sup>

صاحب کتاب تذکرة المعاصرین کرامت مذکور را با اندک اختلافی این چنین نقل کرده است.

شخص موّثق روایت کرد از قول مرحوم حاجی محمد امین برادر حاجی اسکندر که گفت: روزی به خدمت مولانا زین العابدین برفتم و آن جناب را به غایت ملول و

غمگین بیا فتم . چون اهل سرّشان بودم از سبب ملالت سؤال نمودم و اصرار کردم بعد از اصرار زیاد فرمودند : امروز غروب و هابیها به شهر کربلای معلی هجوم کرده و به شهر مستولی شده از قتل نفوس و هتك اعراض و نهب اموال چیزی فرو گذاری نکرده و به حرم مقدس حسینی و صحن شریف بی احترامی تمام کرده و غارت نمودند .

راوی گوید : من تاریخ آن روز را نوشته و نگه داشتم بعد از چندی چون قاصد رسید و خبر آورد مطابق با همان روز بود که حزب و هابی به کربلا ریخته و خیلی هتك حرمت کرده بودند .<sup>۱</sup>

## ۲. باز ایشان می نویسد :

مرحوم آخوند نوابی با مرحوم آقا سید یعقوب صاحب مقبره علیه خوی - اعلی الله مقامه - که او هم در نوبه خود مصدر کرامات متواتره می باشد معاصر و غالباً با هم مباسران بودند . روزی آخوند نوابی به عزم ملاقات سید مرحوم به شهر آمد . چون داخل بازار شد ، حقیقت اشخاص و اشیاء برای او مکشف گردید و مردم را به صورت اصلی آنها دید که هر یک به شکل حیوانی از قبیل بوزینه ، خوک ، سگ و غیره در دکاکین نشسته و مشغول داد و ستد هستند ، از دیدن این حال ، حالاً منقلب و دگرگون شد .

چون به خدمت سید مرحوم رسید ، سید علت اضطراب و تغییر حال او را پرسید ، آخوند مرحوم تفصیل مراتب را نقل فرمود . سید متوجه کیفیت قضیه و مکشف بودن حقیقت و ماهیت مردم در نظر آن بزرگوار گشته فرمود : اهمیت ندهید اصلاح می شود . مشغول صحبت بودند تا وقت ناهار شد . آخوند مرحوم خواست برود سید مرحوم خواهش کرد که حالاً وقت رفتن نیست ناهار اینجا صرف فرمائید و به نوکر فرمود : یک قرص نان سنگک از بازار خریده در سفره گذاشت . در اثنای صرف غذا از آخوند مرحوم خواهش کرد که این سنگک خیلی لذید است میل فرمائید .

مرحوم نوابی فرمود : من نان بازاری نمی خورم .

سید گفت : از خباز خانه مخصوص خودمان آورده‌اند خوردنی است یک لقمه صرف بفرمائید . آن مرحوم یکی دو لقمه از آن نان خورد و بعد از صرف ناهار آخوند مرحوم از جا برخاست . سید هم به قصد مشایعت تا دم بازار با او رفت . چون به بازار رسیدند ،

۱. میراث اسلامی ایران (تذكرة المعاصرین) ، ج ۸ ، ص ۳۹۳

پرسید اشخاص را در چه صورتی می‌بینید؟ فرمود: همچنان در حالت طبیعی مشاهده می‌کنم. آخوند جهت تغییر حال را از سید پرسید ایشان فرمودند: در اثر ریاضت و غذای پاک چشم باطن شما بیناگشته بود و بواسطه اشخاص را دیده بودید؛ وحشتی که شمارا عارض گشته بود ترسیدم و بانان بازاری معالجه کردم. آخوند فرمود: نان شما که حرام نبود؟ فرمود: نه خمیرش که می‌ماند شبها موشها روی آن راه می‌روند اثر آن هم این است.<sup>۱</sup>

### ۳. امین الشرع خوبی نقل می‌کند:

معروف است که آخوند زمینی داشته که کوهی ما بین نهر آب و زمین هایل بود و هر چند جد و جهد می‌کردند که آب را بر زمین مسطور برسانند ممکن ننمی‌شد. روزی آخوند آیه شریفه «لَوْ أَنَّرَنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لِرَايْتَهُ خَاسِعاً مَتَصَدِّعًا مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ» را نوشته در آن کوه دفن می‌نمایند که بعد از چند روزی کوه به سبب زلزله شدید دو پاره شده و آب خود به خود به زمین مولانا جاری می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. زعماء الشيعة، خطی.

۲. میراث اسلامی ایران (تذكرة المعاصرین)، ج ۸، ص ۳۹۳.





## ♦ بقعه آستانه علی

یکی دیگر از مزارات شهرستان خوی که در پرده‌ای از ابهام و ناشناختگی باقی مانده، بقعه آستانه علی است که در خیابان شهید کوچری و در کوچه شهید غفوری واقع شده است. این بقعه در سمت شمال شرقی مسجد آستانه علی قرار دارد. مسجد آستانه علی به دست آیت‌الله حاج شیخ محمد وحیدی کلنگ زنی و به همت خود ایشان و اهالی محل احداث شده است.

بنای بقعه از سطح حیاط مسجد، دو پله پایین تر بوده و درب اصلی آن در ضلع شرقی بقعه قرار دارد. ورودی بقعه آستانه علی، اتاق ساده و بی‌آلایشی است که به عنوان دهليز بقعه است. جنوب شرقی اتاق اولی، قبری است بدون نام و نشان که در اثر گذشت زمان، اطلاعات آن از بین رفته و احتمال می‌رود که مزار یکی از سادات معظم و یا اولیای الهی بوده باشد.

از سمت جنوبی اتاق، دری به درون بقعه اصلی تعبیه گردیده است. بقعه دارای سه پنجره کوچک به ضلع‌های شرقی، غربی و جنوبی است و محراب کوچکی در سمت قبله وجود دارد که منبری سه پله‌ای در آن جای گرفته است.

داخل بقعة اصلی ، قبور سه تن از سادات موسوی به نام‌های زیر در آن دفن شده‌اند:

۱. مزار سید حسن فرزند آقا میر علی فرزند سید محمد.
۲. مزار حاج سید حسن فرزند حاج میر حبیب فرزند حاج سید قاسم فرزند سید حسن فرزند آقا میر علی فرزند سید محمد (درگذشته ۲۳ ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۸۲ق).
۳. مزار سید عباس موسوی فرزند حاج سید حسن فرزند حاج میر حبیب فرزند حاج سید قاسم فرزند سید حسن فرزند آقا میر علی فرزند سید محمد (درگذشته ۷ شعبان‌المعظم ۱۴۰۷ق).

## بقعه امیر جمشید

از مزاراتی که متأسفانه در طی زمان از بین رفته و هم اکنون جز خرابه‌هایی از آن مشاهده نمی‌شود، بقعه امیر جمشید فرزند امیر ابراهیم<sup>۱</sup> است که نگارنده در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ ش از بقعه ویران شده ایشان دیدن کردم.

صدر الاسلام محمد امین امامی خوبی در اثر گرانسنج خود به جنگ بین امیر جمشید و لشگر غازان خان و کشته شدن امیر جمشید و دفن وی در روستای سیاباز اشاره نموده و می‌نویسد:

حارب أمير جمشيد مع جيش غازان خان في حدود آذربيجان و تمنع الامير المذكور في جبال هكارى فلم يقدروا عليه، وكانت الغلبة معه لذالك، ثم اغتاله جيش كثيف لغازان

۱. امیر ابراهیم حکمران آذربایجان بود و هنگام حکومت در تبریز وفات نمود و در محله دوچی به خاک سپرده شد. پس از دفن ایشان و گذشت سال‌های متعدد از وفات او در بین محققین اختلاف نظر به وجود آمد که مزار موجود در آنجا از آن کیست. عده‌ای از آنها از جمله مؤلف تاریخ اولاد اطهار و آیت الله حاج میرزا کاظم دینوری او را محدث جلیل سید ابراهیم بن حسین بن علی بن حسین -علیهم السلام - معرفی کرده و در مقابل افرادی چون صاحب تاریخ دنبیان و صدرالاسلام محمد امین امامی خوبی صاحب قبر را امیر ابراهیم ذکر کرده‌اند.

خان فی ضواحی خوی، واشتد القتال بینهما فی لحف جبل «چله خانه» حتی قتل فیه امیر جمشید المذکور و دفن فی قریة سیاه باز و علی قبره قبة من الحجر الاسود، و قبره مزار لاهالی تلک النواحی.<sup>۱</sup>

عبدالعلی کارنگ به نقل از نسخة خطی تاریخ دنبیلان در مورد فرزندان امیر ابراهیم و بقیة جمشید بیگ می‌نویسد:

از این امیر هفت پسر به جا مانده: امیر جمشید، امیر حاجی بیگ، امیر احمد بیگ، امیر اسمعیل بیگ، امیر محمد شد ولی در جوانی مُرد و در کنار قبرستان «سیاباز» در چهار فرسخی خوی مدفون شد. گنبدی از سنگ دارد و مزار است، تاریخش هشتصد و نود ...<sup>۲</sup>.

۱. مرآة الشرق، ج ۱، ص ۱۰۹. ۲. آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۶۴.

## بـ بقـعـة پـیـر عـمـر نـخـجوـانـی

از جمله بقاعی که در حومه شهرستان خوی و در روستای پیرکنندی قرار دارد، بقعه پیر عمر نخجوانی از مشاهیر و بزرگان نخجوان (درگذشته ۶۱۸ق) است، و او را «خواجه عمر برنج فروش» می‌گفتند. او پدر شیخ حسن نخجوانی معروف به «بلغاری» (درگذشته ۶۹۸ق)<sup>۱</sup> است. حافظ حسین کریلابی که مطلب خود را از افواه گرفته، می‌گوید: حسن بعد از مرگ پدر با مادر به خوی رفت، اماً روایات مربوط به وجود مزار او در خوی می‌رساند که خود پیر عمر به خوی رفته و در آنجا درگذشته و مدفون شده است.<sup>۲</sup>

دکتر محمد امین ریاحی محل دفن پیر عمر نخجوانی را روستای پیرکنندی معرفی کرده و می‌نویسد:

خنجری مزار پیر عمر نخجوانی را در حوالی خوی نشان می‌دهد. به نظر من از قرائین چنین بر می‌آید که مزار پیر عمر در همانجا بوده که حالا پیرکنندی نامیده می‌شود که دهی

۱. شیخ حسن، از بزرگان اولیاء قرن هفتم بوده و سلسله طریقت وی به شیخ شمس الدین رازی می‌رسد. شیخ حسن در تبریز از خدمت ۲۸ تن از اولیاء استفاده نمود و در دوم ربیع الاول ۶۹۸ق رحلت نمود و در مقبره سرخاب، کنار قبر بابا مزید به خاک سپرده شد. (در خصوص حالات شیخ حسن، ر.ک: روضات الجنان، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۵۵).

۲. تاریخ خوی، ص ۸۱.

است در ۲۳ کیلومتری شمال شرقی خوی نزدیک به ایواوغلى.

در ظفرنامهٔ تیموری هم در حوادث سال ۷۹۸ در ذکر شکار جرگهٔ میرانشاه پسر تیمور و از اسب افتادن او که موجب پریشانی دماغش شد، آمده است: در حوالی خوی در مزار پیر عمر نخجوانی.<sup>۱</sup> همین حادثه در حبیب السیر در صحراي مرند در جوار مزار پیر عمر نخجوانی<sup>۲</sup> ذکر شده است.<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup>

نگارنده در سفری که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ ش به روستای پیرکندي داشتم از نزدیک بقعهٔ پیر عمر نخجوانی را مشاهده نمودم بقعه به شکل ۸ ضلعی و با سنگ و ملاط ساخته شده و در دشت نسبتاً وسیعی قرار دارد. داخل و بیرون بقعه توسط سارقان فرهنگی کنده شده و گودال‌های عمیقی به وجود آمده است.

\* \* \*

در روستای پیرکندي دو بقعةٌ مجھول الحال دیگری نیز وجود دارد. یکی درست در رویروی بقعهٔ پیر عمر نخجوانی و در بالای تپهٔ کوچکی و دیگری دورتر از آنها و در پشت کوه و در کنار درختان کهنسال توت واقع شده است که متأسفانه آنها نیز از دست یغماگران میراث فرهنگی در امان نبوده‌اند.

۱. ظفر نامه، ج ۲، ص ۱۹۷. ۲. حبیب السیر، ج ۳، ص ۴۸۱.

۳. در ذیل جامع التواریخ از حافظ ابرو (چاپ بیانی، ص ۲۷) در ذکر بنای بردن سلطان احمد جلایر در سال ۷۸۴ به قرایوسف آمده است: «[ابوسعید از تبریز] در شب بگریخت، و از راه خوی بپرون رفت و در حوالی مزار پیر عمر نخجوانی به قرامحمد رسید». پیدا است که نسخهٔ مغلوط و مغوش است و این غلط از حافظ ابرو در مجلمل فضیحی و حبیب السیر هم راه یافته است: سلطان احمد در شب بگریخت و در نخجوان به قرامحمد پیوست، در حوالی مزار پیر عمر نخجوانی. (مجلمل فضیحی، ج ۳، ص ۱۱۹). از راه خوی به نخجوان رفت و در مزار پیر عمر نخجوانی به قرا محمد ترکمان ملحق گشته از او استمداد نمود. (حبیب السیر، ج ۳، ص ۲۴۷). در ذیل تاریخ گزیده آمده است شهزاده شیخ علی و پیر علی بادبک بالشگر بغداد در تعقیب سلطان احمد ... در راه به هر چه می‌رسیدند می‌بردند و زیارتگاه پیر عمر نخجوانی علیه الرحمة را غارت کردند. (چاپ افشار، ص ۱۰۸).

۴. تاریخ خوی، ص ۸۳.



## بقعه پیر موسی

در ضلع جنوب غربی قبرستان روستای «پیر موسی»<sup>۱</sup> بقعة نسبتاً وسیعی قرار دارد. این بقעה متعلق به یکی از مشایخ و پیران طریقت است که در این مکان آرمیده است. بنای بقעה توسط اهالی روستا<sup>۲</sup> ساخته شده و هم اکنون مزار پیر موسی در داخل بقעה قرار گرفته است. بر فراز مزار صندوق کهنه‌ای قرار گرفته که با پارچه‌های سبز رنگی پوشانده شده است. در ضلع شمالی و شرقی مرقد پیر موسی ۲ اتاق بزرگ و مستطیل شکلی قرار دارد و زائرین در آنها سکنی می‌گزینند. کف بقעה با فرش و گلیم‌های رنگین پوشانده شده و بنای بقעה فاقد هرگونه هنر معماری است.

- 
۱. این روستا در محاوره محلی «پیو موسی» نامیده می‌شود.
  ۲. روستای «پیر موسی» در ۴ کیلومتری شمال غربی خوی قرار داشته و دارای طول جغرافیایی ۴۴°۵۴' و عرض جغرافیایی ۳۴°۲۸' می‌باشد. آب و هوای پیر موسی جلگه‌ای معتدل و خشک بوده و رودخانه‌ای اند از ۳ کیلومتری جنوب آن می‌گذرد. کوه احمد کلگی در یک کیلومتری شمال آن و کوه قره‌قشون در ۵ کیلومتری شمال شرقی آن قرار دارد.





## ◆ بقعةٌ پیروی (پوریا ولی)

در سال ۱۳۷۸ ش استاد علی صدرایی خویی در طی مقاله‌ای علمی و مستدل مزار جهان پهلوان پوریای ولی را در خوی اثبات نمود. به دنبال انکاس این خبر مهم در رسانه‌ها و مجامع علمی روح تازه‌ای در بین مردم فهیم و فرهنگ دوست دارالصفای خوی دمیده شد و مشتاقان علم و ادب خواهان اطلاعات بیشتر در این خصوص شدند. ما به خاطر ارج گذاری به پژوهش استاد صدرایی متن مقاله ایشان را در اینجا نقل می‌کنیم:<sup>۱</sup>

شهر خوی با قدمت چندین هزار ساله خود، گوهرهای نابی را در آغوش خود پنهان نموده که با گذشت زمان تاریخ و یاد آن‌ها از بین رفته و هم اکنون جز مزار گمنامی از آن ستارگان فروزان چیزی باقی نمانده است. امامزاده سید بهلول، مزار یدیلو، امامزاده کوچک، مزار شمس تبریزی، آستانه علی، مزار ربط، بقعة پیر ولی، بقعة ذهبيه، قبر ملا علی، مزار شیخ نوابی و دهها مزار متبرکه دیگر که در خوی و اطراف آن، موجوداند که همه به صورت اثری گمنام در آمده‌اند و اهالی نیز شاهد از بین رفتن و انهدام آنها هستند.

یکی از این مزارات، مزاری است در محله قاضی خوی، موسوم به «پیروی» که همواره

مورد احترام اهالی محل بوده ولی هویت واقعی آن پوشیده مانده است.

برای اینکه ثابت کنیم پیروی صاحب مزار مشهور در خوی، همان پوریای ولی پهلوان مشهور است، ابتدا اطلاعات موجود درباره هر دو نام را ذکر نموده و پس از آن آنها را با هم تطبیق می‌کنیم.

### پیروی کیست؟

برای جستجو در شرح حال وی، راهگشای اصلی اطلاعاتی است که در بین مردمان خوی درباره مزار پیروی زبانزد همه است. طبق این گفته‌ها، اطلاعات زیر درباره این مزار به دست می‌آید:

۱. نام صاحب مزار پیروی است و مزار موجود در قبرستان عمومی محله قاضی، واقع در میانه شهانق و محله قاضی، متعلق به همین پیروی است.
۲. این مزار سنگ قبری داشته که در آن نام صاحب مزار و پدرانش چنین نوشته شده بود:

امیرولی بن امیر محمود بن امیر منصور الشهیر با «شاه منصور» بن امیر بهلول بن امیر جمشید بن امیر ابراهیم الدنبلي.

۳. پیروی پهلوان مشهوری بوده و علاوه بر آن از سجایای اخلاقی بالایی برخوردار بوده است.

۴. نمونه‌ای از کرامات اخلاقی وی که در بین اهالی خوی زبانزد است، داستان هماوردی وی با پهلوانی است که به خوی وارد شده است. در این داستان صاحب این مزار پهلوانی نامدار معزوفی می‌شود که کسی را یارای مقابله و هماوردی با او نبوده است ولی وی علاوه بر قدرت بازو از قدرت روحی بالایی برخوردار بوده، به طوری که وقتی پهلوانی از دیار دیگر به شهر خوی وارد می‌شود و طبق رسم معمول که هر پهلوان تازه وارد باید با پهلوان شهر کشتی بگیرد. وعده دیدار این دو پهلوان معین می‌گردد، لکن پیروی قبل از موعد متوجه می‌شود که پهلوان مهمان مادر پیروی دارد که نهایت آرزویش پیروزی پسرش در این مبارزه بوده و از درگاه خداوندی با تصرع و الحاج درخواست

پیروزی پرسش را می‌نماید. او با اطلاع از این واقعه در روز مبارزه مقاومت چندانی در مقابل پهلوان مهمان، نشان نمی‌دهد و درنتیجه مغلوب وی می‌گردد. این مسئله موجب حیرت اهالی شده و قضیه را پی‌گیری می‌کنند تا به اصل موضوع واقعه می‌شوند که این امر موجب اقبال بیشتر مردم به پهلوان پیروولی می‌گردد.

این است اطلاعات سینه به سینه موجود درباره مزار پیروولی، که هم اکنون نیز در بین اهالی بر سر زیانها جاری است.

### پوریای ولی کیست؟

عنوان پوریا نخستین بار در مجالس العشاق عنوان شده، بدین عبارت: «پهلوان محمد پوریا»<sup>۱</sup> بعد از آن نام همین پهلوان در نفحات الانس یک مورد به صورت «پهلوان محمود پیکیار»<sup>۲</sup> و در اینس الطالبین و عدة السالکین تأثیف شده بعد از سال ۷۸۵ و قبل از ۷۳۹ دو مورد به صورت «پهلوان محمود بکیار»<sup>۳</sup> و از شاگردان بهاءالدین نقشبندی، ذکر شده است. براساس نوشته مجالس العشاق، نام وی پهلوان محمود پوریا است و در خوارزم به کشتی‌گیری اشتغال داشته و در سال ۷۲۲ق زندگی را بدرود گفته و در همان شهر مدفون است.

ولی مرحوم رضاقلی خان هدایت که در سال ۱۲۶۸ق از خوارزم دیدن کرده، بر سر مزار وی حاضر و در سفر نامه‌اش پس از وصف به نام آرامگاه وی می‌نویسد: اسم شریف پهلوان محمود و تخلصش قتالی و پسر پوریای ولی است و در جوانی بر همه پهلوانان ایران و توران به قوت جسمانی غلبه داشته.<sup>۴</sup>

از این نوشته به خوبی روشن است که پهلوان محمود که در خوارزم مدفون است فرزند پوریای ولی است، ولی در مورد پوریای ولی حرفی به میان نیامده است.

۱. مجالس العشاق، ص ۱۹۶.

۲. نفحات الانس، ص ۸۸۲.

۳. اینس الطالبین و عدة السالکین، صص ۱۹۰، ۲۰۶ و ۲۱۷.

۴. سفرنامه خوارزم، ص ۹۰.

در دایرة المعارف تشييع در ذيل مادة «پوريای ولی» چنین مرقوم شده که :  
برخی او را زاده خوارزم دانسته‌اند برخی او را از مردم گنجه نوشته‌اند و در طوماری  
قدیمی او را از مردم سلماس و خوی ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌گردد که در بین سه نظر که درباره زادگاه پوريای ولی عنوان شده، نظر سوم  
چون مستند به سندی قدیم است می‌تواند مورد استناد قرار گیرد و ۲ قول اول فقط در  
حدّ اظهار نظری بدون سند باقی می‌ماند.

اما سند معتبر دیگر در این زمینه اینکه، مرحوم صدرالاسلام محمد امین امامی خویی،  
در کتاب گرانقدرش مرآة الشّرق به مناسبتی متوجه مزار پیروی گردیده و خوشبختانه  
سنگ قبری را که بر روی این مزار بوده رؤیت نموده و از روی آن نام دقیق وی را ثبت  
نموده است. وی چنین می‌نویسد :

و منها قبر امير ولی و يعرف الحال به پیروی و هو امير ولی بن امير محمود بن امير  
منصور الشّهير به شاه منصور بن امير بهلول بن امير جمشید بن امير ابراهيم الدنبلي  
المتقدّم ذكره و كان المترجم مرتاضاً متعبداً محمود السيرة حسن الخصال جليل المقام و  
كان ينسب اليه بعض الكرامات في حياته وكان يقصدونه من البلاد النائية مات سنة ۸۲۰  
و كان قبره مزار العامة يقصدونه لكتشاف الكروب والقضاء الحاجات و لا سيما في ليالي  
الجمعات وقد خربت عمرانها و بنائهما بعد زمان ولكن آثارها باقية فيها يزورونها  
اهماليها .

اقول : و قبره ظاهر معروف إلى الآن على بعد فرسخ من البلد في جهة الغرب الشمالي  
منها ، و تسمى بقعته بـ «قبر پیروی»، يزورونه الناس من القرىب و البعيد ... للامير  
ولي الدين المذكور حكاية مطفرة شريفة، يتناول بها عند أهالي تلك الناحية حتى اليوم،  
يقال: إنَّ الأمير المذكور كان من أعظم أبطال عهده بحيث لم يغله أحدٌ قطّ و ما كان  
يتوقعه، بل لا يحضر ذلك ببال أحدٍ بتاته، لما كان عليه الأمير المذكور من عظيم القوة و  
جليل السلطة و عجيب الهيمة في وقته، مضافاً إلى رفع الشوكة و السيطرة و الامارة و  
واسع القدرة و الحشمة و كان شاباً صاعولاً من صالحيك عصره قد هوى لابنة واحد من  
ذوى الشوكة و المجد من عظاماء وقته، حتى مرض لذلك و اشتَدَ عليه مرضه يوماً بعد يوم

فاظهر لها سرها المكتون و التمسها بانجاح مطلوبه، فقالت له أمه: و كيف يتيسر لنا ذلك  
يابني و الرجل من أشرف شرفاء و قته ... حتى وردت العجوزة على الشريف وأظهرت له  
قصده ... فقالوا لها : إن لهذا الأمر شرطاً لا بد من ايتانه إن كنتم تقدربذلك، وهو أن ابنتي  
هذه قد عهدت أن لا تتزوج إلا ممن يغلب على أمير ولـى الدين في المعاركة معه.<sup>۱</sup>

بعد از آن داستان را نقل نموده که پایان آن همانند نقلی است که صاحب مجالس العشاق

نقل کرده است . با ملاحظة مطالب ذکر شده چند نکته به خوبی مشخص می شود :

۱ . بقیه ای که در خوی به نام پیروی مشهور است ، متعلق است به پوریای ولی یعنی امیر  
ولی فرزند امیر محمود فرزند امیر منصور فرزند امیر بهلول فرزند امیر جمشید فرزند  
امیر ابراهیم دنبی ، متوفای سال ۸۲۰ هجری قمری است که به جهت جوانمردی که از  
خود نشان داده و کمالات روحی که داشته مورد احترام مردم بوده و پس از فوتش مزارش

مورد توجه اهالی بوده و بنایی برای آرامگاه ولی بنا نموده اند .

۲ . پوریای ولی را پسری بوده آن هم بهلوان که نامش محمود و در اشعارش به قتالی  
تخلص می نمود . بهلوان محمود را به جهت شهرت پدرش در میان مردم با نام پدرش  
می شناخته اند و بدین جهت شرح حال وی در اغلب کتاب ها با شرح حال پدرش -  
پوریای ولی - اشتباه شده است .

۳ . چون پدر بهلوان محمود اهل خوی و مدفون در خوی بوده در منابع اصل و اصالت وی  
را از خوی دانسته اند چنان که بدان اشاره گردید .

۴ . مزار بهلوان محمود فرزند پوریای ولی هم اکنون در خوارزم باقی و مورد توجه مردم  
است .

۵ . اندیشه ها و نظریات پوریای ولی و فرزندش بهلوان محمود امروزه در ورزش باستانی  
ایران مورد توجه شدید است و آن دو را پیش کسوت این فن می دانند و دستوراتی که از  
آنها در این زمینه باقی مانده مورد توجه و عمل دوستداران این ورزش است .

## مزار پوریای ولی

این مزار فیض آثار در منطقه ای ما بین محله شهانق (شاهنگ سابق) و محله قاضی در  
خوی واقع است که در چند دهه گذشته محوطه آن به صورت قبرستان عمومی درآمده

۱ . مرآة الشرق ، ج ۱ ، ص ۱۱۰

است. بنای اصلی آن بر اثر جنگهای مداوم که در دوره صفویه در این منطقه صورت گرفته، از بین رفته و امروزه بنای ساده‌ای از خشت خام و گل به صورت چهار دیواری با سقف چوبی، بر آن مزار احداث شده است و بنا بر اعتقادی که مردم به آن دارند چند تن از سادات در داخل این بنا دفن شده‌اند.

این بنا بر روی یک برآمدگی بنا شده و گمان می‌رود که این برآمدگی بر اثر تخریب بنای اصلی به وجود آمده که به مرور زمان به صورت تلی از خاک درآمده و این بنا بر روی آن بنا شده است و شاید سنگ قبر آن که قبلاً ذکر گردید در زیر همین بنا مدفون باشد.<sup>۱</sup>

\*\*\*

امروزه بنای ساده‌ای از خشت خام و گل به صورت چهار دیواری با سقف چوبی، بر سر مزار پوریا ولی قرار دارد که سال‌ها تحت مراقبت و حفاظت سلاله‌السادات حاج میر یحیی بختیاری نژاد قرار داشته است.

در داخل بقعه مزار سید جلیل القدر مرحوم سید علی بختیاری نژاد و همسرش سیده معصومه قرار دارد. نسب نامه مرحوم سید علی چنین است:

سید علی فرزند سید بختیار فرزند سید خدایقلی فرزند سید نوروز خان (مشهور به سید نریمان) فرزند سید علی محمد (جد سادات ینگجه سادات) فرزند سید سلیمان خان فرزند سید اسکندر فرزند سید محمد خان فرزند سید نظرعلی خان فرزند سید عظیم فرزند سید نظرعلی فرزند سید محمد عظیم خان فرزند سید محمد تقی فرزند سید محمد صفی خان فرزند سید علی (مشهور به میر قلینج) فرزند سید محسن فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند سید شرف الدین فرزند سید محمد مصری ملقب بالحجازی فرزند سید شجاع الدین فرزند سید محمد فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید علی فرزند سید حسین فرزند سید جعفر فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین - علیه السلام -<sup>۲</sup>.

۱. ائم الطالبین و عدة الساکنین ، صص ۱۹۰ و ۲۰۶ و ۲۱۷ .

۲. با توجه به اختلافی که از سید علی (پدر سید حسن بابا) به بعد، در بعضی از نسب نامه‌ها دیده

در حدود پنج متری جنوب شرقی بقعه پوریا ولی، مزار بانو سیده هاجر و برادرش آقا میر جبار قرار دارد که مورد توجه خیل کثیری از مؤمنین محل بوده و بویژه استفاده از خاک مزار سیده هاجر برای دفع آفات و سموم باغات و مزارع به تجربه رسیده است.

هم اکنون بقعه پوریا ولی در ابتدای بلوار رسالت قرار داشته و قبرستان پیروی مدن گروهی از مؤمنین از جمله ابوی حقیر مرحوم علی الوانساز، جدّ بزرگوارم مرحوم احمد آقا الوانساز و جدّ اعلایم مرحوم استاد علی قدکچی فرزند مرحوم ملا محمد در آن واقع شده است.

→  
می شود، موارد اختلافی چنین است: سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب بالحجازی فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید حسن فرزند علی فرزند علی بن الحسین علیهم السلام.





## ◆ بقعة خاک مردان

از جمله بقاعی که در حومه شهرستان خوی قرار دارد بقعة روستای خاک مردان است. با اینکه نگارنده خیلی سعی نمود تا اطلاعاتی از صاحب بقעה به دست آورد ولی موفق نگردید. بدین منظور دوبار به روستای خاک مردان سفر نموده و از نزدیک بقעה را مورد مطالعه قرار دادم. بقعة خاک مردان در پایین تپه نسبتاً کوچکی قرار گرفته و به شکل مربع و دارای در ورودی و پنجره می‌باشد. املاح مورد استفاده در آن ملاط و سنگ بوده و دارای یک گندب ضربی است.

بقعه یاد شده در اثر عدم توجه مردم در حال تخریب می‌باشد و عمل ننگین غارتگران فرهنگی که به منظور پیدا کردن دفینه و جواهرات داخل بقوعه را زیر و رو کرده‌اند، بر تخریب و ویرانی آن افزوده است.





## ◆ بقعة ذهبية

یکی دیگر از مزارات شهرستان خوی، بقعة ذهبية است که در جنوب غربی میدان بسیج، داخل کوچه شهید نصیرزاده قرار دارد. این مزار در بین مردم محل معروف به «مزار خان»، «مزار پرویزخان»، «مقبره ذهبيه» و «ذهبی مسجدی» است. با ظهر سلسله ذهبيه در اول نیمة قرن چهاردهم در خوی، به رهبری میرزا عبدالکریم اعجوبه زنجانی و شاگردش پرویزخان سلماسی صدقیانی مراسم ذکر و ورد آنها در محل فعلی بقوعه، که آن زمان بقعة یکی از اولیاء الهی بود، برگزار می شد و محل تجمع دراویش ذهبيه بوده است.

در ذیل شرح حال میرزا عبدالکریم اعجوبه زنجانی و پرویزخان سلماسی که بقوعه مذکور به نام آنها مشهور است، آورده می شود:

میرزا عبدالکریم رایض الدین زنجانی متخلص به «اعجوبه» نخستین شخص از سلسله ذهبيه است که در این محل به خاک سپرده شده است. وی تحصیلات مقدماتی را در در تهران آموخت، سپس در موضوعات مختلف به تحصیل پرداخت. پس از آن مشغول تدریس حکمت، فلسفه و اصول گردید و بعد از مدتی از تدریس و قیل و قال

مدرسه خسته شد و خواست که حقیقت را دریابد و بدین خاطر به جستجو پرداخت. وی روزی در کنار آستان حضرت سید عبدالعظیم حسنی -علیه السلام - با قطب سلسله ذہبیہ - راز شیرازی - بر خورد نمود و مجنوب کمالات وی گردید و در ردیف مریدان او در آمد. او با این دیدار از درس و بحث کناره گیری نمود و وارد جرگه صوفیان گردید و پس از دو سال ریاضت از طرف مراد خویش مأمور راهنمایی و ارشاد مردم آذربایجان شده و حدود ۱۵ سال در شهرهای ارومیه، سلماس، خوی و توابع آنها مشغول تبلیغ و تألیف ۴۳ جلد کتاب گردید.

اعجوبه زنجانی در سال ۱۲۹۹ق موافق با ۱۲۶۰ش رحلت نمود و طبق وصیتش در محل کنونی به خاک سپرده شد.

دومین نفر از این سلسله که در بقعه ذہبیه آرمیده، پرویزخان سلماسی ملقب به «صفیرالعارفین» است. او در روستای «صدقیان» از توابع شهرستان سلماس دیده به جهان گشود. پدرش، فرج خان، پدربرزگش، حاجی اسماعیل خان لک و برادرش، ابراهیم خلیل خان سرتیپ از سران قبیله «لک» بودند.

وی ادبیات عرب و فارسی را در روستای «حمزه‌کندی» و مدرسه علوم دینی شفیعیه به اتمام رساند و سپس به تحصیل نجوم و ریاضیات همت گماشت.

صفیر العارفین در یکی از سفرهای اعجوبه زنجانی به آذربایجان، شیفتة مقام معنوی وی گردید و به وسیله او در سلسله ذہبیه داخل شد. او نزدیک به ۱۵ سال در خدمت استاد به ریاضت پرداخت و بعد از رحلت استادش جانشین وی شده و ریاست سلسله ذہبیه را بر عهده گرفت.

واخر عمر پرویز خان، مصادف با کشت و کشتار مسلمانان سلماس توسط اسماعیل سمیتقو و ارامنه بود که به اصرار مریدانش از صدقیان به خوی منتقل شد و در این شهر سکونت نمود. در زمان وی بسیاری از رجال و اعیان خوی مریدش شده و در سلماس، خوی و ارومیه نفوذ زیادی یافت. پرویز خان شعر می‌سرود و «صفیر» تخلص می‌کرد و در عیدهای مذهبی، شاعران اشعار خود را در پیش وی می‌خواندند.

آثار پرویز خان عبارت است از:

۱. جواهر الکلام؛
۲. رساله سؤال و جواب؛
۳. رساله تطبیقیه؛
۴. مختصر المراثی؛
۵. رساله یوسفیه؛
۶. سراج القلوب؛
۷. استله پرویزیه؛
۸. جلالیه (حاوی مجموعه اشعار).

صفیرالعارفین در روز چهار شنبه ۶ ذیقعدة‌الحرام ۱۳۳۶ق برابر با ۲۲ مرداد ماه ۱۲۹۷ش رحلت نمود و در حوار مزار استادش دفن گردید. میرزا عبدالحسین شاعر خوبی در ماده تاریخ وی گوید:

الف از «آنه» چو حذف شود      هست تاریخ «آنه غفار»

۱۳۳۶ ق

پس از دفن آنها، هفت تن از نزدیکان و پیروان ذهبیه در آن محل دفن شده‌اند که اسمی آنها چنین است:

۱. خسرو خان فرزند پرویز خان سلماسی.
  ۲. شریف الدین پرویزی فرزند پرویز خان سلماسی.
  ۳. محمد علی خان پسیان ملقب به «کشاف الاسرار»، رئیس ذهبیه تبریز (درگذشته ۱۳۰۵ش).
  ۴. سید حسین ریاطی (درگذشتة ۱۳۱۳ش).
  ۵. محمد رحیم خان نصرت الملک ماکویی (درگذشتة ۱۳۴۰ش).
  ۶. حسام الدین خسرو پرویزی نواده مرحوم پرویز خان (درگذشتة ۱۳۴۴ش).
- ایشان تمام شش دانگ یک قطعه زمین واقع در بخش دو خوی نزدیک «دوازه محله»

را در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۱ ش وقف بقعه جدش پروزیز خان سلماسی نموده که متن وقف نامه هم اینک در اداره او قاف خوی موجود می‌باشد.

۷. شمس الدّین پرویزی پسر خسروخان و نوّه پرویزخان (۱۲۸۲- ۱۳۵۸ ش).

شایان ذکر است که سه نفر اولی در داخل ضریح و بقیه در کنار ضریح دفن شده‌اند. ضریح یاد شده به شکل مستطیل بوده و بدنه آن از چوب و قسمت‌های فوچانی آن از میله‌های آهنی ساخته شده است. در قسمت‌های فوچانی ضریح اسمی مدفونین داخل آن، به صورت زیر نوشته شده است:

قب حضرت صفیر العارفین مرحوم پرویزخان سلماسی، مرحوم خسرو خان، مرحوم شریف الدّین خان، مرحوم محمد علی پسیان کشاف الاسرار، حضرت ریاض الدّین اعجوبه ۵، به علاوه یک نفر از اولیاء الله که تاریخ حیات و اسم او معلوم نیست. راجع به تاریخ حیات پنج نفر از بزرگان فوق رجوع فرمائید به کتاب تذكرة اولیاء ۱۳۲۲ شمسی.

جانب شمالی ضریح، رواق بزرگی قرار دارد که تصاویری از حضرت اعجوبه و پرویزخان سلماسی در آن قرار دارد. بقیه ذهبيه دو کفش کن دارد. کفش کن اولی درست رو به روی ضریح قرار دارد و کفش کن دومی به رواق شمالی باز می‌شود. بقیه دارای دو درب ورودی است. درب آهنی چهار لنگه‌ای که به حیاط بقیه باز می‌شود و درب چوبی که در ضلع جنوبی بقیه تعییه شده و عبارت زیر بالا ایش حک شده است:

مقبره حضرت ریاض الدّین اعجوبه و حضرت خان پرویز صفیر العارفین رؤسای وقت سلسله جلیله ذهبيه آذربایجان و سایر اولیاء الله.

بنای اولیه بقیه ذهبيه از یادگارهای نصرت‌الملک ماکویی مؤلف کتاب خوانین ماکو است. وی از باب میل و علاقه‌ای که به این سلسله داشته در سال ۱۲۹۷ ش بنای فعلی را بنیاد نهاد. شمس الدّین پرویزی نواده پرویزخان سلماسی در خصوص بقیه ذهبيه

می‌نویسد:

... در ۱۲۹۷ شمسی آقای حاج محمد رحیم خان نصرت‌الملک ماکوئی ذهبی را که از مریدان خالص بود، توفیق حاصل و ساختمان فعلی را که حالیه موجود است، بنانموده. از عجائب روزگار هم یکی این است برای ساختمان مزبور بنای محکمی گذاشته شده موقعی که در حدود دو سه متر پی کمی کردنده، عمله‌ها ملاحظه می‌کنند در زیر خاک یک عده جنازه ردیف هم قرار گرفته‌اند. بعداً معلوم شده که اینها شهید شده‌اند، زیرا که بالباس دفن شده حتی یک نفر از آنها که در ردیف اول بوده لباس سبزی رنگ داشته، لباس و بدن او پوسیده نشده، ولی متأسفانه تاریخی نداشت. از آثار و علائم شهر خوی که جنازه‌ها در سه متر پائین‌تر بوده تصوّر می‌رود از چندین صد سال قبل اتفاق افتاده عده‌ای از اهالی خوی جنازه‌های مزبور را ملاحظه و مجدداً به خاک سپرده‌اند ... حالاً وقتی که در خوی داخل مقبره منوره اولیاء کبار می‌شوید از طرف پائین پایک قبر بزرگ موجود است، صندوق ندارد. در پائین پا که انسان می‌ایستد، طرف راست ردیف اول، قبر همان امامزاده و یا اولیاء بوده، طرف چپ ردیف اول یا آخر قبرها، قبر حضرت اعجوبه، در وسط اینها قبر حضرت خان و حضرت کشاف الاسرار و مرحوم ابوی و مرحوم اخوی شریف‌الدین خان دفن شده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. تذكرة الاولیاء، صفحات مختلف؛ تاریخ خوی، آقاسی، ص ۵۶۷؛ سیماخ خوی، ص ۲۰۳.



## ◆ بقعة شاه محمد حنفيه

در حدود ۱۳ کیلومتری روستای «شعبانلو»<sup>۱</sup> و در کنار جاده خوی - سلاماس بقعة نسبتاً بزرگی قرار دارد که در بین مردم محل به «بقعة شاه محمد حنفیه» معروف است. این بقعه متشکل از یک دهليز و اتاق بزرگی است. داخل اتاق یک سنگ فسیلی بزرگی قرار دارد که در اثر گذشت زمان قسمت‌های بیشتری از این سنگ شکسته و از بین رفته است.

در قسمت غربی سنگ مذکور سوراخی به قطر ۳۰ سانتیمتر وجود داشته و مردم معتقد بودند که اگر مريضى با خلوص نيت از اين سوراخ رد شود بيماريش كاهش يافته و يا بهتر مى شود اما در چند سال گذشته اطراف سنگ ياد شده توسيط عده‌اي کنده شده و سوراخ مذکور شکسته شده است.

در مورد قدمت و سابقه تاریخی بقعه شاه محمد حنفیه اطلاعی در دست نیست و احتمال دارد این بقعه در اثر ترویج و تبلیغ گروه کیسانیه که در گذشته‌های دور در آذربایجان فعال بودند؛ به وجود آمده باشد.

۱. روستای «شعبانلو» از توابع دهستان رهال می‌باشد که دارای آب و هواي دشتی، معتدل و خشک است. اين روستا در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی خوی قرار دارد. طول جغرافیای روستای شعبانلو ۵۵ و عرض آن ۳۸°۲۶' می‌باشد و دارای معدن عظیم نمک است، رودخانه قره‌سو از جنوب آن می‌گذرد.





## ﴿ بقعة عرب آقا ﴾

از جمله بقاع و مزاراتی که در زمان محمد رضا شاه پهلوی در خوی از بین رفته و دیگر اثری از آن نیست، مزاری است متعلق به عالم و عارف ربانی مشهور به «عرب آقا» و پرسش. حالات عرفانی و زیست نامه ایشان در منابع رجالی و تراجم نگاری ذکر نشده و اطلاعات ما فقط سروده عالم وارسته حاج شیخ حسن بصیری در حق آن عزیز از یاد رفته است. وی در خصوص او چنین سروده است:

تحت یک گنبد که بوده شاهوار	در دیار خوی دو قبر همچوار
زان تو تا سید بدونیکو حرم	نژد اهل خوی مزاری محترم
بر عرب آقا بُد آن دو مشتهر	آن دو گویی پدر بود و پسر
بر عنایات الهی مستحق	اهل ذکر اهل تقوی اهل حق
عالم و عارف بُد و نیکونهاد	پاک بودند آن دو مرد پاکزاد
روز و شب چون شمس طالع جلوه کرد	مرقد پاک و شریف آن دو مرد
از خدای مهربان آید فرود	بر روان پاک ایشان بس درود
من زیارت کردم آن دونیک پی	بود در دروازه سلاماس خوی

غصب کردند آن مزار مومنین  
 رحمت رحمان بود آمارشان  
 عهد طاعت بر خدای خویش بست<sup>۱</sup>

در زمان پهلوی دومین  
 شد خراب و محو شد آثارشان  
 گو «بصیری» خادم اهل حق است



## ❖ بقعه علمدار

در غرب روستای «بدل آباد» و بر فراز کوه «علمدار» بقعه‌ای قرار دارد که در بین مردم محل مشهور به «علمدار علوی» است. هویت واقعی و شرح حال ایشان بر کسی مشخص نیست اما آنچه از پیشینیان سینه به سینه نقل شده حاکی از این است که وی در جنگ چالدران تحت فرماندهی شاه اسماعیل صفوی برای دفاع از کیان کشور همراه قشون صفوی به جنگ با قشون عثمانی به چالدران آمد و در لشگر شاه اسماعیل سمت علمدار را داشت. وی بعد از مجروحیت به علل نامعلومی سر از کوههای اطراف بدل آباد در آورد و مورد لطف و محبت مردم آن سامان قرار گرفت اما پس از مدتی در اثر جراحات واردہ در همان روستا چشم از جهان فرویست و در محل کنونی بقعه به خاک سپرده شد.

از مختصات بنای اولیه بقعه اطلاعی در دست نیست اما بنای فعلی آن که به همت بانوی نیکوکار مرحومه فاطمه مرشدی احداث شده، متشکل از بنای نسبتاً کوچکی است با دو پنجره که به سمت شمال و جنوب باز می‌شود که پنجره سمت شرق اکنون بسته شده و درب ورودی از سمت شرق تعییه شده است.

در قسمت بیرونی ضلع جنوبی بقعه سه نفر در دل خاک آرمیده‌اند که مزارهای آنها

عبارتند از:

۱. مزار مرحومه فاطمه مرشدی، بانی فعلی بقعه.

۲. مزار کربلایی صادق فرزند فاطمه مرشدی، که هنگام ساخت بقعه تلاش‌های فراوانی در کنار مادرش نمود.

۳. مزار دختر کربلایی صادق و نوه فاطمه مرشدی.

در چند متری آرامگاه، سفره تخته سنگی وجود داشت که از وسط آن آب تراوش می‌کرد و در محل جمع می‌شد و مردم از آن وضو می‌گرفتند ولی به علت استفاده ناصحیح، آب آن خود به خود قطع شد که محل آن هنوز باقی است.

متأسفانه چندی پیش یغماگران فرهنگی کاری ناپسند انجام داده و اقدام به نبش قبر علمدار و سوراخ نمودن دیوارهای بقعه نمودند که بعد از آن توسط خیرین محلی بازسازی گردید.

زيارتگاه علمدار از سال‌های دور مورد توجه اهالی منطقه و روستاهای همجوار می‌باشد و مردم در روزهای پنج شنبه و ماهای صفر و محرم برای زیارت آرامگاه علمدار به بالای کوه می‌روند و پس از ذبح قربانی به زائرین ولیمه می‌دهند.<sup>۱</sup>

## ♦ بقعة قره شعبان

بر بالای تپه کم ارتفاع و گورستان قدیمی روستای «قره شعبان» قبر کهن‌هه و فرسوده‌های قرار دارد که در میان مردم خوی به «بقعة قره شعبان» معروف است. در رابطه با اسم و تاریخ حیات صاحب مزار هیچ اطلاعی در دست نیست و بنا به اظهارات پیران و سالخوردگان روستا، قبر مذکور مزار سیدی از تبار رسول خدا -صلی الله علیه و آله- است و هم اکنون نیز مزار مزبور با عنوان امامزاده مشهور و معروف است. مزار امامزاده قره شعبان در طی سال‌های گذشته به منظور دست یافتن به دفینه، توسط عده‌ای کنده شده که در سال ۱۳۷۹ ش به همت یک فرد خیر به طرز با شکوه، مرمت و بازسازی گردید و هم اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنای امامزاده متشکل از یک اتاق بزرگی بوده و حدود یک متر از سطح قبرستان بالاتر می‌باشد. بر بالای مزار، یک ضریح آهنی قرار دارد و مزار امامزاده فاقد هر گونه نوشته‌ای است. مقبره امامزاده دارای یک درب ورودی و سه پنجره می‌باشد که از ضلع‌های شمالی و جنوبی تعییه شده است. در جانب شرقی ضریح، دو نفر از سادات روستا در طی سال‌های گذشته در مقبره دفن شده‌اند.

گورستان روستای قره شعبان یکی از گورستان‌های تاریخی و قدیمی خوی می‌باشد و هم اکنون که ۲۰ مرداد ماه ۱۳۸۱ش می‌باشد، شکسته‌های قوچ‌های سنگی در اطراف بقعه به چشم می‌خورد.

## بیوگرافی ملا علی خویی

عارف ربانی، حاج ملا علی خویی فرزند شیخ‌الاسلام ملا حسن خویی فرزند ملا عبدالنبي تسوچی، عالمی پارسا، عارفی روشن ضمیر، عابدی خداترس و روی گردان از دنیا بود. ایشان به کلی دور از جریانات اجتماعی و سیاسی بود و برخلاف آباء خویش هیچ پست رسمی نداشت.

از محل تولد و زندگی نامه وی اطلاع زیادی به دست نیامد، اما اجدادش تا ۱۲ پشت از عالمان محل و از شخصیت‌های تأثیرگذار در منطقه آذربایجان بودند. نسب نامه وی که منتهی به حبیب بن مظاہر می‌شود، چنین است:

ملا علی فرزند شیخ‌الاسلام ملا حسن فرزند ملا عبدالنبي طسوچی<sup>۱</sup> فرزند ملا علی نقی طسوچی فرزند ملا محمد تقی طسوچی فرزند ملا تاری ویردی طسوچی فرزند ملا اجاق قلی طسوچی که آخرش منتهی می‌شود به حضرت حبیب بن مظاہر یار وفادار حضرت سید الشهداء سلام الله عليه.<sup>۲</sup>

۱. صدرالاسلام محمد امین امامی خویی - از نوادگان ملا عبدالنبي - او را پسر محمد شرف‌الدین معرفی می‌کند. (دانشنامه ایران گمنام)، صص ۹۸-۹۷.

۲. میراث اسلامی ایران (تذکرة المعاصرین)، ج ۸، ص ۳۹۸.

عشق و علاقه ملا على به خاندان نبوی زبانزد عام و خاص بود، در اواخر عمر سر نترشید و گیسوان سفید داشت و به رسول عربی اقتداء می‌کرد.

در زمان حیات و ممات ایشان کرامات زیادی از ایشان مشاهده شده که به ذکر دو نمونه از آنها بسنده می‌کنیم. مرحوم امین الشرع خویی در این خصوص می‌نویسد:

۱. سید محمد نام حکایت می‌کرده که: من معتاد به شرب قلیان بودم و همواره قلیان را با ذغال موره که از مو درست می‌کنند صرف می‌کردم - گویا آن ذغال در قیلان موجب شیرینی و خوش مخصوص می‌شد - بعد از آن چند ساعت از شب گذشته معلوم کردم که موره ذغال تمام شده و بی قلیانی بر من بد می‌گذشت. ناچار در دل شب با کمال شرمندگی به در خانه مرحوم حاجی عازم شدم. زیرا که می‌دانستم در حیاط ایشان موره بسیار است و در دل خیال می‌کردم که شاید حالا اهل بیت خوابیده باشند و من اسباب زحمتی بوده باشم. با کمال خجلت همین که در را با دفعه زدم بلا فاصله دیدم خود مرحوم حاجی یک دست موره در دست گرفته، در را باز کرد و فرمود: هان سید محمد علی به جهت موره آمده‌ای؟ اینک موره بگیر. و بدون اینکه هنوز از من اظهاری شود، موره را به دست من داد و برگشتند.

۲. مرحوم حاجی ابراهیم تاجر که شخص صادق و امینی بود حکایت می‌کرد که: روز عییدی بود و من با مرحوم حاجی سید هاشم تاجر به دیدن مرحوم امام جمعه که برادر کوچکتر حاجی بود می‌رفیم. دیدم مرحوم حاجی دم درش زیر درخت نارون نشسته‌اند. سلام داده و گذشتم. بعد از مسافت زیاد با همدیگر به طریق نجومی از حاجی غیبتی کردیم که این برادر بزرگ با این حالت بیکاری نشسته و آن دیگر کوچک ملجاً عموم است. ناگاه آن مرحوم ما را صدا زد و فرمود: حاجی جان غیبت نکنید هر کسی را به رکاری ساخته‌اند. وظیفه و تکلیف آن همان است و تکلیف من هم این است. غیبت و بحث کردن بر تو شایسته نیست، پس با تمام خجلت و شرم‌ساری رفتیم.<sup>۱</sup>

حاج شیخ حسن بصیری در توصیف آن مرد الهی گوید:

یکی دیگر ز مردان الهی      که نسلش پاک بوده از تباہی  
فقیه و عارف و اهل ریاضت      محب و مخلص و عبد ولایت

۱. میراث اسلامی ایران (تذکرة المعاصرین)، ج ۸، صص ۳۸۷-۳۸۸.

که بُد با جامهٔ تقوی ملبس	اصیل و هم شریف و هم مقدس
که تخم پارسايی را از آن کاشت	کمال بندگی را بر خدا داشت
کمال معنوی حقاً درین بود	نشان قرب حق اندر جبین بود
مخالف هر که باشد کور بودی	تمام زهد و تقوی نور بودی
که سالک بر ره مولی علی بود	مسی بر حاجی ملا علی بود
مقامش قرب ذات کبریا بود	مزارش مأمن اهل ولا بود
بگردد اهل دل هر دم بکویش	بماند تا ابد نام نکویش
جبین بر خاک پاک اتقیا سود <sup>۱</sup>	«بصیری» مادح اهل صفا بود

ایشان، سه سال قبل از وفات حضرت آخوند نوایی و در زمان حیات پدرش، در سال ۱۲۵۶ق مطابق با ۱۲۱۹ش دعوت پروردگار عالمیان را تبیک گفت و در جوار رحمت حق آرام گرفت. در ماده تاریخ وفات وی گفته‌اند:

علی لم یمت بل عاد فی الفردوس حیاً.

وی عاشق و دلباخته سalar شهیدان بود و بدین خاطر قبل از رحلت، وصیت کرد که ایشان را در سر راه کاروان‌های زوار امام حسین - علیه السلام - دفن نمایند. چون وفات نمود او را در محل فعلی - در دامنهٔ تپه غضنفر و کنار جادهٔ خوی - سلماس که آن زمان محل عبور کاروان‌های زیارتی امام حسین - علیه السلام - بود - دفن کردند.

اطراف مزار ملا علی قبور عده‌ای از علماء، سادات و نوادگان وی است که در جوار تربت ایشان به خاک سپرده شده‌اند.

در سال‌های گذشته در اثر احداث جادهٔ خوی - سلماس، مزار وی در نیمهٔ غربی قرار گرفت. بقعهٔ ملا علی متشکّل از چهار ستون و گنبد آجری ضربی است. کف بقعه با آجرهای مریعی شکل مفروش شده و مزار ملا علی درست در زیر گنبد قرار دارد. مزار فاقد هر گونه نوشته است. کنار بقعه سنگ نسبتاً بزرگی قرار دارد که تاریخ تعمیر و احداث بقعه در آن حک شده است. متن آن سنگ چنین است:

آرامگاه ابدی، مرحوم ملا علی خویی با همت جناب آقای حاجی قلی خان کیانی و با مبادرت آقای حاجی علی اکبر آزرم تعمیر و احداث گردید ۱۳۳۳.

بنای فعلی بقعه در سال ۱۳۸۸ ش به همت نواده آخوند ملا علی، جناب مهندس غلامعلی شریف به طرز شایسته‌ای بازسازی گردید و هم اینک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

\*\*\*

پدر آخوند ملا علی، شیخ‌الاسلام ملا حسن خویی اولین امام جمعه خوی از خاندان تسوجی بود که مسجد ملا حسن در مرکز شهر به نام اوست. برادرش حاج آقا حسین امام جمعه، بانی «مدرسه حاج آقا حسین امام جمعه» در جنب مسجد ملا حسن، فرزندش حاج شیخ محمد کاظم خویی و نواده‌اش آیت الله حاج شیخ محمد باقر خویی از علماء بزرگان خوی بودند و بازماندگانش با فامیلی «شریف» در خوی معروف هستند.<sup>۱</sup>

۱. میراث اسلامی ایران (تذكرة المعاصرین)، ج ۸، ص ۳۸۷ و ۳۹۸؛ سیماخ خوی، ص ۱۴۴.

## بیان بقیه ملا محمد مؤمن

یکی دیگر از بقاع دارالصفای خوی متعلق به عالم مذهب آخوند ملا محمد مؤمن است که در زمان پهلوی از بین رفته است. ایشان از علمای اواسط قرن سیزدهم بود که به قداست و معنویت شهرت داشت و فوق العاده مورد توجه مردم بود. متأسفانه جزئیات حالات ایشان برای ما روشن نیست. مرحوم حاج شیخ جابر فاضلی در مورد وی می‌نویسد:

از جمله علماء مقدس خوی بود و در حدود سنّة ۱۲۵۰ ق در خوی شهرت تقدس فوق العاده داشت و کراماتی حیاً و میتاً از صادر شده است.

از جمله ناقل موثقی نقل نمود که سابقاً در این شهر معمول بود به لحاظ نامنی شب‌ها سه ساعت بعد از غروب دروازه شهر بسته و مأمورین شبگرد در کوچه‌ها مراقبت نموده و برای حفظ امنیت مانع عبور و مرور می‌شدند. تصادفاً در یکی از آن شب‌ها آخوند مرحوم مهمان ناقل بوده و بعد از ساعت سه می‌خواست به منزلش برود که در خارج شهر در محله شاهانه بود. صاحب منزل مانع حرکتش می‌شود ولی آخوند هم اصرار به رفتن داشت بالاخره در معیت صاحبخانه از منزل حرکت نموده و در مسیر با شبگردی مصادف می‌شوند وقتی که به در دروازه می‌رسند در بسته بود آخوند دست به حلقه دراز

نموده در را باز می‌کند و رهسپار منزلش شده و به میزبان دستور مراجعت می‌دهد.  
بعد از فوتش او را در قبرستان معروف به شاهانه دفن کرده و گنبدی روی قبرش  
تعییه می‌کنند. معروف بود هر کسی که ۴۰ پنج شنبه بر سر قبر به او فاتحه بخواند هر  
حاجت جزئی و کلی داشته باشد برآورده به خیر می‌شود و به تجربه به ثبوت رسیده  
بود. رحمة الله عليه.<sup>۱</sup>

حاج شیخ حسن بصیری ضمن توصیف فضائل اخلاقی و تخریب بقعه ایشان و  
احداث هنرستان شهید رجایی به جای آن و دیگر قبور، چنین سروده است:

یکی دیگر چو دُرّی بس گرانبار	که قبرش بُد مزار هرنکوکار
به قبرستانِ دروازه شهانق	به زیر گنبدی در چرخ دوار
نشان عزت و حرمت در آن قبر	به هر شام و سحر بودی نمودار
تو گو ملا محمد نام او بود	که بر حق و حقیقت بُد هوادار
مزار اهل تقوی اهل حق بود	بزرگان وطن بر وی وفادار
خدایا رحمت بی حد و حصرت	شارش کن جلالش را بپادار
خدایا شهر ما و اهل ما را	به قرب همچو مردانی نگهدار
ولی صد حیف آثارش نمانده	دبیرستان بنا شد هم سردار
زمان پهلوی این کار کردند	نُد بر هیچ کس طاقت بگفتار
«بصیری» درد دل بسیار دارد	اگر باشد مجال حرف و گفتار <sup>۲</sup>

۲. شعر و مناجات، ص ۱۰۲.

۱. تذكرة الفضلاء، خطی.

## ◆ بقعه یدی قارداشلار

باقعه یدی قارداشلار (هفت برادران) در یکی از محلات قدیمی خوی به نام «ربط» و در کنار مسجد ملا عسگر قرار دارد. اصل و نسب مدفونین این بقעה معلوم نیست ولی با توجه به متن سنگ نوشته، صاحب قبر در ردیف شهیدان سرفراز این مرز و بوم قرار دارد. سوره‌گرامی علی صدرایی خویی در خصوص آن بقעה می‌نویسد:

هم اکون چهار قبر در آن بقעה موجود می‌باشد. بنا به نقل اهالی محل یکی از سنگ قبرهای نفیس این بقעה به سرقت رفته است و دو عدد آنها باقی است و یک قبر فاقد سنگ قبر می‌باشد. مشخصات یکی از این سنگ قبرها چنین است: سنگ به شکل مکعب، به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی متر و طول یک ۱/۵ و عرض ۴۰ سانتی متر، روی سنگ و دور تا دور آن حکاکی شده، متأسفانه نوشهای روی آن در اثر طول زمان بکلی از بین رفته است. در اطراف آن در دو جانب طولی «آية الكرسي» حک شده و در جانب عرضی طرف بالاسر، نام صاحب قبر بدین عبارت حک شده: «هذا قبر عاليجناب سعادت نصاب السيد الشهيد امير على بن عاليجناب المغفور ...» و در جانب زیر پا تاریخ فوت وی چنین حک شده: «توفي في غرة شهر محرم الحرام سنة سبع ثلاثين و تسعة مائة غفر الله له ولوالديه».«.

با توجه به قدمت این قبر (سال ۹۳۷ ق) این مزار از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. در عقب این سنگ قبر، سنگ قبری به همین اندازه وجود دارد، لکن نوشته ندارد.<sup>۱</sup>

---

۱. سیماخوی، ص ۱۱۵.

## تکیه حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام -

یکی از مهمترین تکایایی که در حومه شهرستان خوی، مورد توجه مردم منطقه و کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه می‌باشد، تکیه حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام - است که در محاوره مردم محل به «حضرت عباس اوجاقی» معروف است. هیأت امنای تکیه مذکور در خصوص قدمت و وقف آن برای نگارنده گفتند:

بیش از ۲۵۰ سال پیش مردی به نام اللهیار خان که ارباب روستای حمزیان بود محل فعلی زیارتگاه را به عنوان باع برای خود انتخاب نمود و در صدد بازسازی و زیباسازی آن برآمد. کارگران در اثنای کار سنگی را که روی زمین بود در دیوار باع قرار دادند و فردای آن روز که برای ادامه کار مراجعت کردند مشاهده نمودند که سنگ مزبور در محل چیده شده نبوده و در جای قبلی اش قرار گرفته است. به نظر شان می‌رسد کسی به عمد در غیاب آنها سنگ را در محل سابقش قرار داده‌اند. دوباره سنگ را در دیوار قرار می‌دهند و کار را از سر می‌گیرند پس از آن این اتفاق چندین بار رخ می‌دهد. مرحوم اللهیار خان دچار پریشانی و آشفتگی می‌شود فلذا از قصد خود منصرف شده و محل باع را به نام حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام - وقف می‌کند حال سنگ یاد شده در نقطه ثقل تکیه حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام - قرار دارد. از آن روز به بعد آن محل با نام

نامی علمدار عشق، قهرمان کربلا، حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام - شناخته شده و هر سال شاهد حضور خیل کثیری از برادران و خواهران مسلمان از سطح کشور و کشورهای همسایه می باشد.

به تصریح هیأت امنی تکیه، هر سال بیش از یک میلیون نفر به عشق علمدار کربلا، مظہر ایشار و فداکاری حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام - به این تکیه روی می آورند و با ذبح قربانی که سالانه شمارش آن به بیش از ده هزار رأس گوسفند می رسد، برای قبولی حاجات دعا می کنند.

با گذشت زمان و توجه هر چه بیشتر مردم به این تکیه، مسؤولین امر با طرح نقشه جامع به مساحت ۳۳۰۰ متر مربع، بی ریزی «تکیه عباسیه» را از زمستان سال ۱۳۸۸ ش آغاز کردند و امید است با به ثمر رسیدن این طرح عظیم آسایش و رفاه زائران این تکیه هرچه بیشتر تأمین گردد.

هم اینک تکیه حضرت ابوالفضل العباس -علیه السلام - از امکانات رفاهی، بهداشتی، زائر سرا و بازار برخوردار بوده و با عنایت هیأت امنی زحمتکش به اسمی آقایان: احمد احمدی، رمضان صادق زاده و عباد الله ولی زاده و تحت اشراف اداره اوقاف اداره می شود.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از هیأت امنی تکیه عباسیه.

## ◆ منار شمس تبریزی

از زمان وفات شمس تبریزی، در بین محققان داخلی و خارجی این سؤال مطرح بود که مزار شمس در کجا قرار دارد و کدام شهر است که جسم شمس را در خود نهان نموده است تا اینکه دکتر محمد امین ریاحی در سال ۱۳۷۵ش در یک مقاله علمی و مستند ثابت نمود که شمس در خوی به خواب ابدی فرو رفته و مزارش در خوی قرار دارد. به دلیل اهمیت مقاله ایشان عین آن در اینجا درج می شود.

\* \* \*

## تربیت شمس کجاست؟

این تحقیق را در خرداد ۱۳۷۵ در مجله کلک منتشر کردم و بلافاصله در چندین نشریه داخل و خارج کشور نقل گردید و موضوع مورد توجه مقامات مربوط قرار گرفت و کنگره بزرگداشت شمس تبریزی به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریور ۱۳۷۷ در خوی برگزار شد و اعلام گردید که مجموعه فرهنگی شمس تبریزی مرکب از آرامگاه و کتابخانه و تالار

اجتماعات در کنار منار شمس تبریزی احداث خواهد شد و همه ساله در شهریور ماه کنگره بزرگداشت شمس تبریزی در خوی برگزار خواهد شد.

معشوق تو همسایه دیوار به دیوار      در بادیه سرگشته شما بهر چرایید؟  
عارف و متفکر بزرگ شمس تبریزی که برافروزنده شعله وجود مولوی بود کجا  
آرمیده است؟

آرامگاه مولوی در قونیه با عظمت و جلال و شکوهی که دارد مایه آبرو و اعتبار کشور همسایه ماست و هر سال صدها هزار تن از زائران و صاحبدلان با شوق و نیاز به زیارت درگاهش می‌شتابند و با شنیدن نوای دلاویز نی که مدام در فضای آرامگاه طین انداز است غرق شور و لذت می‌شوند، و در آذرماه هر سال در هفتة مولانا در قونیه گروههای انبوه جهانگردان خارجی با حضور در برنامه‌های سمع مولویه وجود و حالی روحانی می‌یابند و به معنویت می‌پیوندند.

اما از آرامگاه مراد و مرشد و پیر مولوی شمس تبریزی که پیروان طریقت مولوی او را خضر راه مولانا شناخته‌اند و نیکلشن مولوی شناس بزرگ نسبت مولوی را به او مشابه حالت افلاطون به ارسسطو دانسته، چه نشانی داریم؟

شمس الدّین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی از رندان و آزادگان و شوریدگان بود. مرحوم جلال همایی بدون ذکر مأخذ نوشته است که رشته نسبش به کیا بزرگ امید اسماعیلی (درگذشته ۵۳۲) می‌پیوست.<sup>۱</sup> او عاشق سفر بود و عمر را به سیر و سیاحت می‌گذرانید و در یک جا قرار نمی‌گرفت. به روایت افلاکی جماعت مسافران صاحبدل او را پرنده گفتندی، جهت طی زمینی که داشته است.<sup>۲</sup>

شمس تبریزی در ۲۶ جمادی الآخر ۶۴۲ به قونیه رسید. با مولانا ملاقات کرد و با شخصیت نیرومند و نفس گرمی که داشت مولانا را دگرگون کرد. تا پیش از دیدار شمس، مولانا از علماء و فقهاء و اهل قیل و قال مدرسه بود.

۱. ولدانه، با تصحیح و مقدمه جلال همایی، ۱۳۱۶، حاشیه ص ۵۲ مقدمه.

۲. مناقب العارفین افلاکی، به کوشش تحسین یازیجی، انقره، ۱۹۵۹، ج ۲، ص ۶۱۵.

در آن زمان به تدریس علوم دینی مشغول بود، و در ۴ مدرسه معتبر تدریس می‌کرد و اکابر علماء در رکابش پیاده می‌رفتند.<sup>۱</sup>

با دیدار شمس، مولانا لباس عوض کرد، درس و وعظ را یکسو نهاد و اهل وجود و سماع و شاعری شد. برای مردم قونیه مخصوصاً پیروان مولانا تغییر احوال او و رابطه میان او و شمس تحمل ناکردنی بود. عوام و خواص به خشم آمدند، مریدان شوریدند، همگان کمر به کین او بستند. شمس بعد از شانزده ماه در ۲۱ شوال ۶۴۳ بیخبر قونیه را ترک کرد، اندوه و ملال مولوی در آن ایام کرانه نداشت.

سرانجام نامه‌ای از شمس رسید و معلوم شد او در شام است. مولوی فرزند خود سلطان ولد را با بیست تن از یاران برای بازآوردن او فرستاد. شمس در ۶۴۴ با استقبال با شکوه به قونیه بازگشت. معاندان از کرده‌ها پشیمان بودند. توبه کردند و عذرها خواستند و مهمانیها دادند، قونیه غرق شورو شادی و وجود و سماع شد. اما این شادمانیها دیری نپایید. باز هم آتش کینه و تعصّب بالاگرفت و رنجها و آزارها به شمس رسید. او با همه عشق و علاقه‌ای که به صحبت مولانا داشت تصمیم به ترک قونیه گرفت. به مولانا می‌گفت:

سفر کردم، آدم و رنجها به من رسید که اگر قونیه را پر زر کردنی به آن کرانکردی، الا دوستی تو غالب بود ... سفرم دشوار می‌آید، اما اگر این بار رفته شود، چنان مکن که آن بار کردنی ...<sup>۲</sup>.

به سلطان ولد، فرزند مولوی هم که نزدیک‌ترین مرید و همراز او بود، بارها می‌گفت: این بار می‌خواهم جایی بروم که کسی نشانی از من نیابد.

خواهم این بار آن چنان رفت	که نداند کسی کجايم من
همه گردندي در طلب عاجز	ندهد کس نشان ز من هرگز
سالها بگزرد چنین بسيار	کس نيايد ز گرد من آثار

۱. همان، ص ۶۱۸.

۲. مقالات شمس تبریزی، تصحیح و تعلیق محمد علی موحد، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۶۷.

چون بمانم دراز، گویند این  
چند بار این سخن مکرر کرد  
ناگهان گم شد از میان همه  
یک دو روز او چو گشت ناپیدا  
بعد از آن چون ورا به جد جستند  
هیچ از وی کسی نداد خبر  
که ورا دشمنی بکشت یقین  
بهر تأکید را مقرر کرد  
تارهد از دل اندھان همه  
کرد افغان ز درد، مولانا  
سوی هر کوی و هر سرا جستند  
نی به کس بر رسید از او نه اثر<sup>۱</sup>

در سال ۶۴۵، شمس بی آنکه کسی آگاه شود قونیه را رها کرد و راه سفر در پیش گرفت. مولوی بی تاب و قرار، مدام در جستجوی خبری از شمس بود. بارها کسانی به او مژده می دادند که شمس را در شام دیده‌اند و او مژده‌گانی‌ها می داد، می گفت:  
خبر رسید به شام است شمس تبریزی      چه صبحها که نماید اگر به شام بود  
با همین خبرها بود که به امید یافتن دوست، دو بار به شام سفر کرد. اما نشانی از او نیافت. افلاکی می گوید: «۴۰ روز بعد از ناپدید شدن شمس، مولانا حسام الدین چلبی را نقیب یاران کرد و خود در جستجوی شمس به دمشق رفت».<sup>۲</sup>

شمس به سلطان ولد گفته بود، و چند بار این سخن مکرر کرده که این بار بعد از ناپدید شدن به جایی خواهد رفت که کسی نشانی از او یابد. ناچار از بیم آنکه مبادا باز هم مولوی بازش گرداند به شام نرفت. چون دری که به آغوش دریا بازگردد روی به سوی وطن نهاد.

ای در به چنگ آمده در عمر دراز      آورده تو را ز قعر دریا به فراز  
غواص نهاده بر کف دست نیاز      غلتیده ز دست و باز دریا شده باز  
عارف جهانگرد از قونیه به کجا رفت؟ در منابع موجود از مقصد سفر او چیزی نیامده است. اما از اینکه مزار او را در خوی نشان داده‌اند، معلوم می شود که مستقیماً یا به طور غیر مستقیم به خوی رفته است. در آن روزها خوی قتل عام و ویرانگری مغول را در سال (۶۲۸) پشت سر نهاده، و رونق و آبادانی از سرگرفته بود، و مهمترین شهر ایران

۱. ولدانمه، ص ۵۲. ۲. مناقب العارفین، ج ۲، ص ۶۹۸.

بر سر راه دیار روم بود. قدیم‌ترین جایی که از وجود مدفن شمس در خوی ذکری رفته در مجلل فضیحی (تألیف شده در ۸۴۵) است که در حوادث سال ۶۷۲ می‌گوید: «فات مولانا شمس الدین تبریزی مدفوناً به خوی که مولانا جلال الدین بلخی المعروف بـ『مولانا روم』 اشعار خود به نام او گفته...»<sup>۱</sup>

در همان کتاب دومین بار در حوادث سال ۶۹۸ در ذکر وفات شیخ حسن بلغاری آمده:

... خرقه از دست شیخ الكامل المکمل الواصل شیخ شمس الدین تبریزی که به خوی مدفون است گرفته.<sup>۲</sup>

مجلل فضیحی منبع معتبری است و فضیحی هروی مؤلف آن مندرجات کتاب خود را از منابع مکتوب کهن‌تر گرفته، و اینکه مدفون بودن شمس را در خوی، دوبار ذکر کرده، اعتبار سخشن را مضاعف کرده است. جز اینکه ذکر ۶۷۲ که سال وفات مولوی است برای وفات شمس جای بررسی دارد.

این هم که می‌گوید شیخ حسن بلغاری خرقه از دست شمس گرفته قرینه‌ای بر ادامه اقامت شمس در خوی و وفات او در آن شهر می‌تواند باشد. زیرا پدر شیخ حسن، پیر عمر نخجوانی از معاصران شمس تبریز مقیم خوی بوده و مزارش در حوالی آن شهر در روستایی به نام «پیرکندی» معروف بوده است.<sup>۳</sup> بنابراین شمس که همیشه به صورت درویشی ناشناس سفر می‌کرده، در خوی رحل اقامت افکنده و مریدانی یافته و مشهور خاص و عام شده و سرانجام سر شوریده بر بالین آسایش رسید آنجا. مرگ او، مرگ درویشی گمنام و مسافری رهگذر نبوده، بلکه با طول اقامت در آن شهر چنان احترام و اعتباری یافته بود که آرامگاه شایسته‌ای بر سر خاکش افراشته‌اند که تا قرنها بعد هم زیارتگاه بوده است.

در منشآت السلاطین فریدون بیگ، در گزارش لشگر کشی سلیمان اول پادشاه عثمانی

۱. مجلل فضیحی، به تصحیح محمود فرخ، مشهد، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲. همان، ص ۳۸۰.

۳. تاریخ خوی، ص ۸۰.

به ایران در بازگشت او از تبریز به دیار روم می‌خوانیم که در سه روزی که در تابستان ۹۴۲ در خوی گذرانیده روز پنجم شنبه ۴ ربیع الاول، حضرت پادشاه با حضرت سرعسرکر [ابراهیم پاشا] سوار شدند و به زیارت مزار شریف حضرت شمس تبریزی مشرف گردیدند.<sup>۱</sup>

با گذشت قرن‌ها آرامگاه شمس ویران گردیده، تنها منار زیبایی به نام شمس تبریز برجاست که در آن به سنت کهن ایرانی لابلای ردیفهای آجر شاخهای آهو نشانده شده است. افسانه‌ای نیز بر سر زبان‌ها است که مولوی در جستجوی شمس به کنار این منار رسید، شمس را در بالای منار دید از پله‌های مارپیچی درون منار بالا رفت و چون از بالای منار نگریست شمس را در پای منار دید. شتابان خود را به پایین رسانید این بار هم شمس را بر فراز منار دید این مطلب نیازمندانه و گریز نازنینانه چندین بار تکرار شد ولی بالاخره دست نیاز مولوی به دامن ناز شمس نرسید.

این افسانه لطیف هم ریشه کهن چند صد ساله دارد و زنده یاد عبدالباقي گلپناواری آن را از کتاب ولایت نامه بکتاشی در مناقب حاج بکتاش ولی خراسانی در کتاب زندگانی مولانا آورده است.<sup>۲</sup>

پیش از نقل آن روایت باید بگوییم متصوفه در سرزمینهای عثمانی به دو گروه متضاد در برابر هم قرار داشته‌اند. یکی طریقت مولویه که مورد حمایت دولت عثمانی بود و علماء و رجال دولت بدان تمایل داشتند.

دیگر طریقت بکتاشیه که میان عامه مردم نفوذ داشت و سربازان معروف ینی چری عثمانی بدان وابسته بودند و امروز هم به نام علوی و قزلباش به کثرت در گوش و کنار

۱. منشآت‌السلطین فریدون بیگ، چاپ ۱۲۷۴ استانبول، ج ۱، ص ۵۹۶؛ و نیز رجوع شود به: A. چاپ استانبول، مقاله سلیمان اول؛ تاریخ هامر پورگشتال به نقل از روزنامه سفر استانبول از تذییلات تاریخ عثمانی. دوست فاضل من آقای فیروز منصوری گفتند که این خبر در تاریخ ابراهیم پچوی هم آمده است.

۲. عبدالباقي گلپناواری، مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه و آثار گزیده‌ای از آنها، ترجمه دکتر توفیق سبحانی.

ترکیه پراکنده هستند. و اینها به شرحی که در رساله زندگانی فدوی نوشته ام بقایای خرم دینانند که از اوآخر قرن دوم هجری بعد از شکست از سپاه خلافت عباسی بازن و پیوند به دیار روم گریخته و در آن سرزمین سکونت گزیده‌اند.

در افسانه بکتاشیها که غرض بیان برتری حاجی بکشاش بر مولوی در آن گنجانیده شده آمده است :

... پسر مولانا سر شمس را برد و پیش از آنکه سر بریده بر زمین افتاد، آن را گرفت و سماع کنان نزد حاجی بکشاش رفت و از آنجا راهی تبریز شد. مولانا به دنبال او به تبریز رفت و شمس را بر منارة سبز در حال سماع یافت. به مناره رفت، شمس را روی زمین دید. از مناره پایین آمد شمس بالای منار بود. هفتمین بار مولانا خود را از مناره به زیر انداخت. شمس او را روی هوا گرفت و گفت: مرا اینجا دفن کن و خود پیش حاجی بکشاش برو. مولانا شمس را به خاک سپرد و به نزد حاجی بکشاش و از آنجا با اجازه او به قونیه رفت.<sup>۱</sup>

در این افسانه که حاصل تضاد و رقابت بکتاشیها و مولویه است دو نکته گنجانیده شده، یکی برتری حاجی بکشاش و شمس بر مولوی؛ و دیگری بستگی شمس تبریزی به بکتاشیه. و این دو می‌شاید به کلی بی اساس نباشد و جای آن دارد که مورد تأمل و بررسی دقیق محققان قرار گیرد.

این افسانه را گلپناری از یک دستنویس بی‌تاریخ ولايت نامه بکشاشی مضبوط در کتابخانه دانشگاه استانبول نقل کرده، و آن نسخه را از دوره بايزيد دوم [۸۸۶-۹۱۸] تشخیص داده ولی این تشخیص صحیح نیست و مسلماً این افسانه بعد از ۹۲۰ که در جنگ چالدران سربازان بکشاشی ینی چری به خوی آمده‌اند و مزار شمس را در کنار منار شاخ آهو دیده‌اند به سرزمین عثمانی رفته و با تغییراتی به ولايت نامه‌ها راه یافته است. زیرا هنگام خاکسپاری شمس تبریز هنوز مناری در آنجا وجود نداشته، بلکه این منار بازمانده از کاخی است که آن را شاه اسماعیل که در ۹۰۷ جلوس کرده، ساخته بود و یک

بازرگان و نیزی در ۹۱۳ آن را دیده و در سفرنامه خود وصف کرده است. می‌توان حدس زد که پادشاه صوفی با احترامی که مردم و خود او برای شمس تبریز قائل بوده‌اند، کاخ خود را در کنار آرامگاه او بنادرده است.

از نوشته‌های جهانگردان خارجی بر می‌آید که شاه اسماعیل کاخی برای خود در خوی ساخته بوده که سه مناره روپرتوی دروازه غربی آن جای داشته است. نخستین بار یک بازرگان و نیزی که پیش از سال ۹۱۳ به خوی رسیده شرح مفصلی از کاخ پادشاهی و مناره‌های آن نوشته شده است که محیط هر منار هشت یارد (حدود ۷۰۳ متر) و بلندی هر یک ۱۶ یارد (حدود ۱۴/۵ متر) بوده است و در بنای آن لابلای آجرها شاخه‌ای آهو نشانده بوده‌اند<sup>۱</sup> و این همه حاصل یک روز شکار جرگه شاه و سپاهیان او بوده است. در ژوئن ۱۸۱۳ (محرم ۱۲۲۸ هجری) جیمز موریه انگلیسی در سفر دوم خود دو منار دیده است. یکی از منارها مقارن با جنگ جهانی اول خراب شد و سنگهای آن را که قطعه‌ای از آنها نوشته‌ای داشت در بنای مسجدی نزدیک به منار به کار برداشتند. امروز یکی از منارها باقی است و در تاریخ دنبله خوی آمده که اطراف منار موقوفه بوده و در ۱۲۳۵ قمری به فروش رسیده است.

این را می‌دانیم که شاه اسماعیل بیش از هر کس دیگر مورد بعض و نفرت عثمانیها بود. عثمانیها طی هجمات متعدد خود سه بار شهر خوی را به کلی تخریب کردند: در ۹۸۵ به دستور مراد سوم؛ در ۱۰۴۵ به دستور مراد چهارم؛ در ۱۱۳۶ در حمله عبدالله پاشا کوپرولو. طبیعی است که در این حوادث کاخ شاه اسماعیل را با خاک یکسان کرده‌اند و اثری از آن بر جای نگذاشته‌اند. جز اینکه به احترام شمس تبریز دو منار دروازه‌های کاخ در کنار آرامگاه شمس بر جای مانده و نام او را بر خود گرفته است. به طوری که در تاریخ‌های محلی در یک قرن و نیم پیش نوشته‌اند محل کاخ و اطراف منار شمس در افواه «باغ شاه» نامیده می‌شد و گنبدی نیز در آنجا نمایان بود که قطعاً آن گنبد بر سر خاک شمس تبریز بوده و با کاخ سلطنتی تناسبی نداشته است.

۱. سفرنامه‌های و نیزیان، ترجمه دکتر منوچهر امیری، ۱۳۴۹، صص ۳۱۷ و ۳۷۹ - ۳۸۰.

منطقه شمس تبریز در گذرگاه سیلهایی است که از دامنه کوهستان اورین سرازیر می‌شده و اینک در گودبرداری برای ساختمانها آثار بناهای قدیمی از زیر خاک به در می‌آید. امید است که روزی با کاوشهای باستان شناسان مزار شمس نیز پدیدار گردد. حادثه ناپدید شدن ناگهانی شمس و سوز و گداز مولوی در فراق او شایعات و افسانه‌هایی نیز میان مولویه پدید آورده است، افسانه‌هایی پرداخته ذهن عوام صوفیان که کتب مناقب و مقامات پیران از نظایر آنها لبریز است. این افسانه‌ها از راه مناقب العارفین افلاکی به دوره ما رسیده است.

افلاکی در کتاب خود که آن را در ۱۱۶ (۷۶۱ سال بعد از ناپدید شدن شمس) به پایان رسانیده، در فصل چهارم در بیان مناقب شمس در دو جا این افسانه‌ها را نقل کرده، و آن روایات متناقض سبب گردیده که نویسنده‌گان متأخر ترک به کشته شدن شمس در قونیه قائل شده، و سعی کرده‌اند مزار او را در آن شهر بیابند. و حتی گلپناری مولوی شناس آزاده ترک در زندگی نامه مولوی بحثی مفصل زیر عنوان «شهادت شمس» آورده که سراپا حدس و گمان است.<sup>۱</sup> افلاکی یک جا از قول سلطان ولد می‌گوید:

مگر شبی شمس در بنده‌گی مولانا نشسته بود در خلوت، شخصی از بیرون آهسته اشارت کرد تا بیرون آید. فی الحال برخاست و به حضرت مولانا گفت: به کشتنم می‌خواهند!

بعد از توقف بسیار پدرم فرمود: الله الخلق والامر. مصلحت است.

و گویند هفت کس ناکس حسود عنود دست به یکی کرده بودند و ملحدوار در کمین ایستاده، چون فرصت یافتند کاردی زدند و همچنان حضرت مولانا شمس الدین چنان نعره‌ای بزد که آن جماعت بیهوش گشتند. و چون به خود آمدند، غیر از چند قطره خون هیچ ندیدند و از آن روز تا غایت نشانی و اثری از آن سلطان معنی صورت نیست.<sup>۲</sup>

نادرست بودن این افسانه مسلم است و اگر به فرض پذیریم که شمس را کارد زده‌اند و چند قطره خونش بر خاک ریخته، چون جنازه‌ای بر جای نمانده، بنابراین شمس از این حادثه به سلامت رسته و قونیه را ترک کرده است.

۱. مولانا جلال الدین، ترجمة دکتر سیحانی، صص ۱۴۰ - ۱۷۵.

۲. مناقب العارفین، ج ۲، ص ۶۸۴.

وانگهی سلطان ولد که این افسانه از قول او نقل شده، چرا خود این ماجرا را در مشنوی خود که دقیق‌ترین آگاهیها را از حوادث سرگذشت شمس دارد نیاورده است؟ و چرا فریدون سپهسالار (درگذشته ۷۱۱) از معاصران و مریدان مولوی که رساله‌اش منبع اصلی افلاکی بوده حادثه‌ای به این اهمیت را در رساله خود ناگفته گذاشته است؟ از دگر سو، می‌دانیم که قونیه شهر بسیار بزرگی نبود و عظمت مقام مولوی و روابط او با شمس هر لحظه زیان به زبان می‌گشت و چرا این حادثه به گوش مولوی نرسیده بوده است؟

افلاکی جای دیگر درباره شایعه زخم خوردن شمس سه روایت متناقض با هم آورده است:

هم چنان بعضی اصحاب متفق‌اند که چون مولانا شمس از آن جماعت زخم خورد ناپیدا شد.

و بعضی روایت کرده‌اند که در جنب مولانا بزرگ مدفون است.

و همچنان حضرت شیخ ما سلطان العارفین چلبی عارف از حضرت والده خود فاطمه خاتون روایت کرد که چون حضرت مولانا شمس الدین به درجه سعادت شهادت مشرف گشته آن دونان مغفل او را در چاهی انداخته بودند، حضرت سلطان ولد شبی مولانا شمس الدین را در خواب دید که من فلان جای خفته‌ام. نیمه شب یاران محرم را جمع کرده، وجود مبارک او را بیرون کرده و به گلاب و مشک و عبیر مستک و معطر گردانیدند، و در مدرسه مولانا در پهلوی بانی مدرسه، امیر بدراالدین گهرتاش دفن کردند. و این سری است که هر کسی را بربین وقوفی نیست.<sup>۱</sup>

زنده یاد گلپناری به نقاط ضعف این روایات زیرکانه اشاره کرده، اما در رفع و رجوع تناقضات کوشیده و نخواسته است که صریحاً بی اساس بودن افسانه‌ها را به قلم آورد. از جمله می‌گوید اینکه گفته‌اند پیکر شمس را در کنار قبر بدراالدین گهرتاش دفن کردند، بدراالدین در سال ۶۶۰، پانزده سال بعد از ناپدید شدن شمس کشته شده، بنابراین شاید بر عکس بوده و گهرتاش را در کنار شمس به خاک سپرده‌اند.

این روایت افلاکی هم که شمس «در جنب مولانای بزرگ مدفون است» برخی محققان ترک را به اشتباه انداخته که سنگ قبر شمس الدین بن یحیی بن محمد شاه از دامادهای خاندان مولوی را از آن شمس شمرده‌اند این خطأ را هم گلپنارلی صحیح کرده است.

در تابستان ۱۳۴۵ که آن شادران در قونیه سرگرم تحقیق در نسخ خطی کتابخانه آرامگاه مولانا بود و فهرست کتابخانه را برای چاپ آماده می‌کرد روزهای خوشی با آن دانشمند وارسته فرشته خوی گذرانیدم. یک روز از او خواستم که مرا به زیارت مقام شمس و دیدن آن چاه نو یافته ببرد. با دیدن بی‌میلی او تردید خود را درباره روایات ساختگی افلاکی، و بی‌اساس بودن وجود مزار شمس بیان کردم و گفتم از نوشتة شما هم بر می‌آید که خودتان هم اطمینان ندارید که شمس در قونیه آرمیده باشد. با خنده شیرین معنی دار عارفانه‌ای گفت: چه کار داری؟ کارمندان جوان اینجا حدسی زندن، من هم نخواستم دلشان را بشکنم، این حدسها چیزی از مقام شمس نمی‌کاهد اما بر جلال و شکوه آرامگاه مولانا می‌افزاید!

در ایران هم در نیم قرن اخیر اشتباه مرحوم محمد علی تربیت و اعتماد او بر مأخذی مجعلو و شخصیتی موهم به نام شمس الملک سبب شد که در قطعیت محل مزار شمس در خوی که قرنها معروف و مورد قبول همگان بود، تردیدی نابجا راه یابد<sup>۱</sup> و پرده تاریک دیگری بر چهره حقیقت کشیده شود.

آن شادران در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۱۳۱) بدون ذکر منبع، منار شمس تبریز را مقبره شمس الملک دنبلي شمرده و قصیده‌ای از خاقانی را که در مدح رکن الدین خویی بوده در مدح شمس الملک موهم نقل کرده و این اشتباه تربیت در نوشتة‌های دیگران تکرار شده است. من منبع نوشتة تربیت را که از تواریخ مجعلو دنبليها بوده

۱. من هم در حاشیه ص ۷۰ تاریخ خوی (چاپ اول) در صحت نوشتة فضیحی تردید کردم و یک اشارت دوست عزیز استاد عالیقدر دکتر محمد علی موحد محقق بزرگ زندگانی و آثار شمس، تردید مرا رفع کرد و این مقاله حاصل آن اشارت است.

یافتم و ضمن مقاله‌ای در مجلهٔ یغما منتشر کردم.<sup>۱</sup>

چون با مطرح شدن شمس الملک مجعلو گره تازه‌ای به مسئلهٔ مزار شمس تبریز خورده، و پردهٔ تازه‌ای بر روی حقیقت کشیده شده است در اینجا اشارهٔ مختص‌تری به تاریخهای مجعلو دنبلي می‌کنم.

از اوایل قرن هفتم، در هجوم کردهای ایوبی به آذربایجان، قبایلی از یزیدیها که معتقدانی آمیخته از کیش‌های زردشتی و مانوی داشته‌اند به نام دنبلي به نواحی خوی آمده و در آنجا سکونت گزیدند. در دورهٔ صفویه حکومت خوی با رؤسای آن قبیله بوده و بعد از نادرشاه تا دورهٔ فتحعلی شاه بیش از یک قرن نیمه استقلالی داشتند و بعدها تاریخهای متعددی در شرح حال امرای آنها نوشته شده است.

در دورهٔ ناصرالدین شاه یکی از زردشتیان هند از پیروان آذرکیوان (زردشتیان متمایل به تصوف) به نام مانوک جی هاتریا به ایران آمده و در جمع آوری مدارک و کتابهای خطی دربارهٔ ایران و مخصوصاً آیین زردشتی پس از اسلام می‌کوشیده و به کسانی که در این زمینه کتابهایی تألیف و به او تسلیم می‌کردند پاداش کافی می‌داد.

در همان روزها ظاهراً به تشویق همو یکی از بازماندگان عبدالرزاق بیگ دنبلي کتابی به نام تاریخ دنبله نوشته که سراسر مجموعات است و در آن نسب دنبليها به برمهکیها و انوشیروان رسانیده شده و امرای دنبلي یزدان پرست و در عین حال عارف (و متأخرین آنها از نعمه اللهیه) شمرده شده‌اند و در حوادث تاریخی تأثیر عمده‌ای به آنها نسبت داده شده است. نسخ متعددی از آن کتاب و کتابهایی که بر مبنای آن تحریر گردیده موجود است.<sup>۲</sup> آنچه مرحوم تربیت منار شمس تبریز را مزار امیر شمس الملک مجعلو متوفی

۱. منار شمس تبریز و رکن الدین خویی ممدوح خاقانی، مجلهٔ یغما، سال یازدهم، ۱۳۳۷، شمارهٔ اول، ص ۵ - ۱۱.

۲. از جمله در کتابخانه‌های زنده یادان حاج حسین آقا نخجوانی و حاج محمد رضا پارسای خویی نمایندهٔ دوران پیشین مجلس، که نسخهٔ اولی اینک در کتابخانهٔ ملی تبریز مضبوط است، و نسخه‌ای در مؤسسهٔ خاورشناسی کاما در بمبئی و نسخی در کتابخانه‌های دیگر. رجوع شود به تاریخ خوی، صص ۱۱۹ - ۱۱۲.

۵۵۵ دانسته از آن مجموعات گرفته شده است.

با توضیحاتی که داده شد هرگونه تردیدی در مورد محل مزار شمس تبریز بر طرف گردید، و معلوم شد که آن عارف بزرگ در شهر باستانی ۳۰۰۰ ساله خوی، در دروازه شمال غربی کشور، در نظر فرهنگی ایران آرمیده است. اینک غفلت از احیا و بازسازی آرامگاه او حق ناشناسی نابخودنی خواهد بود، و گرامی داشت تربت پاک او برای عاشقان فرهنگ ایرانی واجب عینی است.

جای آن است که سازمانهایی که عهده دار احیا و حفظ آثار ملی و میراث فرهنگی هستند با بررسیهای لازم مجموعه فرهنگی و بنای شایسته‌ای بر سر خاک او برافرازند. به همان سان که اعتبار طوس به آرامگاه فردوسی و نازش و بالش شیرازی به تربت سعدی و حافظ و صفائ نیشابور به خاک خیام و عطار است که هر بهار باد شمال بر آن گل افسان می‌کند، شهر باستانی خوی نیز از برکت تربت شمس تبریز روح و شادابی تازه‌ای یابد.

درین است که شهری با آن گذشتۀ درخشان فرهنگی و داشتن زیباییهای طبیعی و سرسبزی و طراوت و آب و هوای مطبوع برای زائران و جهانگردان این بخت و فرصت را از دست بدهد و از داشتن مجموعه نمودار میراث فرهنگ ملی محروم ماند. بزرگداشت شمس، بزرگداشت مولوی و بزرگداشت ادب و فرهنگ و عرفان ایرانی و موجب خرسندی و سرافرازی مردم آذربایجان خواهد بود.

در روزنامه‌ها از قول مسئولان امور سیاحتی و زیارتی خواندم که فهرستی از چهل هزار اماکن زیارتی تهیه شده است تا در صورتی که نسب و اهمیت هر یک بعد از تحقیقات کافی مسلم شود در اجرای طرحهای مناسب برای بازسازی آنها اقدام گردد. بدین ترتیب تصور می‌کنم ساختن آرامگاه و مجموعه فرهنگی برای شمس تبریز در درجه اول اهمیت و لزوم باشد.

\* \* \*

مقارن با چاپ دوم کتاب، محقق فاضل آقای علی صدرایی خوبی سؤالی درباره

تصویر رنگی قلعه قدیم خوی که در آخر کتاب چاپ شده است کردند. اینک جوابی را که به ایشان داده‌ام برای تکمیل تحقیق می‌آورم.

مسلم است که آرامگاه شمس دو سه قرن پیش از شاه اسماعیل بنا شده بوده و گنبدی که در تصویر دیده می‌شود از آن آرامگاه است و ارتباطی با کاخ شاه اسماعیل ندارد. آن پادشاه به سبب علاقه به تصوّف کاخ خود را در کنار مزار شمس پی افکنده بوده و از سفرنامه بازرگان ونیزی نقل کرده‌ایم که در مقابل دروازه غربی کاخ سه برج کوچک ساخته شده بوده که در این تصویر می‌بینیم و اینها ارتباطی با مزار شمس ندارد. و ظاهراً این برجها که بالای آنها به صورت منار درآمده و یکی از آنها هنوز برجای است برای دیدبانی و مراقبت از کاخ ساخته شده بوده است.

تصاویر کتاب بیان منازل سفر عراقین نمادین است و آنچه برای مؤلف و نقاش مهم بوده بیان و نمایش جاهایی است که سلطان عثمانی در دوّمین لشکرکشی خود از آنها گذشته است و از آنجایی که سلطان سلیمان برای تحبیب سپاهیان ینی چری خود که از بکتاشی‌ها و علاقمندان شمس تبریز بوده‌اند در روز ۴ ربیع الاول ۹۴۲ به زیارت مزار شمس تبریز رفته، گنبد و بارگاه شمس تبریز در نظر نقاش ملازم سلطان اهمیت خاص یافته و تصویر آن را به عنوان نماد خوی نقاشی کرده است.

اهمیتی که این تصویر برای ما دارد در این است که می‌بینیم در تصویری که پانصد سال پیش از این کشیده شده گنبد شمس پشت برجهای کاخ شاه اسماعیل نمایان است و بدین ترتیب اگر هم تردیدی در مورد مزار شمس ابراز شده باشد رفع می‌گردد.<sup>۱</sup>

---

---

فصل سوم  
مشاهیر مدفون در خوی

---



)

## آزرم، شیخ عباس (۱۳۱۲ - ۱۳۷۸ ش)

حاج شیخ عباس آزرم در روز یکشنبه ۵ شهریور ماه ۱۳۱۲ ش برابر با ۵ جمادی الاول ۱۳۵۲ ش در یک خانواده مذهبی در شهرستان خوی دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج علی اکبر آزرم از خیرین و نیکوکاران شهرستان خوی بود و مسجد حاج علی اکبر در محله خیابان و نیز تعمیر بقعة عارف سالک آخوند ملا علی خویی در سال ۱۳۳۳ ش از آثار اوست.

ایشان پس از تحصیلات ابتدایی، به پیشنهاد پدرش وارد مدرسه نمازی گردید و پس از فراغت از دروس مقدماتی کتاب‌های سطح را از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی و آیت الله حاج سید ابراهیم علوی (مقیره‌ای) بهره برد و پس از آن به شهر مقدس قم مهاجرت نمود و در ردیف شاگردان آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی و آیت الله حاج میرزا علی مشکینی قرار گرفت و از محافل علمی آنها کسب فیض نمود.

پس از بازگشت به خوی در مسجد حاج علی اکبر به اقامه جماعت پرداخت و بعد از آن به دستور مراجع بزرگ شیعه در شهرستان مهاباد به اشاعه فرهنگ شیعه همت

گماشت و نهایت خدمتگزاری به مبارزین تبعید شده قبل از انقلاب، از جمله شهید آیت الله سید اسدالله مدنی، آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله طاهری اصفهانی به آن شهر را از خود نشان داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نظم و آرامش بخشیدن به منطقه از جمله شهرستان نقده از خود فدارکای و جان گذشتگی نشان داد و پس از عودت به وطن خویش، ابتدا در کمیته امداد مشغول به خدمت شد و سپس به ریاست اداره ارشاد شهرستان خوی رسید که ساختمان جدید آن اداره از یادگارهای اوست.

مرحوم آزم داماد آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی بود. ایشان عالمی مردمی، خطیبی توانا، سخنوری شیرین بیان و شیواگفتار بود و دستگیری از مستمندان را امری مهم برای خود می دانست و در او اخر عمر در مسجد ملا حسن اقامه جماعت کرده و به ترویج مذهب می پرداخت.

معظم له در روز چهار شنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۸ ش مصادف با ۸ ذی الحجه الحرام ۱۴۲۰ق در ۶۶ سالگی زندگی را به درود حیات گفت و پس از مراسم های مذهبی و اقامه نماز میت در مزار شهدا قطعه پنج، سری هشت و قبر دوم به خاک سپرده شد. رونوشت مزار وی بدین قرار است:

### کل نفس ذاته الموت

مضجع شریف عالم ریانی، خطیب توانا، مرحوم مغفور الحاج شیخ عباس آزم - طاب ثراه - فرزند مرحوم حاج علی اکبر

تاریخ تولد ۱۳۱۲/۶/۵، تاریخ وفات ۱۳۷۸/۱۲/۲۵

آزم گل شکفته هر چمن است	سرکرده عاشقان شعر و سخن است
در وعظ سزا بود که گوییم آزم	سبحان زمان بصدر هر انجمن است <sup>۱</sup>

۱. به نقل از سرهنگ محمد اعلمی.



## آقاسی، محمد

شاعر معاصر، استاد محمد آقاسی متخلص به «دانش» در روز سه شنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۹۶ ش برابر با ۲۸ ذی الحجه الحرام ۱۳۳۵ق در خوی دیده به جهان گشود. تحصیلات جدید را در شهرهای خوی، تبریز و تهران فراگرفت و در رشته ادبیات فارغ التحصیل گردید و سپس به استخدام اداره فرهنگ در آمد. طریقت را نزد پدرزنش حسنعلی خان میرینجeh آفاسی شروع نمود و در تهران در خدمت مولانا ذوالریاستین به تکمیل آن پرداخت. شعر و شاعری را از ۱۰ سالگی آغاز نمود و در محضر عبدالرحمن فرامرزی، جلال الدین همایی، دکتر ذبیح الله صفا و سید محمد حسین شهریار به تلمذ نشست و خود به مقام استادی فراز آمد و در اغلب قالب‌های شعری به سروند شعر پرداخت. بسیاری از غزل‌های او با استقبال از اشعار خواجه سروده شده است، اما به هیچ روی رنگ تقلید دیده نمی‌شود. آقاسی از دوستان دیرین و نزدیک سلطان شعر ایران، شهریار شیرین سخن بود و روزهای بسیاری را در کنار هم سپری کرده‌اند.

شهریار در مورد وی گوید:

### غزلسرای لطیفی است در خوی «آقاسی»

چنانکه تاج غزل «نیمتاج» سلماس

چنانکه «مظہر» و «آقاسی» از سران خویند

«فرید» و «واقف» و «ناصح» سخنوران خویند

در سال ۱۳۲۰ ش در جریان تجاوز قشون روسی بر قسمت‌های شمالی ایران، آقاسی افسر نظام وظیفه بود و به خاطر در مقابل احساسات وطن دوستی که در مشهد مقدس از خود نشان داده بود، زخمی شد و به مدت پنج ماه به عنوان اسیر جنگی در زندان روس‌ها در عشق آباد محبوس بود، بعد از رهایی از اسارت و اشتغال در اداره فرهنگ - که مقارن با اشغال ایران از سوی قوای شوروی بود - با سایر معلمان هم رأی، محفلی برای مبارزه با بیگانگان به راه انداخت و عليه استبداد به مبارزه پرداخت و چون جانش در خطر شد به خواهش دوستان، خوی را ترک کرد و تا پایان غائله آذربایجان به تهران رفت و از آنجا هم به شهر گلپایگان منتقل گردید و در دیبرستان‌های آن شهر به تدریس پرداخت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به مدت سه ماه به زندان افتاد و در این مدت دفتر اوّل و دوم مشنوی مولوی را ازیر کرد. استاد حافظه‌ای قوی داشت و بسیار خوش مشرب بود، در هر محفلی که حضور داشت آنچه را سرشار از شور و شوق عاشقانه می‌نمود.<sup>۱</sup> از آثار منظوم وی که تاکنون به چاپ رسیده عبارت است از:

۱. دیوان آقاسی (فارسی، تبریز، ۱۳۷۱ ش).

۲. عباس بن علی در کربلا (فارسی، تهران، ۱۳۳۳ ش).

۳. حدود ۱۵ غزل انتخابی چاپ در مجله روشنفکر در سال ۱۳۲۲ ق.

ایشان از ارادتمندان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب - علیه السلام - و خاندان عصمت و طهارت بود و قدیریه زیر از آثار جاوید اوست:

قصر شاهانه‌ای از مرمر ناب در صفائی به صفائی مهتاب

۱. دیوان آقاسی، صص ۲۱-۲۴؛ مفاخر آذربایجان، ج ۳، ص ۱۵۱۶؛ فرهنگ نام آوران خوی، ص ۳۲.

می درخشد چو ستونی از نور  
«ها علی بشر کیف بشر»  
«ریه فیه تجلی و ظهر»  
اثر چهره نگار ازلی  
در ندایی که ندای او بود  
سرکند زمزمه ناد علی  
حلقه ذکر علی یا مولا  
سینه رخشنده تر از آئینه  
ای علی ای گل بی خار بشر  
همه در حلقة مستان علی<sup>۱</sup>

قصر شاهانه ای از آن دورا دور  
لوحه ای بر سر در با خط زر  
پرده ای بافتہ از در و گهر  
همه جا چهره زیبای علی  
ارتعاشی است به ذرا ت وجود  
همه ذرا ت به فریاد جلی  
صوفیانند و تبرزین طلا  
تاج داران گله پشمینه  
ای علی قافله سالار بشر  
بزم عشق است و شبستان علی

مراسم بزرگداشت آقاسی در سال های ۱۳۶۸ش و ۱۳۷۳ش از طرف ادۀ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی و انجمن مشاهیر ایران در سطح منطقه و کشور برگزار گردید. در این محفل بزرگداشت، از خدمات فرهنگی بیش از نیم قرن استاد محمد آقاسی به زبان ادب ایران، تشکر و قدردانی گردید.

استاد آقاسی در روز چهارشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۷۹ش موافق با ۹ رمضان المبارک ۱۴۲۱ق داعی حق رالیک گفت و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت آخوند نوایی به خاک سپرده شد. متن مزار ایشان چنین است:

لا اله الا هو

آرامگاه عارف نامی، ادیب فرزانه، شهباز عرصه سخن، شاعر و غزلسرای ایران زمین،  
استاد محمد خان آقاسی (دانش خویی) فرزند حسن، تولد ۱۲۹۶/۷/۲۴؛ فوت  
۱۳۷۹/۹/۱۶ ه.ش.

منزل عشق است ما در محفل جانانه ایم  
ما در این محفل به شمع خویشن پروانه ایم

ما در این ظلمت سرای فانی بی اعتبار  
 شب چراغ هر شبستان شمع هر کاشانه ایم  
 دیگران را دیدگان چون غنچه پر شبنم است  
 لاله ایم و روز و شب با خنده مستانه ایم  
 همنشین می پرستان همدم دیوانگان  
 با شما نامحرمان ای عاقلان بیگانه ایم  
 «دانش» از شاهان عالمگیر یک افسانه ماند  
 چند روزی نگذرد ما نیز یک افسانه ایم



## ♦ آقاسی، مهدی (۱۲۹۸ - ۱۳۸۰ ش)

مورخ شهیر، مهدی آقاسی در روز شنبه ۴ مهرماه ۱۲۹۸ ش مصادف با اول محرم الحرام ۱۳۳۸ در شهرستان خوی به دنیا آمد. پدرش، حسن آقا فرزند علی آقا، برادرزاده حاجی میرزا آقاسی، وزیر محمد شاه قاجار بود. تحصیلات مقدماتی را در خوی و تبریز به پایان رساند و از دبیرستان شرف تهران؛ موفق به دریافت دیپلم گردید و آنگاه به استخدام اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) در آمد و در مدارس زادگاهش به تدریس اشتغال ورزید. در این حین، نیروهای سوروی سابق با هدف الحاق آذربایجان به آن کشور، وارد خاک آذربایجان شده و فعالیت‌هایی در این زمینه آغاز کردند. با ورود متهاجمین روسی به خاک آذربایجان، آقاسی با همکاری آیت الله سید ابراهیم علوی و برادرش محمد آقاسی اقدام به تشکیل حزب کوچکی به نام «پیروزی ایران» نمود که هدف‌شان نجات آذربایجان بود، اما دیری نپایید که این حزب به علت فعالیت‌هایی که علیه حزب تode داشت به تعطیلی گرایید و آقاسی متواری گردید.

ایشان، پس از تسلط سید جعفر پیشهوری بر آذربایجان، به همراه ابراهیم قدسی و برادرش، محمد آقاسی مخفیانه عازم تهران شد و از آنجا به همراه نزدیکانش به گلپایگان منتقل گردید. او در آن شهر چهره واقعی حزب دموکرات آذربایجان به رهبری

پیشه‌وری را، بر ملا ساخت و پس از فرار پیشه‌وری به شوروی، به خوی بازگشت و تدریس در مدارس خوی را از سر گرفت.

از دیگر، فعالیت‌های سیاسی آقاسی می‌توان به نقش فعال وی در جریان ملی شدن صنعت نفت اشاره کرد که بعد از سقوط مصدق به زندان افتاد و پس از آزادی به تحصیل در رشته حقوق پرداخت و در این رشته فارغ‌التحصیل گردید. او در پیروزی انقلاب اسلامی مبارزات پیگیری داشت و به مدت چند سال مدیر دبیرستان امیرکبیر بود. پس از بازنشستگی از آموزش و پژوهش، دفتر وکالت دایر نمود و تا پایان عمر به این کار مشغول بود. آقاسی به غیر از کارهای سیاسی و اجتماعی در زمینه شعر هم دستی تواند داشته و متخلف به «پروانه» بود. مثنوی راد و رود از اشعار زیبای وی محسوب می‌شود. آثار وی اعم از کتاب و مقاله عبارت است از:

۱. تاریخ خوی (فارسی، تبریز، ۱۳۵۰ ش).

۲. خوی در عصر سلسله پهلوی و انقلاب اسلامی (فارسی، خطی).

۳. شمس و مزار او، به مناسب همایش شمس تبریزی در خوی.<sup>۱</sup>

آقاسی یک سال بعد از وفات برادرش، شادروان محمد آقاسی، در روز سه شنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۸۰ ش برابر با ۲۵ شعبان المظum ۱۴۲۲ق بدرود حیات گفت و در جوار بارگاه ملکوتی، حضرت آخوند ملا زین‌العابدین نوایی به خاک سپرده شد. رو نوشته مزار وی چنین است:

لا اله الا هو

آرامگاه دانشمند محقق، مورخ نامدار، حقوقدان برجسته، استاد مهدی خان آقاسی فرزند حسن. تاریخ تولد: ۱۲۹۸/۷/۴، تاریخ فوت: ۱۳۸۰/۸/۲۰، کسی که یک عمر عاشقانه برای اعتلای شهر و کشور خود، استقلال و آزادی ملت ایران کوشید. با عشق و افر به مولا خود علی زیست و تا واپسین لحظات زندگی ارزشمند خود بر این مرام و عقیده استوار ماند. خدمتگذار راستین فرهنگی، تاریخی، و حقوقی زادگاهش بود و با تألیف اوّلین کتاب تاریخ خوی دین خود را به این مردم ادا نمود. روانش شاد.

۱. نامه مورخین، صص ۶۱-۶۴.



## آیت‌الله‌ی، دکتر سید مجید (۱۳۰۸ - ۱۳۸۲ ش)

دکتر سید مجید آیت‌الله‌ی، فرزند سید عزیز، فرزند سید حسین، فرزند حاج میر اسماعیل، فرزند حضرت آقا میر یعقوب مقبره در سال ۱۳۰۸ ش مصادف با ۱۳۴۸ ق در دارالصفای خوی دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود، وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۳۸ ش در رشته جراحی عمومی فارغ التحصیل شد و با عنایت به سفارش والد معظم دایر بر خدمت به محرومان خوی، با وجود نیاز شدید در تهران و مرکز استان، خدمت در خوی را انتخاب و به عنوان نخستین جراح متخصص در سطح استان آذربایجان غربی در خوی شروع به خدمت نمود و نزدیک به ۱۵ سال تمام با توجه به کمبود شدید تخصصهای گوناگون در شهر به تنها ی در بیشتر رشته‌های تخصصی با جان و دل و بدون کوچکترین چشم‌داشتی به مداوای دردمندان محروم پرداخت.

شب‌ها و روزها و در هر ساعتی از شبانه روز و با هر وسیله ممکن، حتی با دوچرخه خود را به منازل بیماران می‌رساند و به معالجه آنها می‌پرداخت. به جرأت می‌توان گفت اگر نه تمام ولی بیش از شصت درصد از درآمد آن مرحوم از مطب و بیمارستان، صرف مستمندان می‌گردد. وی نه تنها از آنها ویزیت دریافت

نمی‌نمود، بلکه داروها را هم به سفارش ایشان رایگان می‌دادند.

معروف است که داروخانه دکتر فخری، داروی افراد مستمند را رایگان در اختیار آنها می‌گذاشت و سپس مطابق قراردادی که با دکتر آیت الله داشتند وجوه آنها را وصول می‌کردند.

یکی از خصوصیات جالب ایشان آن بود که مانند اکثر مردم به معتادان به چشم انگل اجتماع نگاه نمی‌کرد، بلکه آنان را بیماران روحی به شمار می‌آورد و عقیده داشت در صورت عدم کمک به آنان احتمال به فساد افتادن خود و خانواده‌های بی‌گناهشان امکان پذیر می‌باشد.

در امور اجتماعی و کارهای عام‌المنفعه پیش قدم بود و تعصّب خاصی به سادات و روحانیون داشت. وجودهای شرعیه را که در صورت افزایش درآمد سالانه، واجب می‌باشد، از حقوق ماهانه خود در هر ماه حساب و پرداخت می‌نمود.

ایشان در اوایل انقلاب از پیشگامان شهر بودند و با تهدیدی که از طرف عده‌ای از مخالفان انقلاب انجام گرفته بود مجبور شد به مدت چند ماه اعمال جراحی و سایر معالجات را به بیمارستان شهید مدنی فعلی منتقل نماید و منزل ایشان و مقبره علیه محل تجمع انقلابیون در سال ۱۳۵۷ بود. حتی بعد از انقلاب هم علی‌رغم بی‌مهری پاره‌ای از مسئولان شهر، ذرّه‌ای در علاقه ایشان به انقلاب، اسلام، امام و ایران کاسته نگردید و چندین بار داوطلبانه در جبهه‌های دفاع مقدس حضور یافت و به درمان رزم‌مندگان مجرروح اسلام پرداخت و به هیچ عنوان مردم می‌دانست و اعتقاد به تلاش و خدمت شبانه‌روزی به شهر و محرومان داشت و هیچ لذتی نزد ایشان برتر از لبخند رضایت آمیز مراجعت به ایشان نبود.

روزی با هدف راهنمایی به یکی از جوانان خویشاوند گفتند: در دنیا هیچ چیز بدتر از انتظار داشتن از دیگران نیست، چون خود انسان بیشتر رنج می‌کشد. همیشه وقتی برای کسی کاری انجام دادید، سعی کنید فراموش کنید و منتظر عوض نباشید. از سجایای اخلاقی دیگر ایشان این بود که سالیان متمادی، در شب‌های قدر افطاری می‌دادند، یک روز منحصر بود به باریران، کارگران، زحمتکشان و طبقه مستضعف که خود با کمال

خوشرویی از آنان پذیرایی می‌کرد.

در ضمن ایشان با همکاری مرحوم حاج شیخ جلیل هنرور و ... پی ریزی پروره بیمارستان ۵۱۵ تختخوابی آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوبی را شروع کردند و خود ایشان اولین رئیس هیئت مدیره و از اعضای اصلی بیمارستان خیریه آیت الله خوبی بود و زحمات فراوانی در این راه کشید.

همسر بزرگوار ایشان از نوادگان آیت الله حاج میرزا یحیی امام جمعه خوبی، بنویی مدیر، مدبر و صبور می‌باشد و از ایشان ۵ دختر که همگی مدارج عالی تخصصی را در علوم مختلف پزشکی و دندانپزشکی و معماری گذرانده‌اند و از افتخارات شهر و کشور می‌باشند، به یادگار مانده است. اسامی آنها چنین است:

۱. دکتر سیده هاله آیت الله ( فوق تخصص زنان و زایمان).
۲. دکتر سیده فاطمه آیت الله ( متخصص زنان و زایمان دارای بورد تخصصی).
۳. دکتر سیده زهره آیت الله ( فوق تخصص قلب).
۴. دکتر سیده شهره آیت الله ( جراح دندان پزشک).
۵. سیده زینب آیت الله ( مهندس معماری).

سرانجام دکتر سید مجید آیت الله، در روز چهار شنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۸۲ ش موفق با ۲۶ محرم الحرام ۱۳۵۱ق در زادگاهش چشم از جهان فروبست و پس از اقامه نماز میت به امامت حاج میر جواد علوی، در جوار مرقد منور جدش حضرت آقا میر یعقوب مقبره به خاک سپرده شد. رونوشت مزار ایشان بدین قرار است:

هذا المرقد الشريف

مرحوم مغفور دکتر حاج سید مجید آیت الله اولین پزشک جراح و متخصص شهرستان خوی فرزند مرحوم مبرور حاج سید عزیز ابن سید حسین ابن سید اسماعیل ابن سید یعقوب صاحب بقعة مبارکه از احفاد حضرت امام زین العابدین -علیه السلام - که بعد از عمری خدمتگزاری و دستگیری از بینوایان و دلسوزی به دلسوزگان در ۱۱/۲/۱۳۸۲ به سن ۷۴ سالگی دعوت حق را بیگ گفت. روحش شاد و تربیتش با کباد.<sup>۱</sup>

۱. مستند نشنین قدس، صص ۱۵۳ - ۱۵۰





## ❖ اعلمی، شیخ عبدالحسین (۱۲۹۰ - ۱۳۷۰ ش)

آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی در روز شنبه ۲۴ آذرماه ۱۲۹۰ ق مطابق با ذی الحجه الحرام ۱۳۲۹ ق در بیت علم و روحانیت در شهرستان خوی به دنیا آمد. پدرش حاج ملا محمد شاه خویی از روحانیون طراز اول خوی بود.

علوم مقدماتی را در محضر آیت الله شهید حاج میرزا ابراهیم دنبی خویی (شهادت به سال ۱۳۲۵ ق) فراگرفت و سپس به صلاحیت و هزینه استاد شهیدش، راهی نجف اشرف گردید و به مدت ۱۵ سال در جوار بارگاه ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین علی -علیه السلام - سکونت نمود و از دروس آیت الله شیخ هادی تهرانی و آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده‌ها برداشت و پس از نیل به اجتهاد به زادگاه خویش مراجعت نمود و مشغول تبلیغ و تدریس علوم اسلامی گردید. اسمی برخی از شاگردان ایشان بدین قرار است: حاج شیخ حسن بصیری، دکتر عباس زریاب خویی و حاج شیخ جلیل هنرور. پسرش، سرهنگ محمد اعلمی در مورد خصوصیات و فعالیت‌های سیاسی پدرش

می‌نویسد:

او عالمی بود وارسته، پرهیزگار، خداترس، فراتر از زمان، روشنفکر، روشن بین و

روشنگر، از افراط و تفریط منزه، از عوام فربی میزد، در ابراز حقایق دینی و معنوی با استدلال قوی‌ای که داشتند بی محابا از عام و خاص اعلام نظر می‌کردند و به آزادیخواهی و آزاد اندیشی معروف و مشهور بود و تا آخر عمر شریف مورد احترام عموم طبقات مردم بود.

او شجاع بود و شجاعت را یکی از برجسته‌ترین صفات انسانی می‌دانست و در حوادث ناگواری که بر وطنش مستولی می‌شد پیشاپیش مردم به مبارزه بر می‌خاست و مردم را خداپسندانه هدایت می‌کرد و چه خدمات ارزنده‌ای که جهت حراست از شهر در حمله مارشیمون، رهبر ارامنه آشوری به سلاماس و خوی از خود نشان نداد و در مقابل حکام زورگو مانع بزرگی بود.

در آغاز نهضت مشروطیت جزء اعضای هفت نفری انجمن مشروطه خواهان انتخاب و به ریاست انجمن منصوب شد<sup>۱</sup> و در ادامه خط مشی و انتشار افکار آزادیخواهی عامل بسیار مؤثر بود و با مخالفین در خوی که افکاری استبدادی و ارتجاعی داشتند پیوسته در مباحثه و مجادله بودند و هیچ وقت در مقابل آنان سکوت اختیار نکردند و با عزم راسخ هدف خود را تعقیب می‌کردند و حدود ۱۰ سال قضاوت شرعی خوی را به طور افتخاری به عهده داشتند.

در حوادث شهریور ۱۳۲۰ ش - که خوی تحت سلطه اشغالگران روس بود و ظلم و ستم سالدات‌های (سریازان) روس آرامش را از مردم سلب کرده بودند - سخنرانی تاریخی علیه قوای روس ایراد می‌فرمایند و در ضمن سخنرانی اعمال رشت و ناپسند سالدات‌های روس را متذکر و مردم را برای دفاع از آب و خاک و ناموس تهییج و ترغیب می‌نمایند و در خاتمه اعلام می‌دارند: لعنت خدا بر آن قومی باد که از آب و خاک و نعمات این سرزمین استفاده می‌کنند و بر مردم آن ظلم و ستم روا می‌دارند.

در نتیجه همین سخنرانی، مورد تهدید روس‌ها قرار می‌گیرد و به مقر فرماندهی روس‌ها احضار می‌شوند و با اینکه دوستانشان و قاطبه مردم از رفتن ایشان به مقر فرماندهی به عنایتی ممانعت می‌نمایند لیکن قبول نمی‌کنند و اظهار می‌دارند: سخنرانی نکردم که مخفی شوم بلکه شدیدتر از آن را حضوراً به روس‌ها خواهم گفت. آخرالامر به اتفاق

۱. اعضای انجمن عبارت بودند از: حاج شیخ عبدالحسین اعلمی، لطفعلی خان سرتیپ، حاج علی اصغر بارسا، حاجی ابراهیم خلیل، حاجی محمد جعفر، شیخ محمد حسین و امیر عیسی سعیدی.

دوست دیرین و باوفایش مرحوم میر عباس محدث - واعظ معروف و ملازم فداکارش کربلایی مختار و فایی - به ستاد فرماندهی روس‌ها عزیمت می‌کنند و با شجاعت تمام سخنانی خود را تأیید و فرماندهان روس را به اعمال غیر انسانی سالدات‌ها واقف می‌کنند.<sup>۱</sup>

آیت الله اعلمی مورد توجه علمای معاصر بویژه مرجع تقليید وقت، آیت الله سید محمد حجت کوه کمری بود، وی در تقریظی که بر کتاب کلمة سواء نگاشته‌اند مقام علمی ایشان را ستوده است. همچنین عالم شهیر، آیت الله ملا علی خیابانی در سفر خویش به خوی که با این عالم جلیل‌القدر ملاقات نموده، در خصوص ایشان می‌نویسد:

جناب مستطاب حاج شیخ عبدالحسین اعلمی نجل مرحوم حاج ملا محمد شاه که خود و پدرش از علمای خوی و جناب معظم له فعلاً به امر قضاوت بُلد متصدی و گاه گاه به منبر تشریف می‌برد خصوصی در خانه خود و در مسجد.<sup>۲</sup>

آثار بر جا مانده از اوی چنین است:

۱. کلمة سواء (عربی، قم، ۱۳۸۱ ش)؛<sup>۳</sup>

۲. اقامة الحجة في ازلة الشبهه (فارسی، خطی).

آیت الله اعلمی پس از یک عمر خدمت به مردم و تربیت شاگردان فاضل و ایراد خطابه‌های شیرین و اجرای حدود الهی در روز دوشنبه ۳۰ ذی‌قعده ۱۳۷۰ق برابر با ۱۱ شهریور ماه ۱۳۳۰ش دارفانی را وداع گفت و به ملکوت اعلیٰ پیوست. پیکر پاک این عالم شجاع پس از انجام مراسمات مذهبی در جوار مرقد منور، حضرت آخوند شیخ نوایی به خاک سپرده شد. رو نوشت مرقد ایشان چنین است:

۱. مقدمه کلمة سواء، صص ۷-۹.

۲. میراث اسلامی ایران (ذخایر الاسفار)، ج ۳، ص ۶۳۰.

۳. این کتاب به همت شاگرد فاضلش حاج شیخ حسن بصیری و فرزند برومندش سرهنگ محمد اعلمی و با تحقیق سرور گرامی علی صدرایی خویی در سال ۱۳۸۱ش از سوی مؤسسه فرهنگی سماء چاپ و منتشر گردید.

هذا

المضجع الشرييف للعالم الرباني و الفاضل الصمداني جامع الفروع و الاصول و العلوم  
العقلية و النقلية الحاج شيخ عبدالحسين اعلمي المتوفى في سلحن ذى القعدة من سنة  
١٣٧٠



## ◀ انیس خویی، ملا محمد (سدۀ ۱۳ ق)

غزل سرای نیمة اوّل سدۀ ۱۳ ق، ملا محمد انیس خویی فرزند ملا عبدالرحیم در چورس به دنیا آمد. تحصیلات خود را در نجف اشرف انجام داد و سپس به زادگاهش بازگشت و در گوشه‌ای عزلت گزید. وی مردی فهیم، نکته سنج، شیرین سخن و در غزل سرایی مهارت کامل داشت. با علامه حاج میرزا محمد حسن زنوزی خویی متخلص به «فانی» معاشر و هم صحبت بود و تخلصش را به مناسبت انس با ایشان «انیس» انتخاب نمود. انیس، در زادگاهش وفات نمود و در همانجا به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

۱. دانشنمندان آذربایجان، صن ۵۵؛ سخنواران آذربایجان، ج ۲، ص ۸۴۷؛ فرهنگ نام آوران خوی، صن ۷۷.





## ♦ بصیری، شیخ حسن (۱۲۹۹ - ۱۳۸۶ ش)

حاج شیخ حسن بصیری فرزند علی اکبر در سال ۱۳۳۸ق مطابق با ۱۲۹۹ش در شهر ارضروم کشور ترکیه دیده به هستی گشود. پدر و مادرش اصالتاً اهل تبریز بودند ولی به جهت شغل پدر در شهر ارضروم سکونت داشتند. در سنین کودکی به شهر خوی آمد و دوران کودکی را در آن شهر سپری نمود. تحصیلات کلاسیک را همانجا به اتمام رسانید و پس از آن نزدیک به پنج سال در بازار خوی مشغول تجارت گردید. در سال ۱۳۲۰ش به تشویق آیت الله سید علی اصغر خویی وارد حوزه علمیة خوی گردید و مقدمات علوم دینی را از محضر حاج شیخ علی مجتهدی، حاج شیخ علی تسوجی، ملا حسین صادقی بدل آبادی، حاج میر علی آقا محدث و آفای دلمقانی آموخت و سپس شرح لمعه را در پیش آیت الله حاج سید علی اصغر صادقی خویی، رسائل و مکاسب را از حاج شیخ جابر فاضلی و حکمت و کلام را از محضر آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی کسب فیض نمود و در سنین جوانی با دستان آیت الله حاج میر محمود ساجدی که از علمای طراز اول شهر بود ملبس به لباس مقدس روحانیت گردید.

ایشان برای تحکیم پایه‌های علمی و به تشویق آیت الله سید جلیل موسوی ملکی

راهی حوزه علمیه قم گردید کفایةالاصول را نزد آیت الله سید شهابالدین مرعشی نجفی و خارج فقه را خدمت آیت الله سید صادق روحانی، و خارج اصول را از درس‌های امام خمینی که در مسجد سلماسی و مسجد نو برگزار می‌شد، استفاده نمود و پس از توقف کوتاهی در قم به شهرستان خوی بازگشت و به امر تبلیغ پرداخت و چهار مرتبه به آسیای میانه، چهار سفر به ترکیه و یک سفر به آلمان نمود و به تبلیغ پرداخت.

برخی از آثار و تالیفات وی چنین است:

۱. ارمغان مور (مجموعه اشعار)، ۱۲ جلد (فارسی، قم، ۱۳۷۳ ش)؛
۲. آینه بصیرت یا آرام بخش روح، ۱۲ جلد (فارسی، قم، ۱۳۷۶ ش)؛
۳. کتاب قضایا (فارسی، قم، ۱۳۷۳ ش)؛
۴. کرامات و حکایات پندآموز (فارسی، خوی، ۱۳۸۰ ش)؛
۵. کشکول (فارسی، قم، ۱۳۸۱ ش)؛
۶. بصیرت نامه (فارسی، قم)؛
۷. خمس (فارسی، قم، ۱۳۸۲ ش)؛
۸. نصائح و توصيات (فارسی، قم، بی‌تا)؛
۹. شعر و مناجات (فارسی، قم، بی‌تا)؛
۱۰. رساله‌ای در ترجمه منظوم احادیث از هر امام معصوم (خطی)؛
۱۱. رساله‌ای منظوم در نام و یاد شهدای خوی (خطی).

معظم‌له پس از هفت دهه تبلیغ و ترویج احکام اسلامی و اقامه نماز جماعت در مسجد سیدالشهداء - علیه السلام - واقع در مرکز شهر خوی، در شب جمعه ۲۲ دی ماه ۱۳۸۶ ش برابر با ۳ ذی الحجه الحرام ۱۴۲۸ق چشم از جهان فروبست و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه مردم خوب خوی و اقامه نماز میت به امامت حجت‌الاسلام و المسلمين حاج سید محمد موسوی امام جمعه محترم سلماس در مزار شهدای شهرستان خوی به خاک سپرده شد. متن مرقد شریف ایشان چنین است:

وَفَدَتْ عَلَى الْكَرِيمِ بِغَيْرِ زَادِ  
مِنَ الْحَسَنَاتِ وَالْقُلُوبُ السَّلِيمُ  
وَ حَمْلُ الزَّادِ اقْبَحَ كُلَّ شَيْءٍ  
إِذَا كَانَ الْوَفُودُ عَلَى الْكَرِيمِ  
مَضْجَعُ شَرِيفٍ وَ مَرْقَدُ نُورَانِي عَالَمُ عَامِلٌ وَ زَاهِدٌ وَارِسْتَهُ صَاحِبُ حُلْقَ كَرِيمٍ حَجَّةُ الْاسْلَامِ  
وَ الْمُسْلِمِينَ حَاجُ شِيخُ حَسَنُ بَصِيرِي - قَدْسُ سُرُّهُ - كَهُ عُمْرِي رَا باً مَنَاعَتْ طَبِيعَ دَرَ رَاهَ تَعْظِيمِ  
شَعَائِرَ دِينِي وَ رَفَعَ نِيَازَ مَنْدِي هَاهِي حَلْقَ كَوْشِيدَ وَ تَأْلِيفَاتِي سُودَمَنْدَ دَرَ شِعْرَ وَ مَوْعِظَهِ وَ  
اَخْلَاقِيَّاتِ بَهْ يَادِگَارِ گَذَارَدَ وَ سَرَانِجَامَ دَرَ شَبَ جَمَعَهُ سُومُ ذِيْحِجَّةِ الْحَرَامِ ۱۴۲۸ مَصَادِفَ  
باً ۸۶/۹/۲۳ در سن هشتاد و شش سالگی دعوت حق را لبیک گفت و در جوار حق  
آرمید.<sup>۱</sup>

\*\*\*

نواده دختريش، دانشمند فقید حجت الاسلام و المسلمين حاج شيخ سعيد مروج از روحاينون فاضل و از فرهنختگان حوزه و دانشگاه بود. وی در سال ۱۳۴۳ ش در خوی به دنيا آمد. پس از تحصيل مقدمات علوم ديني، راهي حوزه علميه قم گردید و در کثار فراگيری علوم عالي حوزه، موفق به دریافت کارشناسي ارشد رشته حقوق قضائي از دانشگاه شد و چند صباحي نيز رياست جهاد دانشگاهي مجتمع آموزش عالي قم را عهدهدار گردید. او به خاطر ذوق و علاقه فراوان به تحصيل در کنکور کارشناسي ارشد شركت نمود و در رشته حقوق خصوصي پذيرفته شد و همزمان با آن به تدريس در دانشگاه آزاد اسلامي تبريز پرداخت.

ايشان عالمي خداترس، رزمدهای مجاهد، مؤمنی خوش اخلاق، جوانی خوش روح و دارای حافظه‌اي قوي بود و در ردیف اولین کسانی بود که در عملیات‌های آغازین رزمدگان اسلام در منطقه غرب کشور شرکت نمود و از ناحیه دست و پا مجرروح گردید. مرحوم مروج، در ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ ش در یک سانحه رانندگی در مسیر خوی - مرند جان به جان آفرین تسلیم کرد و دوستان و عزيزان خود را در فراق خود به سوگ نشاند.

۱. علمای معاصر آذربایجان، آماده چاپ.





## ◆ تائب خویی، حاجی خداوردی (۱۱۶۶ - ... ش)

شاعر اهل بیت، حاجی خداوردی متخلص به «تائب خویی» از شاعران زیردست و مرثیه‌گوی سده ۱۳ ق است. اصلیتیش از مردم چورس و رفیق علامه حاج میرزا محمد حسن زنوزی خویی متخلص به «فانی» است. تائب، شاعری زاهد، ادیبی شایسته، انسانی دارای مناعت طبع و از طریق داد و ستد امرار معاش می‌نمود. به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. همچنین تبحر وافی در استخراج ماده تاریخ و توانایی بالایی در غزلسرایی داشت.<sup>۱</sup> در سال ۱۲۰۱ ق موافق با ۱۱۶۶ ش در زادگاهش، چورس بدرود حیات می‌گفت و در همانجا دفن گردید.

«فانی» در ماده تاریخ وفات وی چنین گفته است:

تائب ما از جهان رفت

. ۱۲۰۱

نمونه‌ای از اشعار او چنین است:

۱. وی ماده تاریخ قلعه تبریز را که به دست نجفقلی خان دنبلی ساخته شده، چنین گفته است: «حصار سکندر ثانی».

در دل ماغم خوبیان وطنی ساخته‌اند  
خوش مکانیست در او انجمنی ساخته‌اند  
در ره عشق دل و دین شده تاراج از آنک  
چشم جادوی ترا راه‌زنی ساخته‌اند  
کرده است آنکه چنین طبع ترا عهد شکن  
متتحمل به جفا همچو منی ساخته‌اند  
گل «تسائب» بسرشتند ز درد غم عشق  
به بلا و غنا ممتحنی ساخته‌اند

\*\*\*

بسر بیستون رو ای صبا آگاه کن فرهاد را

که کوه کن شیرین من، شیرین تر از شیرین توست

\*\*\*

تاریکی شب ز آه و وای دل ماست  
خورشید به جلوه، از صفات دل ماست  
یک دلبـرـشـوـخـ آـشـنـایـ دـلـ مـاست<sup>۱</sup>  
دایم چو جرس، نعره زنان است مگر

۱. دانشنیان آذربایجان، ص ۸۴؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۶۳؛ سخنواران آذربایجان، ج ۲، ص ۸۵۰؛ فرهنگ نام آوران خوی، صص ۱۰۱-۱۰۰.

## » تهامی، میر شفیع (۱۲۵۵ - ۱۳۲۷ ش)

آیت الله حاج سید شفیع تهامی خویی فرزند سید محمد در روز یکشنبه ۲۷ دی ماه ۱۲۵۵ ش برابر با ۳۰ ذی الحجه الحرام ۱۲۹۳ ق در بیت سیادت و معنویت که سیادت را با ۲۴ واسطه از امام زین العابدین - علیه السلام - به ارث برده بود، در خوی دیده به جهان گشود. نسب نامه ایشان چنین است:

سید شفیع فرزند سید محمد علی فرزند سید رفیع فرزند سید محمد علی فرزند سید ولی فرزند سید عباس فرزند سید تراب فرزند سید نظام الدین فرزند سید معصوم فرزند سید علی فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری الطلوعی الحسینی الملقب بالحجازی فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید حسن فرزند علی فرزند علی بن الحسین - علیه السلام -<sup>۱</sup>

معظم له پس از فراگیری دروس سطح در نزد استادان حوزه علمیه خوی به نجف

۱. نسب نامه سادات کوهکمر، استخراج آیت الله سید ابراهیم علوی.

اشرف رفت و در نزد بزرگانی مانند آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله سید کاظم یزدی و آیت الله ملا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی به تحصیل پرداخت و از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد و نقل حدیث و از آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی اجازه امور حسیبیه گرفت.

ایشان پس از مراجعت از نجف اشرف در منزل شخصی و مدرسه نمازی به تدریس اشتغال ورزید، از شاگردان او می‌توان به حاج سید ابراهیم علوی و حاج شیخ جابر فاضلی، حاج میر علی محدث و حاج ملا غلامعلی خادم حسینی معروف به «حاج آخوند» اشاره نمود. خانه ایشان محل مراجعه طبقات مختلف مردم و محفل بحث و فحص طلاب علوم دینی بود.

از آثار معظم له می‌توان به حاشیه بر احتجاج طبرسی اشاره نمود.<sup>۱</sup>

ایشان در روز جمعه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۲۷ ش مصادف با سالروز میلاد حضرت امیرالمؤمنین علی -علیه السلام - (۱۳ ربیع المرجب ۱۳۶۷ق) دارفانی را وداع گفت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه در جوار مرقد شریف عمومی فاضلش آیت الله حاج میر عبدالعلی کوه کمری به خاک سپرده شد. رونوشت مزار وی چنین است:

هو الحى القىوم

هذا المرقد الشريف للسيد السند والعالم المعتمد الحاج مير شفيق توفى في ليلة ولادة  
جده اميرالمؤمنين - صلوات الله عليه - ۱۳ ربیع ۱۳۶۷ هـ.<sup>۲</sup>

۱. تذكرة الفضلاء، خطی

۲. به نقل از آقای حسین تهامی، فرزند معظم له.



## ثابت، ملا حسین (۱۲۹۶ - ... ش)

ملا حسین ثابت خویی متخلص به «ثابت» از عالمان و سخنوران قرن ۱۴ق است که بعد از اقامت طولانی در گنجه به خوی مراجعت نمود. ثابت، آزادیخواه بود و در ایام مشروطیت با مجاهدین همکاری می‌نمود، ولی با مشروطه‌چی‌های بیدادگر مخالف بود. وی شاعری توانا بود و به زبان‌های فارسی و ترکی شعر می‌سرود.

آثارش عبارت است از:

۱. خنگ، این کتاب به شماره ۷۶۸ در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.
  ۲. مجموعه حاوی اشعار، این اشعار پیش شیخ سعید فاضلی است.
  ۳. کابچه مراثی، این کتابچه در پیش حاج شیخ علی صدرایی خویی است.
- ثبت، در سال ۱۲۹۶ ش مصادف با ۱۳۳۶ق در شهرستان خوی از دنیا رفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. نمونه‌ای از اشعار او چنین است:

گرم تو دوست منی از دشمنان ندارم باک	تمام لشگر اگر می‌کنند عزم هلاک
زمان زمان کنم از غم چو گل گربیان چاک	اگر صدای تو آید بگوش من به نفس
بود صبور دل اندر فراق تو حاشاک	زشوق وصل تو بی‌صبر و بی‌قرارم من

تو گر ذلیل بداری مرا به از عزت  
 به کنه ذات و صفات تو هر نظر نرسد  
 ز درگهت نروم گر زنی به شمشیرم  
 اذوق شربت موت بسیفک شوفاً  
 عزیز خلق جهان آن زمان شود «ثابت»<sup>۱</sup>

Worm تو زهر دهی به که دیگران تریاک  
 بقدر بینش خود هر کسی کند ادراک  
 سپر کنم سرو دستت ندارم از فتراک  
 لان روحی قد طاب ان یکون فداک  
 که برادرش بنهد روی مسکمت بر خاک<sup>۱</sup>

۱. دانشنمندان آذربایجان، ص ۹۰؛ ریحانة الادب، ج ۱، ص ۳۱۲؛ سخنواران آذربایجان، ج ۲، ص ۸۵۲؛ سیماخوی، ص ۱۸۴-۱۸۶؛ فرهنگ نام‌آوران خوی، صص ۱۱۰-۱۰۹.



## ❖ حسینی خویی (میر یعقوب دوم)، میر یعقوب (۱۲۴۴ - ۱۳۲۴ ش)

آیت الله حاج میر یعقوب حسینی خویی معروف به «میر یعقوب دوم» فرزند حاج میر اسماعیل و نواده حضرت آقا میر یعقوب اول در سال ۱۲۴۴ ش مطابق با ۱۲۸۲ ق در بیت سیادت و روحانیت چشم به هستی گشود. دوران کودکی را در زادگاهش سپری کرد و سپس علوم مقدماتی را در پیش علامه حاج آقا محمد خویی آموخت و بعد از آن، راهی حوزه هزار ساله نجف اشرف گردید و از بحث‌های فقهای نامدار شیعه، از جمله آیت الله شیخ محمد حسن ممقانی، آیت الله شیخ علی اصغر ختایی، آیت الله ملا محمد فاضل شربیانی، آیت الله ملا محمد علی خوانساری، آیت الله شیخ هادی تهرانی، آیت الله میرزا عبدالمناف تبریزی، آیت الله ملا زین العابدین مرندی و آیت الله آقا میرزا رضا مجتهد تبریزی بهره‌های شایانی برداشت و با کولهباری از علم و تجربه به موطن اصلی اش بازگشت.<sup>۱</sup>

Haj Mir Yaqub Dööm بعد از وفات پدر برجای وی نشست و از تاریخ ۱۳۲۶ تا ۱۳۵۹ رئیس روحانیت شهرهای ماکو، مرند، سلماس و خوی گردید.<sup>۲</sup>

۱. مرآۃ الشرف، ج ۲، ص ۱۴۰۱..  
۲. نسب نامه نموداری سادات کوه کمر.

ایشان فردی موقر، نافذالحکم، کارдан، مبارز، شجاع، دوراندیش، پرهیزگار و امین بود. حکمیت ایشان در مسائل فقهی و اختلافات میان مردم با وسوسه هر چه تمام و احتیاط کامل، همراه بود و در جهت تشویق و ارشاد مردم برای احیای شعائر دینی بی‌نهایت جدی و موثر بودند.

علاقه خاص او به عمران و آبادانی شهر و توسعه کشاورزی و رسیدگی به وضعیت معیشتی محرومان و تهی دستان، متولیان امر را بر آن داشت که ایشان را به عنوان اولین مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ خوی که با شعار حمایت از محرومان در دمند و آسیب دیدگان شهر شکل گرفته بود، برگزینند.

مراجعةت ایشان از عتبات عالیات مصادف با انقلاب مشروطه ایران و بحران‌های ناشی از جنگ جهانی اول، هرج و مرج‌های عدیده، هجوم اشرار و قوای بیگانه به خطه آذربایجان بود و در همه این حوادث، ایشان در صفت مقدم و کنار مردم قرار می‌گرفتند و در رفع وحشت و ترس مردم، دفع بحران‌ها و بلایا، حفظ امنیت جان، مال و ناموس مردم شرکت موثر و فعالی داشتند.<sup>۱</sup>

فرزندهش سید رضا حسینی خویی در خصوص مجاهدت‌های پدرش و دیگر بزرگان خوی در حمله ارامنه به خاک آذربایجان، که از خود فداکاری‌های بسیاری بروز دادند، می‌نویسد:

معروف است در قضیه هجوم ارامنه به شهرستان خوی که به قصد تصرف و انضمام، خوی، سلماس، ارومیه، ماکو، و چندین شهر آذربایجان به کشور ارمنستان، خوی را محاصره نظامی کرده بودند، مرحوم پدرم همچون مجاهدی بیباک و پردل، فرماندهی مجروب و دوراندیش سلاح بر دوش به همراه برادرزاده جان بر کف و دلاورش آقای حاج سید علی النقی آل طه به منظور تشجیع و تقویت روحیه مدافعان، شبانه از سنگرهای بازدید می‌کردند و سرانجام با هم آوایی و فداکاری‌های نامدارانی، همچون حاج علی عارفی، میرزا محمود خان امین دیوان (امینی خویی)، حاج محمد رضا پارسا، حاج خلیل فتحی ماکویی، حسن علی خان میر پنج آفاسی، آیت الله حاج شیخ فضل الله حجت‌الاسلام

۱. یادداشت‌های سید رضا حسینی خویی، فرزند معظمه.

خوبی و ... با شعار «ما کفن از بهر بیکار وطن پوشیده‌ایم» از زادگاه خویش دفاع و دشمن را به ستوه آوردند و در نهایت با رسیدن قوای کمکی از سوی دولت عثمانی محاصره بر طرف و ارمنه با دادن اسیران و تلفات سنگین عقب نشینی کردند. به اذعان مورخین مقاومت دلیرانه خوئیان کلیه بلاد آذربایجان را از این توطئه ننگین رهایید.<sup>۱</sup>

مرحوم سید محمد مصری هم به گوشه‌های دیگری از حیات اجتماعی، مبارزاتی و تلاش‌های شبانه روزی ایشان در حمایت از مردم شهرش اشاره کرده و می‌نویسد: پس از جنگ بین‌المللی، در وضع اجتماعی ایران هرج و مرج به وجود آمده بود و عده‌ای از اشرار فرصت طلب به شهر هجوم آورده که اهالی شهر آرامش خود را از دست داده و با ترس و وحشت به سر می‌بردند. مرحوم سید یعقوب چند قطار فشنگ بسته و تفنگ حمایل نموده، سوار بر اسب در کوی و بربزن مخصوصاً در محلات بیرون شهر ( محله امامزاده، ربط و شهانق) به گشت و گزار می‌پرداختند تا به مردم در مقابل تهاجم اشرار روحیه بدهنند. ایشان در همهٔ پیشامدهای ناگوار خوی در صفت اول مبارزه قرار داشت. همچنین در حمله ارمنه به شهر خوی که عسکرهای عثمانی (سریازان ترکیه) به لحاظ ناامنی موجود در آذربایجان غربی و ضعف حکومت وقت که هر دو، طمع در تصرف خوی، سلماس و ارومیه داشتند علمای وقت به همراه مردم خوی قیام نموده و برای مقابله با ارمنه و اتراء نقشه‌ها طرح نمودند که از جمله آن علما آقا سید یعقوب، آقای سید حمزه هاشمی، آقا میر هاشم مرقاتی، آقای حاج شیخ فضل الله و ... بود که قبل از رسیدن ارمنه به خوی حصاری به گرداد شهر کشیدند. در بنای حصار کسبه، اصناف و تجار خوی از بذل مال و فداکاری مضایقه نکردن و دوشادوش علماء به همکاری پرداختند.

این جانب (سید محمد مصری) در تهران در جلسهٔ خصوصی از یکی از پسران سردار ماکو شنیدم که اظهار داشت: نقشهٔ حصار به وسیلهٔ طراحی فرانسوی ترسیم و به مرحله اجرا گذاشته شد. وی اضافه نمود که: کل مساحت قلعه اطراف شهر با محاسبه طول و عرض و ارتفاع یک میلیون متر مربع بود و بالای سرتاسر قلعه به قدری عریض بود که دو ارآبة اسبی می‌توانستند به راحتی از کنار هم رُد شوند و بدنهٔ قلعه با اینکه از گل بود، به

۱. یادداشت‌های سید رضا حسینی خوبی، فرزند معظمه.

قدرتی سفت و محکم بود که چهل - پنجاه سال قبل که بعضی از قسمت‌های آن باقی مانده بود و می‌خواستند با تبر تخریب نموده و به جای آن خانه درست کنند به دشواری می‌توانستند تخریب نمایند، زیرا چنانکه از پیشینیان نقل شده پس از اینکه عمله‌ها آب و خاک را راقاتی می‌کردند، کسبه و اصناف بازاری پول‌های خُردیک یا دو شاهی را توی گل‌ها می‌انداختند که بچه‌ها برای یافتن پول‌ها گل‌ها را بیش از حد معمول پاکوب می‌نمودند که سبب استحکام و سفتی آن می‌شد که با سیمان زیاد فرق نداشت.

چندی پس از اتمام قلعه، ارامنه از طرف دروازه تبریز می‌خواستند وارد شهر شوند، ولی با این ترفند که عده‌ای از آنها در لباس سرباز ایرانی جلو دروازه تبریز آمدند به نگهبانان ایرانی پیغام می‌فرستند که ما سرباز ایرانی هستیم و می‌خواهیم در مقابل ارامنه، شما را یاری کنیم. علمای وقت پس از مشاوره آیت الله آقای حاج سید حمزه هاشمی را پیش ایشان ارسال می‌نمایند که شناسایی صورت گیرد. با اینکه آنها مثل آذربایجانی‌ها به تُرکی حرف می‌زدند، سید مغفور نزد ایشان رفته پس از مقداری صحبت مراجعته نموده می‌فرماید: بنا به تشخیص من ایشان ارمی هستند نه مسلمان! بلا فاصله دروازه را از پشت محکم بسته و مهیای دفاع می‌شوند. در این ماجرا طرح مهندس فرانسوی قابل تحسین بود، زیرا برای بدنه و قلعه شهر ارتفاعی تعیین نموده بود که ارامنه که عمداً در جنوب شهر بین گندمزارها و پس بعضی دیوارها کمین گرفته بودند و توپ سیاهی نیز با آنها بود هر قدر با توپ و تفنگ خانه‌های را بعضی جاهای حساس را نشانه رفتند به هیچ یک از آنها اصابت نکرد ... و تعدادی از ارامنه به دست خوبی‌ها دستگیر شدند؛ اما چندی نگذشت که مرض وبا در چند شهر ایران به خصوص در شهرهای آذربایجان شرقی و غربی شیوع پیدا نمود که خوشبختانه اهالی خوی از این مرض چندان صدمه‌ای ندیدند، ولی از سربازان ترکیه تعداد زیادی را از بین برد. آری، در اثر تدبیر و مقاومت اهل شهر، دارالمؤمنین خوی، از شرّ اجنب محفوظ ماند، ولی سلماس و ارومیه به تصرف آنها در آمد.

عروض تاجر باشی خوبی به همین مناسبت چنین سروده است:

ایرانیان که فرز کیان آرزو کنند	باید نخست کاوه خود جستجو کنند
مردی بزرگ باید و عزمی بزرگتر	تا حل مشکلات به نیروی او کنند
در انسُلس نماز جماعت بپا شود	در قادسیه چونکه به خونها وضو کنند

اندر طبیعت است که باید شود ذلیل  
هر ملتی که راحتی و عیش خوکنند  
تالکه‌های ننگ شما شست و شوکنند<sup>۱</sup>  
نوح اربیايد و طوفان وی زنسو

بسیاری از شرح حال نویسان او را ستوده و او را در شمار عالمان شجاع و دلیر ذکر

نموده‌اند. صاحب کتاب رجال آذربایجان در عصر مشروطیت در مورد ایشان می‌نویسد: مردم خوی از گفته‌ای اطاعت می‌کردند و سر از اوامر او نمی‌پیچیدند. در اواخر جنگ بین الملل اول پس از آنکه روس‌ها آذربایجان را تخلیه کردند، اغتشاشاتی در آذربایجان و فرقان پدید آمد. من جمله اندرانیک نام از سرداران ارامنه با عده زیادی از قشون نظامی ارامنه و آسوری که اسلحه و توپخانه از قشون شکست خورده روس به دست آورده بودند به خوی حمله نمود و آن را محاصره کرد. خویها بنا به امر او در بنای حصار شهر خوی مقاومت نمودند. عموماً اتحاد کرده و مسلح شدند.

علمای نیز عملاً در دفاع شهر شرکت کردند و در سنگرهای خفتند. نفوذ حاج میر یعقوب آقا سنگرهای را معاينه می‌کرد، مردم را تشجیع می‌نمود، فرمان می‌داد، مقاومت را مثل یک سردار هدایت و رهبری می‌کرد. حرارت او در امر دفاع غازیان صدر اسلام را به یاد می‌آورد.

در هر حال، در اثر این مقاومت، خوی مانند ارومی به دست آسوری‌ها نیفتاد و مال و جان مسلمانان محفوظ ماند. چه طولی نکشید که قوای عثمانی به نزدیک خوی رسید به قوای اندرانیک حمله نمود. ارامنه دست از محاصره برداشته با دادن تلفات سنگین عقب نشستند.

در ۱۳۰۵ شمسی نیز هنگامی که عده‌ای از سربازان سلماس به دولت یاغی شدند و فرمانده خود را کشتند، به سوی خوی حرکت نمودند، حاج میر یعقوب آقا با تدبیر عاقلانه توانست سربازان یاغی را از خوی دور و آن شهر را از تعرّض محفوظ دارد.<sup>۲</sup>

صدرالإسلام محمد أمین خویی در کتاب ارزشمند خود می‌نویسد: و هو رجل الهي السيرة، نقى الأسلوب، حُسن المعاشرة، صبيح المنظر، محمود الشيمة، و له نقاد الكلمة و المرجعية العامة فيها و له خصائص جميلة و ملكات فاضلة منها كثرة

۱. کرامات آقا سید یعقوب، خطی.

۲. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، صص ۱۶۴-۱۶۳.

الحياء بما لا يكاد يتفق نظيره أعلاً قليلاً و الوجه الجذاب و صباحة المنظر و حلاوة المحضر و التواضع و حصافة الرأي و كمال العقل و الحدس الصائب.<sup>۱</sup>

مهدی آقاسی صاحب کتاب تاریخ خوی در مورد نقش ایشان در زمان بحران خوی و آذربایجان، می‌نویسد:

دوران برگشت او از نجف، مصادف با ایام بحرانی ایران گردید و نهضت مشروطه خواهی پدید آمد و بعد جنگ بین الملل و متعاقب آن هرج و مرچ در اجتماع ایران آغاز گردید. در تمام این پیشامدها سید مرحوم از علمای دست اندرکار و از راهنمایان دوراندیش و مجرّب و معتمد و به موقعش دلیر و شجاع شهر خوی بود.<sup>۲</sup>

صاحب کتاب بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی در مورد رشادت و شجاعت ایشان می‌نویسد:

وی از خانواده‌های روحانی خوی و مردمی فهیم و رشید و شجاع بود. او یکی از فرماندهان و رهبران مردم خوی در دفاع شجاعانه مردم آن شهرستان در مقابل نیروی آندرانیک سردار ارمنی بود ... همین اقدام دلیرانه برای حاج میر یعقوب جایی در صفحات تاریخ باز کرده است.<sup>۳</sup>

اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران در مورد حاج میر یعقوب دوّم می‌نویسد:  
نفر ارشد این خاندان، سید باریک اندامی است، با ریش سفید، جامه‌ای کبود، عبای بلوطی رنگ و عمامه‌ای سیاه می‌باشد.<sup>۴</sup>

آیت الله ملا علی خیابانی در سفر خود به خوی درباره دیدار خویش از حاج میر یعقوب آقا می‌نویسد:

دیروز (چهارشنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۵۲) با حضرت مستطاب ملاذ الانام حاجی میر یعقوب آقا پسر حاج میر اسماعیل فرزند مرحوم آقا میر یعقوب - طاب ثراه - ملاقات واقع

۱. مواة الشرق، ج ۲، ص ۱۴۰۱.

۲. تاریخ خوی، ص ۵۶۴.

۳. بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی، ص ۶۵.

۴. ایران امروز، صص ۸۵ - ۸۶.

شد ... این آقای حاج میر یعقوب از علماء و اشراف و مقبولین و نافذالحکم دارالامان خوی است و بُرهه‌ای از زمان در نجف تحصیل کرده، سید مؤقر محترمی است.<sup>۱</sup>

آقا میر یعقوب دوم پس از ۸۲ سال عمر با عزت و برکت، در سال ۱۳۶۴ق برابر با ۱۳۱۹ش پر به سرای جاوید کشید و به اجداد طاهرینش پیوست. جنازه پاک وی پس از اقامه نماز میت به امامت آیت الله شیخ مصطفی محله‌ای، مشهور به «شیخ آقا محله‌ای» (درگذشته ۱۳۷۰ق) در جوار مرقد جدش، عالم عامل حضرت آقا میر یعقوب اول به خاک سپرده شد. رو نوشته مرقد شریفش چنین است:

هو الباقي

هذا المرقد الشريف للسيد السند الحاج مير یعقوب بن الحاج مير اسماعيل بن یعقوب بن محسن بن حسن بن مختار بن معصوم بن على بن حسن بن على بن فخرالدين بن شريف بن شمس الدين محمد المصرى العلوى الحسينى بن شجاع الدين بن سليمان بن عقيل بن احمد بن حسن بن حسين بن جعفر بن على بن على الحسين بن على ابيطالب -عليه السلام -  
كتبه خادم السادات بخشعلى سنة ۱۳۶۴.

۱. میراث اسلامی ایران (ذخایر الاسفار)، ج ۳، ص ۶۳۰.



## چورسی، ملا محمد (۱۱۹۴ - ش)

آخوند ملا محمد بن عبدالرحیم چورسی متخلص به «انیس»، از تحصیل کردگان عتبات عالیات بوده و با علامه میرزا محمد حسن زنوزی خویی صاحب ریاض الجنة مأنوس بود و بدین خاطر به «انیس» تخلص نموده است.

وی شاعری خوش ذوق و عالمی خوش طبیت بود و در سال ۱۱۹۴ ش برابر با ۱۲۳۰ق وفات نمود و در چورس مدفون گردید.<sup>۱</sup>

۱. داشمندان آذربایجان، ص ۵۵؛ سخنران آذربایجان، ج ۲، ص ۸۴۷؛ بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی، ص ۳۷؛ تذکرة شعرای آذربایجان، ج ۴، ص ۶۶؛ تذكرة الفضلاء، خطی.



## ❖ حاجی قلیزاده، شهید حاج ولی (۱۳۴۴ - ۱۳۸۸ ش)

دادستان فقید شهرستان خوی، شهید حاج ولی حاجی قلیزاده فرزند علی در سال ۱۳۴۴ ش برابر با ۱۳۸۵ ق در شهرستان خوی و در یک خانواده متدين به دنیا آمد. پس از اخذ دپلم در سال ۱۳۶۲ ش، وارد مرکز تربیت معلم شهید مطهری شد و در ضمن آن، به تحصیل پرداخت و سپس به شهرستان شاهین دژ منتقل شد. بعد از شهادت برادرش شهید کاظم حاجی قلیزاده به خوی منتقل شد و به خدمات درسی و تربیتی در اداره آموزش و پرورش پرداخت.

در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ ش راهی جبهه‌های حق علیه باطل گردید و بعد از بازگشت از جبهه، در رسیدگی به امور دانش آموزان مستمند از هیچ کوششی دریغ ننمود و در کنار آن با حداقل امکانات مالی برای دانش آموزان استخر شنا آماده نمود و مورد بهره‌برداری قرار داد.

در سال ۱۳۶۸ ش پس از قبولی در آزمون ورودی قوه قضائیه و فارغ التحصیل شدن در رشته حقوق به عنوان دادیار دادگستری وارد دستگاه قضائی کشور گردید و در حین کار و تلاش در دادگستری در جهت احراق حقوق مردم مجدداً به ادامه تحصیل همت

گماشت و پس از اخذ مدرک فوق لیسانس و سپری نمودن مراحل عالی قضایی، در اثر شایستگی و توانایی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب شهرستان خوی انتخاب شد و تا لحظه شهادت در این پست خطیر خدمت نمود.

ایشان از خدمتگزاران خدوم، ایثارگر، عدالت محور و فعال بوده و در رسیدگی به پرونده‌های زمین خواری و مفاسد اخلاقی و اجتماعی پرونده درخشانی از خود بر جای گذاشت و سرانجام در اثر شرارت بدخواهان در ساعت ۱۹ و ۳۳ دقیقه شامگاه روز دوشنبه، ۲۸ دی ۱۳۸۸ ش برابر با ۲ صفر المظفر ۱۴۳۱ ق در حالی که از محل کار خود بر می‌گشت، حین پیاده شدن از خودروی سواری در مقابل درب منزلش مورد اصابت دو گلوله قرار گرفت که پس از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید.

پیکر پاک وی ساعت نه صبح روز چهار شنبه ۳۰ دی ۱۳۸۸ ش، پس از تشییع شایسته و باشکوه از مقابل دادگستری شهرستان خوی تا میدان ولی‌عصر (عج) و اقامه نماز میت به امامت حاج شیخ حبیب قراجه‌ای، در میان حزن و اندوه مردم در جوار مرقد امامزاده حضرت سید بهلول -علیه السلام- به خاک سپرده شد. رونوشت مزار ایشان چنین است:

آرامگاه دادستان فقید حاج ولی حاجی قلیزاده فرزند علی، تولد ۱۳۴۴، تاریخ شهادت

.۱۳۸۸/۱۰/۲۸

به دنبال شهادت این کارگزار صدیق، پیام‌های تسلیتی از سوی مقامات استانی و کشوری صادر گردید و مجالس متعددی در بزرگداشت ایشان برگزار شد.<sup>۱</sup>

۱. آرشیو بنیاد شهید شهرستان خوی؛ اورین خوی، شنبه ۳ بهمن ۱۳۸۸ ش، صص ۲-۳.

## ◆ حاجیلاری، شیخ عبدالوهاب (۱۲۲۲ - ۱۳۰۶ ش)

عالی فرزانه حاج شیخ عبدالوهاب حاجیلاری در سال ۱۲۲۲ ش مصادف با ۱۲۶۰ ق به دنیا آمد. وی از علمای مشهور خوی بود و در نجف اشرف از محضر آیت الله شیخ هادی تهرانی استفاده نموده است. او پس از مراجعت به خوی به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت و در این وادی شهرت کافی کسب نمود. او فوق العاده شوخ و مزاح بود.

ایشان در روز چهار شنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ ش مطابق با ۲۴ شوال المکرم ۱۳۴۵ ق وفات نمود و در جوار مرقد حضرت آخوند نوایی به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

رونوشت مزار ایشان بدین قرار است:

هذا المرقد الانور للعالم الريانی و الفاضل الصمدانی جامع الفروع والاصول الحاج شیخ  
وهاب حاجیلاری - اعلى الله مقامه - توفي ۲۴ شوال من سنة ۱۳۴۵ قمری.

۱. تذكرة الفضلاء، خطی.



## ◆ حاجی مطلب خان (..... - ۱۲۳۶ ش)

یکی دیگر از مزارات شهرستان خوی مزار بانی مسجد مطلب خان است که جای دقیق آن در مسجد مطلب خان مشخص نیست. مطلب خان از نوادگان دختری شیخ بهایی بود که ظاهراً جدش در فتنه افغان، اصفهان را ترک گفته و در خوی مقیم شده است. ولادتش در خوی بوده و از توانگران عصر و به شغل زرگری و جواهر فروشی اشتغال داشته است. وی زرگر مخصوص عباس میرزا نایب السلطنه بود که خطاب «خانی» را او به ایشان داده است. نایب السلطنه در سال ۱۲۴۴ق بعد از صلح با روس‌ها او را از خوی به حضور خود فراخوانده تا نشانه‌ایی برای افسران روسی بسازد.

مطلوب خان، در سال ۱۲۵۵ق مسجد بزرگی - در مرکز شهر ابتدای خیابان طالقانی - با حجره‌های دو طبقه بنا کرد که ارتفاع دیوارهای آن ۲۰ متر است. این مسجد که جزو آثار تاریخی ثبت گردیده گنبد ندارد و در خوی معروف است که به علت وسعت و ارتفاع بنا، معماران نتوانسته‌اند گنبدی بر روی آن بسازند.

نقل می‌کنند: وقتی که ایشان خواست مسجد را پایه گذاری کند، در سطح شهر اعلام کرد که تمایل دارد یکی از اهالی شهر که نماز صبحش فوت نشده، اولین سنگ پایه این

مسجد را بنا بگذارد و چون یک هفته از انتشار این خبر گذشت و کسی اعلام آمادگی نکرد، مطلب خان گفت: بارک الله به مطلب که نماز صبحش قضا نشده و خودش اولین سنگ پایه مسجد را بنا نهاد.

مطلوب خان ۱۸ سال بعد از تأسیس مسجد، در خوی وفات نمود و در مسجدی که خود بانی آن بود، به خاک سپرده شد. از کتیبه سنگ مزارش که بر سمت دیوار غربی نصب شده بر می‌آید که وفاتش در سال ۱۲۳۶ ش برابر با ۱۲۷۳ ق بوده است. متن سنگ مزارش که بر روی سنگ مرمر بزرگی کنده شده، متن‌بین تبار و تاریخ وفات اوست. دکتر محمد امین ریاحی به نقل از علی زاهدی رونوشت آن سنگ را چنین نقل می‌کند:

که دارد او نژاد از شیخ اکرم	وحیدالدّهر حاجی مطلب خان
ز افلاطون به حکمت بود اعلم	بهاءالدین محمد عالمی کو
ز شادی گشت خالی شد پُر از غم	روان او چو از تن رفت، دوران
شد آنگه پشت چرخ واژگون خم	شد آنگه تیره روی ماه و خورشید
مرا او را بود در گیتی مسلم	مرضع کاری و جوهر شناسی
«به جنت باشد او را حور همدم»	به تاریخ وفاتش گفت «فرهنگ»

۱۲۷۳ ق

قاآنی ضمن قصیده‌ای در ستایش محمد شاه و مطلب خان، تاریخ بنای آن را «شد از نو کعبه دیگر بنا در مکه دیگر» برابر ۱۲۵۵ ق یافته است.<sup>۱</sup>

مسجد مطلب خان در ادوار مختلف شاهد حضور نمازگزاران بود و بزرگانی همچون: عالم ریانی شیخ علی اکبر نوایی، آیت الله سید علی اکبر خویی و آیت الله شیخ صادق فراحی خویی امامت جماعت آن را بر عهده داشتند و امید است به همت مسؤولین امر بار دیگر شاهد رونق و از سرگیری فعالیت‌های مذهبی در این مسجد باشیم.

۱. تاریخ خوی، ص ۲۹۹.

## ❖ حسام چورسی، میرزا محمد علی (....-۱۳۲۵ ش)

میرزا محمد علی خان طاهری چورسی متخالص به «حسام» در چورس به دنیا آمد و در خوی نشونما یافت. وی شاعری توانا و در هجوگویی مهارتی تام داشت و اشعارش به دو زبان فارسی و ترکی در هجو متندزین سروده شده است.

حسام در ۹۰ سالگی در سال ۱۳۲۵ ش برابر با ۱۳۶۵ ق در چورس درگذشت و در همانجا دفن گردید. نمونه‌ای از اشعار وی در مدح امیرالمؤمنین علی -علیه السلام -چنین است:

ای کان جود و منبع صدق و صفاء علی	ای معدن فتوت و مهر و وفا علی
ای باعث نجات خلیل خدا علی	ای لنگر سفینه بحر نجات نوح
وی کاشف حقایق سر و خفا علی	ای دوحة حدیقة اسرار معنوی
از او لین علومی الى انتهای علی	بر جملة علوم خداوند عالمی
من شهر علم و علی بابها علی	گفته نبی به نص صریح این کلام را
در تو ظهور شد، اثرش بر ملا علی	در شان توست آیه تطهیر و هل اتنی
بر جمله سوره‌ها خبر مبتدا علی	معنای سوره‌های کتاب خدا تویی

گردید از وجود تو کعبه شریفتر  
 بر بیست و هشت حرف رموزات هر حروف  
 گویند یا علی به تو حلّ مشکلات  
 بر ذات ذوالجلال قسم می‌دهم تو را  
 خالی مکن دل خود ز مهر او  
 در حیرتم نیامده بر کربلا چرا  
 خون گریه کن «حسام» به مظلومی حسین

تنها نه کعبه، زمزم و کوه منی علی  
 کاشف توبی یقین ز الف تا به یا علی  
 مشهور بوده نام تو مشکل گشا علی  
 هنگام مرگ بر سر قبرم بیا علی  
 البته حاجت تو نماید روا علی  
 در دفن نعش پاک شه کربلا علی<sup>۱</sup>  
 شاید شفاعت بکند مرتضی علی<sup>۱</sup>

۱. سیماخوی، ص ۱۶۸؛ سخنران آذربایجان، ج ۲، ص ۸۵۴؛ فرهنگ نام‌آوران خوی، صص ۱۲۵-۱۲۴.

## ◆ حلمی مهاجر، آخوند ملا حیدر (....-۱۳۵۶ ش)

آخوند ملا حیدر حلمی مهاجر فرزند کربلایی سلمان در روستای کلولق از توابع شهر ایغدر در کشور ترکیه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در ترکیه گذراند و در ۱۳ سالگی راهی مشهد مقدس رضوی گردید و در نزد استادان آن شهر به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و بعد از هشت سال توقف در جوار مرقد منور علی بن موسی الرضا -علیه السلام- به ترکیه برگشت و به خدمات دین و مذهبی پرداخت. اما اقامات او در ترکیه طولانی نشد و بعد از دو سه سال به ایران آمد و در روستای پارچی از توابع خوی سکنی گزید و سپس با راهنمایی آیت الله حاج سید علی اصغر صادقی خویی به روستای عرفات بیجیک از توابع شهرستان ماکو رفت و در آن منطقه مشغول ارشاد و وعظ و خطابه گردید.

معظم له بر اساس وظیفه شرعی و نیاز مردم منطقه، در سال ۱۳۱۲ ش اقدام به افتتاح دفتر ازدواج و طلاق در بلوک بیجیک نمود و کنار آن اقدام ترویج مذهب جعفری و احداث مسجد در روستاهای محمود آباد، عرفات، قرنقو، قیزه‌هاجلو و ... کرد.

آخوند ملا حیدر حلمی از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله میرزا محمد حسین نائینی، آیت الله سید محمد حجت کوه کمری و آیت الله سید محمد کاظم یزدی

دارای اجازه نقل حدیث و امور حسیبیه بود و با علمای خوی همچون علامه شیخ قاسم مهاجر، آیت الله سید ابراهیم علوی خویی، حاج میر خلیل علوی، استاد سید شمس الدین علوی، حاج شیخ جلیل هنرور و حاج میرزا خلیل قبله‌ای و با علمای ماکو مانند حاج میرفتح موسوی، حاج میر محسن موسوی و حاج میر اسلام موسوی ارتباط و معاشرت داشت و مورد وثوق آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله میرزا محمد حسین نائینی بود.

آثار علمی او چنین است:

۱. مجموعه مدایع و مراثی (خطی)؛

۲. ادعیه (خطی)؛

۳. مواعظ (خطی).

شایان یادآوری است که آخوند ملا حیدر حلمی یکی از علمای مهاجر به منطقه آذربایجان بود که مانند دیگر علمای مهاجر مثل شیخ علی اکبر هاسونی، شیخ آقا پورنا کی، شیخ نجف خوکی، شیخ قاسم مهاجر و ... از دیانت و ایمانی خیلی قوی برخوردار بودند و خدمات ارزشمندی به مردم منطقه نمودند.

ایشان در سال ۱۳۵۶ ش موفق با ۱۳۹۷ ق وفات نمود و پس از اقامه نماز میت به امامت آیت الله سید ابراهیم علوی خویی در جوار مرقد آخوند ملا علی خویی در شهرستان خوی به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از حاج شیخ کامل خلفخانی، داماد معظم له.

## ◆ خضرلو، شهید شیخ محمد حسن (۱۳۲۷ - ۱۳۵۷ ش)

شهید حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حسن (مسعود) خضرلو فرزند حاج شیخ علی خضرلو در سال ۱۳۲۷ ش مصادف با ۱۳۶۷ ق در روستای «آخشنو» از توابع شهرستان خوی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را تا کلاس ششم ابتدایی در دبستان هدایت به پایان رسانید و سپس در سال ۱۳۴۲ ش وارد مدرسه نمازی خوی گردید و در نزد استادانی همچون حاج شیخ جلیل هنرور و حاج سید جعفر مرقاتی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۷ ش به ارومیه رفت و در مدرسه علوم دینی محمدیه به ادامه تحصیل همت گماشت و بعد از آن در سال ۱۳۵۰ ش رهسپار حوزه علمیه قم شد و در پیش آیت الله حاج میرزا احمد پایانی و آیت الله حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی به کسب سطوح حوزه روی آورد.

از خصائص مهم ایشان در طول تحصیل تبلیغ معارف الهی و احکام اسلامی در تهران، اهواز و ... بود و در این راه موفقیت‌های خوبی به دست آورده بود. ایشان عالمی مهریان، جوانمرد، سخنی، خوش لباس، خوش برخورد، خوش استعداد و مؤدب بود و پس از بازگشت به خوی به خدمات دینی و تبلیغی روی آورد.

شهید خضرلو و سید حسن حسینی کوه‌کمری به اتفاق حاج شیخ ذبیح الله متولی (داماد و نماینده آیت الله شیخ صادق فراحتی خویی) جهت دعوت مردم روستای بدل آباد به حفظ آرامش و امنیت به آنجا می‌روند ولی متأسفانه در این روستا مورد هجوم عده‌ای از اشرار و چماقداران طرفدار رژیم پهلوی قرار گرفته و شهید خضرلو به درجه رفیع شهادت نائل و دو رفیق دیگرش در حالی که جراحات عمیقی برداشته بودند محل را ترک می‌گویند.

هنوز پس از گذشت سه دهه از آن حادثه وحشتناک - قتل این شهید والامقام - مزار شریف‌ش برای کسی معلوم نیست و قاتلین خونخوارش از پس دادن پیکر پاک ایشان به خانواده ایشان خودداری کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. آرشیو بنیاد شهید شهرستان خوی و گفتگو با آیت الله حاج شیخ علی محسنی خویی، از دوستان شهید خضرلو.

◆ خویی، شیخ محمد باقر (....-۱۳۲۲ ش)

عالم زاهد، حاج شیخ محمد باقر خویی از عالمان ذی نفوذ و طراز اول خوی بود، پدرش، حاج شیخ محمد کاظم نیز از علمای سرشناس و جدش، عالم ربانی، آخوند ملا علی خویی - صاحب بقعة معروف در خوی - است.

وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و سپس در عرض سه ماه با پای پیاده خود را به شهر مقدس قم رساند و از درس فرزانگان بزرگی همچون؛ آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود و پس از ۱۵ سال اقامت در آن شهر، باز در طی سه ماه با پای پیاده به خوی مراجعت نمود و به خدمات دینی پرداخت.<sup>۱</sup>

ترجم نگار شهیر، آیت الله ملا علی خیابانی در سفر خویش به خوی، در ۱۳۱۲ ش

با ایشان دیدار کرده و در مورد وی می‌نویسد:

و دیگر جناب مستطاب العالم الجليل النبيل الحاج شیخ محمد باقر بن الشیخ  
الکاظم از احفاد مرحوم ملا عبدالنبي طسوجی از مشايخ مرحوم صاحب ریاض الجنۃ  
- قدس الله سره....<sup>۲</sup>.

۱. به نقل از حاج میر ابراهیم سید رضایی، شاگرد معظم له.

۲. میراث اسلامی ایران (ذخیره الاسفار)، ج ۳، ص ۶۳۰.

ایشان در سال ۱۳۲۳ ش برابر با ۱۳۶۳ ق راه سرای باقی را در پیش گرفت و با تسلیم جان به جان آفرین در کنار مزار جدش عارف زاهد، آخوند ملا علی خوبی به خاک سپرده شد.

پرسش، آقا جواد داماد حاج میر مهدی مقبره و نسل آخوند ملا علی خوبی از این طریق است. بازماندگان شیخ محمد باقر با نام خانوادگی «شریف» معروف هستند. متن تربیت او بدین قرار است:

هذا

المرقد الشريف للعالم الفاضل البحر الكامل جامع الفروع والاصول و حاوي المعقول و المنقول المرحوم حاج شیخ محمد باقر بن شیخ محمد کاظم بن حاج ملا علی المعروف بالقدس والکرامۃ قد توفی في ۱۳۶۳ قمری و دفن فی جوار جدہ .

مرحوم میرزا علی خان طاهری در ماده وفات ایشان گوید:

ملکی بود به کردار به صورت انسان	این نکونام که در زیر لحد گشته نهان
علقه از هر چه در این عالم و مهر از یاران	ای دریغ جهان رخت بدر برد و برید
ناصر دین خدا مظہر نور ایمان	عالیم پاک گهر زاهد پاکیزه سرشت
بنده خاص خدا زنده بود جاویدان	اگر ش مردہ بدانیم خطا باشد زانک
که به تقوی و ورع بود مشار بالبنان	صاحب خلق حسن شیخ محمد باقر
راه بر بارگه قدس خداوند جهان	طایر روح شریفیش بمه بهین یافت
لیک یک عدد بیست برافزای در آن	روح باقر به جنان رفت» شدش سال وفات

ش ۱۳۲۳



## ❖ رسولزاده خویی، میر اسماعیل (۱۳۰۱ - ۱۳۸۴ ش)

عالم فرزانه ، حجت الاسلام و المسلمين حاج میر اسماعیل رسول زاده در سال ۱۳۰۱ ش مصادف با ۱۳۴۰ق در شهرستان خوی به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سید حسن بابا - صاحب بارگاه مشهور در روستای کوه کمر - به امام زین العابدین -علیه السلام - منتهی می شود . متن شجره نامه وی چنین است :

سید اسماعیل فرزند میر مجتبی فرزند میر رسول فرزند میر بابا فرزند میر عبدالرسول فرزند میر کمال فرزند میر عبدالرازاق فرزند میر باقر فرزند میر قاسم فرزند سید عبدالحسین فرزند سید معصوم فرزند سید علی فرزند سید حسن فرزند سید علی فرزند سید فخر الدین فرزند سید شرف الدین فرزند سید شمس الدین فرزند سید محمد المصری العلوی الحسینی الملقب ب «الحجازی» فرزند سید شجاع الدین فرزند سید سلیمان فرزند سید عقیل فرزند سید احمد فرزند سید حسن فرزند سید حسین فرزند سید جعفر فرزند سید علی فرزند علی بن الحسین - علیه السلام ..

در شش سالگی به دبستان ابتدایی رفت و به علت بی حجابی دختران در مدارس آن دوره از دبیرستان صرف نظر کرد و شروع به فراگیری قرآن کریم در پیش حاج سید علی اکبر خویی (شوهر عمه‌اش) و حاج امین کاتبی نمود.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش وارد مدرسه نمازی گردید و از دروس آیت الله سید علی صغر صادقی خویی و سید هادی میر بابایی استفاده نمود و بعد از تسلط فرقه دموکرات به خاک آذربایجان به مدت چهار سال جلای وطن نمود و به تهران رفت. پس از فرار سید جعفر پیشه‌وری و اضمحلال فرقه دموکرات به خوی آمد و از محضر استادانی همچون؛ حاج شیخ جلیل هنرور، حاج شیخ علی مفیدی، حاج شیخ جابر فاضلی و حاج سید جعفر مرقاتی استفاده نمود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی - سال ۱۳۴۲ ش - به علت دعوت روحانیت خوی به منزل به منظور گوش دادن به نوار سخنرانی امام خمینی، مورد تهدید ساواک قرار گرفت و پس از یک روز بازداشت در اداره ساواک پرونده ۹۹ صحفه‌ای علیه وی ترتیب یافت. ایشان پس از انقلاب اسلامی از افراد دلسوز و حامی مستضعف در خوی بود و با وجود کبر سن شش بار در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافت و خاطرات آن دوره را به قلم جاری ساخت. در تمامی پست‌هایی که به او محول شده بود بیشتر افتخاری خدمت می‌کرد و حقوق دریافت نمی‌نمود. برخی از فعالیت‌های وی در زادگاهش چنین است: مسئول شورای شهر، مسئول حزب جمهوری اسلامی، عضو دفتر دارالشوری روحانیت، رئیس شورای اوقاف، مسئول دارالسلام و مزار شهداء، فعالیت در هیأت هفت نفری بیمارستان آیت الله خویی، رئیس جمعیت هلال احمر، مسئول و مأموریت رسیدگی به خانواده‌های مفقودین و اسرای جنگی، سخنرانی در آموزشگاه‌ها، تدریس در هلال احمر، مسجد قاری و سید الشهداء و اقامه نماز جماعت در مساجد خوی.<sup>۱</sup>

معظم‌له در باره برخی از فعالیت‌های خویش می‌نویسد:

پروردگار قادر و مهربان عنایت کرده، پنج دفعه موفق به زیارت بیت الله الحرام مشرف شده‌ام و هفت مرتبه به کربلا و نجف و عتبات عالیات مشرف شده‌ام و بیشتر از ۱۰ فقره به زیارت مشهد مقدس ثامن الائمه مشرف شده‌ام. با توجه و لطف خداوندی به من، عمر پُر برکت عطا فرموده ۷۷ سال دارم و تاکنون بیشتر از ۲۰ جلد کتب دینی و

۱. فرهنگ نام آوران خوی، صص ۲۶۴-۲۶۲.

اسلامی نوشته‌ام که تا حال هفت جلدش مکرّر در تهران چاپ شده که علم و وقت و حوصله و مطالعه و چاپ همه را خداوند فراهم نموده است. و با توفيق و عنایت خداوند، در شهر خوی چندین مسجد با پول مؤمنین بنا کرده‌ام و در جنگ تحملی عراق با ایران شش ماه در جبهه‌های جنوب و غرب شرکت نموده و به تبلیغ و سخنرانی مشغول بودم و همچنین دو فرزندم سید محمد شش ماه، و سید حسین نه ماه در جبهه غرب و جنوب شرکت کرده‌اند.

بیست سال در اوقاف و ریاست جمعیت هلال احمر، افتخاری خدمت نموده‌ام. در مجالس شهدای خوی در ۲۰۰ روستا افتخاری سخنرانی کرده‌ام، امیدوارم خداوند عزّوجلّ بالطف و کرم خود گناهان مرا ببخشد و با ایمان و سعادتمند به رحمت خود به بهشت برین، نزد اجداد پاک و پیشوایان اسلام و اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه و آله - نایل فرماید ان شاء الله.<sup>۱</sup>

حاج میر اسماعیل رسول زاده، انسانی متواضع، عالمی متدين، نویسنده‌ای پرمطالعه، دانشمندی فرزانه و اهل ذکر و ورد و دعا بود. آثار چاپی و خطی وی که حاکی از تلاش و فعالیت علمی ایشان است، بدین ترتیب است:

۱. حکومت عدالتخواهی علی بن ایطاب - علیه السلام - (فارسی، تهران، ۱۳۶۵ ش).
۲. شرح یکصد و چهل حدیث اربعین (فارسی، تهران، ۱۳۷۰ ش).
۳. اسرار و فوائد وجود حضرت ولیعصر (عج) (فارسی، تهران، ۱۳۴۰ ش).
۴. معاشرت و مصاجبت چهارده معصوم.
۵. اخلاق و رفتار پیشوایان اسلام (فارسی، تهران، ۱۳۴۶ ش).
۶. سخاوت پیشوایان اسلام (فارسی، مشهد، بی‌تا).
۷. راهنمای راهنمایان یا شرایط مبلغین اسلامی (فارسی، ۱۳۵۲ ش).
۸. مکارم الاخلاق.
۹. نعمت‌های الهی برای بندگان (فارسی، تهران، ۱۳۷۹ ش).
۱۰. کلید خیر و شر: یا سه عضو خطرناک، ۲ جلد، (خطی).

۱. نعمت‌های الهی برای بندگانش، ص ۵۴

۱۱. تحقیقات نعم فردی و اجتماعی (خطی).
۱۲. ارزش دانش و داشمند در اسلام (خطی).
۱۳. تشريع و فنای دینا (خطی).
۱۴. رحمت و شفاعت (خطی).
۱۵. درهای هدایت ، ۲ جلد ، (خطی).
۱۶. دریچه‌هایی از علوم قرآن (خطی).
۱۷. برهان نظم در خلفت (خطی).
۱۸. پاسخ هشتاد سوال علمی (خطی).
۱۹. غربزدگی و تقليد از بیگانگان (خطی).
۲۰. قسم‌های ائمه (خطی).
۲۱. اعجازات در قرآن و ائمه اسلام (خطی).
۲۲. عادت یا طبیعت ثانوی (خطی).
۲۳. الطريق الوسطی یا تعادل در زندگی (خطی).
۲۴. حقوق و عایدات مستحقین در اسلام (خطی).
۲۵. جلد دوم احادیث اربعین دینی و اخلاقی (خطی).
۲۶. زندگی سعادتمدان (خطی).
۲۷. لغات متشابه (خطی).
۲۸. خاطرات شش ماهه جبهه جنگ (خطی).
۲۹. مسؤولیت و وظایف روحانیت (خطی).
۳۰. ولایت نکوینی و علوم ائمه اسلام (خطی).
۳۱. سلام و حمد در قرآن و بهشت (خطی).
۳۲. ظلم‌های معاویه (خطی).
۳۳. بیانات شایسته ، ۲ جلد ، (خطی).
۳۴. حقوق حیوانات (خطی).

۳۵. قضاوتها و حکومت عدالتخواهی علی بن ابیطالب - علیه السلام - (فارسی، تهران،

۱۳۷۵ ش).

سرانجام، این عالم وارسته پس از عمری با برکت در روز دوشنبه ۱۴ شهریور ماه ۱۳۸۴ ش مطابق با ۱۴ شعبان المعظّم ۱۴۲۶ق در شهرستان خوی بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از تشییع شایسته و اقامه نماز میت به امامت دوست دیرینش، آیت الله حاج سید عبداللطیف قرشی کوه کمری در مزار شهداء به خاک سپرده شد. متن مزار او چنین است:

مرقد العالم البارع المحدث الخبير السالك الوفق عَلَمُ الْقَدِيسِ وَ التَّقْوَى الرَّاقِى إِلَى ذرِيَّةِ الْمَعَارِفِ الْدِينِيَّةِ وَ الصَّاحِبِ لِلصَّحْفِ الْقَوِيمَةِ فِي تَبِيَانِ مَا صَدَرَتْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ الْمُولَى الْأَصْبَلِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ الْحَاجُ السَّيِّدُ اسْمَاعِيلُ بْنُ مَبْرُورِ زَادَهُ الْخَوَبِيُّ قَدْلَبِيُّ نَدَاءُ ارْجَعَى إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَّةً مَرْضِيَّةً وَ ارْتَحَلَ إِلَى مَثَوَّيِ السَّرُورِ وَ الْكَرَامَةِ يَوْمَ ۱۴ مِنْ شَعْبَانَ الْمَعَظِّمِ ۱۴۲۶هـ قَ وَ قَدْ مَضَى مِنْ عُمْرِهِ الشَّرِيفِ ۸۴ عَامًا وَ حَشَرَهُ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ.<sup>۱</sup>

۱. علمای معاصر آذربایجان، آماده چاپ.





ساجدی، سید محمود (۱۳۳۷ - ش)

آیت الله سید محمود ساجدی از مشاهیر علماء و بزرگان خوی است. تحصیلات مقدماتی و سطح را پیش استادانی همچون؛ آیت الله شهید حاج میرزا ابراهیم دنبی خویی فراگرفت و آنگاه به عتبات عالیات رفت و به تکمیل تحصیلات پرداخت و به درجه اجتهاد نائل آمد. وی با آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی، آیت الله حاج میرزا یحیی امام جمعة خوی (۱۲۷۴ - ۱۳۶۴ق)، آیت الله حاج میرزا علیقلی آقا و واعظ مشهور میر عباس محدث معاشرت و رفاقت داشت.<sup>۱</sup> آیت الله ملا علی خیابانی در سفرنامه خویش به خوی از ایشان چنین یاد می‌کند:

سید سند و العالم المعتمد حاج میر محمود آقا از اعاظم علمای خوی و دارای اجازة اجتهاد است.<sup>۲</sup>

آیت الله ساجدی در سال ۱۳۳۷ ش مطابق با ۱۳۷۸ق بدرود حیات گفت و پیکر پاکش در جوار مرقد حضرت آخوند نوایی به خاک سپرده شد. رونوشت مزار وی بدین قرار

۱. کرامات و حکایات پندآموز، ص ۳۱.

۲. میراث اسلامی ایران (ذخائر الاسفار)، ج ۸، ص ۶۳۹.

است :

هذا

المرقد الشريف للسيد السند و الحبر المعتمد و العالم الكامل جامع الفروع و الاصول  
حاج سید محمود ساجدی - اعلى الله مقامه - توفي ١٣٧٨ قمری .



## ◆ صادقی بدل آبادی، ملا حسین (۱۲۸۰ - ۱۳۳۳ ش)

آخوند ملا حسین صادقی بدل آبادی فرزند آخوند ملا موسی (مدفون در قبرستان ابوطالب مکه مکرمه) فرزند ملا عسگر فرزند ملا حسن فرزند ملا صادق در سال ۱۲۸۰ ش برابر با ۱۳۱۹ق در روستای بدل آباد در یک خانواده اصیل و مذهبی به دنیا آمد. ایشان از روحانیون فعال و از اساتید حوزه علمیه خوی بوده و حوزه علمیش پرورش دهنده عالمنی همچون آیت الله حاج سید جعفر مرقاتی، حاج شیخ جلیل هنرور، حاج شیخ حسن بصیری، حاج شیخ ذبیح الله متولی و حاج علی سلامت می باشد.

آیت الله سید محمد حجت کوه کمری در اجازه‌ای که در ۱۲ صفر المظفر ۱۳۶۱ق به ایشان داده اخلاق، فضل، علم، عمل و وثاقت ایشان را مورد تأیید قرار داده است. متأسفانه آثار و نوشتگات ایشان در اثر گذشت زمان از بین رفته ولی خدمات علمی، تبلیغی و نیکی‌های ایشان در حق مردم هنوز در خاطره‌ها جاویدان است.

آخوند ملا حسین در روز دوشنبه ۲ فروردین ماه ۱۳۳۳ ش مصادف با ۱۶ ربیع المرجب ۱۳۷۳ق در ۵۳ سالگی در خوی وفات نمود و پیکر پاکش در قبرستان کوه علمدار واقع در روستای بدل آباد به خاک سپرده شد. متن حکاکی شده بر مزار ایشان

بدین قرار است:

آرامگاه عالم فاضل، زاهد متقدی، استاد متبحر در علوم دینی و معارف اسلامی، جامع علم و عمل مرحوم و مغفور آخوند ملا حسین صادقی بدل آبادی فرزند حاج آخوند ملا موسی المدفون بمکة المكرمة، دوم فروردین ماه ۱۳۳۳ ش.

\* \* \*

برادرش، مرحوم ملا علی اصغر از فضلای بنام حوزه علمیه خوی و نجف اشرف بود. وی به مدت ۱۰ در نجف اشرف از محضر بزرگانی همچون آیت الله میرزا محمد حسین نائینی، آیت الله اصفهانی و ... بهره برد و سرانجام در سال ۱۳۳۰ ق هنگام عزیمت به زادگاهش، به علت بیماری در میاندوآب وفات نمود و در قبرستان قدیمی همان شهر دفن گردید.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از حاج شیخ جعفر صادقی، فرزند معظم له.

۱۳۸۲

## ◀ صادقی، شیخ سلطانعلی (۱۳۳۶ - ۱۳۸۲ ش)

حجت‌الاسلام و المسلمين حاج شیخ سلطانعلی صادقی فرزند اکبر در روز پنج شنبه ۳ بهمن ماه ۱۳۳۶ ش مافق با ۲ ربیع‌المرجب ۱۳۷۷ ق در چالدران در یک خانواده مذهبی زاده شد. پس از فراگیری علوم مقدماتی در نزد حاج شیخ عبدالصمد خلیل زاده و ... در مدرسه نمازی، در سال ۱۳۵۶ ش به حوزه علمیة قم رفت و سطوح را در پیش استادان آن حوزه فراگرفت.

ایشان به مدت ۱۴ سال در دروس خارج آیت‌الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی حاضر گردید و از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض نمود. از ویژگی‌های بارز آن عالم فاضل می‌توان به اخلاق نیکو، صفات پسندیده، تبلیغ شرع مقدس در جاهای مختلف، صفاتی باطن، حضور نزدیک به یک سال در جبهه‌های حق علیه باطل اشاره نمود.

وی پس از ۲۴ سال اقامت در حوزه علمیة قم و کسب کمالات علمی و عملی، شهرستان خوی را برای اقامت دائمی انتخاب نمود و سرانجام در سال ۱۳۸۰ ش راهی آن شهر گردید. وی در شهرستان خوی در محله قاضی-باغ حاج علی-سکونت نمود و

در مسجد امام سجاد - علیه السلام - به اقامه جماعت و تبلیغ و نشر احکام الهی پرداخت و در این وادی موفقیت خوبی به دست آورد.

از آثار ایشان می‌توان به تاریخ امام حسین - علیه السلام - اشاره نمود.

معظم له پس از یک دوره مریضی و کسالت جسمی در روز پنج شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۸۲ ش مطابق با ۶ ذی الحجه الحرام ۱۴۲۴ق دارفانی را وداع گفت و جسم پاکش پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز میت به امامت امام جمعه محترم خوی در مزار شهدا به خاک سپرده شد. متن مزار ایشان چنین است:

انما يخشى الله من عباده العلما

مرقد شریف عالم رباني و پرهیزگار حجت الاسلام و المسلمين شیخ سلطانعلی صادقی فرزند اکبر، ولادت ۱۳۳۶/۱۱/۳، ارتحال زاهدی پاک ضمیر و عالمی وارسته، الگوی ادب و کمالات پاک دلی از سلاله نیکان حجت الاسلام و المسلمين حاج شیخ سلطانعلی صادقی که عمری را با بی آلایشی و عزت نفس و مناعت طبع و طهارت روح و صفائی باطن با قلبی صاف تر از آئینه و همواره به یاد خدا جانش را با ولایت حسین ساخته و در محفلی ساده و بی پیرایه با سلوک محبت آمیزش در راه تبلیغ دین و تربیت نفوس سپری نموده و محبوب دلها قرار گرفت و آخرالامر از فانی به سوی باقی شتافت و نور رویش به صد شوق در کوی رضا قرار و مأوى نمود و چون ارواح مکرم در خلد برین جای گزید. دفتر امام جمعه، جامعه روحانیت حوزه علمیه نمازی و سازمان تبلیغات اسلامی خوی این بیانیه را صادر فرموده‌اند.

وفات ۱۱/۹، ۱۳۸۲، روحش شاد و راهش پر رهو باد.

۱۳۲۷

## ◀ عرب، شیخ مهدی (....-۱۳۲۷ ش)

عالی ریانی، مرحوم حاج شیخ مهدی خویی معروف به «عرب» عالمی زاهد، فقیهی متقدی، پیشنازی مسلم العدالة و تارک دنیا بود و در عمل به امر به معروف و نهی از منکر شهرت به سزاگی داشت. شیخ مهدی به علت اینکه مادرش متولد حجاز و بزرگ شده آن کشور بود به «عرب» معروف شده بود.

حاج شیخ حسن بصیری در خصوص ایشان نقل کرده است:

وقتی ایشان از شرابخواری حاکم شهر با خبر شد، روز بعد، پس از اتمام اقامه نماز مغرب و عشاء، در پلۀ اول منبر نشست و گفت: مردم! شنیده‌ام که گویا حاکم ما شراب می‌خورد، خدایا! اگر این مطلب صحیح باشد او را به مرض سانجو (شکم درد) مبتلاکن. شبانگاه حاکم به شکم درد سختی مبتلا می‌شود، همه پزشکان شهر را جمع می‌کنند ولی آنان نیز از معالجه عاجز می‌مانند. نزدیکان حاکم نفرین شیخ را به او اطلاع می‌دهند. حاکم مقداری پول برای شیخ فرستاده و التماس دعا می‌کند. فرستاده حاکم، پول را نزد شیخ آورده می‌گوید: حاکم این پول را فرستاده و التماس دعا دارد.

شیخ پول را برگردانده و می‌فرماید: اگر توبه کند شفا می‌باید، حاکم پس از توبه شفا می‌باید.<sup>۱</sup>

همچنین گویند: روزی مرحوم حاج شیخ مهدی عرب، در بالای منبر از محسنات متعه (صیغه موقت) صحبت کرد. فردای آن روز موقع آمدن به مسجد، چند نفر از زنان سر راهش را گرفته و پس از اعتراض می‌گویند: اگر این کار (متعه) خوب بود و ثواب داشت، چرا حضرت امیرالمؤمنین -علیه السلام- در زمان حیات حضرت زهرا -سلام الله علیها- این عمل را انجام ندادند؟ مرحوم شیخ در جواب می‌فرماید: من این مطلب را متوجه نبودم و امروز در منبر در مورد این مسأله صحبت خواهم کرد و به این طریق آنها را قانع می‌کنم. روز بعد، پس از نماز بالای منبر رفته، می‌گوید: هر چه دیروز در این باره گفته‌ام صحیح بوده و بلکه ثوابش از آن چه گفتم بیشتر هم بوده است، ولکن امروز موقع آمدن جمعی از خواهران در بین راه معتبرض گشته و با طرح سوالی از من اشکال نمودند و من هم عهده‌دار شدم که در منبر جواب کافی را بدهم. جواب این است که: حضرت زهرا -سلام الله علیها- در نه سالگی به خانه مولی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب -علیه السلام- آمد و به اقوال مشهور در هیجده سالگی نیز از دنیا رفت. ولی تو ای خواهر من! چهل ساله می‌شوی نمی‌میری، پنجاه ساله می‌شوی نمی‌میری، شصت ساله می‌شوی نمی‌میری، پس چاره این مرد بیچاره چیست؟ در ضمن ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی -علیه السلام- با وجود حضرت فاطمه زهرا -سلام الله علیها- جایز نبوده است.

شیخ مهدی عرب در سال ۱۳۲۷ ش مطابق با ۱۳۶۷ ق در خوی بدرود حیات گفت و در «قبرستان قوچلو» به خاک سپرده شد. مزارش در آن قبرستان مشهور عام و خاص بوده و کراماتی هم از آن قبر رویت شده بود، ولی متأسفانه در زمان حکومت رضاخان از بین رفت.

مرحوم حاج غلامرضا شاکری ساکن کوی شهانق -یکی از افراد مقدس و متدين شهرستان خوی- نقل می‌کرد:

بعد از غروب یک روز جمعه، از میان قبرستان مرحوم عرب آقا و مرحوم آخوند نوابی می‌گذشت. صدایی زیبا و دلنشیبی به گوش رسید که سوره مبارکة جمعه را تلاوت

می‌کرد. بسیار تعجب کرده و با خود گفت که این موقع شب کیست که این‌گونه قرائت می‌کند؟!

به دقّت به اطراف نگاه کردم ولی کسی را ندیدم، مگر مرغ سفید رنگ و بزرگی که بالای گنبد مرحوم عرب آقارو به قبله نشسته بود. نزدیک رفتم، پرنده قرائت را قطع نمود و پرواز کرد و بر گنبد مرحوم آخوند نوایی نشست و ادامه سوره را از همان جایی که قطع کرده بود، قرائت نمود و بعد از اتمام سوره پرواز کرد و رفت.<sup>۱</sup>





## ◆ علوی (مقبره‌ای) سید ابراهیم (۱۲۹۴ - ۱۳۶۸ ش)

فقیه فرزانه، آیت الله حاج سید ابراهیم علوی خویی (مقبره‌ای) فرزند سید حاج سید مهدی که سیادت را با ۲۷ پشت از امام سجاد - علیه السلام - به ارث می‌برد، در سال ۱۲۹۴ ش برابر با ۱۳۳۳ق در دارالصفای خوی پا به هستی نهاد. دوران طفولیت را در بیت سیادت و دیانت سپری نمود و در هشت سالگی وارد مکتب خانه گردید و علوم متداول آن روز را فراگرفت.

در ۱۶ سالگی به قم عزیمت نمود و هشت سال در جوار حرم مطهر بی‌بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه -سلام الله علیها- ماندگار شد و به کسب معارف الهی همت گماشت. قرآن مجید، ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیا، علم الاشیاء هندسه، ریاضیات و خط، اخلاق و سیاق، شرعیات و دستور زبان فارسی، رسم و خط و قرائت و تجوید، را به ترتیب از عالمانی همچون، ملا محسن، حاج شیخ ابوالفتح واعظ شهانقی، میرزا محمد حسین کارگر، حاج غلامرضا کشاورز، میرزا یوسف کارگر، حاج میرزا یحیی فرقانی، حاج میرزا محمد علی مؤحد، سید محسن هدایتی، کربلایی تقی و حاج میرزا ابراهیم قاری فراگرفت و آنگاه ادبیات عرب را از فرزانگانی همچون حاج آخوند ملا

محمد حسین، شیخ محمد چهرقانی، شیخ علی اسلام پرست، آخوند ملا حسین صادقی بدل‌آبادی، حاج میرزا علی زائر، حاج میرزا محمد علی ادیب تهرانی، سید مهدی کشفی تهرانی، حاج میر شفیع تهامی خویی، شیخ محمد حسین تنکابنی و شیخ علی اکبر محققی به خویی آموخت و سپس در جلسات درس کلام، حکمت اشراق و عرفان آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، آیت الله حاج آقا روح الله (امام خمینی)، آیت الله حاج میرزا محمد علی شاه آبادی، شرکت جست و بهره‌های فراوانی بردا.

آیت الله علوی دروس اصول فقه و اصول را به ترتیب از استادان مبرز حوزه‌های علمیه خوی و قم مانند؛ آیت الله حاج میر شفیع تهامی خویی، آیت الله حاج سید موسی مرجعی خویی، آیت الله میرزا محمد همدانی، آیت الله سید کاظم گلپایگانی، آیت الله حاج آقا روح الله (امام خمینی)، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله سید کاظم شریعتمداری، آیت الله حاج شیخ محمد علی قمی، آیت الله سید محمد حجت، آیت الله شیخ محمد علی قمی، آیت الله شیخ قاسم واعظ مهاجر، آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، یادگرفت و نیز از استاد مسلم فقه، اصول و عرفان حوزه‌های علمیه شیعه همچون؛ آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله سید محمد حجت (۱۷ شعبان ۱۳۵۵ق)، آیت الله سید محسن حکیم (۳ ربیع‌الثانی ۱۳۷۲ق) و آیت الله حاج آقا روح الله، (۲۶ ذی‌الحجہ ۱۳۵۷ق) مفتخر به دریافت اجازات اجتهادی، روایی و حکمت و عرفان گردید و خود نیز به برخی از شاگردانش از جمله؛ آیت الله حاج سید عبدالطیف قرشی کوه‌کمری و میرزا عبدالرسول احراقی تبریزی اجازة نقل حدیث داده است. آیت الله علوی در سال ۱۳۵۷ق به خوی مراجعت کرد و مدرسه علمیه نمازی را تعمیر نمود و شروع به تدریس و تربیت طلاب علوم اسلامی کرد. از شاگردان برجسته وی می‌توان به؛ حاج شیخ جلیل هنرور، حاج سید عبدالطیف قرشی کوه‌کمری، حاج میرزا خلیل قبله‌ای، حاج شیخ اسماعیل فلاحتی، حاج شیخ ابراهیم خلیل معصومی اشاره نمود. آنچه از او به یادگار

مانده عبارت است از:

۱. آینته پرهیزگاران، شرح خطبه همام (فارسی، تهران، ۱۳۸۲ق).
۲. الغرفی الاصول (خطی)، یک دوره اصول فقه.
۳. کتاب الصوم (خطی).
۴. کتاب الطهارة (خطی).
۵. کتاب الوضوء (خطی).
۶. کتاب الغسل (خطی).
۷. کتاب التیسم (خطی).
۸. کتاب دماء الثلث (خطی).
۹. کتاب النجاسات (خطی).
۱۰. کتاب البیع (خطی).
۱۱. کتاب الخمس (خطی).
۱۲. آین جهانداری (خطی).
۱۳. شرح الاسماء (خطی).
۱۴. خطبه عرفه (خطی).
۱۵. شرح مقداری از دعاء عرفه (خطی).
۱۶. شرح حال خودم و جنگ (خطی).
۱۷. استخراج شجره نامه خاندان مقبره و خانواده‌های وابسته.

آیت الله علوی سال‌های آخر عمر را در تبریز و تهران گذراند و سرانجام در ۷ رمضان المبارک ۱۴۰۹ق مطابق با ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۸ش در ۸۱ سالگی در تهران دارفانی را وداع گفت و به دیدار حضرت دوست شتافت. پیکر ایشان به خوی منتقل گردید و پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز میت به امامت شاگرد فاضلش، عالم ریانی، حاج شیخ جلیل هنرور در مقبره جدش حضرت آیت‌الحق آقا میریعقوب به خاک سپرده

شد.<sup>۱</sup> رو نوشته مزار وی چنین است:

### هو الباقي

هذا المرقد الشريف للسيد السندي والمولى الاصيل الصابر في المصائب والمقاومة في  
الحوادث صاحب الخلق الكريم العلم الحجة آية الله حاج سيد ابراهيم آقا علوى - طاب  
ثراه - كه قسمت عمده از عمر گرانمایه اش را در تأليف و تصنيف كتب و تعليم و تربیت  
طلاب و تشویق علماء و رفع نیازمندیهای آنان مصروف داشته و در تعظیم شعائر دینی به  
حد اعلى کوشید تا در هفتم ماه صیام ۱۴۰۹ قمری مطابق با ۱۳۶۸/۱/۲۵ شمسی در  
سن ۸۱ سالگی دعوت الهی رالبیک گفته بنا به وصیتیش و به تبعیت از جدش ، جسدش  
با حسیر کفن شد و این دو بیت شعر خودش بایک بیت از قصیده سید علی بر لوحه اش  
نوشته شد .

بعد ما کفن الحسين البسلواري	حق آن لاتک فنوا عسلويأ
کفن به آل على بعد از اين تو هيج نگير	اگر کفن به حسين عزيز گشت حسیر
به خاک تيره عنودي برنه اين علوى	اگر خلاف شريعت نبود بي کفني

بعد از رحلت جانسوز این عالم وارسته ، شاعر اهل بیت عصمت و طهارت ،  
شادروان حسینقلی نوحه گر متخلص به «طایر» در ماده تاریخ وفات وی چنین سروده  
است :

سختی و تلخی است بی پایان	من و این زندگی و این دوران
و به رحلت رسید یک صد جان	گر و لادت بدیدمی یک بود
حق استادیش کنم اذعان	از دم قدسی اش مدد جویم
رسته از حادث و قدیم و فلان	محضرش حال بود و نه قال
آمدی پیشواز او خندان	مولوی را به چشم دل دیدم
ای که در شمع حق شدی سوزان	گفت خوش آمدی تو پروانه
چون که مذکر بر روانش عیان	بری از ذکر بودی و صفت
آمد از نوبه دید خان و مان	مسدتي دور بود از سامان

۱. مقدمه آئینه پرهیزگاران ، صص ۶۸؛ سیماي خوي ، ص ۱۶۳؛ گنجینه انشتمدان ، ج ۵ ، ص ۷۷.

یافت از نو حیات جاویدان	کل شئی بر جع الی اصله
زنگی می‌نمود در تهران	عارفی از دیار خوی بودی
حوزه علم گشت از ایشان	شهر خوی بعد از آن خرابی‌ها
شدشکوفا و گشت غنچه نشان	گل دانش به دست پُر یمنش
که به جانان نموده آخر جان	سوق حب الوطن کشید اینجا
باد پیوسته روح وی شادان	کردگارا به حق آل رسول
در فروردین، به سال ئیلان	استادی دیگر ز دستم رفت
«علوی شد سوی خدای روان»	بحر تاریخ وفات وی «طایر» گفت

<sup>۱</sup> ش ۱۳۶۸



## ❖ فاضلی، شیخ ابوطالب (۱۳۰۵ - ۱۳۷۳ ش)

عالیم فاضل، حاج شیخ ابوطالب فاضلی فرزند حاج شیخ خلیل فرزند شیخ عبدالله فرزند آخوند ملا ابوطالب فرزند ملا عبدالقدیم در سال ۱۳۰۵ ش برابر با ۱۳۴۵ ق در یک خانواده مذهبی و روحانی در شهر خوی به دنیا آمد.

پس از سپری نمودن دوران کودکی، علوم مقدماتی و قسمتی از سطح را در زادگاهش فراگرفت و آنگاه راهی تبریز شد و در تکمیل علوم حوزوی همت گماشت.

در سال ۱۳۶۶ ق راهی عش آل محمد -علیهم السلام- گردید و حدود ۱۰ سال از خدمت بزرگان حوزه مانند: آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله حاج میرزا محمد مجاهد تبریزی، علامه سید محمد حسین طباطبائی و آیت الله حاج آقا حسین بروجردی استفاده کرد و مباحثی از دروس اصول فقه و صلوة ایشان را به قلم آورد. در سال ۱۳۷۳ ق با رحلت پدرش، آیت الله حاج شیخ خلیل فاضلی و دعوت جمعی از مومنین به خوی مراجعت نمود و به خدمات دینی پرداخت. اما یک سال از اقامت وی در زادگاهش نگذشته بود که - در سال ۱۳۷۴ ق - بنا به دعوت بزرگ مرجع جهان تشیع، آیت الله سید ابوالقاسم خویی، راه نجف اشرف را در پیش گرفت و از بدرو ورود در درس‌های آیت الله خویی حاضر شد و بهره‌های شایانی برداشت و جزء خواص اصحاب

ایشان گردید.

فاضلی، پس از نه سال اقامت در نجف اشرف به ایران بازگشت و در تهران به صورت دائمی سکونت نمود و در محله گذر مستوفی در مسجد مستوفی به انجام وظیفه پرداخت. مشایخ اجازه وی بدین قرار است: آیت الله حاج آقا حسین بروجردی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله سید ابوالقاسم خویی و آیت الله سید کاظم شریعتمداری. آثار قلمی وی چنین است:

۱. القضاة في الاسلام (خطی).
۲. الآيات المستشهد بها في الكتب الادية (خطی).
۳. خاطرات من از استاد حاضر (خطی).
۴. تقريرات اصول فقه (بک دوره اصول) آیت الله سید ابوالقاسم خویی (خطی).
۵. تقريرات فقه (بیع و خیارات) آیت الله سید ابوالقاسم خویی (خطی).
۶. تقریرات فقه (از اول طهارت الى احکام الموات) آیت الله سید ابوالقاسم خویی (خطی).

ایشان، در ۱۳ آبان ماه ۱۳۷۳ ش مطابق با ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۵ ق در تهران وفات نمود و پیکر پاکش به خوی منتقل گردید و پس از تشییع و اقامه نماز میت به امامت حاج شیخ جلیل هنرور در جوار مرقد منور حضرت آخوند ملا زین العابدین نوایی دفن گردید. رو نوشته مزار حضرت ایشان چنین است:

هو الباقي

مرقد العلامه العلم و البحر الخصم عمدة العلماء و قدوة الفقهاء الخلف الصالح لاسلافه العلماء الكرام حجت الاسلام و المسلمين الحاج شیخ ابوطالب الفاضلی - قدس سره - نجل العالم الرئانی الشیخ خلیل ابن الفاضل الصمدانی الشیخ عبدالله ابن العالم التحریر المولی ابوطالب الذین كانوا اسوة في القدس و التقوی و آیت في تحقيق المطلوب من الفتوى تغمدهم الله بفخرانه و اسكنهم بحبته جنانه و قد وف على ربه الكريم في ظهر يوم الجمعة المصادر ۲۹ جمادی الاولی ۱۴۱۵ ق.<sup>۱</sup>

۱. آثار الحجۃ، ج ۲، صص ۲۹۸-۲۹۹؛ گنجینه انشتمدان، ج ۴، صص ۵۲۰-۵۲۱؛ فرهنگ نام آوران خوی، ۳۷۶-۳۷۷.

❖ فاضلی، شیخ جابر (۱۲۹۴ - ۱۳۶۰ ش)

---

عالی فرزانه، حاج شیخ جابر فاضلی فرزند حاج شیخ خلیل فرزند شیخ عبدالله فرزند آخوند ملا ابوطالب فرزند ملا عبدالقدیم در سال ۱۳۳۲ق مطابق با ۱۲۹۴ش در یک خانواده‌ای روحانی و علمی در شهر مقدس نجف اشرف به دنیا آمد. پدرش، آیت الله حاج شیخ خلیل فاضلی از علمای بنام منطقه و مادرش دختر آیت الله حاج شیخ عبدالنبی ایروانی است. یک ساله بود که به همراه خانواده به خوی منتقل شد و تا آخر عمر در این شهر ماندگار گردید. مقدمات علوم دینی را در پیش علمایی مانند، آیت الله حاج میر شفیع تهامی فراگرفت و آنگاه در سال ۱۳۵۵ق جهت ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید و در جوار مرقد مطهر کریمه اهل بیت مشغول فراگیری علوم اسلامی شد.

او در این شهر، در محضر عالمان بزرگی همچون؛ آیت الله شیخ محمد علی ادیب تهرانی، آیت الله آقا شیخ مهدی مازندرانی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آیت الله سید محمد حجت کوهکمری، آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید صدرالدین صدر کسب فیض نمود و پس از نه سال اقامت در شهر مقدس قم، در سال ۱۳۶۵ق به شهرستان خوی بازگشت و مشغول خدمات دینی، اجتماعی، تدریس و

تربیت طلاب علوم گردید که اسمای برخی از شاگردان وی چنین است: حاج میر اسماعیل رسول زاده، حاج سید محمد مصری، حاج شیخ محمد حسن بکایی، حاج سید عبدالطیف قرشی کوه کمری، حاج شیخ جلیل هنرور، حاج شیخ ابراهیم خلیل معصومی، حاج شیخ علی افسر قویدل، حاج میرزا خلیل قبله‌ای، حاج شیخ اسماعیل فلاحی، حاج شیخ حسن بصیری و حاج شیخ ذبیح الله متولی.

از کارهای عمرانی و فرهنگی وی، می‌توان به تعمیر مقبره آقا میر عبدالعلی، تعمیر مقبره سید حسن بابا در روستای کوه کمر، ساخت طاق بقعة حضرت آخوند نوایی، احداث مسجد فاطمیه، استاد داخلی و مسئول کتابخانه مدرسه نمازی و اقامه بیش از ۳۵ سال نماز جماعت در مسجد حاجی بابا واقع در بازار خوی اشاره نمود. ایشان با بسیاری از علمای زمان خود مأنسوس بود و از میان آنها با آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای ارتباط علمی داشت. کمره‌ای در جواب سوالهای وی کتاب جواب به سوالهای شیخ جابر فاضلی خویی (فارسی، خطی) تألیف نموده است. آنچه از قلم خود وی تراویش یافته تذكرة الفضلاء است در شرح حال حدود ۲۳۰ تن از علماء، صلحاء و شعرای خوی.

وی در روز جمعه ۹ مرداد ماه ۱۳۶۰ ش مطابق با ۲۸ رمضان المبارک ۱۴۰۱ ق در خوی جان به جان آفرین تسلیم کرد و پس از اقامه نماز میت به امامت برادرش آیت الله حاج شیخ ابوطالب فاضلی در جوار مرقد عارف کامل، حضرت آخوند ملا زین العابدین نوایی به خاک سپرده شد. متن مزار ایشان بدین قرار است:

#### هو الباقي

هذا المرقد العالم الفاضل البارع و الخطيب المتضلع والخلف الصالح لاسلافه العلماء الكرام حجت الاسلام والمسلمين الحاج الشیخ جابر الفاضلی ابن العالم الریانی الشیخ خلیل ابن الفاضل الصمدانی الشیخ عبدالله ابن العالم النحریر المولی ابی طالب المعروفین بالقدس و التقوی تغمدهم الله بغفرانه و اسكنهم بحبوته جنابه وقد ارتحل و وصل الى رحمة رب المغفور في صبحه يوم الجمعة ليومین بقیاً من الشهر الصیام في سنة ۱۴۰۱ ق.

۱. آثار الحجۃ، ج ۲، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ گنجینه‌دانشمندان، ج ۵، ص ۷۷؛ فرهنگ نام‌آوران خوی، صص ۳۷۵-۳۷۶؛ سیمای خوی، ص ۱۶۶.



## ◀ فاضلی، شیخ خلیل (۱۲۵۷ - ۱۳۷۱ ش)

آیت الله حاجی شیخ خلیل فاضلی در سال ۱۲۵۷ ش مافق با ۱۲۹۵ ق در خوی زاده شد. پدرش، عالم پرهیزگار، حاجی شیخ عبدالله فاضلی و مادرش، دختر شیخ علی اصغر خویی است.

علوم مقدماتی را در حوزه علمیّه خوی آموخت و سپس رهسپار عتبات عالیات شد و در جوار حرم مطهر علوی سکنی گزید و از درس‌های آیت الله سید محمد کاظم یزدی، آیت الله ملا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی و آیت الله شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نمود و با کوله‌باری از دانش و تقوایه زادگاهش برگشت و در مسجد خانوادگی معروف به «مسجد حاجی بابا» مشغول تبلیغ و ارشاد مردم گردید.

وی با حضرت آیت‌الله آقا میر فتاح صاحب مقبره مشهور رفاقت خاصی داشت. اثر علمی وی به نام مجموعه اخبار و احادیث (عربی، خطی) پیش بازماندگانش نگهداری می‌شود.

حاجی شیخ خلیل داماد آیت الله حاج شیخ عبدالنبي ایروانی بود که حاصل آن وصلت چند فرزند از جمله دو پسر روحانی به نام‌های حاج شیخ جابر فاضلی و حاج

شیخ ابوطالب فاضلی می باشد.

آیت الله ملا علی خیابانی در سفری که در تاریخ ۱۳۵۲ق به خوی داشت؛ از ایشان چنین یاد می کند:

عالم جلیل حاج شیخ خلیل پیشمناز که صاحب منبر و محراب و شخص مقدسی بود.<sup>۱</sup>

این عالم فرهیخته در سال ۱۳۳۱ش مطابق با ۱۳۷۲ق در خوی رحلت نمود و در جوار بارگاه قدسی حضرت آخوند نوایی به خاک سپرده شد. رو نوشته مزار ایشان چنین است:

هذا

المرقد الشريف، للعالم الجليل والمولى الاصليل، آقا شیخ خلیل امام الجماعة ابن حاج  
شیخ عبدالله ابن ملا ابوطالب قدس الله اسرارهم و جعل الجنة مثواهم، توفي في ۲۲ ج  
۱۳۷۲.

۱. میراث اسلامی ایران (ذخایر الاسفار)، ج ۳، ص ۶۳۸؛ تاریخ خوی، ص ۵۳۶.

## ❖ فاضلی، شیخ علی اصغر (۱۲۶۲ - ۱۳۲۱ ش)

شیخ علی اصغر فاضلی فرزند حاج شیخ عبدالله فاضلی در سال ۱۲۶۲ ش برابر با ۱۳۰۵ ق در خوی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در خوی فراگرفت و سپس در سال ۱۳۴۱ ق به اتفاق پدرش به عتبات عالیات رفت و در درس‌های آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (متن و خارج) شرکت جست و بعد از ۱۰ سال اقامت در نجف اشرف به خوی آمد و به امامت جماعت، تبلیغ و تدریس پرداخت.

ایشان در بردهای از عمر دچار فقر و تنگدستی می‌شود و حتی نان خشک نیز به دست نمی‌آورد. در این خصوص مرحوم حاج شیخ حسن بصیری به نقل از خود ایشان می‌گوید:

فصل تابستان و هوا بسیار گرم بود. شدت فقر و تنگدستی به حدی بود که حتی نمی‌توانستیم نان خشکی تهیه کنیم. یک شب از گرسنگی خوابم نگرفت، به ناچار از خانه خارج شدم و به قصد زیارت اموات، مخصوصاً مرحوم آخوند ملا زین‌العابدین نوایی به راه افتادم.

بین راه کسی از پشت سر صدایم کرد. وقتی برگشتم، دیدم مرحوم میرزا عبدالله اخوان است. به گمان این که بنای شوخی دارد اعتنانکرده و رفتم. باز صدایم کرد و سوگند یاد

نمود که کاری دارد. وقتی برگشتم، دیدم که یک دست خود را پیش گرفته و می‌آید. وقتی به من رسید پنج تومان سگنه نقره به من تحویل داد و گفت: غذا خورده بودم و مشغول استراحت بودم که ناگاه سه دفعه پدرم ظاهر شد و در هر نوبت به من امر کرد وضع مالی شیخ علی‌اصغر فرزند مرحوم حاج شیخ عبدالله بد است، پنج تومان به او برسان. من هم قبول کرده، گفتم: بعد از خواب واستراحت می‌دهم. ولی تکرار و اصرار ایشان موا واداشت که الان بیاورم. مرحوم شیخ علی‌اصغر می‌فرمود: برگشتم و تمام وسایل زندگی ام را تأمین نمودم.<sup>۱</sup>

وی عالمی مزاح، خوش صحبت و بلاعقب بود و در سال ۱۳۶۱ ش مصادف با ۱۳۶۱ق در خوی رحلت نمود و در جوار مرقد حضرت آخوند نوایی به خاک سپرده شد. رونوشت مزار ایشان بدین قرار است:

هذا

المرقد الشريف للعالم الفاضل آقا شیخ علی اصغر ابن حاج شیخ عبدالله ابن ملا ابوطالب طاب ثراه - توفی في ۱۳۶۲ من الهجرة الشمسية.<sup>۲</sup>

۱. کرامات و حکایات پندآموز، ص ۱۰۴. ۲. تذكرة الفضلا، خطی.



## ❖ فتاحی، سید حسن (۱۳۰۴ - ۱۳۶۱ ش)

حجت الاسلام و المسلمين حاج سید حسن فتاحی فرزند آقا میر مجتبی فرزند حاج میر فتاح در سال ۱۳۰۴ ش مطابق با ۱۳۴۴ ق در دودمان معنویت و سیادت در شهرستان خوی چشم به جهان گشود. پدرانشان در جنگ جهانی اول از منطقه فرقان وارد ایران شده و پس از مدتی اقامت در خوی، شهرستان چالدران را برای اقامات دائمی انتخاب می‌کنند. خدمات دینی و اجتماعی خاندان فتاحی در منطقه، بویژه در مقابله با خوانین، اشرار و راهزنان فراموش شدنی نیست.

مقبره خاندان فتاحی بیش از ۱۵۰ سال است که در چالدران محل زیارت و توسل و عزاداری می‌باشد، اسامی سادات مدفون در آنجا عبارتند از:

۱. مرحوم حاج میرفتح (درگذشته ۱۲۲۳ ق)،

۲. مرحوم حاج میرعلی اکبر (درگذشته ۱۳۱۶ ق)،

۳. مرحوم حاج میریعقوب،

۴. مرحوم حاج میرباقر (درگذشته ۱۲۷۳ ق)،

۵. مرحوم حاج میرابراهیم (درگذشته ۱۲۷۳ ق).

پدر بزرگوارش، مرحوم آقا میر مجتبی فردی متدين و در بین مردم از قداست و احترام خاصی برخوردار بود. ایشان پس از وفات پدرش مرحوم حاج میرفتاح در خوی ساکن شد ولی پس از مدتی، به درخواست عده‌ای از متدينین روستاهای ماکو به اتفاق خانواده در روستای «چاورون» سکنی گزید و امورات شرعی بخشی از منطقه را عهده‌دار گردید. وی در سال ۱۳۴۷ق در روستای چاورون در اثر بیماری، چشم از جهان فرو بست و در همانجا به خاک سپرده شد. پس از وفات مقبره‌ای بر فراز قبرش ساخته شد و هم اینک محل زیارت مردم آن دیار است.

مرحوم حاج سید حسن فتاحی پس از مدتی اقامت در آنجا، دوباره به خوی مراجعت نمود و پس از فراگیری مقدمات علوم حوزوی، از دروس فرزانگانی مانند آیت الله حاج سید ابراهیم علوی خوبی، آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی، آیت الله حاج شیخ صادق فراحی و حاج شیخ جابر فاضلی کسب فیض نمود و سپس به تبلیغ و تدریس روی آورد. او عالمی متین، واعظی شیرین گفتار، دارای اخلاق حسن و صفات پسندیده و در رسیدگی به فقیران و مستمندان فردی ساعی بود، هنوز سخنرانی‌های این عالم فرزانه از یادها فراموش نشده است.

معظم له در محله ریط و محله امامزاده ساکن بوده و در مساجد ملا عسکر و رنجبران واقع در محله ریط اقامه نماز جماعت می‌نمود و در مساجد امامزاده، یدیلر، آستانه علی و امیر بیگ (مسجد اعظم فعلی) به وعظ و خطابه می‌پرداخت.

در جریان نهضت انقلاب اسلامی و طغیان عده‌ای از اشرار در روستای بدل آباد وی برای ارشاد و راهنمایی آنها به آنجا می‌رود ولی در آنجا عده‌ای ناشناس ایشان و همراهانش را مورد ضرب و جرح شدید قرار می‌دهند به گونه‌ای که تا مدت‌ها بستری بودند.

سرانجام این عالم فرزانه که سال‌ها از جراحات وارد و خونریزی‌های مکرر در رنج و عذاب بود در روز سه شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۶۱ش موافق با ۱۹ ربیع الاول ۱۴۰۳ق رحلت نمود و در صحن امامزاده حضرت آقا سید بهلول مدفون گردید. متن مزار ایشان

چنین است:

مرقد انور سلاطه الاطیاب، عالم ربانی، حجت الاسلام آقای حاج سید حسن فتاحی - طاب ثراه - ابن میر مجتبی که عمر با برکت خود را در خدمت اسلام صرف و در ۱۹ ربیع المولود ۱۴۰۳ دعوت حق را بیک گفت.

\* \* \*

برادر بزرگترش مرحوم حاج میر قاسم فتاحی نیز از مروجین دینی بود و با نفس پاک و مقدسی که داشت تا آخر عمر شریف شان در سنگر دین و دینداری انجام وظیفه نمود. ایشان در ۸۹ سالگی وفات نمود و در صحن امامزاده سید بهلول به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از استاد سید حمید فتاحی، برادر زاده معظم له و حاج علی وحیدی.



## ❖ فلاحت کوه کمری، شیخ اسماعیل (۱۳۱۱ - ۱۳۸۶ ش)

استاد حوزه علمیه خوی، حاج شیخ اسماعیل فلاحت کوه کمری معروف به «حاج آقا فلاحت» در سال ۱۳۵۱ق برابر با ۱۳۱۱ش در روستای «کوه کمر» از توابع شهرستان مرند در خانواده‌ای کشاورز و از صلب پدری مؤمن به نام مشهدی ستار به دنیا آمد. وی ششم ابتدایی و مقدمات را از آقا میر رسول بن سید عبدالله کوه کمری، ملا محمد حسن کماری و حاج سید حسن قرشی آموخت. در ۱۳ سالگی به خوی مهاجرت کرد و در مدرسه نمازی خوی سکونت نمود و در جلسات علمی بزرگان حوزه علمیه خوی از قبیل حاج شیخ علی مجتبی، حاج شیخ جابر فاضلی، آیت الله حاج شیخ صادق فراحتی، آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی، آیت الله حاج میر محمود ساجدی و آیت الله حاج سید ابراهیم علوی حاضر شد و از دروس پربار آنها خوشها چید و با دوستان فاضلی همچون؛ حاج میر عبدالطیف قرشی، حاج شیخ جلیل هنرور و شیخ علی افسر قویدل به مباحثه نشست. وی پس از پنج سال اقامت در خوی در سال ۱۳۲۷ش به حوزه علمیه قم مهاجرت نمود و کتاب‌های رسائل، مکاسب و کفایة‌الاصول و خارج فقه را در پیش آیت الله سید حسن حجت کوه کمری، آیت الله حاج

میرزا محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله حاج سید حسین بروجردی به تحصیل پرداخت و در کنار آن اخلاق را از محضر امام خمینی و علامه سید محمد حسین طباطبائی کسب فیض نمود.

حاج آقا فلاحتی در اثر شایستگی و تلاش خستگی ناپذیر در راه کسب علم و دانش به مقام بلندی از رشد و کمال دست یافت و از آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سید محسن حکیم، آیت الله سید کاظم شریعتمداری و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی اجازه نقل حدیث و امور حسیبه دریافت کرد و سرانجام در سال ۱۳۲۹ش به شهرستان خوی مراجعت نمود و به خدمات دینی و علمی پرداخت.

در سال ۱۳۴۲ش پس از سخنرانی در مسجد سائل علیه رژیم پهلوی دستگیر و به همراه حاج شیخ جابر فاضلی، حاج شیخ ابوطالب فاضلی، حاج شیخ ذبیح الله متولی و شیخ علی افسر قویدل به عشت آباد تهران (بادگان ولیعصر فعلی) منتقل گردید و پس از چند روز بازداشت به کمک آیت الله حاج شیخ صادق فراحتی و آیت الله حاج سید ابراهیم علوی آزاد گردید و به خوی بازگشت. از آثار عمرانی و تبلیغی وی در خوی تعمیر و بازسازی مسجد ملا احمد و مسجد سائل در کوچه امیر و اقامه نماز جماعت و ترویج معارف حقه جعفری در مساجد یاد شده و محفل‌های مهم شهرستان خوی می‌باشد. ایشان در سال ۱۳۸۶ش مطابق با ۱۴۲۸ق در خوی وفات نمود و در مزار شهدا به

خاک سپرده شد. رونوشت مزار او چنین است:

العلماء باقون مابقى الدهر

هذا المصحح الاديب الاربيب والمحقق الخبر و الناقد البصير العالم النسحير آيت الحق حجت الإسلام الحاج شيخ اسماعيل فلاحي -قدس سره- الذي بلغ في العلم مرتبة سامية وبذل جهده في سبيل نشر دعوة النبوية و لبي دعوة ربہ الرحيم و نال أجرة الكريمة سنة ۱۳۸۶ الشمسية وقد مضى من عمره الشريف ۷۵ سنة تغمده الله برحمته و حشره مع أئمته بحق و أهله.<sup>۱</sup>

۱. علمای معاصر آذربایجان، آماده چاپ.

۱۳۴۱

## ⇒ فیاضی، شیخ حبیب (.... - ۱۳۴۱ ش)

عالم فاضل، حجت الاسلام و المسلمین، حاج شیخ حبیب فیاضی در شهرستان چالدران به دنیا آمد. پدرش فردی زحمتکش بود و به شغل کشاورزی اشتغال داشت. در اوائل جوانی پیش یک خیاطی کار می‌کرد ولی سپس به تشویق حاج شیخ عبدالله فیاضی وارد مدرسه نمازی خوی گردید و از دروس آیت الله شیخ مصطفی محله مشهور به شیخ آقا محله‌ای (درگذشته ۱۳۷۰ق) و آیت الله سید یعقوب ثانی و عالم ربانی حاج شیخ فتح الله ملکی و آیت الله سید علی اکبر خوبی استفاده نمود و خود به تدریس دروس حوزه همت گماشت که از شاگردان فاضل وی می‌توان به حاج سید عبداللطیف قرشی کوه‌کمری، حاج سید جعفر مرقاوی خوبی، حاج شیخ محمد رضا جعفری و شیخ علی افسر قویدل اشاره نمود.

او امام جماعت مسجد بزرگ شهانق بود و تا آخر عمر نیز در محله شهانق ساکن بوده است. معظم له در سال ۱۳۴۱ ش مصادف با ۱۳۸۲ق دارفانی را وداع گفت و در جوار آرامگاه عارف الى الله حضرت آخوند نوابی به خاک سپرده شد. متن مزار شریف وی چنین است:

هذا

المرقد الشريف للعالم الجليل و الفقيه النبيل اسوة الفقهاء الحاج شیخ حبیب فیاضی - طاب  
ثراه - المتوفی فی يوم الجمعة سلخ رجب ۱۳۸۲ ق.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از زنده یاد حاج علی اکبر فیاضی.

۳۳۳

## ❖ فیاضی، شیخ عبدالله (.... - ۱۳۲۰ ش)

حجت الاسلام و المسلمين حاج شیخ عبدالله فیاضی در چالدران متولد گردید. وی آخرین فرزند پدرش حاج جواد بود. بعد از طی دوران کودکی در ۱۵ سالگی به تشویق پدر راهی خوی گردید و در مدرسه نمازی مشغول تحصیل علوم اسلامی شد. آن زمان مدرسه نمازی خوی تحت سرپرستی و مدیریت فقیه بزرگوار حاجی میر یعقوب دوم اداره می شد و یکی از مدرسه های موفق و نمونه بود.

فیاضی، از محضر استادان فاضلی همچون؛ شیخ مصطفی محله مشهور به شیخ آقا محله ای (درگذشته ۱۳۷۰ق)، شیخ علی ملائکه و حاج میر علی اکبر خویی پدر آیت الله سید ابوالقاسم خویی کسب فیض نمود و مفتخر به لباس مقدس روحانیت شد. او ساکن محله شمس تبریزی بود و به امورات مذهبی مردم رسیدگی می نمود. وی طبعی عالی داشت و از طریق کشاورزی و دامداری امرار معاش می نمود و چونان مولايش علی -علیه السلام - در آبادی زمین ها و مزارع همت می گماشت.

سرانجام این عالم سخت کوش پس از ۸۰ سال عمر پر ثمر در سال ۱۳۲۰ ش برابر با ۱۳۶۰ق دارفانی را وداع گفت و به موالیانش پیوست. جنازه پاک وی با نظارت حاج شیخ

فتح الله ملکی تغسیل و تکفین گردید و پس از اقامه نماز میت توسط حاج شیخ فتح الله ملکی در قبرستان محله امامزاده به خاک سپرده شد ولی پس از تخریب قبرستان یاده شده به جوار آرامگاه ملا علی خویی انتقال یافت و در آن مکان دفن گردید.<sup>۱</sup>

---

۱. به نقل از حاج علی اکبر فیاضی، فرزند معظّم له.

۳۴

## ❖ قاسمی، شیخ اسدالله (۱۲۷۷ - ۱۳۵۲ ش)

عالیم ربانی، حاج شیخ اسدالله قاسمی در سال ۱۳۱۶ق برابر با سال ۱۲۷۷ش در تازه کنده شهرستان خوی به دنیا آمد. پدرش مرحوم کربلایی حسینقلی شخصی باسواند، عاقل، صالح و کامل بود و مادرش زینب خاتون از زنان صالحه به شمار می‌رفت.

ایشان علوم مقدماتی و کتاب‌هایی نظری علل الشرایع و شرح لمعه را در پیش فرزانگانی مانند حاج شیخ علی مدد محسنی بدل‌آبادی، آقا ابراهیم آقا، حاج شیخ محمد آقا و آقا میر باقر مجتبه خویی به خوبی آموخت و در این دوره با مرحوم شیخ محمد باغدره‌ای خویی هم منزل و همدرس گردید. سپس برای ادامه تحصیل و کسب معارف الهی به عتبات عالیات سفر نمود ولی متأسفانه پس از اندکی توقف و تحصیل در آن دیار به علت مريضی به ایران بازگشت و راهی شهر مقدس قم گردید و در جوار مرقد کریمه اهل بیت -علیهم السلام - سکنی گزید و به مدت شش سال از محضر مؤسس حوزه علمیہ قم، آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت الله آقا میرزا محمد همدانی کسب فیض نمود. در سال ۱۳۴۹ با کوله باری از تقواو معنویت به زادگاهش مراجعت کرد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد مردم پرداخت. وی از

آیت الله حاج شیخ عباس قمی اجازه روایی (شفاهی) داشت. مرحوم حاج شیخ بصیری در خصوص او می‌گوید:

حاج شیخ اسدالله قاسمی خوبی بیماری قند داشت. دکتر سید مجید آیت‌الله که از ارادتمدان معظم‌له بود، او را در بیمارستان بستری نموده و تحت مراقبت ویژه قرار داد. ولی بعد از مدتی ایشان با میل و اصرار خود مرخص گردید.

آقای شیخ حسن هاتفی نقل می‌کرد، گفت: آقا! چرا از بیمارستان خارج شدید، شما که مورد خدمت و حرمت قرار می‌گرفتید؟

فرمود: در عالم رؤیا خود را در باغی بسیار بزرگ و زیبا دیدم که به دلیل مرض قند بسیار تشنگ بودم و آب گوارایی آنچا بود. خواستم از آن آب بخورم که به من گفتند: شیخنا! بعد از سه روز.

من هم احتمال مرگ می‌دهم و می‌خواهم صلة ارحام بکنم. شب آخر در خانه دخترشان مهمان بودند که به آنان گفته بود: اگر اتفاقی برای من افتاد ناراحت نباشد چرا که انبیا و اوصیا -علیهم السلام- هم همه از دنیا رفته‌اند.<sup>۱</sup>

سرانجام این عالم وارسته در ۲۷ ذی‌حججه سال ۱۳۹۳ ق مطابق با ۲ بهمن ماه ۱۳۵۲ ش در زادگاهش بدرود حیات گفت و پیکر پاکش در جوار مرقد عارف کامل، حضرت آنخوند ملا زین‌العابدین نوایی به خاک سپرده شد.

حاج شیخ حسن بصیری به نقل از برادر حاج جلیل بادامچی در خصوص شام غریبان ایشان می‌گوید:

پانزده سال بود که مادرم وفات کرده بود و من چون بسیار مشتاق دیدارش بودم، هر شب برنامه‌ای داشتم، تا این که مرحوم حاج شیخ اسدالله تازه کنده (قاسمی خوبی) وفات نمود. شب شام غریبان ایشان، مادرم را در خواب دیدم و گفت: پانزده سال است که در آرزوی دیدار تو بودم.

گفت: پسرجان! بسیار گرفتار بودم تا این که امروز حاجی شیخ را در قبرستان ما دفن کردن و به احترام او ما را نیز بخشیدند.<sup>۲</sup>

۱. کرامات و حکایات پندآموز، ص ۱۵۳. ۲. همان، ص ۱۵۵.

نواده‌اش، حاج شیخ یعقوب قاسمی از روحانیون فعال، مؤدب، باصفا و استاد دانشگاه تبریز است. متن مرقد ایشان بدین مضمون است:

هنا

مدفن العالم الزبانی و الزاهد الصمدانی الحاج الشیخ اسدالله قاسمی - طاب رمه - وقد  
انتقل من العار الفانی الى رحمة البدی عصر یوم الاثنين ۲۷ شهر ذی الحجۃ الحرام سنه  
١٣٩٣ الهجریة القمریة .



## ◆ قویدل، شیخ علی افسر (۱۳۱۲ - ۱۳۷۴ ش)

ادیب فرزانه، حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی افسر قویدل در سال ۱۳۱۳ ش در برابر با ۱۳۵۳ ق یکی از محلات قدیمی شهرستان خوی به نام « محله قاضی » به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در پیش حاج شیخ علی مجتهدی، حاج شیخ جابر فاضلی و حاج شیخ حبیب فیاضی فراگرفت و با آیت الله حاج سید عبداللطیف قرشی و حاج شیخ اسماعیل فلاحتی به مباحثه نشست. یک سال قبل از سقوط دولت مصدق به شهر مقدس قم مهاجرت نمود و در مدرسه حجتیه ساکن شد و در درس‌های آیت الله شیخ احمد پایانی اردبیلی، آیت الله حاج میرزا ابوالفضل علمایی و ... شرکت نمود و با آیت الله حاج شیخ یدالله دوزدوزانی به مباحثه دروس پرداخت. هنوز دو سالی از اقامت وی در قم نگذشته بود که به مرض سل مبتلا گردید و با هزینه آیت الله حاج سید ابراهیم علوی در تهران مداوا گردید و سپس به خوی مراجعت نمود.

وی در رشته ادبیات عرب از دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد گردید و پس از آن در حوزه علمیه خوی و مراکز علمی و دانشگاهی آنجا به تدریس پرداخت.

معظم‌له، عالمی دقیق، دانشمندی باهوش، ادبی نکته سنج و به دور از تشبیثات اجتماعی بود و به گفته آیت الله حاج شیخ یدالله دوزدوزانی در ادبیات، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه در بین علمای خوی بی‌نظیر بود.

وی در ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ ش برابر با ۲۴ ذی‌الحجہ الحرام ۱۴۱۵ق در خوی وفات نمود و پیکر پاکش در صحن امامزاده حضرت آقا سید بهلول در دل خاک نهان گردید. رونوشت مزار ایشان چنین است:

مرقد انور سلالۃ الأطیاب، عالم ربانی، حجت‌الاسلام آقا شیخ علی افسر قویدل - طاب ثراه - ابن حاج آقا که در تاریخ ۱۳۱۳، متولد و عمر بابرکت خود را در خدمت به اسلام صرف و در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۴ دعوت حق رالبیک گفت.

## ◆ کوچری، شهید قربانعلی (۱۳۱۹ - ۱۳۵۸ ش)

شهید قربانعلی کوچری فرزند مصطفی در ۲۲ دی ماه ۱۳۱۹ ش مصادف با ۱۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۵۹ق در خوی پا به عرصه هستی نهاد و در حالی که هنوز پنج بهار از عمرش سپری نشده بود مادرش را از دست داد و تحت سربرستی پدر و مادر بزرگش در آمد و دوران طفولیت را زیر نظر آنها پشت سر نهاد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در دبستان شاهپور و دبیرستان خسروی فراگرفت و تحصیلات عالیه را در دانشگاه تبریز پشت سر نهاد و پس از آن به استخدام اداره آموزش و پرورش درآمد و در مدارس مختلف به خدمت پرداخت.

شهید کوچری هشت سال در روستای «تمر» صادقانه خدمت نمود و پس از آن به ارومیه رفت و در کنار تدریس در مدارس آن شهر در جلسات تجوید و قرآن کریم آیت الله سید علی اکبر قریشی و آیت الله سید علی اکبر قره باغی حاضر شد و بعد از آن به زادگاه خویش مراجعت کرد و مسئولیت خرید دانشسرای خوی را عهده دار گردید. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با افکار و اندیشه های امام خمینی آشنا شد و در راه سرنگونی رژیم منحوس پهلوی و برقراری نظام جمهوری اسلامی سعی وافی از خود

نشان داد و در این راه به کرات جان خود را در معرض خطر و تهدید قرار داد. وجود صفاتی چون، اخلاص، دلسوزی، وقار، درست کاری، مدیریت، شجاعت، پشتکار، کاردان و هوش سرشار موجب گردید که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اولین فرماندار نظام جمهوری اسلامی در شهرستان خوی انتخاب شود، هنوز مردم مستضعف شهر شهد شیرین دوران خدمات کوتاه مدت وی را فراموش نکرده‌اند.

شهید کوچری در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۵۸ ش جهت بیدار نمودن مردم از جریانات تلغی و حرکت‌های ضد انقلابی که در شرف پیاده شدن بود به همراه شهید سرهنگ محمود احمدنیا راهی منطقه قطور گردید که موقع بازگشت توسط گروه ضد انقلاب به رگبار مسلسل بسته شد و در حالی که زخمی شده بود دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت و پس از حدود پنج ماه در ۱ تیر ماه ۱۳۵۹ ش برابر با ۸ شعبان المعمظم ۱۴۰۰ق فیض عظیم شهادت نائل گشت. پیکر پاک وی پس از تشییع باشکوه و انجام مراسمات مذهبی در جوار مرقد ملکوتی امامزاده حضرت سید بهلول به خاک سپرده شد. متن مزار وی چنین است:

بسم رب الشهداء والصديقين

آرامگاه اولین فرماندار جمهوری اسلامی ایران در شهرستان خوی، شهید قربانعلی کوچری فرزند مصطفی، تاریخ تولد ۱۳۱۹ در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۳۵۸ به دست اشرار ضد انقلاب منطقه قطور اسیر و در تاریخ ۱/۴/۵۹ به فیض شهادت نائل آمد.

ایشان در فرازی از وصیت نامه خویش به فرزندانش می‌نویسد:  
 اگر من [از پیش شما] می‌روم، خدا همیشه و در همه جا هست و بهترین حافظ است.  
 من چکاره‌ام، من سبیم. [اگر] شما همیشه با خدا باشید، خدا با شما خواهد بود. هیچ وقت و در هیچ حال خدا را فراموش نکنید.  
 باز مرا ببخشید و برایم با آن دست‌ها و دلهای پاکتان دعا کرده و آمرزش بخواهید ... از مصاحبت با بدان دوری کنید و نسبت به بزرگان احترام و نسبت به کوچکان محبت نمائید.<sup>۱</sup>

۱. آرشیو بنیاد شهید شهرستان خوی.

## گیلانی خویی، شیخ ابراهیم (....)

شیخ ابراهیم گیلانی خویی فرزند شیخ موسی فرزند شیخ محمد حسن فرزند محمد ابراهیم گیلانی از دانشمندان برجسته خوی بود و اشعاری به فارسی از وی در دست است. مزار وی در نزدیکی روستای زاویه در دامنه تپه‌ای کوچک قرار دارد. جدش شیخ محمد حسن گیلانی از عالمان سده سیزدهم هجری و از تحصیل کردن نجف اشرف بود و از استادانش دارای اجازه اجتهاد بود. در جنگ‌های ایران و روس ساکن آذربایجان شد و برای ترغیب ایرانیان به شرکت در جنگ، رساله *تحفة المجاهدين*<sup>۱</sup> را نگاشت.

پس از جنگ به شهر خوی رفت و در سال ۱۲۴۸ق، کتاب‌های خود را برای فرزندانش (موسی، مجید، احمد و مسیح) وقف کرد. حدود ۵۰ نسخه از کتابخانه ایشان در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود.

بعد از او، فرزندش شیخ موسی جانشین علمی پدر شد. شیخ موسی از علمای تحصیل کرده نجف اشرف بود و به زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و به «کلیم» مخلص بود. او در روز دوشنبه دهه دوم ذی القعده الحرام ۱۲۸۷ق وفات نمود. بخشی

---

۱. این رساله در میراث اسلامی ایران، دفتر دوم، صص ۲۱۱-۲۴۴ به چاپ رسیده است.

از موقوفات حسینیه به شیخ موسی و پس از اوی به فرزندش ابراهیم (شخصیت مورد نظر ما) رسید.

پس از وفات شیخ ابراهیم، کتاب‌های ایشان به دامادش حاج شیخ غلامعلی خادم حسینی معروف به «حاج آخوند» (درگذشته ۱۳۶۳ش) رسید.<sup>۱</sup>

بعد از وفات حاج آخوند، کتاب‌های وی در اختیار فرزندش حاج شیخ ابراهیم خادم حسینی که هم نام جدش بود، قرار گرفت. وی ۳۳ جلد از آن کتاب‌ها را تحويل کتابخانه مدرسه نمازی نمود و بقیه‌اش در سال ۱۳۸۶ش به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی فروخته شد.

---

۱. نامه بهارستان، سی دوم، ش اول، دفتر ۳، بهار - تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۶۹-۱۷۰.

## ﴿مجتهد خویی، حاج آقا علی﴾ (..... - ۱۲۴۲ ش)

آیت الله حاج آقا علی معروف به «مجتهد خویی» از بزرگان فقهای خوی و از ممتازین روحانیت بوده است. پس از کسب دروس مقدمات و سطح، راهی نجف اشرف گردید و در محضر آیت الله شیخ محمد حسن نجفی مشهور به «صاحب جواهر» به کسب فیض پرداخت و سپس به خوی مراجعت نمود. مرحوم حاج شیخ جابر فاضلی در مورد او می‌نویسد:

مدرسی بود خوش بیان و محقق مطلع و متّبع و قاضی علی الاطلاق محل، که تمامی مرافعات به او مراجعه می‌شد و علاقه ملکی را هم دارا بود. ریاست روحانیت وقت و نفوذ در ادارات دولتی با او بود.<sup>۱</sup>

معظم له در سال ۱۲۴۲ برابر با ۱۲۸۰ق در خوی رحلت نمود و بنا به تصریح حاج شیخ جابر فاضلی جسم پاکش در جوار مرقد آخوند ملا علی خویی در زیر گنبد به خاک سپرده شد. تاریخ وفات آن مرحوم «فمنهم من قضى نحبه» می‌باشد.

شایسته ذکر است که هم اینک در زیر گنبد فقط قبر مرحوم ملا علی قرار دارد و شاید

۱. تذکرة الفضلاء، خطی.

در اثر گذشت زمان سنگ قبر ایشان از بین رفته است.  
 فرزندش، مرحوم حاج آقا مرتضی از علمای جوان خوی بود که در سینین جوانی  
 وفات نمود، نواده‌اش حاج شیخ علی مجتهدی خویی از علماء و اساتید حوزه علمیه  
 خوی بود. که در سال ۱۳۴۹ ش وفات نمود. هم اکنون نوادگانش با فامیلی «مجتهدی» در  
 خوی شناخته می‌شوند.<sup>۱</sup>

---

۱. تذكرة الفضلاء، خطی.

﴿ مجتهدی، زنجانی، شیخ جمال الدین (۱۳۰۱ - ۱۳۷۷ ش) ﴾

آیت الله حاج شیخ جمال الدین مجتهدی زنجانی فرزند آیت الله حاج شیخ نجم الدین فرزند ملا ابوالقاسم (درگذشته ۱۳۳۵ق) فرزند ملا اسدالله فرزند ملا علی محمد قزوینی دیزجی زنجانی، در سال ۱۳۰۱ش مطابق با ۱۳۴۰ق در روستای «دیزج آباد» زنجان، در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. جدش ملا ابوالقاسم نویسنده «فائق الاصول» (تقریرات درس آیت الله ملا محمد فاضل شربیانی) و کتاب الفقه<sup>۱</sup> و پدرس، حاج شیخ نجم الدین مجتهدی از علمای زنجان و دارای سه فرزند عالم به نام‌های شیخ جمال الدین (شخصیت مورد نظر ما)، شیخ کمال الدین و شیخ شمس الدین است.<sup>۲</sup>

شیخ جمال الدین مقدمات ادبی، معانی و بیان را در زنجان فراگرفت و همزمان با آن به تدریس لمعه، قوانین و منظومه ملا هادی سبزواری پرداخت و سپس به قم رفت و مطول و حاشیه را از حاج اسدالله اصفهانی، معالم و قوانین را از لاکانی رشتی، رسائل و کفاية الاصول را از آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، منظومه حاج ملا هادی سبزواری را از علامه سید محمد حسین طباطبائی، مکاسب را از آیت الله سید محمد

۲. مشاهیر زنجان، ص ۳۸.

۱. الذریعه، ج ۲۶، ص ۳۰۰.

باقر سلطانی طباطبایی و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فراگرفت و در دورس خارج آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله میرزا هاشم آملی، آیت الله سید محمد حجت کوه کمری و آیت الله حاج آقا حسین بروجردی شرکت نمود و سپس به نجف اشرف رفت و به مدت یک و نیم سال در درس آیت الله شیخ حسین حلی، آیت الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت الله سید ابوالقاسم خویی حاضر شد و سپس به امر والدین به قم مراجعت نمود و در درس آیت الله شیخ محمد علی اراکی حضور به هم رسانید.

در سال ۱۳۳۳ش بار دیگر به نجف اشرف مهاجرت نمود و در جلسات درسی بزرگان نجف اشرف شرکت کرد و خود نیز به تدریس مکاسب، کفاية الاصول و لمعه پرداخت و بعد از مدتی به ایران برگشت. برخی از معاصران و همدرسان وی عبارتند از: آیت الله ابطحی اصفهانی، آیت الله سید ابوالحسن مولانا، آیت الله سید علی سیستانی، آیت الله سید محمد حسین لاله‌زاری (حسینی طهرانی)، آیت الله سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی، آیت الله سید موسی شیری زنجانی، آیت الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، آیت الله شیخ ناصر مکارم شیرازی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی، آیت الله میرزا حسن چهل‌ستونی، آیت الله میرزا علی آقا فلسفی تهرانی، آیت الله میرزا کاظم تبریزی، آیت الله میرزا مسلم ملکوتی سرابی.<sup>۱</sup>

وی از زمان تحصیل مقید به تبلیغ و ترویج مذهب اثنی عشری بود و در شهرهای مختلف ایران از جمله؛ خوی، مرااغه، میاندوآب (با اعزام آیت الله حجت کوه کمری)، تکاب، تهران، نوشهر (با مأموریت آیت الله بروجردی) و قره ضیاء الدین به منبر می‌رفت و علیه فعالیت‌های ضد مذهبی تلاش‌های چشم‌گیری داشت. خود وی در این خصوص می‌نویسد:

نظر به سوابق عمل کرد و خدمت در قره ضیاء الدین از طرف مردم دعوت به عمل گردید تا در مقابل دموکرات و حزب توده مبارزه شود؛ بعد از ورود و تلاش‌های مستمر حزب توده منقرض و لیکن مدتی چند گرفتار سواک و امثال این بودیم.<sup>۲</sup>

۱. به نقل از زندگی نامه خودنوشت معظم له.

۲. همان.

همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی در ردیف انقلاییون قرار گرفت و رهبری آن منطقه را عهده دار گردید. در سال ۱۳۵۷ ش مسؤول کمیته انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۱ ش سرپرستی جهاد سازندگی قره ضیا الدین به وی محول گردید و چند سال آن نهاد را اداره نمود.

از آثار علمی وی تقریر دروس بعضی از استادانش بوده که مفقود شده است.<sup>۱</sup> سرانجام این عالم زحمتکش در ۴ بهمن ماه ۱۳۷۷ ش مطابق با ۷ شوال المکرم ۱۴۱۹ق دارفانی را وداع گفت و در ورودی مسجد جامع قره ضیا الدین که خود سال‌ها در آن مسجد اقامه جماعت کرده بود، به خاک سپرده شد. متن مزار وی چنین است:

هو الباقي

آرامگاه فقیه عالیقدر و مجتهد توانا، جامع معقول و منقول از بزرگان حوزه‌های علمیه قم و نجف، مرتقا و پاکدامنی حاج شیخ جمال الدین مجتهدی - قدس سره - فرزند عالم ربانی و فقیه بزرگوار حضرت آیت الله حاج شیخ نجم الدین مجتهدی - طاب ثراه - بزرگ انسانی که در این مرقد پاک آرمید ۵۲ سال با کمال اخلاص و تلاش خستگی‌ناپذیر ارشاد و هدایت مردم در این منطقه را برعهده داشت و در ۱۳۰۱ مبتولد و در ۱۳۷۷/۱۱/۴ برابر با هفتم شوال ۱۴۱۹) با قلبی مطمئن به ملکوت اعلی پیوست.

۱. به نقل از زندگی نامه خودنوشت معظم له.



## ♦ مجتهدی، شیخ علی (۱۳۰۶ - ۱۳۴۹ ش)

مدرس حوزه علمیه خوی، حاج شیخ علی مجتهدی فرزند حاج آقا مرتضی فرزند آیت الله حاج شیخ علی مجتهد خوبی<sup>۱</sup> در سال ۱۳۰۶ ش مطابق با ۱۳۴۵ ق در خوی متولد شد. تحصیلات مقدماتی را از آیت الله حاج شیخ علی مدد محسنی بدل آبادی، حاج شیخ اسدالله قاسمی و حاج میر علی آقا محدث فراگرفت و در سال ۱۳۴۸ ق به قم رفت و از دروس آیت الله میرزا محمد همدانی، آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت الله سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود. در سال ۱۳۵۴ ق به خوی مراجعت کرد و به اقامه نماز جماعت در مسجد ملا حسن، مسجد سلمان خان و سریرستی امور مالی مدرسه نمازی و تدریس طلاب علوم اسلامی همت گماشت و شاگردانی چون؛ حاج شیخ جلیل هنرور، حاج شیخ محمد حسن بکایی، حاج سید عبداللطیف قرشی کوه کمری، حاج میرزا خلیل قبله‌ای، حاج شیخ علی افسر قویدل، حاج شیخ اسماعیل فلاحی، حاج سید جعفر مرقاتی خوبی، حاج شیخ حسن بصیری و حاج شیخ ذبیح الله متولی پرورش داد.

۱. بعد از رحلت وی، فرزندانش نام خانوادگی «مجتهدی» را برای خود انتخاب نموده‌اند.

معظم له در بین علمای خوی معروف به تقواو اخلاق حسنیه بوده و معیشت زندگانی اهل و عیال خویش را از راه عرق جیین تأمین می نمود و از سهم مبارک امام - علیه السلام - استفاده نمی کرد. از آثار خیر وی در زادگاهش تعمیر مسجد ملا حسن ، مسجد سلمان خان و مسجد شعبان می باشد.

وی در روز سه شنبه ۱۵ شوال المکرم ۱۳۹۰ ق برابر با ۲۴ آذر ماه ۱۳۴۹ ش در اثر سکته قلبی در زادگاهش به بدرود حیات گفت و پیکر پاکش ، در خانه مسکونیش تغسیل و تکفین گردید و پس از اقامه نماز میت به امامت حاج شیخ جابر فاضلی در جوار مرقد جدش آیت الله حاج آقا علی مجتهد خویی و عارف زاهد ، حاج ملا علی خویی در بالای تپه غضنفر به خاک سپرده شد. دامادش آیت الله حاج شیخ ابوطالب فاضلی از مفاخر فقهی آذربایجان است. متن سنگ مزار وی چنین است :

هذا

مرقد العالم الجليل و الفاضل الاصليل نجل الله حجت الاسلام الحاج شیخ علی مجتهدی  
رحمه الله علیه و قد توفی فی ۱۵ شوال ۱۳۹۰ برابر با ۲۴ آذر ۱۳۴۹ ش .<sup>۱</sup>

۱. آیة داشوران ، ص ۲۹۱ و ۴۱۹ .

## ◆ محدث، میر علی آقا (۱۲۷۶- ۱۳۶۸ ش)

مرحوم حاج میر علی آقا محدث از وعاظ برجسته شهر و از دلسوزتگان اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - بود. پدرش عالم وارسته مرحوم میر ابوطالب و پدر خانمش، آیت الله حاج میر باقر مجتهد از علمای شهرستان خوی بودند.

در سال ۱۲۷۶ ش برابر با ۱۳۱۵ ق در بیت معنویت و سیادت به دنیا آمد. علوم ادبی و سطح را در خدمت استادانی نظری آیت الله شیخ مصطفی محله‌ای مشهور به «شیخ آقا محله‌ای»، آیت الله شیخ علی مدد محسنی بدل آبادی، آیت الله حاج سید شفیع تهامی، آخوند ملا حسین صادقی بدل آبادی و ... به پایان رسانید و همزمان با آن به تدریس دروس حوزوی همت گماشت که از میان شاگردان وی می‌توان به آقایان زیر مانند حاج شیخ جلیل هنرور، حاج سید عبداللطیف قرشی کوه‌کمری، حاج شیخ اسماعیل فلاحتی، حاج شیخ علی مجتهدی، حاج شیخ محمد رضا جعفری و حاج شیخ حسن بصیری را نام برد.

مرحوم محدث از روشه خوانان مشهور شهر بود و در این وادی گوی سبقت را از همگان ریوده و تقریباً حرف اول و آخر در این خصوص با ایشان بود. تنها اثر بر جا مانده

از وی کتابی در مقتل حضرت سید الشهداء - علیه السلام - است که در نزد بازماندگانش محافظت می شود.

ایشان در روز شنبه ۹ دی ماه ۱۳۶۸ ش برابر با ۱ جمادی الثانی ۱۴۱۰ ق رحلت نمود و در مزار شهدای شهرستان خوی به خاک سپرده شد. متن مزار وی چنین است:

هو الباقي

مرقد انور و مضجع شریف افضل الذاکرین و ثقة المحدثین و زبدة المحققین المرحوم  
المغفور حاج میرزا علی آقا محدث ابن میر ابوطالب - طاب ثراه - تاریخ ولادت  
۱۳۱۵ هـ. ق، تاریخ ارتحال ۱۴۱۰ قمری غرّة جمادی الثانیة مطابق ۱۳۶۸/۱۰/۹  
شمسی .

◀ محسنی بدل آبادی، شیخ حسین (۱۳۰۴ - ۱۳۶۹ ش)

خطیب توانا، حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین محسنی بدل آبادی فرزند آیت الله آخوند ملا علی مدد محسنی بدل آبادی در سال ۱۳۰۴ ش مصادف با ۱۳۴۴ ق در یک خانواده مذهبی در روستای بدل آباد از توابع شهرستان خوی دیده به جهان گشود. در ۱۱ سالگی پدر بزرگوارش را از دست داد و تحت تربیت مادر و برادر بزرگترش مرحوم حاج حسن محسنی قرار گرفت. در ۲۰ سالگی به درخواست آیت الله حاج سید ابراهیم علوی وارد مدرسه نمازی گردید و پس از تحصیل علوم مقدماتی به اتفاق برخی از رفقا راهی حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل پرداخت.

در سال ۱۳۳۹ ش به پاکستان رفت و پس از آن به عتبات عالیات مهاجرت نمود و در ردیف شاگردان آیت الله حاج سید محمود شاهروdi، آیت الله حاج سید محسن حکیم و آیت الله حاج سید ابوالقاسم موسوی خویی قرار گرفت و در اندک مدتی جزء اصحاب خاص دو استاد اخیر قرار گرفت. در مدت نه سال اقامت در نجف اشرف به چند کشور جهان از جمله پاکستان، هندوستان، آلمان، ترکیه، عربستان (۱۱ سفر)، اردن، لبنان، فلسطین، کویت، عمان، مصر، یونان، قبرس، اتریش و فرانسه سفر نمود و در این وادی به غیر از اجر معنوی دارای حکایات آموزنده‌ای است

که به چهار مورد از آنها اشاره می‌شود. برادرزاده و داماد فاضلش، آیت الله حاج شیخ علی محسنی خویی به نقل از عمومیش می‌گوید:

پیش از این گفته شد مرحوم حاج شیخ حسین محسنی ۱۱ بار توفیق یافت به زیارت بیت الله الحرام تشرف پیدا کند. در یکی از این سفرها همان سالی که مرجع بزرگ شیعه آیت الله العظمی آقای حکیم به زیارت بیت الله الحرام تشرف پیدا نمود، مرحوم آقای محسنی در این سفر معنوی در مدینه منوره و مکه مکرمہ به همراه آقای حکیم بود و به امر معظم له از مطوفین ایشان بود. مرحوم آیت الله حکیم در آن سفر مهمان حمله دار معروف تبریزی مرحوم آقای شربت اوغلی بود که شربت اوغلی در آن سال سنگ تمام گذاشت و در مدینه و مکه پذیرایی قابل تحسینی را از مرحوم آیت الله حکیم و همراهان ایشان به عمل آورد. مرحوم آقای محسنی می‌فرمود: در مکه مکرمہ در محضر آیت الله حکیم نشسته بودیم، جمع کثیری از حجاج ایرانی و عراقی از آن میان تعدادی نیز از علمای محترم در مجلس حضور داشتند، یکی از آقازاده‌های آقای حکیم خدمت ایشان رسید و به گوش ایشان مطلبی گفت، مرحوم آقای حکیم پس از لحظاتی بلند شد و بدون خدا حافظی از مجلس خارج گردید و به اتاق خود تشریف برد. همه از این امر متعجب شدیم که چه اتفاقی افتاد. پس از دقایقی امیر مکه که به دیدن آقای حکیم آمده بود وارد مجلس شد و نشست، لحظاتی پس از نشستن امیر مکه مرحوم آیت الله حکیم از اتاق بیرون آمد و وارد مجلس شد. همه حاضرین از جای خود بلند شدند و با صلوات و سلام از آقای حکیم استقبال نمودند. امیر مکه هم که شاهد این صحنه بود، احترامات لازم را به جای آورد، و آقای حکیم نشستند و پس از تعارفات مشغول صحبت شدند. امیر مکه پس از مدتی صحبت و مذکره با مرحوم آیت الله حکیم اجازه مرخصی خواست و رفت، پس از رفتن ایشان عرض شد، آقا چه شد که یک مرتبه بدون خدا حافظی مجلس را ترک فرمودید، ما نگران شدیم؟

فرمود: به من اطلاع دادند امیر مکه به دیدن شما می‌آید، فکر کردم اگر در مجلس باشم وقی آمد به پای ایشان قیام کنم که این بر خلاف اعتقاد من است و من نمی‌خواهم به چنین شخصی قیام کنم و از او احترام نمایم و اگر قیام نکنم این نیز خلاف ادب است و بی‌حرمتی به میهمان و کار درستی نیست، چاره را در این دیدم که مجلس را ترک کنم تا ایشان بباید و بنشیند و بعد من وارد مجلس شوم و امیر از من احترام کند و به پای من قیام کند و مشکلی هم پیش نیاید. مرحوم آیت الله حکیم در آن سال با تشرف به زیارت

بیت الله الحرام و عتبه بوسی حضرت ختمی مرتبت - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه هدی - علیهم السلام - در مدینه عظمت شیعه و مرجعیت آن را به نمایش گذاشت.

\* \* \*

مرحوم آقای محسنی می فرمود: در استانبول بودم که خبر آمد مفتی اعظم مصر که به کشورهای اروپایی سفر کرده برگشته و تصمیم دارد توقف کوتاهی نیز در استانبول داشته باشد و با علمای ترکیه ملاقات کند، لذا از من نیز به عنوان عالم رسمی ایرانیان مقیم استانبول و شیعیان آن شهر دعوت رسمی به عمل آمد که در فرودگاه به استقبال ایشان برویم و با وی ملاقات کنیم، وی آمد و پس از مراسم استقبال رسمی و تشریفات لازم در محل استراحت خود مستقر گردید. بعضی از علمای اهل سنت از من خواستند که از آقای مفتی اعظم پرسش شما که به کشورهای غربی سفر کردید در آنجا چه دیدید؟ و چه چیزی برای شما جالب توجه بود؟

من از ایشان پرسیدم، در جواب من گفت: به ممالک غربی سفر کردم و از نزدیک با مردمان آن کشورها آشنا شده و با آنان به گفتگو پرداختم، چیزی را که دیدم این بود: من اعمال آنان را دین خودمان و اعمال خودمان را دین آنان یافتم، یعنی من دین خودمان را اعمال آنان و دین آنان را اعمال خودمان یافتم.

\* \* \*

مرحوم حاج شیخ حسین آقا محسنی که بنای دعوت ترکهای شیعه مذهب مقیم براین به کشور آلمان سفر کرده بود و با دانشجویان ایرانی مقیم آن شهر نیز ارتباط نزدیکی داشت و این ارتباط با توجه به مراقبت‌های رفتاری و اخلاقی ایشان زمینه خوبی را برای نشر معارف اسلامی فراهم آورده بود. آقای محسنی از این سفرها حکایت‌ها داشت از آن میان می فرمود: روزی برای عقدخوانی بین دو دانشجوی ایرانی دعوت شدم. خیلی از دانشجویان ایرانی در جشن عقدخوانی حضور داشتند. در آن میان چند دانشجوی آلمانی نیز به این جشن دعوت شده بودند. در بین دانشجویان آلمانی دختری زیبا و متین و باوقاری بود که جلب توجه می‌کرد. دانشجویی در کنار من نشسته بود که اهل تهران بود و محمد نام داشت. آقا محمد را دیدم که به این دختر آلمانی زل زده و چشم از او برنمی‌دارد، گفت: آقا محمد چه می‌کنی؟ گفت: ببخشید حاج آقا چیزی نیست. گفت: آقا محمد حرف دلت را بگو، از دختر خوشت آمد؟

گفت: آری.

گفتم: خوب خواستگاری کن.

گفت: نمی‌دانم می‌پذیرد یا نه، از طرفی او مسیحی است.

گفتم: شما خواستگاری کن، بقیه با من. در مهمان مجلس آقا محمد از آن دانشجوی آلمانی خواستگاری نمود و گفت: اگر می‌پذیرید مسلمان شوید و با من ازدواج کنید. دختر کمی تأمل کرد و گفت: قبول می‌کنم، به شرط آن که آقا به سوالات من پاسخ دهد، اگر قانون شدم مسلمان می‌شوم و با شما نیز ازدواج می‌کنم.

گفتم: قبول است بپرسید. گفت: آقا چرا در اسلام تعدد زن برای مردان جائز است ولی زن نمی‌تواند همزنان با بیش از یک مرد ازدواج کند، آیا این تبعیض و بی‌عدالتی نیست؟ آقای محسنی می‌فرمود: من تفصیلاً به این سؤال پاسخ دادم و حکمت جواز تعدد زنان را برای مردان بیان کردم و سپس حکمت حرمت تعدد مرد را برای زنان توضیح دادم و در ادامه گفت: اگر در آیین شما نیز چنین راه حل عقلانی و دستورالعمل دینی برجسته و راه گشایی بود، پس از جنگ جهانی اول و دوم این همه فساد اخلاقی دامن زنان و دختران را فرا نمی‌گرفت و کرامت زنان شکسته نمی‌شد.

این دختر آلمانی با شنیدن این مطالب که با توضیح و دلیل همراه بود قانع شد و به مذهب حقهٔ جعفری تشرف پیدا کرد و ازدواج با آقا محمد تهرانی را پذیرفت، جشن مجددی به همین مناسبت برقرار گردید و من در همان مجلس ایشان را به عقد نکاح آقا محمد درآوردم. دانشجویان ایرانی با تشرف این دختر آلمانی به مذهب تشیع در پوست خود نمی‌گنجیدند و بحمد الله این یکی از بركات حضور من در آلمان بود.

\* \* \*

می‌فرمود: در استانبول بودم که خبر تبعید رهبر فقید انقلاب آیت الله خمینی را دریافت کردم. روزی نامه‌ای از مرحوم آیت الله حاج سید ابراهیم علوی خوبی به دستم رسید که در آن مکتوب مرقوم فرموده بود: آقای محسنی اگر من به جای شما بودم به هر طریق ممکن به خدمت استاد شرفیاب می‌شدم و در خدمت به ایشان لحظه‌ای درنگ نمی‌کردم، من الان از محل اقامت معظم له در بورسا با کاردار و یا کنسول ایران که آخوندزاده و آدم خوبی بود و با من رفاقت داشت تماس گرفتم و از ایشان خواستم ترتیبی دهد من با آقا از نزدیک ملاقات کنم، ایشان جواب داد من نمی‌توانم اجازه دهم و برای

شما نیز خطر دارد. گفتم: مهم نیست و من خواهش می‌کنم هر چه زودتر مقدمات این ملاقات را برای من فراهم کنید تا ارزنده‌یک من از احوالات ایشان مطلع شوم. علی‌رغم حساسیت دولت ایران نسبت به من هر چند روز یک بار تماس می‌گرفتم و به ایشان اصرار می‌کردم که در این رابطه اقدام کند، روزی تماس گرفت و گفت آقای محسنی خبر خوش دارم. گفتم: چیست؟ گفت: آقایی به نام لواسانی از ایران آمده و لباس‌های آقارا با چند جلد کتاب با خود آورده ولی دولت ایران اجازه نداد ایشان به خدمت آقا برسد و با وی ملاقات کند و دستور داده شده شخص دیگری و سایل آقارا تحويل دهد. حالا فرصت خوبی پیش آمده شما این کار را انجام دهید و با آقا ملاقات کنید. اما مراقب خود نیز باشید حساسیت شدید به شما وجود دارد. من خوشحال شدم و با عجله به خدمت کنسول رسیدم و کیف را تحويل گرفته با سرعت به طرف بورسا حرکت کردم و محل اقامت آقا آمد و درب منزل را زدم. گفتند: کیستی؟ گفتم: محسنی خوبی هستم. حاج آقا مصطفی با عجله در راگشود و ما هم دیگر را به آغوش گرفتیم. من با حاج آقا مصطفی در آن ایام که در قم بودم آشنایی داشتم، حاج آقا مصطفی به امام خبر داد و ایشان با دیدن من بسیار مسرور شدند و مرا به آغوش گرفتند و فرمودند: چگونه آمدی و اینها را چه کسی آورد؟ جریان را گفتم فرمودند: پس آقای لواسانی چه شد؟ گفتم: آقا طبق گفته کنسول ایران برای ایشان بليط هوایپامي استانيبول به بغداد تهيه ديدند و برای اينکه آقای لواسانی دست خالي برنگردد و را به زيارت اعتاب مقدسه فرستادند و من ایشان را نديدم، من مدتی در خدمت امام بودم و در مسائل مختلف با ایشان به گفتگو پرداختم و همین ملاقات شجاعانه آقای محسنی سبب شد حضرت امام علاقه زيادي به ایشان پيدا کند و پس از عزيمت معظم له به نجف اشرف با ایشان ارتباط گسترده و عميقی داشته باشد و مورد اعتماد کامل آقا قرار بگيرد و با حاج آقا مصطفی نيز رفاقت و دوستي نزديكی پيدا کند که تفصيل آن در اين مختصر نمي‌گنجد.

باز می‌فرمود:

در سفری که به اردن داشتم، مصادف با روزهای تلغی جنگ‌های اعراب و اسرائیل بود در آن ایام علمای شیعه عليه اسرائیل سخن می‌گفتند. من در پایتخت اردن از پلی عبور می‌کردم و چشم به شخصی افتاد که از رویرو می‌آمد به نظرم آمد دیوانه باشد زیرا حرکات ناموزنی داشت من با مشاهده ایشان مسیرم را تغيير دادم و به آن سمت پل

حرکت کردم او نیز مسیرش را تغییر داد و به سوی من آمد و سلام کرد. من جواب دادم  
جلو مرا گرفت و گفت از نجف آمدید؟ گفتم: آری! گفت: ایرانی هستی؟ گفتم: بله. با  
زبان فارسی گفت: سیگار داری؟ گفتم: آری قوطی سیگار را در آوردم و تعارف کردم  
برداشت و من برایش روشن کردم. گفت: آقا می بینی چه اوضاعی است؟ گفتم: آری. بعد  
جمله‌ای گفت که خیلی عجیب بود و با وضعیت ظاهری و لباس او نمی‌ساخت، گفت: آقا  
شیخ من از علمای شیعه تعجب می‌کنم. گفتم: چرا؟ گفت: به نجف بر می‌گردی؟ گفتم: ان  
شاء الله گفت: وقتی به نجف برگشتی به آقایان بگو آخر دشمنان حضرت پیامبر خدا با  
دشمنان حضرت علی می‌جنگند و هم‌دیگر را می‌کشند و از بین می‌برند، علمای شیعه چه  
می‌گویند. این را گفت و راهش را گرفت و خدا حافظی کرد و رفت و من نفهمیدم این آدم  
به ظاهر دیوانه با کلام حکیمانه چه کسی بود و زبان فارسی را در اردن از کجا بلد بود.

برخی از آثار عمرانی و خدمات اجتماعی و دینی ایشان چنین است:

۱. اقامه نماز جماعت در مسجد جامع بالا محله بدل آباد؛

۲. بازسازی مسجد بالا محله بدل آباد؛

۳. بازسازی و توسعه مسجد امام رضا -علیه السلام - در بلوار ۲۲ بهمن؛

۴. تجدید بنای مسجد خانقاہ.

معظم له در روز سه شنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۶۹ ش برابر با ۲۵ ربیع الاول ۱۴۱۱ ق در اثر  
سکته قلبی وفات نمود و پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز میت به امامت حاج شیخ  
جلیل هنرور در جوار مرقد حضرت آخوند ملا علی خویی به خاک سپرده شد. متن مزار  
وی چنین است:

وقدت على الکریم بغير زاد من الحسنات والقلب السليم

فحمل الزاد و اقيبح كل شيء اذا كان الوفود الى الکریم

مرقد شریف عالم جلیل، خادم اهل بیت عصمت و طهارت: مرحوم حاجت الاسلام و  
المسلمین آقای حاج شیخ حسین محسنی بدل آبادی فرزند عالم ربیانی و عارف صمدانی  
آیت الله آقای حاج شیخ علی مدد - طاب ثراهما - متولد ۱۳۰۴ هش که در روز سه شنبه  
۲۳ مهر سال ۱۳۶۹ ش مطابق با ۲۵ ربیع المولود ۱۴۱۱ هق داعی حق رالبیک گفت.

عصیان مرا دو نیم کن در عرصات نیمی به حسن بخش و نیمی به حسین

## ❖ محسنی بدل آبادی، شیخ علی مدد (۱۲۴۷ - ۱۳۱۵ ش)

آیت الله حاج شیخ علی مدد محسنی بدل آبادی یکی از مُدرسین و علمای ممتاز شهرستان خوی بود که سال‌ها به نشر علوم آل محمد و ترویج مذهب حقه جعفری پرداخت و خدمات شایانی انجام داد. گوشه‌هایی از حالات علمی و اخلاقی ایشان که در زیر می‌آید، به درخواست نگارنده توسط نواده فاضلش آیت الله حاج شیخ علی محسنی خویی به نگارش در آمده است. متن نوشته ایشان چنین است:

آیت الله حاج شیخ علی مدد محسنی بدل آبادی فرزند غلامعلی فرزند علی بابا فرزند محسن فرزند یقین علی در حدود سال ۱۲۴۷ ش برابر با ۱۲۸۵ ق در یک خانواده محترم مذهبی در روستای بدل آباد شهرستان خوی دیده به جهان گشود و پس از طی دوران طفویت به مکتب خانه رفت و در سنین نوجوانی وارد حوزه علمیه شهرستان خوی گردید و با جدیت تمام و اغتنام فرصت به تحصیل علوم مختلف دینی پرداخت و با گذراندن مقاطع مختلف تحصیلی بر اسائل و اقران خویش پیشی گرفت و در سنین جوانی در حوزه درس و بحث تنی چند از رجال برجسته علمی و شخصیت‌های فرزانه مذهبی خوی از آن بنا به شواهدی در محضر درس و بحث دو عالم محقق نامدار و فقیه اصولی کم نظری، مرحوم آیت الحق شهید حاج میرزا ابراهیم دنبلي خویی نویسنده کتاب

شريف الدرة النجفية في شرح نهج البلاغة الحيدرية، الشهيد في شعبان المعظم سال ۱۳۲۵ق و مرحوم آيت الله حاج ميرزا حبيب الله هاشمي مؤلف كتاب شريف منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة المتوفى في صفر المظفر ۱۳۲۴ق که در رأس جامعه علمي و ديني و اجتماعي آن زمان است از تاریخ شهرستان خوی قرار داشتند، حاضر گردید و از مائدۀ رنگین علم و فضیلت و حان عنبرین تقوی و دیانت آن دو عالم فرزندانه استفاده فراوان نمود و در ظلّ توجّهات حضرت حق سبحانه در سنین جوانی به مقامات عالیة علمیه و مراتب فائقة عملیه نائل آمد و در اثر همت بلند و سعی بلیغ خویش در ردیف علمای بنام خوی قرار گرفت و بر مستند استادی در مدرسه نمازی تکیه زد و در حجره مخصوصی که در مدرسه نمازی داشت، به تدریس علوم مختلف دینی پرداخت و به تربیت عالمان فاضلی همچون: مرحوم آیت الله حاج سید علی اصغر صادقی خویی از معاريف علمای اعلام تهران و مرحوم آخوند ملا حسین صادقی بدلآبادی و مرحوم آقا شیخ علی اصغر فاضلی و مرحوم حاج شیخ علی مجتهدی و مرحوم حاج شیخ اسدالله قاسمی و مرحوم حاج میر علی محدث و دهها عالم دیگر از آن میان تنی چند از مهاجرین علمای بلاد قفقاز، همچون: آخوند ملامالک و آخوند ملا محمد مقیم شهر قارص ترکیه و آخوند ملا قربان و آخوند ملا محمدرضا مقیم شهر اغدیر ترکیه و ... همت گماشت.

مرحوم حاج آخوند بدلآبادی در اکثر علوم اسلامی سرآمد بود و در علم طب ید طولانی داشت و در خصوصیات اخلاقی و کمالات انسانی از جایگاه بلندی برخوردار بود که از آن میان میتوان به صفاتی همچون: زهد و تقوی، اخلاص و صفاتی باطن، حسن اخلاق و ادب، قناعت و مناعت طبع، جود و کرم، مهمان نوازی، غریب دوستی، تأمین عمدۀ معیشت اهل و عیال از راه کشاورزی، برگزاری مجالس عزا و سوگواری به مدت ده روز در ایام فاطمیه در منزل شخصی که تا به امروز همچنان ادامه دارد و بیش از یک قرن از عمر آن میگذرد و ... اشاره نمود.

معظم له در میان مردم و علمای منطقه از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و در علوم مختلف اسلامی صاحب نظر بود و بنا به نقل مرحوم عالم جلیل‌القدر حاج شیخ جابر آقا فاضلی ایشان در مسائل علمی حرف اول را می‌زد و نظر وی در بحث‌های علمی همیشه فصل الخطاب بود که صدق گفتار و صحت نوشتار ما در رابطه با مقامات عالیه

علمی و مراتب فائقة معنوی ایشان از اجازات شریفه برخی از مشاهیر مراجع عظام تقلید زمان وی به خوبی هوی است. مرحوم حاج آخوند دارای اجازات بسیار ارزنده‌ای از حضرات مراجع عظام و علمای اعلام عصر خویش بود که تعداد آنها به ۱۴ اجازه می‌رسید که مع الأسف در اثر گذر زمان به جز چند اجازه از آنها باقی نمانده و بقیه مفقود شده‌اند که برخی از آن شخصیت‌های بزرگ همچون حضرت آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حضرت آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمد حسین نائینی و حضرت آیت‌الله العظمی آقا سید محمد فیروزآبادی و حضرت آیت‌الله العظمی آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی، علو مقام علمی و معنوی و عدالت و وثاقت و ورع و دیانت و اخلاق کریمه و صفات حميدة ایشان را تصدیق فرموده و شخصیت بر جسته علمی و عملی آن عالم رئانی را ستوده‌اند. مرجع کبیر شیعه مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی در اجازه کریمه‌ای که به تاریخ شهر ربیع‌المرجب سال ۱۳۴۶ قمری فرموده و متن کامل همان اجازه نیز در مورخة شعبان‌المعظم همان سال در یک اجازه مستقل مورد تصدیق مرجع بزرگ شیعه آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمد‌حسین نائینی - قدس سره - قرار گرفته چنین می‌فرمایند:

بسم الله الرحمن الرحيم ... وبعد مخفی نماند که جناب مستطاب شریعتمدار عمدة العلماء العظام ناشر الحلال والحرام مروج الاحکام آقای حاج ملا على مدد آقا بدیل آبادی سلمة الله تعالى که از جملة علماء کرام و مروج شریعت مطہرہ حضرت خیر الانام عليه و آله الطاهرين الصلوة والسلام و دارای مقامات عالیة علمیه و عملیه و صفات فاضله و نیتات صافیه و اخلاق کریمه و مراتب فائقة تقوی و دیانت و از هر جهت عمل و ثوق و اعتماد می‌باشدند از جانب احقر در تصدی امور شرعیه محتاج اليها و اجراء عقود و ایقاعات و امثال اینها و در نقل احادیث مرویه در کتب معتبره علماء اعلام قدس الله مضاجعهم ماؤذون و مجازند الخ ...

معظم له با توجه به جایگاه علمی و معنوی و با عنایت به موقعیت مردمی و اجتماعی ایشان که مورد تأیید همگان بود و در جریان خلع لباس و عمامة علمای بلاد ایران در دوران حکومت ستمشاھی پهلوی که به اتحاد شکل مردان معروف شد از محدود علمای بنام منطقه بود که از تعریض نظام پهلوی مصون ماند و از طرف دولت اجازه رسمی پوشیدن لباس روحانیت را دریافت نمود.

ایشان دارای تألیفات بسیار ارزنده‌ای در موضوعات مختلف بود که تعداد آنها به بیش از ۳۰ مجلد بالغ می‌شد که مع‌السف همه آثار ارزشمند قلمی وی با مجموعه کتاب‌های کتابخانه ایشان پس از ارتحالش در اختیار یکی از علمای محترم خوی قرار می‌گیرد تا حفظ شوند ولی با تلاش‌های فراوانی که انجام گرفت تا به حال هیچ اثری از آنها به دست نیامده است. ارتباط عمیق و انس قریب ایشان با طالبان علمی که از مناطق دور و نزدیک از آن میان از بلاد فرقان در مدرسه دینی نمازی گرد آمده و در درس و بحث وی مشارکت کرده بودند، سبب شد زمینه مناسبی برای سفرهای متعدد این عالم توانمند به برخی از بلاد فرقان از جمله تفلیس و نخجوان و ایروان فراهم آید و در ادامه همین سفرهای به قارص و ارزروم ترکیه نیز سفر کند و به تبلیغ و ارشاد مردم شیعه مذهب آن سامان پردازد و در ترویج مذهب حقه جعفری و دفاع از حریم مقدس ولایت و امامت تا حدّ توان بکوشد و در مسجد تفلیس و قارص به اقامه نماز جماعت و تبیین احکام الهی و معارف مذهب حقه همت بگمارد و از سوابی از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی آن ایام دور بماند و ورود به اختلافات علمای شهر که در اثر مسائل مشروطیت پیش آمده بود در امان بماند و از فرصت استفاده نموده، برخی از کتاب‌های بزرگان را در سفر استنساخ کرده از آنها بهره بجویید که از میان آنها می‌توان به استنساخ کتاب شریف لهوف سید بن طاووس اشاره نمود که خود ایشان در خاتمه می‌نویسد:

قد وقع الفراغ من کتابة هذه النسخة الشّریفۃ فی یوم العشر من شهر ربیع فی سنة، بعد الاف ثلاثة و ثلاثین، محرر هذه الرسالۃ علی مددین غلامعلی بدلآبادی من قراء الخوی غفارالله له ولوالدیه و لجمیع اقاربه بحق محمد و آله الطّاهرین ... کتبه فی مسجد القارص.

مرحوم حاج آخوند بدلآبادی در جریان کشف حجاب به علت حادثه‌ای که پیش آمد به شدت مريض شد و معالجات در خوی و تبریز سودی نبخشید و در ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۸ صفر الخیر ۱۳۵۵ ق برابر با اوخر فروردین ماه ۱۳۱۵ ش پس از چند ماه کسالت دارفانی را وداع گفت و پس از اقامه نماز میت به امامت آیت الله شیخ آقا محله‌ای در قبرستان عمومی زادگاهش به خاک سپرده شد. متن مزار ایشان بدین قرار است :

مرقد شریف عالم عامل جلیل و فاضل کامل نبیل صاحب مقامات عالیه علمیه و عملیه و صفات فاضله و اخلاق کریمه و دارای مراتب فائقه تقوی و دیانت، آیت الله آقا حاج

شیخ علی مدد محسنی بدل‌آبادی - طاب ثراه - که در صبح چهارشنبه ۲۸ صفر المظفر ۱۳۵۵ هجری قمری داعی حق رالبیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

\* \* \*

به فاصله حدود ۱۰۰ متر از مزار ایشان، بنای قدیمی و مخروبه‌ای وجود دارد که قدمت آن مشخص نگردید. همچنین پس از به خاک سپاری ایشان در محل فعلی یکی از بستگان معظم له به نام حاج ملا مرتضی محسنی بدل‌آبادی که عالمی محترم، مؤمن و دیندار بود، در جوار ایشان دفن شده است.

وی فرزند مرحوم ملا محمد محسنی بدل‌آبادی (مدفون در نجف اشرف) است که در زمان خود قسمتی از اموال خود را برای احداث مساجد و کارهای عام‌المتفعه اختصاص داده بود.

ایشان در ۱۳ تیر ماه ۱۳۳۹ ش برابر با ۹ محرم الحرام ۱۳۸۰ق با اطلاع دادن از خبر وفات خود، دارفانی را وداع گفت و پس از اقامه نماز میت توسط رفیقش حاج شیخ اسدالله قاسمی تازه‌کنندی در محل فعلی دفن شد.<sup>۱</sup>

۱. به نقل از نوشته مرتضی محسنی بدل‌آبادی، نواده معظم له.





## ❖ محمدی، شیخ عباس (۱۳۰۷ - ۱۳۸۶ ش)

حاج شیخ عباس محمدی در سال ۱۳۰۷ ش برابر با ۱۳۴۷ ق به دنیا آمد. تحصیلات خویش را در خوی و قم ادامه داد و پس از آن به خوی مراجعت نمود. با آغاز نهضت مردم ایران، در ردیف فعالان سیاسی قرار گرفت و در این راه تلاش‌ها کرد و به تعبیر آیت الله بنی‌فضل، وی از روحانیون شاخص و از کنک خوردهای انقلاب بود.<sup>۱</sup>

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت‌های ریاست کمیته انقلاب اسلامی، حاکم شرع خوی و ریاست سازمان تبلیغات اسلامی خدمت کرد و تا پایان عمر شبها در مسجد ملا احمد اقامه جماعت نمود.

او در ۸ شهریور ماه ۱۳۸۶ ش مطابق با ۱۶ شعبان المعظم ۱۴۲۸ ق وفات نمود و در

جوار امامزاده سید بهلول به خاک سپرده شد. رونوشت مزار وی چنین است:  
آرامگاه ابدی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس محمدی فرزند ذوالفعلی، تولد <sup>۲</sup>۱۳۰۷، فوت ۸/۶/۱۳۸۶

۱. خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی‌فضل، ص ۲۳۴.

۲. با اینکه نگارنده علاقه داشت اطلاعات بیشتری از معظم له در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهد ولی به دلیل عدم همکاری فرزندش به اطلاعات شخصی بستنده گردید.





## ﴿ مرجعی، سید موسی (۱۲۷۰ - ۱۳۵۰ ش) ﴾

آیت الله حاج سید موسی حسینی مرجعی خویی، فرزند عالم فرزانه، حضرت آقا میر یعقوب دوم فرزند حاج میر اسماعیل فرزند حضرت آقا میر یعقوب مقبره در سال ۱۳۰۹ق برابر با ۱۲۷۰ش در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. دوران کودکی را در خانه پدری سپری نمود و پس از آن وارد حوزه علمیه خوی گردید و دروس مقدماتی و سطح را از اساتید حوزه علمیه خوی آموخت و سپس در سال ۱۲۹۸ش عازم عتبات عالیات گردید و از محضر پُر فیض آیت الله حاج میرزا حسین نائینی، آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی استفاده‌های شایانی نمود و با بزرگانی همچون آیت الله سید محسن حکیم همدوره گردید.

وی پس از هشت سال اقامت در نجف اشرف و تکمیل معارف الهی و دریافت اجازة اجتهاد از استادانش در سال ۱۳۰۶ش به زادگاه خویش مراجعت نمود و به امر تبلیغ و تدریس و تربیت شاگردان فاضلی همچون آیت الله سید ابراهیم علوی و عالم ریانی حاج آخوند ملا غلامعلی خادم حسینی پرداخت. ایشان در میان مردم از احترام خاصی برخوردار بود و در مسجد آقا ابراهیم و مسجد ملا احمد به اقامه نماز جماعت

می پرداخت و گروهی از مؤمنان در نمازش حضور می یافتند.<sup>۱</sup>  
 ایشان پس از وفات پدر فرزانه‌اش زعامت و ریاست جامعه روحاًنی شهرهای ماکو،  
 مرند، خوی و سلماس را عهده‌دار گردید و این امر از سال ۱۳۲۰ ش تا ۱۳۵۰ ش به طول  
 انجامید.<sup>۲</sup>

آیت الله مرجعی، عالمی مردم نواز، دلسوز و خدوم بود و در غائله اشغال آذربایجان  
 توسط قوای بیگانه و انحلال فرقه دمکرات و بروز ضعف قدرت حکومت مرکزی در ۲۸  
 مرداد ماه ۱۳۳۲ ش با شایستگی و شجاعت تمام در برگرداندن آرامش و صلح به شهر  
 پیشقدم گردید و با زیرکی تمام هرگونه آشوب و فتنه را در نطفه خفه کرد.

نوء فاضلش دکتر مرتضی مجتبه‌ی دار این زمینه می‌نویسد:

... در روز بعد از کودتای ۲۸ مرداد که دو طرف مخاصمه قصد آشوب و اذیت به یکدیگر  
 را داشتند، جهت ایراد سخنرانی و دعوت مردم به آرامش به بالکنی در چهارراه مرکزی  
 شهرستان خوی می‌روند که به علت از دیاد جمعیت در بالکن و پوسیده بودن پایه‌های  
 بالکن به همراه افراد روى آن از جا کنده شده و مانند قالیچه‌ای در پیاده‌رو چهار راه  
 می‌نشینند؛ به طوری که به افراد بالای بالکن و زیر آن آسیبی نمی‌رسد. آن زمان مردم این  
 جریان را از کرامات ایشان دانسته و بر احترامش می‌افزایند.<sup>۳</sup>

همچنین برادرش سید رضا حسینی خویی هم با توجه به بُعد معنوی و روحاًنی آن  
 عالم متقدی و اقامه نماز استسقاء در شهرستان خوی و طلب شفا و سلامتی برای یکی از  
 بچه‌های بیمارش توسط آیت الله مرجعی، می‌نویسد:

... هم ولایتی‌های معتر قطعاً خشکسالی و وضعیت وخیم اقلیمی چند سال قبل را به  
 خاطر دارند که در آن واقعه هولناک، این عالم متهدج اهل حال، پیشاپیش علمای  
 شهرستان خوی و جعیت کثیری از مردم دلسوزته و تشنه لب برای اقامه نماز استسقاء و  
 طلب باران رحمت از مقابل مقبره حضرت آقا میر یعقوب به بیرون شهر حرکت کردند

۱. به نقل از حاج سید حسن مرجعی، فرزند معظم له.

۲. نسب نامنوداری سادات کوهکمر.

۳. به نقل از دکتر مرتضی مجتبه‌ی، نواده دختری معظم له.

و بعد از انجام نماز و دعا و تضرع به سوی پروردگار عالمیان ابرهای باران زا در آسمان پدیدار و فضا آبستن نزول بارانی سیراب کننده در حوزه پهناور شد:

من آن ابرم که می‌آیم ز دریا	روانم در به در صحراء به صحراء
که بارانم که بارانم سرا پا	نشان کشتزار تشنه‌ای کو؟

مرحوم ابوالقاسم مجتهدی داماد آیت الله مرجعی که از قضات و شخصیت‌های وارسته و صدیق خوی بود در مقام تجلیل از معنویت و کمالات انسانی ایشان در سال ۱۳۵۰ ش در مسجد شیخ در شهرستان خوی فرمود:

یکی از فرزندان دلبند آن مرحوم دچار عارضه سختی شدند، که طولانی شدن مدت مداوا و اظهار یأس طبیبان اسباب نگرانی شدیدی را فراهم ساخت که آیت الله مرجعی با مشاهده چنین وضعی، ضمن تشكیر از تلاش‌های بی‌دریغ پزشکان معالج با حالتی متفکر که حاکمی از توجه به عالم دیگری بود ابراز داشت، هیچ چیز از احاطه قدرت الهی بیرون نیست.

ز عشق و وصل و هجر و عهد و پیمان تو حرفی خوانده‌ای من دفتری چند  
سپس با اقامه نماز و توسل به ساحت ائمه هدی -علیهم السلام- و راز و نیاز با خالق جهان،  
شفای بیمار و نجات معجزه آسای آن پاکیزه بُرنا را میسر ساختند.<sup>۱</sup>

همچنین از حوادث جالب در زندگی ایشان، پذیرایی چند روزه از مرحوم شهید نواب صفوی بود. دکتر مجتهدی در این باره می‌نویسد:

در حدود سال ۱۳۲۸ ش زمانی که مرحوم نواب صفوی جهت اشاعه عقائد فدائیان اسلام به شهرهای مختلف سفر می‌کرد روزی قبل از طلوع به همراه پدر خانم خود به خوی وارد می‌شد و چون جایی را بدنبودند به گرمابه می‌رonden و در آنجا با یکی از اعیان و خوانین آن زمان برخورد می‌کنند. آن مرد مهماندوست، مرحوم نواب را به خانه دعوت می‌کند و پس از صرف صبحانه و شناخت نواب، احتمال خطر می‌دهد بنابراین صبح زود در منزل آیت الله مرجعی را می‌زنند و آقای حاج سید حسن مرجعی (فرزند معظم له) به دم در مراجعته می‌کند و خان همسایه می‌گوید: ۲ نفر منزل من مهمان

۱. یادداشت‌های سید رضا حسینی خویی، برادر معظم له.

هستند که شایسته خانه شما هستند. بدین ترتیب مرحوم شهید نواب صفوی چند روزی مهمان مرحوم آیت الله حاج سید موسی مرجعی می‌شوند.<sup>۱</sup>

این عالم فرزانه، پس از ۸۰ سال عمر با برکت در روز چهار شنبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۰ ش مصادف با ۴ صفر المظفر ۱۳۹۱ق دعوت الهی را لبیک گفت و پس از تغسیل و تکفین و اقامه نماز میت تو سط شاگرد و عموزاده فاضلش، آیت الله حاج سید ابراهیم علوی در رواق شرقی مقبره جدش، حضرت آقا میر یعقوب، به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup> متن مزار وی چنین است:

### هو الباقي

مضجع شریف و مرقد منور حضرت آیت الله حاج سید موسی مرجعی الحسینی ابن حاج میر یعقوب بن الحاج میر اسماعیل بن یعقوب بن محسن بن مختار بن معصوم بن علی بن حسن بن علی بن فخر الدین بن شریف بن شمس الدین محمد المصری العلوی الحسینی بن شجاع الدین بن سلیمان بن عقیل بن احمد بن حسن بن حسین بن جعفر بن علی بن علی الحسین بن علی ابیطالب - علیهم السلام - المتوفی فی چهارم شهر صفر المظفر ۱۳۹۱ هجری قمری.

در پی ارتحال این عالم فرزانه، شاعر گرانمایه جناب حاج شیخ غلامحسین اصغری در سوگ ایشان چنین سروده است:

به فصل نوبهار ای محتشم شوق سفر کردی  
بهار عیش گلزاری ز غم زیر و زبر کردی  
تو بودی آیت الله مرجعی کهف الامان بی شک  
به حل مشکلاتی مردمی را مفتخر کردی  
همه چشمان به سویت بود کرد جمله را گریان  
همه دلها به کویت بود جمله خون جگر کردی

۱. به نقل از دکتر مرتضی مجتبی، نواده معظم له.

۲. به نقل از حاج سید حسن مرجعی، فرزند معظم له.

همه غمها به تو مفقود و بی تو جمله غمگینیم  
 همه شادی ز تو مقصود و شادیها بدر کردی  
 به دارالمؤمنین تو سرور روحانیان بودی  
 تو ما را چون پدر بودی و اکنون بی پدر کردی  
 اگر پرسند ذات را ز نسل شاه لولاکی  
 بدین منصب سیادت را به هر کس جلوه گر کردی  
 و گر پرسند وصفت را تو ملجا بودی و مرجع  
 برازنده نشان مرجعیت را به بر کردی  
 تو کردی مبتدا عاش سعیداً را حیات خود  
 به مرگت جمله مات سعیداً را خبر کردی  
 تو وقت جان سپردن نوجوان فرزند بالینت  
 نشسته تو خرامان سوی جانانت سفر کردی  
 ندیدی داغ فرزند جوان در موسم پیری  
 نه از فریاد اطفال غریبان دیده تر کردی  
 سزد یادی ز جدت کرده گویم ای قنیل حق  
 ز داغ نوجوانت غصه خوردی نوحه سر کردی  
 مکن ای اصغری جرأت از این بیش اندرین صحبت  
 نگویند اهل فضل اندر میان خود خیره سر کردی<sup>۱</sup>



۴۶

◆ مصري، سيد محمد (۱۳۰۶ - ۱۳۸۴ ش)

عالٰم جليل القدر حاج سيد محمد مصرى خويي فرزند سيد امين الله در سال ۱۳۵۶ ش برابر با ۱۳۴۶ ق در محله شهانق واقع در شهرستان خوي به دنيا آمد. از هفت سالگی شروع به تحصيل نمود و مصادف با ورود ارتش شوروی به آذربایجان در سال ۱۳۲۰ ش موفق به اتمام تحصيلات ابتدائي شد و بعد از آن در ردیف طلاب علوم ديني مدرسه نمازي قرار گرفت و در محضر استاد محلی به کسب دانش پرداخت.

در سال ۱۳۲۵ ش راهى حوزه علميه قم شد و در محضر آيت الله ميرزا صادق طاهباز، آيت الله سيد حميد مرندى، آيت الله سيد محمد باقر سلطانى طباطبائى، آيت الله سيد شهاب الدين مرعشى نجفى و آيت الله ميرزا محمد مجاهدى تبريزى به تحصيل سطح پرداخت و پس از آن به مدت سه سال خارج فقه را از محضر آيت الله سيد محمد محقق داماد، آيت الله سيد محمد حجت كوهكمري و خارج اصول را از آيت الله حاج آقا حسين بروجردي استفاده نمود و در کنار آن از جلسات تفسير علامه سيد محمد حسين طباطبائى بهره برد.

وی پس از اتمام تحصيلات به خوي بازگشت و به خدمات ديني و علمي پرداخت و

در سال‌های قبل از انقلاب در جرگه علمای مبارز بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نهادهای مختلف از جمله دستگاه قضایی به ارائه خدمت پرداخت که تا پایان عمر شریف‌ش ادامه داشت.

وی در کنار کارهای قضایی از تبلیغ، ارشاد، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی و تألیف غافل نبوده و از آثار ایشان می‌توان به سه مورد اشاره نمود:

۱. کرامات مرحوم آقا میر فتاح (خوی، فارسی، ۱۳۷۹ش)؛
۲. کرامات آقا سید یعقوب مقبره (خطی)؛
۳. ازدواج موفق و نشاط خانواده (خطی).

معظم له در روز پنج شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۸۴ش مطابق با ۱۲ ذی القعده الحرام ۱۴۲۶ق در خوی وفات نمود و پس از تشییع شایسته در مزار شهدای شهرستان خوی به خاک سپرده شد. متن مزار او چنین است:

#### هو الباقي

آرامگاه شادروان سید جلیل القدر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مصری فرزند مرحوم سید امین الله تولد ۱۳۰۶، فوت ۸۴/۱۰/۲۴  
 یا رب به رسالت رسول شقلین      یا رب به غزا کننده بدر و حنین  
 عصیان مرا دو نیمه کن در عرصات      نیمی به حسن بیخش و نیمی به حسین<sup>۱</sup>

۱. گنجینه‌اشمندان، ج ۵، ص ۸۶؛ فرهنگ نام آوران خوی، ص ۴۴۱؛ علمای معاصر آذربایجان، آماده چاپ.

## ❖ مucchumi، شیخ ابراهیم خلیل (۱۳۱۱ - ۱۳۵۹ ش)

حاج شیخ ابراهیم خلیل مucchumi در اوّل آذر ماه ۱۳۱۱ ش برابر با ۱۳۵۱ ق در یک خانواده متدين در روستای «عذب» از توابع شهرستان خوی دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج علی از ریش سفیدان متدين و بی‌آلایش روستای عذب بود و از بین شش فرزند ذکور به شخصیت مورد نظر ما علاقهٔ خاصی از خود نشان می‌داد.

در سال ۱۳۱۹ ش به مکتب خانه رفت و پس از آن در سال ۱۳۲۵ ش مدرک ششم ابتدایی را با معدل بالایی دریافت نمود و در اثر استعداد و تیزهوشی که داشت، اریاب از مرحوم پدرش درخواست کرد که او را در ارتش ثبت نام نماید اما هنوز پدرش جواب نداده بود که آیت الله سید ابراهیم علوی خویی خبردار شده و او را با اجازهٔ پدرش در مدرسه علوم دینی نمازی ثبت نام می‌نماید.

ایشان پس از مدتی تحصیل در پیش استادانی همچون حاج شیخ علی مجتهدی و ... راهی قم و نجف اشرف گردید و پس از دریافت اجازهٔ امور حسیبه از آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله سید محمد صادق روحانی به زادگاهش مراجعت نمود و به تبلیغ

پرداخت. او سپس به درخواست حاج شیخ حبیب فیاضی در مسجد قاری به اقامه نماز مغرب و عشا و ععظ و خطابه پرداخت و بعد از آن به خواست حاج شیخ علی مجتهدی جهت تبلیغ در مسجد ملا حسن و اقامه نماز ظهر و عصر در آن مسجد انتخاب گردید و تا آخر عمر در این دو مسجد ایفای وظیفه نمود.

ایشان یکی از روحانیون فعال و تأثیرگذار در آگاهی بخشیدن به مردم خوی در جریان نهضت مردمی ایران علیه رژیم پهلوی بود و در این راه به همراه دیگر علمای خوی نظیر حاج شیخ جابر فاضلی، حاج شیخ حسن بصیری، حاج شیخ عباس محمدی، حاج سید اسماعیل رسول زاده و ... حرکت‌های چشمگیر مبارزاتی علیه حکومت وقت داشتند و در این راه درب منزلش شبانه به آتش کشیده شد و از طرف ساواک تهدید به دستگیری گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمیته‌ای به سرپرستی ایشان از طریق استان تشکیل گردید تا به خسارت دیدگان دوران انقلاب هزینه‌ای پرداخت گردد و پس از آن از طرف دادگستری استان حکم مشاورت دادگاه اطفال بزهکار شعبه یک به مدت دو سال به او محول گردید ولی بعد از مدتی به علت کثرت مسائل تبلیغی استعفا نمود.

فرزند برومندش حاج شیخ غلامرضا معصومی در مورد خصوصیات فردی و اخلاقی پدرش می‌نویسد:

معظم له عالمی متواضع و مردمدار بود و نسبت به اخلاق و رفتار و ذی طلبگی خیلی موازنیت از خود نشان می‌داد. احکام اسلامی و مسائل شرعی را با زبان ساده بیان می‌نمود تا برای همه قابل فهم باشد. به طلاب علوم اسلامی عشق می‌ورزید و مخصوصاً به طلاب فاضل و درس خوان محبت و علاقه‌واری از خود نشان می‌داد به گونه‌ای که هر وقت پولی از بابت وجوهات به دستش می‌رسید آن را در بین طلاب تقسیم می‌نمود.

ایشان همیشه در دعاها یش می‌گفت: خدایا مرگ مرا در راه خودت قرار ده و یا مرگ در محرابِ عبادت را به من عطا کن که دعاها مستجاب شد و در روز سه شنبه ۶ مهرماه ۱۳۵۹ ش مطابق با ۱۸ ذی الحجه الحرام ۱۴۰۰ ق در بین نماز جماعت ظهر و عصر در محراب مسجد ملا حسن دارفانی را وداع گفت و پس از تشییع پیکر پاک و اقامه نماز میت به امامت حاج شیخ جابر فاضلی در جوار مرقد منور حضرت آخوند ملا علی خوبی به

خاک سپرده شد. رونوشت مزار ایشان بدین قرار است:

هو الباقي

وفدت على الكرييم بغير زاد من الحسنات والقلب السليم  
و حمل الزاد اقيبح كل شيء اذا كان الوفود على الكرييم  
مرحوم مغفور حجت الاسلام والمسلمين حاج شيخ ابراهيم خليل معصومي - طاب ثراه -  
ابن حاج محمد، روحاني مبارز و متعهد که در اول ظهر در مسجد ندای حق رالبیگ  
گفت به تاريخ ۵۹/۷/۶ مطابق با ۷ ذى القعده ۱۴۰۰<sup>۱</sup>

۱. به نقل از حاج شیخ غلامرضا معصومی، فرزند معظم له.



۹۸

## مکبره، میر اسماعیل (..... - ۱۲۷۲ ش)

مرحوم حاج میر اسماعیل حسینی خویی، فرزند برومند حضرت آقا میر یعقوب مکبره، عالمی متنفذ، مرجعی عالیقدر و وجودش در خوی توانم با خیر و برکت بود. او پس از رحلت پدر بزرگوارش ریاست خاندان مکبره را به عهده گرفت و سپس به یاری و مساعدت کریمانه تجار و مردم خیر خوی و خویی هایی مقیم ترکیه و قفقاز در توسعه و آبادانی آستان مقدس حضرت آقا میر یعقوب مکبره کوشید و به نصب ضریح و احداث گنبد، منار و رواق بزرگی در سمت شرقی ضریح حضرت آقا میر یعقوب مکبره، همت گماشت که هم اکنون نیز، آثار نیکوی آن مرد بزرگ مورد استفاده قرار می گیرد.

ایشان در سال ۱۲۷۲ ش برابر با ۱۳۱۰ق وفات نمود و در مکبره پدر بزرگوارش، در داخل ضریح، دفن گردید. شاعری در ماده تاریخ وفاتش چنین گفته است:

سمّى ذبح از سلیل نبی      هم آغوش جدش به سال غشی

ق ۱۳۱۰

کرامات بسیاری از مرحوم حاج میر اسماعیل مکبره ظاهر شده که به یک نمونه از آنها اشاره می گردد:

آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم امین الشرع خویی می نویسد:

از مرحوم مبرور حاج آقا سید اسماعیل - طاب ثراه - هم کرامتی دیده شد. در زمان حکومت محمد خان والی که با سید به سبب مطلبی اظهار کینه و لجاج کرده و به تمامی دهاتش مأمورین فرستاده توقيف کرده بود از این جهت سید مرحوم نیز رنجیده شده بر وی نفرین می نماید. همان شب را والی در فراش خود خفتة، صبحی بیدار نگردید و از همان عالم خواب قبض روح شد. و این کرامت نیز مقارن تاریخ ما بین سیصد الی سیصد و ده واقع گردید.<sup>۱</sup>

فرزندهش آیت الله حاج میر یعقوب دوم از بزرگان منطقه آذربایجان و از افتخارات علمی و معنوی خوی بوده است.

۱. میراث اسلامی ایران (تذكرة المعاصرین)، ج ۸، ص ۳۸۹.

♦ ملکی، شیخ فتح الله (۱۲۵۲ - ۱۳۴۰ ش)

---

عالی ریانی، حاج شیخ فتح الله ملکی ملقب به شیخ العلماء العاملین، در سال ۱۲۵۲ ش مصادف با ۱۲۹۰ ق در روستای قراعینی (شهرستان چالدران فعلی) متولد گردید. پدرش مرحوم علی حسین از مردم متدين و دیندار بود. در ۱۰ سالگی علوم وقت را از محضر علماء محل فرا گرفت. سپس در حوزه علمیه خوی و نجف اشرف به تحصیل پرداخت و بعد از مدتی به زادگاهش برگشت و به امور دینی مشغول گردید. اماً اقامات وی در زادگاهش به طول نیانجامید و با شیوع بیماری ویا راهی خوی شد و در آنجا شهر سکونت نمود. وی به هیچ وجه از سهم مبارک امام - علیه السلام - برای تأمین امکانات شخصی استفاده نمی کرد و هزینه زندگیش را با کتابت و تنظیم اسناد تأمین می نمود. از خصوصیات برجسته این عالم متقی، علاقه وافر به کارهای عام المنفعه بود. او سالهای متتمادی چشمه ها و قنوات، غسالخانه ها و برخی از مساجد شهر را به همت مردم تعمیر نمود و ۳ عدد در مساجد شهر به اقامه نماز جماعت می پرداخت.

ملکی، در سال ۱۳۴۰ ش برابر با ۱۳۸۱ ق در خوی وفات نمود و پیکر پاکش با حضور گسترده مردم و زیر بارش شدید باران تشییع گردید و در جوار مرقد عارف کامل،

حضرت آخوند ملا زین العابدین نوایی به خاک سپرده شد. کتابخانه شخصی وی پس از وفاتش از طرف وراثت به مدرسه نمازی منتقل گردید که هم اکنون در آن کتابخانه نگهداری می‌شود. متن مزار وی بدین قرار است:

هذا

المرقد الشريف للعالم الرباني شيخ العلماء العاملين الحاج شیخ فتح الله ملکی - طاب ثراه -  
 ۱. قد توفي شهر شعبان سنة ۱۳۸۱ قمری.

---

۱. به نقل از حاج علی ملکی، فرزند معظمله.



## ❖ موحد، میرزا محمد علی (۱۲۷۲ - ۱۳۴۴ ش)

قاری کلام الهی، حاج میرزا محمد علی موحد فرزند کربلایی نقی در سال ۱۲۷۲ ش مطابق با ۱۳۱۰ ق در تبریز به دنیا آمد. پدرش کربلایی نقی فردی مؤمن و پرهیزگار بود و به شغل بنایی اشتغال داشت. در حالی که از عمرش چهار سال نگذشته بود، با خانواده‌اش عازم خوی گردید و تحصیلات متداول آن زمان را از مکتب خانه آقا میر عبدالله آغاز کرد و در عرض سه ماه روخوانی قرآن، ابواب الجنان و گلستان سعدی را فراگرفت.

موحد، دارای هوشی سرشار و ذوقی وافر بود و به همین دلیل در محله شهانق مکتب خانه‌ای در مسجد نزدیک خانه‌شان دایر کرد و با ابتكار روش جدید در آموزش، شروع به تعلیم و تربیت نمود. پس از آن در خانه مرحوم مرتاض و حجره مسجد مطلب خان به آموزش نونهالان پرداخت، با اینکه مدارس جدید احداث شده بود ولی مردم حاضر نشدند بچه‌های خود را به مدارس جدید بفرستند، چون دوست داشتند که کودکانشان تحت آموزش موحد باشند، بدین خاطر اداره معارف ترقیتی به کار برد و با استخدام ایشان بچه‌ها را به مدارس جدید رهنمون ساخت وی در مدارس تازه تأسیس

نور و سیروس مشغول به کار شد.

در سال ۱۳۰۵ ش مأمور تأسیس مدرسه چهار کلاسه به نام حکیم قطران در فیروزق گردید و با وجود مخالفت‌های شدید از طرف مردم و با یگانه پشتیبانی عالم ریانی، شیخ محمد علی حائری آن مدرسه را تأسیس نمود و سپس در مدرسهٔ خسروی مشغول به کار شد.

ایشان دو بار به زیارت مکّه معظّمه مشرف شد و بعد از مراجعت از مراسم حجّ اول لباس مقدس روحانیت را به تن کرد. وی عاشق امام حسین -علیه السلام- بود و به همین دلیل اغلب روزهای جمعه را در منزل مراسم سوگواری داشت. هر روز صبح پس از ادائی نماز صبح با طمأنینه و ترتیل کامل و لحن خوش به قرائت قرآن می‌پرداخت. عشق و علاقه به قرآن چنان او را به تفحص و تحقیق در قرائت قرآن وا داشت که به زودی در ردیف استادان ممتاز قرائت قرار گرفت و ۲۰ سال آخر عمر خویش را با عنوان استاد درجه اول قرائت در خوی مطرح بود.

از ایشان کتابی با عنوان تجوید نامه (فارسی، خطی) به یادگار مانده که در کتابخانه فرزندش نگهداری می‌شود. به پاس سال‌ها خدمت به جامعه علمی و دینی، فرزندش مهندس جمیل موحد زیست نامه‌ای به نام مردم ایمان و آموزش تألیف نموده است. وی پس از ۷۲ سال عمر پُربرکت در ۴ ربیع الاول ۱۳۸۵ ق برابر با ۱۳ تیر ماه ۱۳۴۴ ش دعوت حق را لیک گفت و در جوار آرامگاه عارف کامل، آخوند ملا زین‌العابدین نوابی دفن گردید. متن مزار شریف ایشان چنین است:

### آرامگاه

استاد ادب و قرائت، شادروان حاج محمد علی موحد فرزند نقی - طاب ثراهما - فوت  
۱۳۴۴/۴/۱۳

۱. فرهنگ نام آوران خوی، صص ۴۷۴-۴۷۵.

۱۰

## موسوی، سید عبدالله (....)

عالیم زاهد، مرحوم سید عبدالله موسوی فرزند آیت الله سید عبدالشکور موسوی از نسل پاک امامزاده سید تاج الدین (صاحب آستان مشهور در روستای سید تاج الدین) است. ایشان پس از اتمام تحصیلات حوزوی در محضر استادان محلی، در روستای سید تاج الدین و روستای خاکمردان سکونت اختیار نمود و به خدمات دینی و تبلیغی پرداخت. وی سال‌ها در بین مردم با عزت نفس و مناعت طبع زندگی نمود و در دو روستای یاد شده و روستای دیزج دیزج به تبلیغ شرع مبین پرداخت و سرانجام بعد از خدمات دینی دارفانی را وداع گفت و در قبرستان روستای سید تاج الدین به خاک سپرده شد. نوء فاضلش حاج سید رضی شکوری هم اکنون امامت جمعه خوی را بر عهده دارد.<sup>۱</sup>

۱. فرهنگ نام آوران خوی، ص ۴۷۷.



## ◆ مهاجر، شیخ قاسم (۱۲۶۰ - ۱۳۲۱ ش)

علامه مجاهد، شیخ قاسم مهاجر خویی فرزند زین العابدین در سال ۱۲۶۰ ش برابر با ۱۲۹۲ق در شهر ایروان (پایتخت فعلی کشور ارمنستان) زاده شد.

تحصیلات مقدماتی را به تشویق دائیان خود که اهل علم بودند در زادگاهش فرا گرفت و برای تکمیل تحصیلات وارد شهر خوی گردید و در مدرسه نمازی مشغول به تحصیل شد و سپس برای تبلیغ احکام الهی به ایروان مراجعت نمود و بعد از توقف کوتاهی جهت ادامه تحصیل عازم شهر تبریز شد و چند سالی از محضر بزرگ مرجع تقلید وقت، آیت الله میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی به کسب فیض پرداخت و با شروع نامنی و هرج و مرج در تبریز مجبور به ترک تبریز شد و به ایروان برگشت. مهدی آقسی که از نزدیک با وی آشنا بود، درباره وی می‌نویسد:

با ورود او به ایروان اختلاف ارمنه و مسلمانان شدت یافت. ارمنه در حالی که از طرف متفقین پشتیبانی می‌شدند بنای تجاوز به مسلمانان قفقاز گذاشتند. مسلمانان نخجوان و ایروان و اطراف آن نیز اتحادیه‌ای تشکیل دادند و شیخ را به سبب کاردانی و حمیت و مردانگی و فضل و تقوی به فرماندهی قوای مسلمین برگزیدند. شیخ از همان روز اول دست به کار شد و وجهه هنگفتی جمع آوری و جوانان مسلمان را به سرپرستی

افسران مسلمان فون نظامی یاد داد و مذتی با ارامنه جنگید و چون از هیچ جا کمکی به او نشد و ارامنه روز بروز بر اثر پشتیبانی دول مسیحی قوت پیدا می‌کردند، لذا اجباراً خاک فرقان را ترک و مسلمانان آنجا را نیز وادار کرد که منظماً به ترکیه و ایران عقب نشینی کنند. خود شیخ در این عقب نشینی به خوی آمد و با خانواده آفاسی در قریه سراب برخورد نمود و در این خانواده مخصوصاً حسن آفاسی را شیفتة جوانمردی و فضل و تقوای خود کرد. شیخ بعد از ورود به خوی کارهای سربازی را کنار گذاشت و به تدریس علوم دینی و وعظ و خطابه پرداخت ... شیخ از اینکه ملل اسلامی در انحطاط و بدبختی و در زیر سلطه ملل دیگر به سر می‌برند خیلی متأسف بود و بسیار زجر می‌کشید و بالای منبر با سخنرانی‌های گرم و آتشین مردم را به رعایت اصول اسلام و اتحاد و یگانگی دعوت می‌کرد و در عین حال مردی با عزّت نفس و قانع بود. روز و شب به نان جوین می‌ساخت و دست نیاز به سوی این و آن دراز نمی‌کرد و آنچه داشت از بینوایان و فقراء دریغ نمی‌نمود. تا زمانی که کارخانه قند ایران شروع به کار کند، با کشمش چایی می‌خورد و با وجود تصدی مقامات مهم حین فوت فقط یک حیاط مخروبه در خارج شهر خوی داشت که آن را هم با فروش تنگ و اسب خود پس از ورود به شهر خوی خریده بود. خدا به او رحمت کند من مردی را به عزّت نفس او در عمر ندیدم.<sup>۱</sup>

وی پس از استقرار در خوی به تدریس و تبلیغ روی آورد و به تربیت شاگردان برجسته‌ای چون، آیت الله سید ابراهیم علوی و حاج شیخ محمد رضا جعفری همت گماشت. از ویژگیهای بارز این عالم خستگی‌ناپذیر اینکه تا آخر عمر، عمامه‌اش را از کرباسی که در کارگاه‌های سنتی در کوچه شمس تبریزی بافته می‌شد، استفاده می‌کرد تا از پارچه‌هایی که از روسيه می‌آمد، بکار نبرد. در جریان کشف حجاب رو در روی رژیم رضا خان قلندر ایستاد و تا زمانی که خطر بسته شدن مدرسه نمازی می‌رفت، شبانه روز در مدرسه سکنی می‌گزید و در مرمت و جذب طلاب علوم اسلامی با شاگرد فاضلش، آیت الله سید ابراهیم علوی کمال همکاری را مبذول می‌نمود.<sup>۲</sup>

.۲. فرهنگ نام‌آوران خوی، ص ۴۸۶

.۱. تاریخ خوی، ص ۵۴۹

آثار علمی وی چنین است:

۱. تمدن اسلام (فارسی، ۱۳۵۱ق)؛

این کتاب در مورد فلسفه احکام شرع اسلام به زبان ساده می‌باشد.

۲. مبدأ اسلام (مطبوع).

۳. اصول ازدواج (فارسی، خطی).

۴. مقالات متعدد علمی، دینی و تاریخی که درباره اتحاد و یگانگی فرق اسلامی و رذ کمونیسم در مجله اسلام شیراز و مجله آذری استانبول انتشار داده است.<sup>۱</sup>

سرانجام؛ علامه مجاهد، شیخ قاسم مهاجر در رور سه شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۲۱ش مطابق با ۱۹ محرم الحرام ۱۳۶۲ق در شهرستان خوی دیده از جهان فرو بست و پس از تغسيل و تکفین و اقامه نماز میت توسط دوست دیرینش، آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی در صحن امامزاده حضرت آقا سید بهلول به خاک سپرده شد. مرقد این عالم ریانی در حال از بین رفتن است و بروزath و مسئولین امر لازم است در احیاء و بازسازی

مزار ایشان کمال سعی و تلاش خود را به کار گیرند. متن مزار وی چنین است:

وفدتُّ الى الْكَرِيمِ بِغَيْرِ زَادٍ      من الْحَسَنَاتِ وَالْقَلْبُ السَّلِيمُ

فَحَمِلَ الزَّادَ اقْبَعَ كُلَّ شَيْءٍ      اذَا كَانَ الْوَفْوُدُ الى الْكَرِيمِ

هذا

مدفن العالم الجليل الشیخ قاسم واعظ مهاجر فی ۱۹ محرم الحرام سنة ...



## ❖ ناصری، بانو رخساره (....-۱۳۶۱ ش)

قاری کلام الهی، بانوی شجاع و فدایکار، رخساره ناصری در شهرستان خوی دیده به جهان گشود. پدرش، شادروان حسن ناصری از متدينین و محترمین شهرستان خوی بود. وی در حالی که هنوز ۳ سال از عمرش سپری نشده بود، به اتفاق پدر، مادر و برادرانش به نام‌های خلیل<sup>۱</sup> و محمد علی راهی نخجوان گردید و به مدت ۱۸ سال در آن شهر سکونت نمود و در آن دیار به یادگیری قرآن کریم پرداخت و مدارج عالی تحصیلی را زیر نظر استادان نخجوان و گنجه طی نمود و به حد بالندگی و کمال دست یافت.

در ۲۱ سالگی به خوی مراجعت نمود و با جوان نیکنامی به نام احمد آقا (درگذشته ۱۳۲۷ ش) فرزند استاد علی قدکچی (درگذشته ۱۳۱۸ ش) فرزند ملا محمد ازدواج نمود که ثمرة آن، تولد یک فرزند پسر به نام شادروان علی الوانساز (۱۳۱۸-۱۳۶۶ ش) و دو دختر می‌باشد.

بانو ناصری از قاریان کلام الهی و آشنای سه زبان روسی، فارسی و ترکی آذربایجانی بود. وی دارای اخلاقی نیکو، انسانی شجاع، بانوی پاکدامن و عفیفه و بیشتر شعرهای

۱. هم اکنون خلیل آقا و فرزندانش در نخجوان و گنجه سکونت دارند.

حمسی آذربایجان را ازیر بود.

بنا به اظهارات حاج میر یحییٰ بختیاری نژاد - که از متدينین و سالخوردهان محل است در حمله قواي متتجاوز روسى به خاک آذربایجان اين خانم شجاع و نترس ، چندبار جان اهالى محل را از قتل و عام حتمى نجات داد.

وی برای نگارنده تعریف کرد :

زمانی که خوی تحت سلطه نیروهای متتجاوز روسی بود و آنها قصد حمله به محله قاضی - محل سکونت خانواده این بانوی محترمه - را داشتند، ایشان به درخواست شوهرش مرحوم احمد آقا که ریش سفید محل بود، به زبان روسی با فرمانده لشکر روس به گفتگو پرداخت و آنان را متقادع نمود که از حمله و قتل و عام مردم محل دست بردارند و در مقابل مردم محل آذوقه و خوراک آنها را تأمین کنند.

ایشان در شامگاه دوشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۶۱ ش مطابق با ۲۵ ربیع الاول ۱۴۰۳ ق در یک هوای بسیار سرد زمستانی ، در اثر سکته قلبی در شهرستان خوی دیده از جهان فرویست و پس از تشییع شایسته و اقامه نماز میت به امامت حاج شیخ حسن هاشم زاده در قبرستان پیروoli به خاک سپرده شد. رونوشت مزار وی چنین است:

آرامگاه قاری کلام الهی مرحومه مغفوره بانو رخساره ناصری بنت حسن که آشنا به سه زبان روسی، فارسی و ترکی آذربایجانی بود در ۲۰ دی ماه ۱۳۶۱ وفات نمود.

◆ نمازی، شیخ عبدالوهاب (۱۳۱۸ - ۱۲۳۲ ش)

آخوند شیخ عبدالوهاب نمازی در سال ۱۲۳۲ ش مطابق با ۱۲۷۰ ق در بیت علم و روحانیت به دنیا آمد. پدرش، آخوند ملا محمد جعفر (درگذشته ۱۲۹۶ ق) و نویسنده کتاب گرانسینگ حدائق الاشارات در پنج جلد و جدش، آخوند حاج شیخ محمد نمازی است. تحصیلات خویش را در نجف اشرف پیش آیت الله سید محمد کاظم یزدی طباطبایی - که از خواص اصحاب ایشان بود - به پایان رساند و بعد به خوی بازگشت و به تدریس و تبلیغ و اقامه نماز جماعت در مسجد خانوادگی پرداخت. نمازی، قریحه شعری داشته و منظومه‌ای در اردث و نکاح (عربی، خطی) دارد. او در ۱۳۱۸ ش برابر با ۱۳۵۸ ق در شهر خوی وفات نمود و در «قبرستان قوچلو» به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>





## ❖ نمازی، شیخ محمد (۱۲۱۳-....ش)

آخوند حاج شیخ محمد نمازی از علمای سده سیزدهم هجری است. از حالات شخصی و روحی وی اطلاع دقیق‌تری در دست نیست، مگر مطالب اندکی. وی، عالمی عامل و فاضلی زاهد بود، در اثر کثربت نماز در میان مردم به «نمازی» اشتهر یافت. داماد وی حاج محمد، در سال ۱۲۰۰ق برای تدریس او مدرسه‌ای در کنار منزلش احداث نمود که تا کنون باقی است. بعداً حسین خان ماکویی در سال ۱۲۳۸ق مسجدی جهت اقامه نماز شیخ در جنب مدرسه مزبور ایجاد نمود که الان هم به نام «مسجد شیخ» معروف است. وی در سال ۱۲۱۳ش برابر با ۱۲۵۰ق در خوی وفات کرد و دو فرزند فاضل به نام‌های آخوند ملا محمد جعفر نمازی و آخوند ملا محمد رضا نمازی از خود به یادگار گذاشت.<sup>۱</sup>



۱۵۶

## نوایی، شیخ علی‌اکبر (۱۲۴۹ - ۱۳۲۹ ش)

عالی زاهد، مجسمه تقواو فضیلت، شیخ علی‌اکبر نوایی فرزند ملا عبدالله نوایی و نواده عارف کامل حضرت آخوند ملا زین‌العابدین نوایی در سال ۱۲۴۹ ش مصادف با ۲۸۷ق دیده به جهان گشود.

وی تحصیلات خویش را در خوی و نجف اشرف به پایان رساند و بعد از مراجعت از نجف اشرف، به امر تبلیغ و ارشاد مردم پرداخت. او نمونه کامل یک انسان وارسته بود و در بین علماء و مردم موصوف به تقواو صاحب نفس بود و سجده‌های طولانی داشت. در مسجد ملا احمد و مسجد مطلب خان به اقامه نماز جماعت می‌پرداخت و عده کثیری در نماز جماعت‌ش حاضر می‌شدند و از وجودش مستفیض می‌شدند.<sup>۱</sup>

نویسنده علمای معاصرین در سفر خود به خوی که با معظم له دیدار نموده در خصوص ایشان می‌نویسد:

از جمله اشخاصی که در خوی با ایشان ملاقات و دید و بازدید اتفاق افتاد آقای آقا شیخ علی‌اکبر پیشمناز نوایی بود و یک نفر از اجداد ایشان عالم متبحری بود که آقای نوایی

۱. به نقل از آقای حاجی نوایی، برادرزاده معظم له.

میگفتند و ایشان به اسم او معروف و مسجّل شده‌اند و این آقا شیخ علی اکبر شخص محترم و مأنوسی بود، مکرر ملاقات واقع گردید.<sup>۱</sup>

وی صاحب نفس موثر بود و برای رفع آلام و اسقام دعایی که می‌نوشت تأثیر به سزاپی داشت.

معظم له در روز یکشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۲۹ش موافق با ۵ ربیع الثانی ۱۳۷۰ق در شهرستان خوی دیده از جهان فروبیست و پیکر پاکش در جوار مزار جدش، حضرت آخوند ملا زین العابدین نوایی به خاک سپرده شد. رو نوشت مرقد شریفش چنین است: **هذا المضجع الشريف، للعالم الفاضل جامع الاصول والفروع الشیخ علی اکبر نوایی، توفی في الخامس شهر ربیع الثاني من سنة ۱۳۷۰ق.**

۱. میراث اسلامی ایران (ذخایر الاسفار)، ج ۳، ص ۶۳۸.

## ❖ نوحه گر، حسینقلی (۱۳۱۲ - ۱۳۷۹ ش)

شاعر اهل بیت عصمت و طهارت، حسینقلی نوحه‌گر متخالص به «طایر» در سال ۱۳۱۲ ش برابر با ۱۳۵۳ق در خوی به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۰ ش همزمان با ورود قوای مت加وز روسی به ایران، تحصیلات ابتدایی را در دبستان شاهپور محله امامزاده، آغاز نمود و زمان رفع غائله حزب دموکرات آذربایجان به پایان برد و برای فراغتی علوم دینی وارد مدرسه نمازی گردید و تا پایان سیوطی ادامه داد. سپس برای ادامه تحصیل وارد دبیرستان شمس گردید و پس از آن عازم تهران شد و در شرکت‌های خصوصی و بانک مشغول به کار شد.

اشعار طایر بیشتر در قالب‌های قصیده و مثنوی و حاوی مضامین دینی و مذهبی است. مجموعه سروده‌های وی که در چند دفتر گرد آمده به صورت گزینش با عنوان دیوان طایر خوبی (فارسی، خوی، ۱۳۸۱ ش) به چاپ رسیده است.

نوحه‌گر از سال ۱۳۶۵ ش به بعد قدم در وادی سیر و سلوک گذاشت و به موفقتهای چشمگیری نائل آمد. وی در سال ۱۳۷۹ ش برابر با ۱۴۲۱ق بدرود حیات گفت و در جوار بارگاه ملکوتی امامزاده سید بهلول به خاک سپرده شد. نمونه‌ای از اشعار او چنین

است :

قبله ام چهره نما وقت نماز است، بیا  
عجبی نیست چنین قصه دراز است، بیا  
بستر سینه ببین مهر نواز است، بیا  
عمزه آن شبت همواره نیاز است، بیا  
درب دل بهر حبیان همه باز است، بیا<sup>۱</sup>

نازین ناز توأم باز نیاز است، بیا  
باز خوان قصه عشقی که میان من و توست  
از چه قهری قدمی رنجه کن امشب جانا  
هر حدیثی که زبیداری شب می خوانی  
هر جفایی بکنی هیچ نرنجد «طائر»

۱. دیوان طاپر خوبی، صص ۲-۳



## ♦ واعظ شهانقی، میرزا علی اصغر (۱۲۵۷ - ۱۳۲۵ ش)

واعظ شهیر مرحوم شیخ علی اصغر واعظ شهانقی در سال ۱۲۵۷ ش مطابق با ۱۲۹۵ ق به دنیا آمد و پس از تحصیلات علوم دینی در ردیف واعظان طراز اول شهر قرار گرفت. ایشان دارای اطلاعات و معلومات زیادی بود و منبری عامه پسند داشت و در محله شهانق سکونت داشت و منزلش کثیر التردد بود.<sup>۱</sup> وی با حضرت آیت الله آقا میر عبدالعلی کوه کمری - صاحب مقبره مشهور در کوچه مقبره - با جناق بود و هر دو بلا عقب از دنیا رفتند.

از ویژگیهای این عالم وارسته این بود که نان بازاری نمی خوردند و در مجالس اطعم و احسان فقط برای خواندن دعای سفره حاضر می شدند و دست به سوی غذا دراز نمی کردند.<sup>۲</sup>

وفات ایشان در سال ۱۳۲۵ ش مطابق با ۱۳۶۵ ق در خوی اتفاق افتاد و در «قبرستان قوچلو» به خاک سپرده شد. مزار ایشان هنگام تخریب قبرستان یاد شده از بین رفته و اکنون اثری از آن پیدا نیست.<sup>۳</sup>

۱. تذکرة الفضلاء، خطی.

۲. کرامات و حکایات پندآموز، ص ۱۲۶ و ۱۵۷.

۳. به نقل از حاج شیخ حبیب قراجه‌ای.



## ♦ واعظ شهانقی، شیخ ابوالفتح (۱۲۶۲ - ۱۳۵۹ ش)

عالم ریانی، حاج شیخ ابوالفتح واعظ شهانقی در سال ۱۲۶۲ ش مصادف با ۱۳۰۰ ق در روستای «هاوستین» از توابع ارسباران به دنیا آمد. در سنین نوجوانی خواندن و نوشتن، نصاب الصیبان و کتاب ترسل را در حضور روحانی محل مرحوم ملا نقی یاد گرفت و به حوزه علمیه مرند رفت و در آن سامان در خدمت مرحوم حاج سید جلال الدین مقدمات علوم عربی را فراگرفت. سپس برای ادامه تحصیلات به شهرستان خوی رفت و در مدرسه نمازی سکونت نمود و در پیش استادانی همچون حاج امین الاسلام، حاج سید فیض الله ریاضی و آیت الله حاج میر باقر آقا مجتهد به فراگیری رسائل، مکاسب و علوم دیگر پرداخت. مرحوم حاج شیخ ابوالفتح از دوران جوانی در محله‌های مختلفی همچون شهانق و محله قاضی مشغول تبلیغ بود و پس از آن از طرف استادش آیت الله حاج میر باقر آقا مجتهد به اقامه جماعت و خطابه مسجد تازه (مسجد حجتیه فعلی) منصوب گشت و در آن مسجد ایفاء وظیفه نمود. ایشان همچنین به علت عسرت و سختی ناشی از اختناق رضاخانی در بازار خوی حجره‌ای را اجاره می‌نماید و در آنجا مشغول کتابت می‌شد. بنا به گفته آن مرحوم حتی برای تأمین معاش و قوت لایمومت

مجبور به فروش کتاب‌های چاپی و خطی نفیس کتابخانه‌اش می‌گردد. ایشان در سال ۱۳۲۷ ش از محله شهادق به خوی منتقل گردید و تا آخر عمر در کوچه امین الشرع ساکن گردید و در مسجد بزرگ نورالله خان به اقامه جماعت پرداخت. از شاگردان وی می‌توان به آیت الله سید ابراهیم علوی، حاج میرزا یدالله مروج، حاج میرزا علی فرخنده، حاج میرزا توحید اللھوردیزاده و حاج شیخ غلامحسین اصغری اشاره نمود.

وی در روز پنج شنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۹ ش مطابق با ۱ جمادی الثانی ۱۴۰۰ ق زندگانی را بدرود گفت و پس از اقامه نماز به امامت حاج شیخ زین العابدین اکبرلو (عالی روستای زارعان) در جوار مرقد حضرت آیت‌الحق آخوند ملا علی خوبی به خاک سپرده شد. فرزندش حاج میرزا نصرالله واعظ از روحاویون شهرستان خوی است. متن مزار وی چنین است:

مرقد انور عالم رباني الحاج شیخ ابوالفتح واعظ شهانقی - طاب ثراه - که در غرّهٔ ۱۴۰۰ ق  
ندای حق رالبیک گفت ۱. ۵۹/۱/۲۸

۱. با استفاده از یادداشت فرزندش حاج میرزا نصرالله واعظ.

## وحیدی، شیخ محمد (۱۲۷۲-۱۳۵۵ ش)

آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی در ۱۲۷۲ ش برابر با ۱۳۱۰ ق در یکی از محلات قدیمی شهرستان خوی به نام « محله امامزاده » دیده به جهان گشود . پدرش ، شادروان آقا شیخ مهدی<sup>۱</sup> از فرزانگان خوی بود . دوران کودکی و طفولیت را در زادگاهش گذراند و آنگاه در ۱۳ سالگی در معیت خانواد رهسپار عتبات عالیات گردید و به مدت ۱۹ سال در شهر امامت و ولایت سکنی گزید و از بزرگانی همچون آیت الله ملا فتح الله شیخ الشريعة اصفهانی استفاده نمود . او در این مدت از نام آوران حوزه علمیه نجف اشرف از جمله ؛ آیت الله سید محمد کاظم یزدی طباطبائی بهره علمی برداشت و در سال ۱۳۰۴ ش به زادگاه خود مراجعت کرد و به امور دینی و تدریس و تربیت طلاب علوم اسلامی اشتغال ورزید .

او پس از ورود به خوی با دختر ملا علی ربطی وصلت نمود که این ازدواج ثمره‌ای

۱. مرحوم آقا شیخ مهدی در سال ۱۲۸۵ ش عازم عتبات عالیات گردید و مقیم نجف اشرف شد . وی در نجف وفات نمود و در همانجا دفن گردید . فرزندان آقا شیخ مهدی به نام‌های آقایان علی و جعفر و حوا خانم هم اکنون مقیم نجف ، کربلا و کاظمین می‌باشند .

نداشت و همسرش در زمان حیات آیت الله وحیدی وفات نمود و ایشان را داغدار ساخت. وی پس از آن با دختر یکی از علمای خوی بنام صدرالعلماء ازدواج نمود که حاصل آن تولد چند فرزند دختر و پسر است.<sup>۱</sup> حلقه درسی ایشان در خوی را باید از مهمترین جلسات درسی یاد کرد، چرا که خیل کثیری از طلاب علوم اسلامی در آن شرکت می‌کردند که به اسامی تعدادی از شاگردان وی با حذف القاب و عنوانین اشاره می‌گردد: حاج سید حسن فتاحی، حاج شیخ جلیل هنرور، حاج شیخ ابراهیم خلیل معصومی، حاج شیخ جعفر وحیدی (پسر معظم له)، حاج شیخ علی افسر قویدل، حاج شیخ حسن بصیری، حاج شیخ اسماعیل فلاحتی و حاج شیخ محمد حسن بکایی.

فعالیت‌های تبلیغی و سخنرانی‌های ایشان از شور و حال عجیبی برخوردار بود و مردم مؤمن خوی برای استفاده از بیانات وی از چهار گوش شهر جمع می‌شدند و از سخنرانی وی استفاده می‌کردند. وی همچنین در مسجد امیریگ (مسجد اعظم فعلی) و مسجد بزرگ تخته پل (مسجد سه گوش فعلی) و مسجد امامزاده سید بهلول اقامه نماز جماعت می‌نمود که عده‌ای از مومین در آن شرکت می‌کردند. آیت الله وحیدی در نزد بسیاری از علماء از احترام خاصی برخوردار بود و از طرف آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی و آیت الله حاج آقا حسین بروجردی نماینده تام‌الاختیار بوده است.

از ویژگی‌های برجسته این عالم فرزانه صفات الهی و انسانی ایشان است. او دارای صفات حمیده، اخلاق نیکو، متصف به تقوا و پرهیزگاری بود و در اثر تقوا و معنویت بعد از نه سال که پیکر پاک ایشان نمایان شد، جنازه شریفش صحیح و سالم مشاهده گردید بدون اینکه پوسیده و متلاشی شود.

سرانجام این خدمتگزار صدیق مذهب حقه جعفری پس از ۸۲ سال تلاش و کوشش و در حالی که از خود بیش از ۷ هزار تومان ارث باقی نگذاشته بود در روز سه شنبه ۲۳

۱. معروف است که آیت الله وحیدی در اوائل جوانی به خواستگاری صبیه مرحوم صدرالعلماء می‌رود که موافقت نمی‌شود. ولی خواست الهی بر این بوده که او بعد از وفات همسر او لش - پس از گذشت ۴۵ سال - با او ازدواج نماید.

مهر ماه ۱۳۵۵ ش ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۹۴ ق دارفانی را وداع گفت و به دیدار معبدش شتافت و پس از تشییع شایسته و اقامه نماز میت به امامت حاج سید علی اکبر موسوی در حرم امامزاده حضرت سید بهلول دفن گردید. متن مزار وی چنین است:

آرامگاه

مرحوم ... حاج شیخ محمد وحیدی فرزند مهدی فوت ۱۳۵۵/۷/۲۳<sup>۱</sup>.

\* \* \*

فرزندش حاج شیخ جعفر وحیدی از ائمه جماعت خوی بود و در کنار فعالیت‌های تبلیغی در دفتر ازدواج و طلاق اشتغال داشت. ایشان در سال ۱۳۶۸ ش وفات نمود و در مزار شهدای خوی به خاک سپرده شد.

---

۱. به نقل از حاج علی وحیدی فرزند معظم له.



## هنرور، شیخ جلیل (۱۳۰۵ - ۱۳۷۶ ش)

حجت الاسلام و المسلمين حاج شیخ جلیل هنرور فرزند مرتضی فرزند جلیل در سال ۱۳۰۵ ش برابر با ۱۳۴۵ق در خوی پا به هستی نهاد. در ۱۸ سالگی - سال ۱۳۲۳ش - وارد حوزه علمیه خوی گردید و مشغول فراگیری علوم اسلامی شد. مقدمات علوم دینی را از شیخ علی مجتهدی و حاج میر علی محدث (روضه خوان مشهور شهر) و حاج شیخ جابر فاضلی فراگرفت و آنگاه فقه، اصول، کلام، و هیأت را از آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی و آیت الله حاج سید ابراهیم علوی و آیت الله حاج شیخ صادق فراحی خویی به خوبی یاد گرفت و خود به مقام استادی فراز آمد.

از سال ۱۳۳۷ش مدیریت مدرسه نمازی را عهدهدار گردید و نزدیک به ۲۰ سال به اداره آن مدرسه اشتغال ورزید و طلاب مستعدی را پرورش داد. در طول ۴۰ سال سابقه تدریس در خوی شاگردان فراوانی را تربیت نمود که هر کدام به نوبه خود از مفاخر ملی محسوب می شوند. اسمایی برخی از حضور یافتگان در درس وی چنین است: حاج میر اسماعیل رسول زاده، حاج شیخ حسن بکایی، حاج سید حمزه موسوی (استاد حوزه علمیه مشهد)، حاج سید صادق موسوی (استاد حوزه علمیه تبریز).

وی عالمی متقدی، استادی دلسوز و واعظی شیرین گفتار بود. محضرش جذاب و سیر نشدنی، دفتر کاریش ملجم فقیران و درماندگان، منزلش محل رفع دعاوی و اصلاح بین الناس بود. هنگام تکلم آرام و با تأثیر خاصی سخن می‌گفت و خطی زیبا و محفلی پر از حکایات شیرین و پندآموز داشت. وی حافظه‌ای قوی داشت و در اثر کثرت مطالعه در زمینه‌های مختلف تفسیر، تاریخ، حدیث، ادبیات عرب و عجم تسلط کافی بر آنها پیدا کرده بود.

از صفات بارز این عالم وارسته می‌توان به مردمی بودن وی اشاره نمود. برنامه کاری ایشان که هر روز از اول صبح شروع می‌شد، حاکی از تلاش مستمر معظم‌له در جهت آسایش و تقویت بُنية دینی مردم بود، کارهایی همچون؛ تدریس معارف اهل بیت، گره گشایی از مشکلات مردم، پاسخگویی به مسائل شرعی، رسیدگی به وضع معیشتی فقراء، اقامه نماز جماعت در مساجد سلمان خان، نورالله خان و حاجی بابا.

از کارهای اجتماعی و فرهنگی وی در خوی می‌توان به؛ تجدید بنای مسجد سید یعقوب و توسعه و احداث بارگاه ملکوتی حضرت آخوند ملا زین‌العابدین نوایی و احداث بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی اشاره نمود.

آثار علمی وی بدین قرار است:

۱. توضیح الاسماء (فارسی، خطی) کتابی است در بیان وجه تسمیه پیامبران، امامان و علمای شیعه و سنّی.

۲. شرح حال حضرت آخوند نوایی (فارسی، خطی).

معظم له در اوآخر عمر شریف‌ش دچار بیماری گردید و بنا به صلاح دید پزشکان به تبریز منتقل شد و در بیمارستان آیت‌الله قاضی طباطبائی بستری گردید. متأسفانه تلاش‌های پزشکان معالج ثمر نبخشید و در ۷ شوال المکرم ۱۴۱۸ق برابر ۱۵ بهمن ماه ۱۳۷۶ش روحش از کالبد تن آزاد گردید و به عالم بالا پر کشید. پیکر پاکش پس تشییع باشکوه و اقامه نماز میت به امامت عالم فرزانه، حاج شیخ محمد صادق نجمی - امام جمعه وقت شهرستان خوی - در جوار مرقد عارف سالک، حضرت آخوند نوایی به

خاک سپرده شد. فرزند فاضلش، حجت الاسلام و المسلمين حاج شیخ جمیل هنرور استاد حوزه علمیه خوی و ادامه دهنده راه پدر است. رونوشت مزار وی بدین قرار است:

اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجودة

هذا مضجع الادیب و المحقق الخبیر و الناقد البصیر صاحب المکارم الحمیدة و الماثر الجميلة الالمعی الذی له فکر ثاقب و رأی صائب و ذوق سلیم فی تفسیر الآیات و الاخبار الذی اتاحت له النفحات الربانیه نشر الدعوة النبویة العلویة و تربیة نقوس مستعدة و بناء صدقات جاریة و قضاء مأرب ارباب الحاجة و آیت الهدی و آیت الحق حاج شیخ جلیل هنرور - طاب ثراه - که در <sup>۱</sup> <sub>۱۴۱۸ شوال ۱۳۷۶/۱۱/۱۵</sub> در جوار رحمت حق آرمید . تغمدہ اللہ برحمته و حشره مع ائمه . <sup>۱</sup>

---

۱. گنجینه انشمندان، ج ۵، ص ۹۲؛ آینه بیوهوش، شن نهم، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۷، ص ۱۰۸.



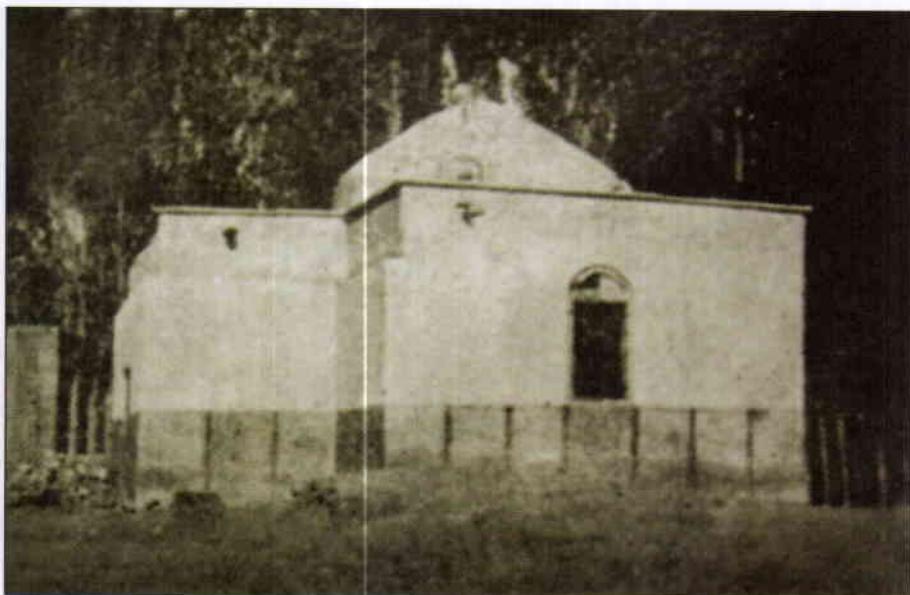
---

---

## تصاویر و اسناد

---





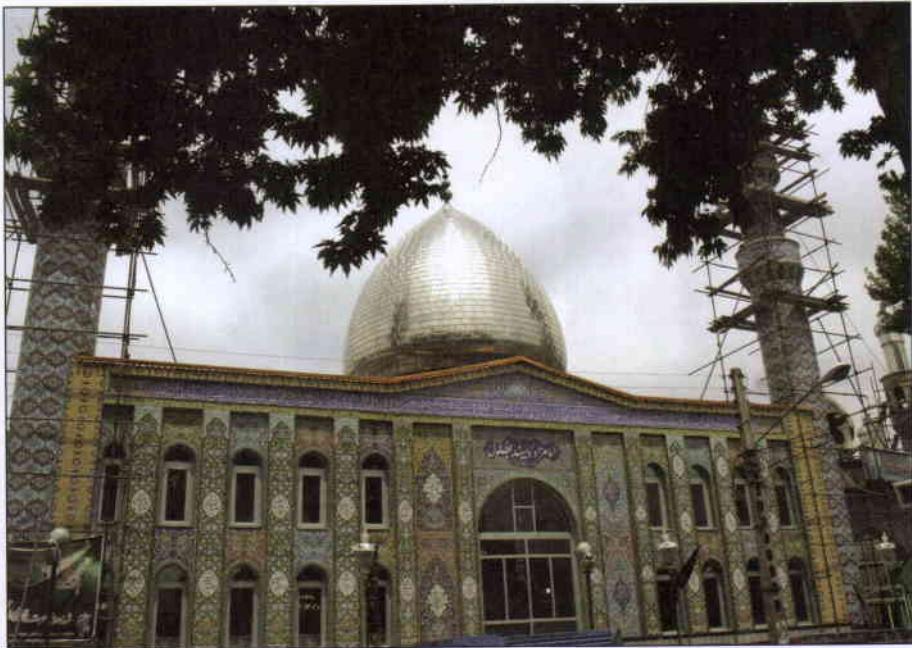
آستان امامزاده سید بھلول (حدود سال ۱۳۰۰ ش)



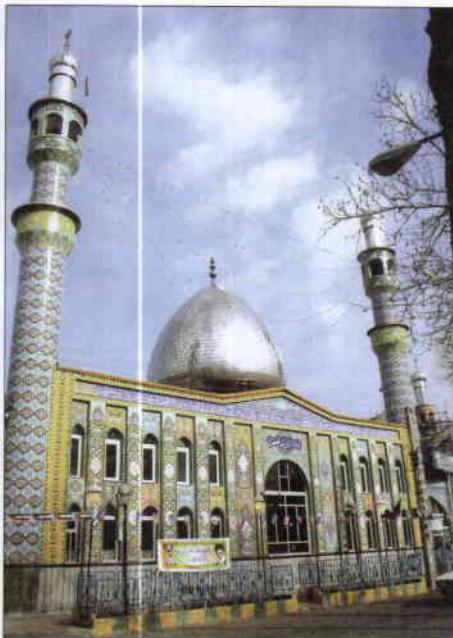
آستان امامزاده سید بھلول (سال ۱۳۲۸ ش)



آستان امامزاده سید بهلول (سال ۱۳۶۶ ش)



آستان امامزاده سید بهلول (سال ۱۳۸۷ ش)



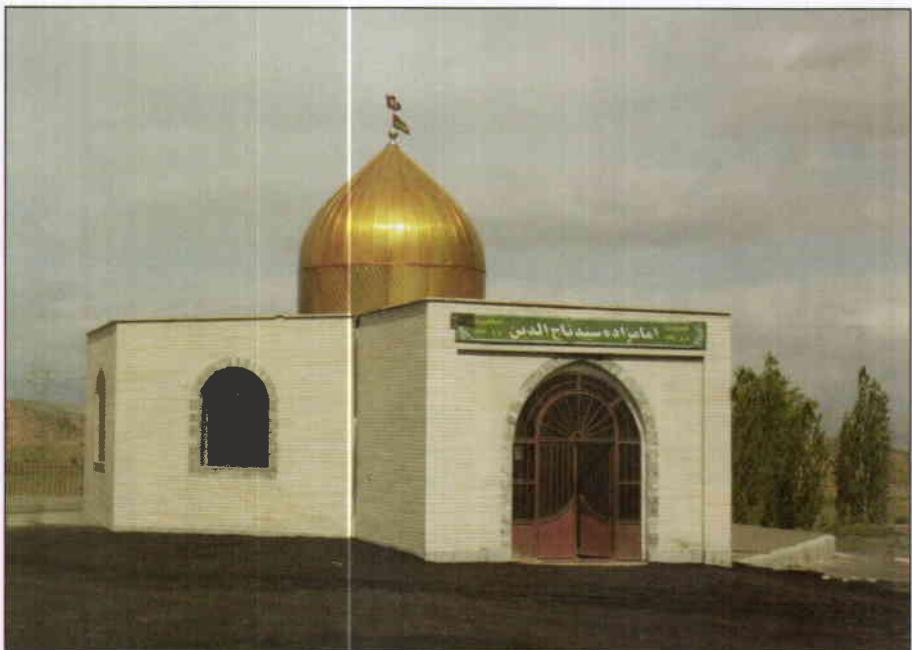
آستان امامزاده سید بهلول (بهار ۱۳۸۹ ش)



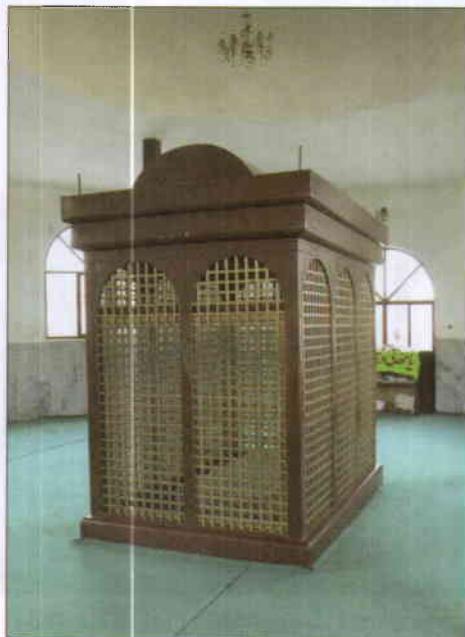
ضریح امامزاده سید بهلول



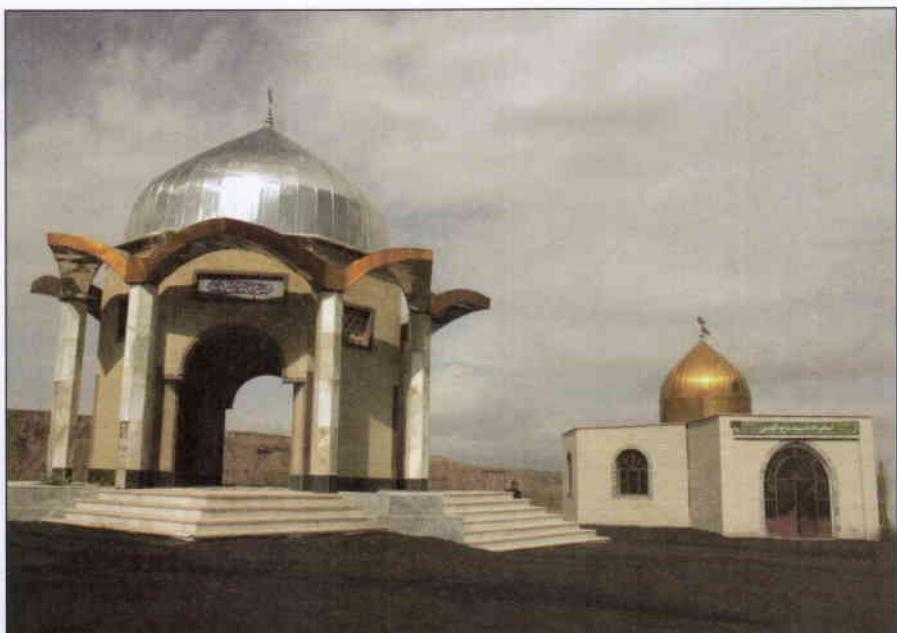
ضریح و آئینه کاری داخل امامزاده سید بهلول



آستان امامزاده سید تاج الدین خویی



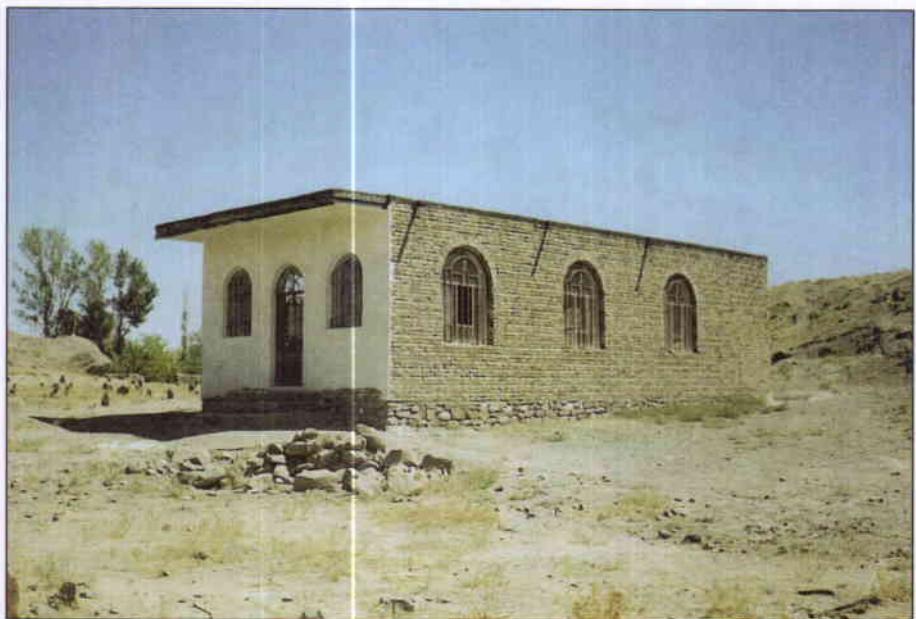
ضريح امامزاده سید تاج الدین خویی



امامزاده سید تاج الدین خویی و نمایی از یادبود شهداء



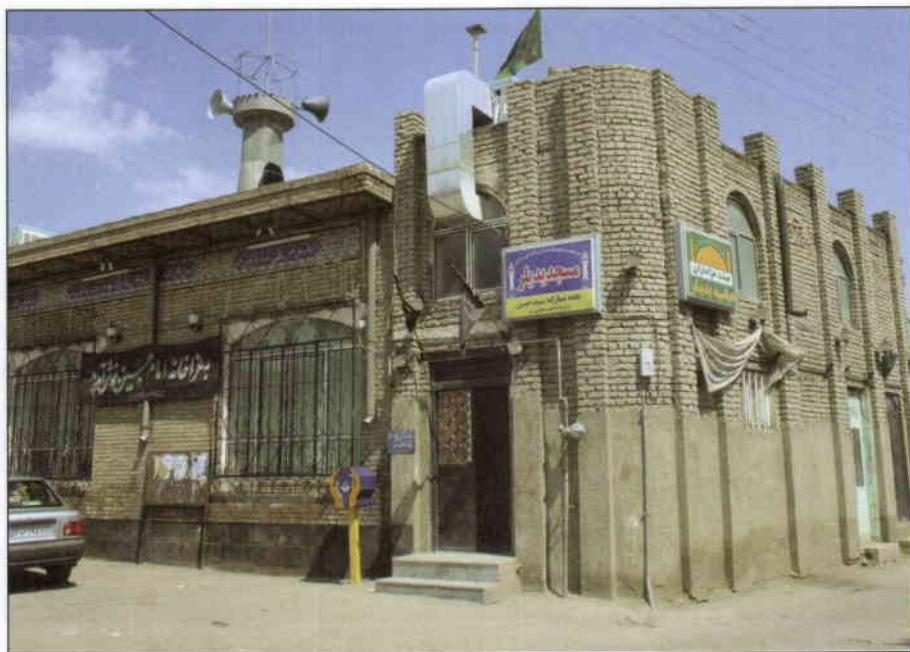
یادبود شهداء روستای سید تاج الدین



امامزاده سید نظر علی (واقع در روستای سید تاج الدین)



ضریح امامزاده سید نظر علی



مسجد یدیلر



خربیح امامزاده یدیلر



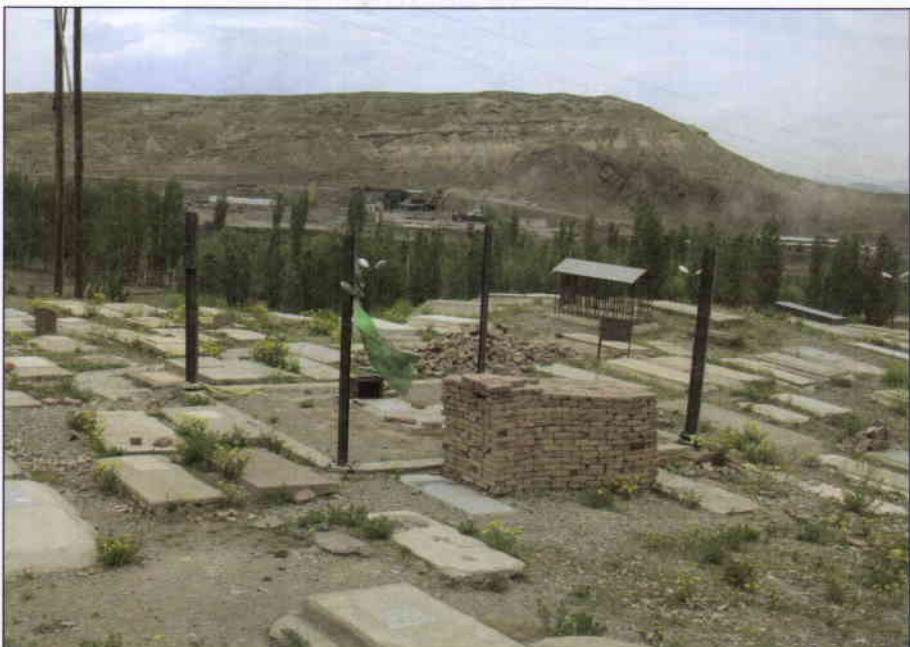
بالا امامزاده



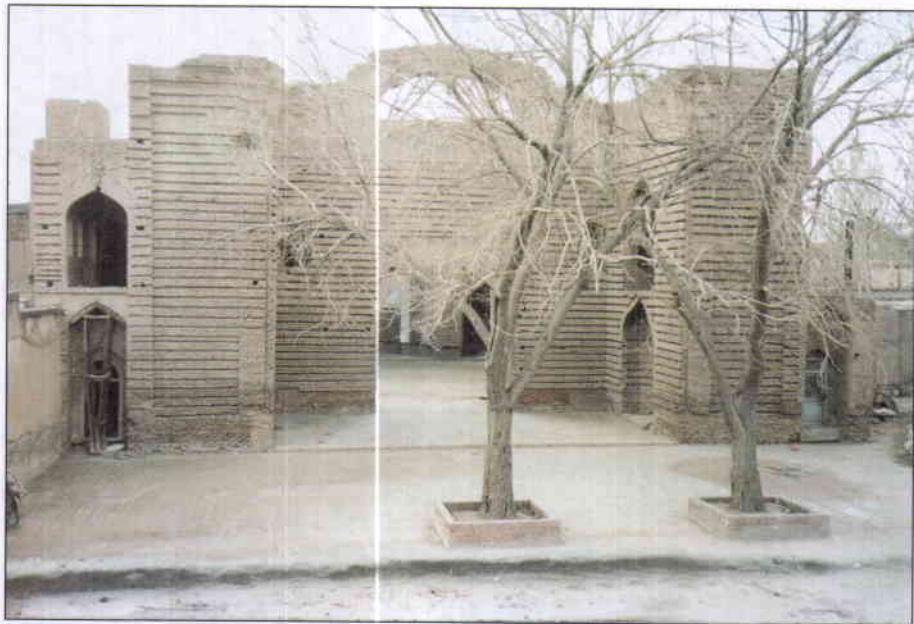
ضریح بالا امامزاده



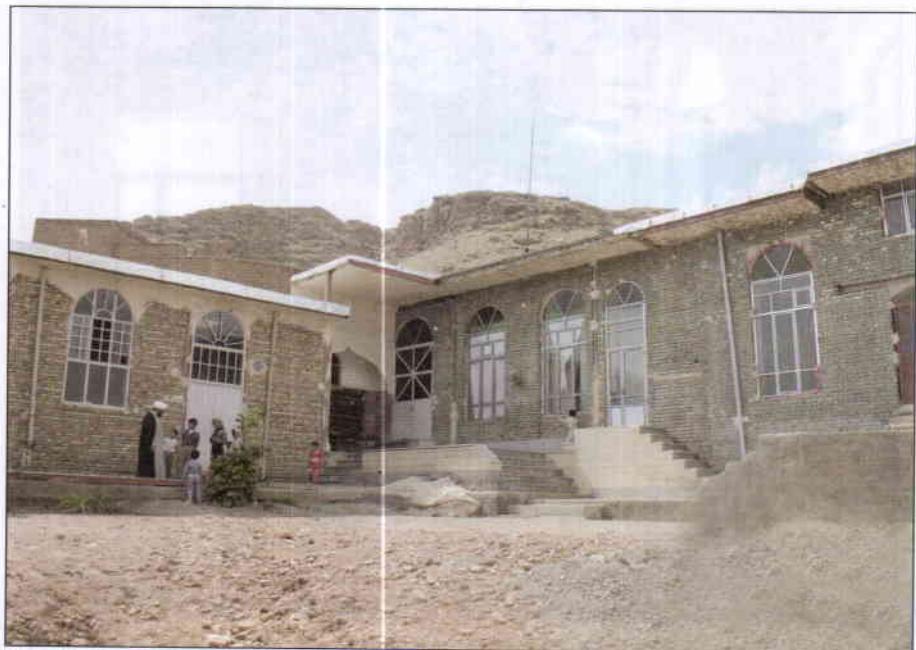
بقعه آقا سید تاج الدین موسوی (نمای قبلی)



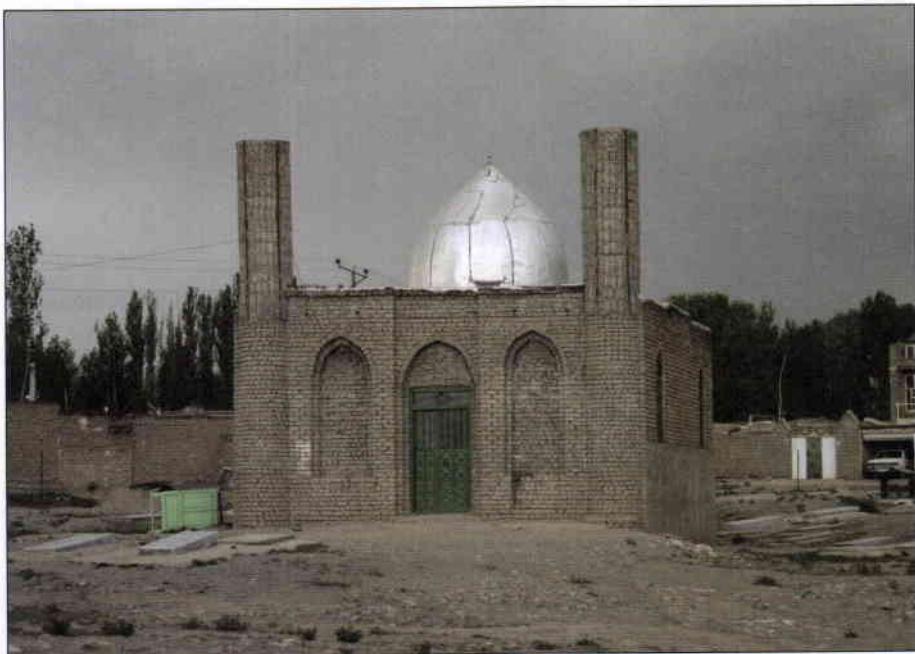
بقعه آقا سید تاج الدین موسوی (در دست احداث)



مسجد مطلب خان



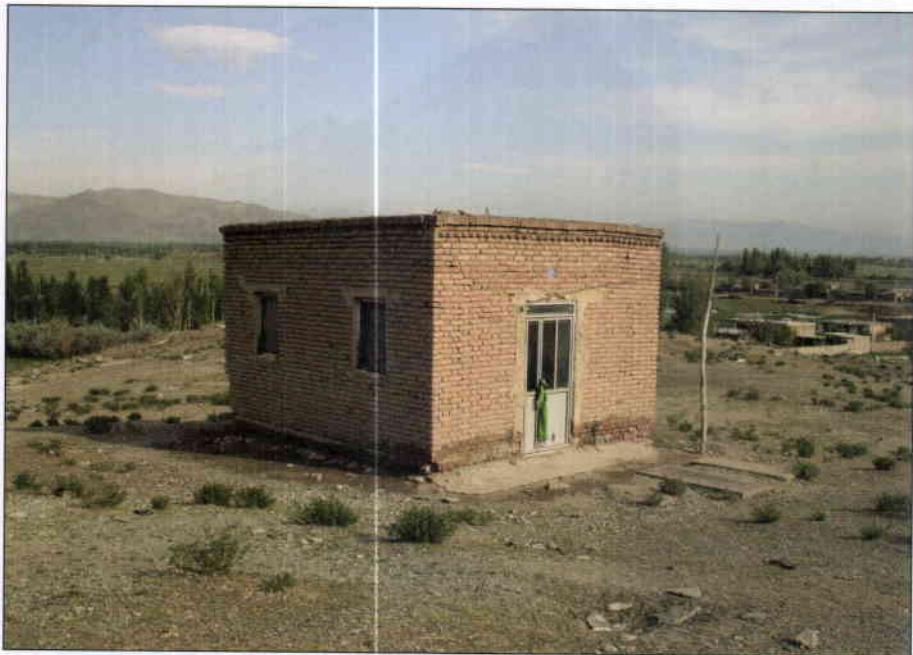
مقبره آقا میر ابراهیم (در دست احداث - واقع در ایوانوغلی)



مقبره آقا میر کاظم موسوی (واقع در روستای بدلآباد)



ضریح آقا میر کاظم موسوی



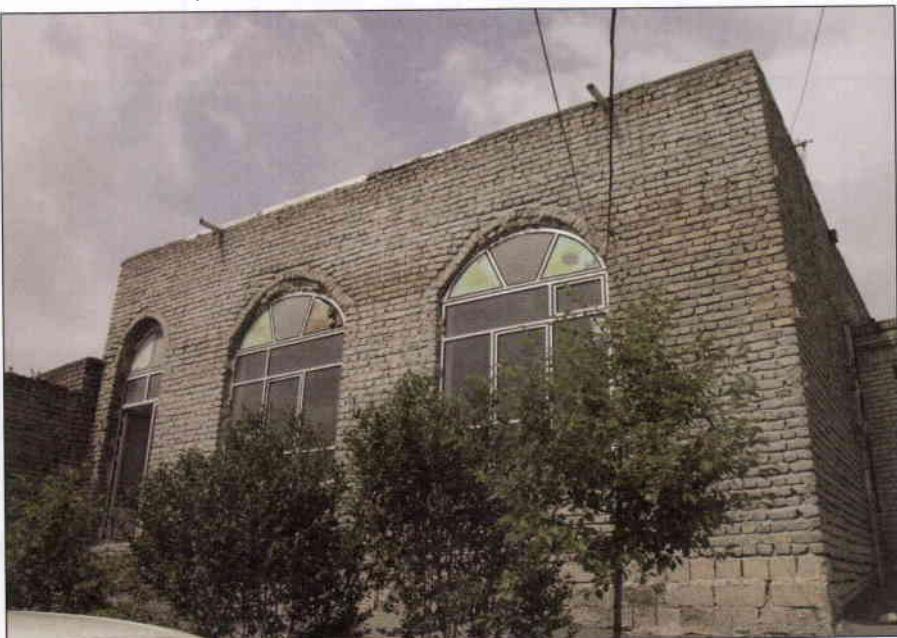
مقبره آقا میر اسدالله (واقع در روستای قوروق)



مقبره آقا میر اسماعیل (واقع در روستای زاویه سکمن آباد)



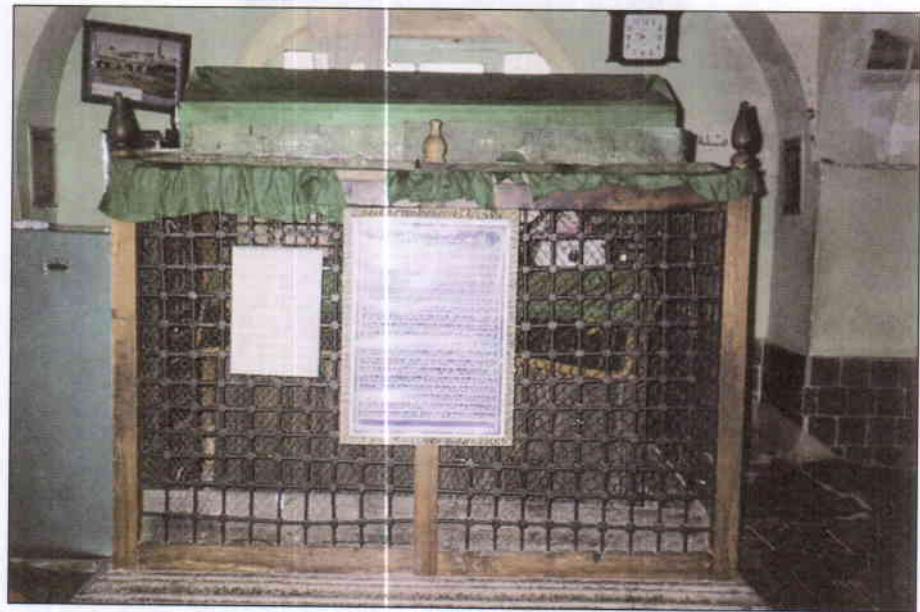
مقبره آیت الله آقا میر عبدالعلی حسینی کوه کمری



مقبره میر آقا حسینی کوه کمری (واقع در فیروزق)



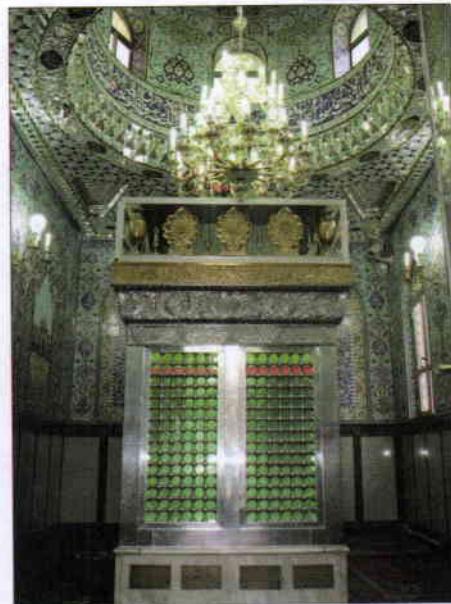
مقبره حضرت آقا میر فتاح (واقع در روستای مشکان)



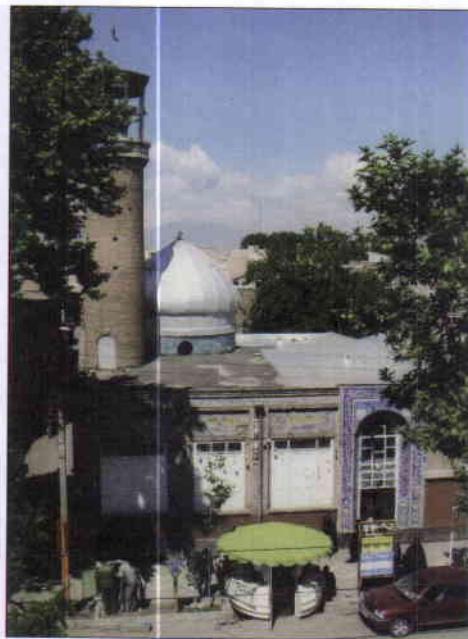
ضريح حضرت آقا میر فتاح



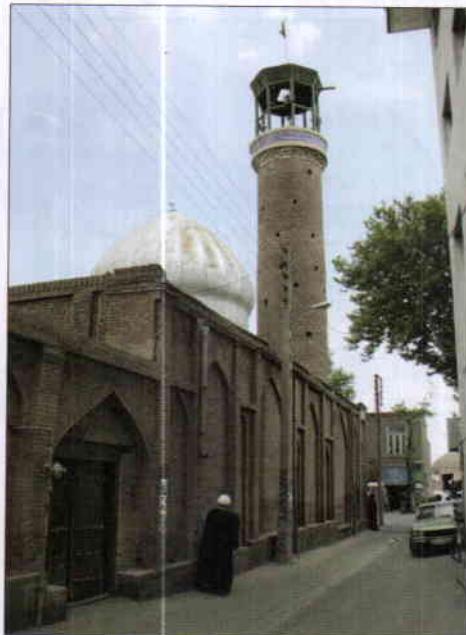
مقبره آقا میر هادی



ضریح آقا میر هادی



آستان حضرت آقا میریعقوب مقبره



نمایی دیگر از آستان حضرت آقا میریعقوب مقبره



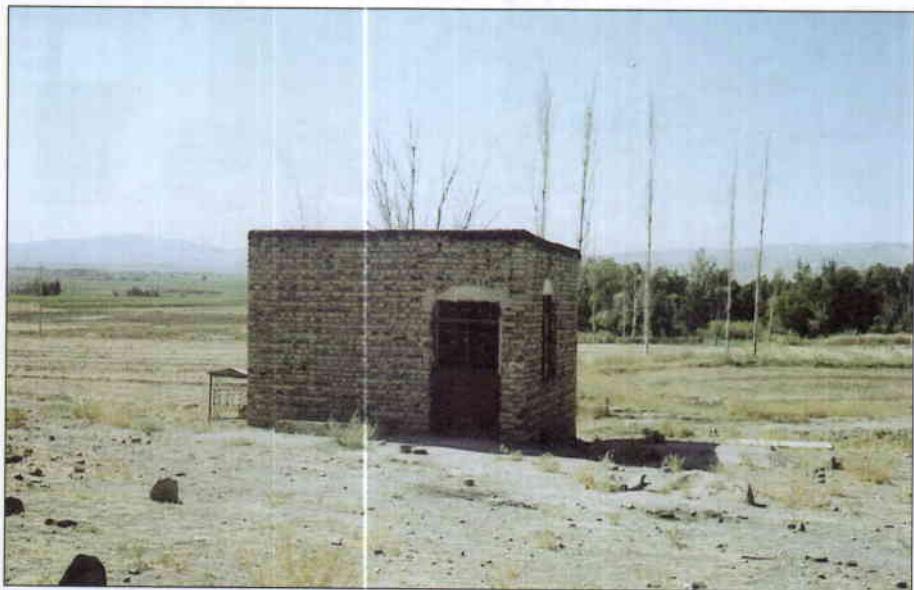
صحن و آستان حضرت آقا میریعقوب مقبره



ضريح حضرت آقا میریعقوب مقبره



مقبره سادات سید جعفری (واقع در روستای عذاب)



مقبره بانو سیده معصومه (واقع در روستای عذاب)



مقبره سادات سید مرغی (واقع در روستای رهال)



ضریح سادات سید مرغی



مقبره سادات صادقی (واقع در روستای اگری‌بوچاق)



ضریح سادات صادقی



مقبره سادات موسوی



نمای داخلی مقبره سادات موسوی



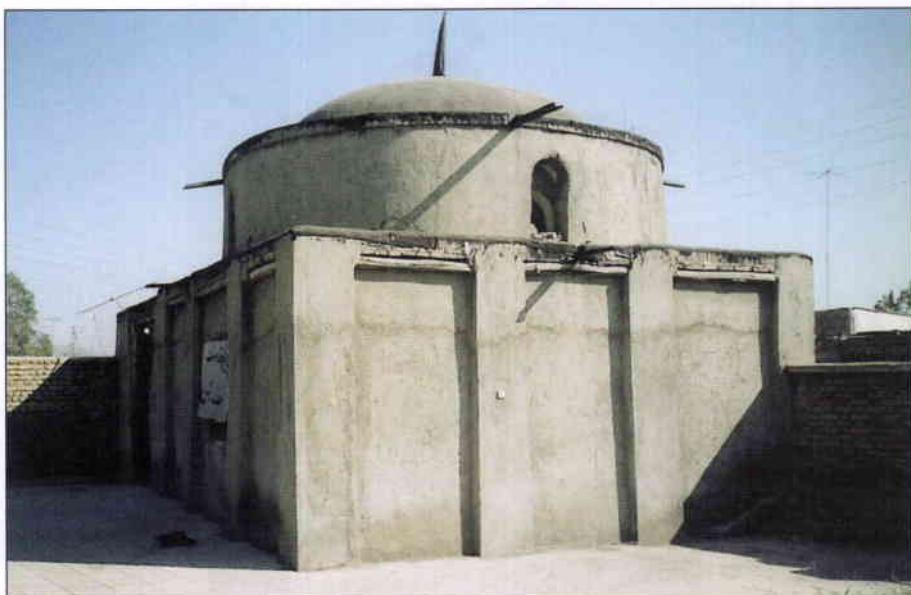
بقعه آخوند ملا زین العابدین نوایی (حدود سال ۱۳۶۰ ش)



بقعه آخوند ملا زین العابدین نوایی (سال ۱۳۷۴ ش)



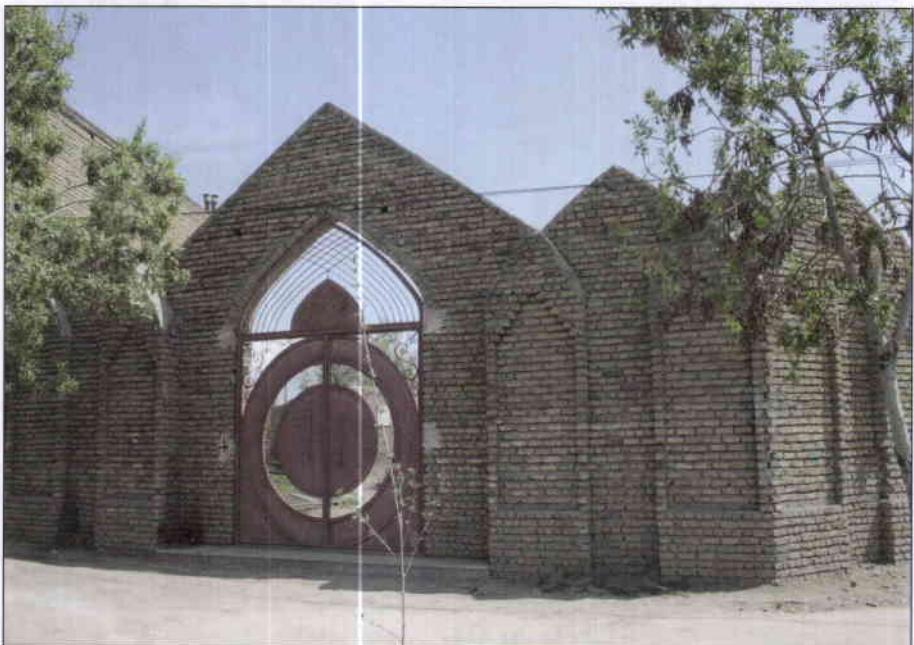
بقعه آخوند ملا زین العابدین نوایی (بهار ۱۳۸۸ ش)



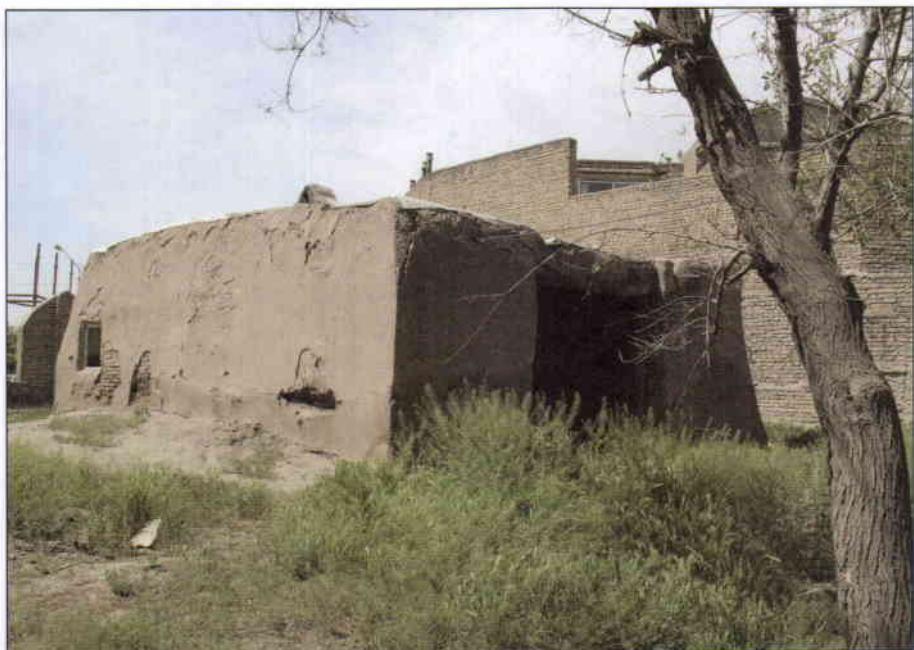
مقبره آستانه علی



بقعه مخروبه امیر جمشید (واقع در روستای سیاباز)



درب ورودی بقعه پوریا ولی



نمای شمالی بقعه پوریا ولی



نمای جنوبی بقعه پوریا ولی



بقعه پیر عمر نخجوانی (واقع در روستای پیرکندی)



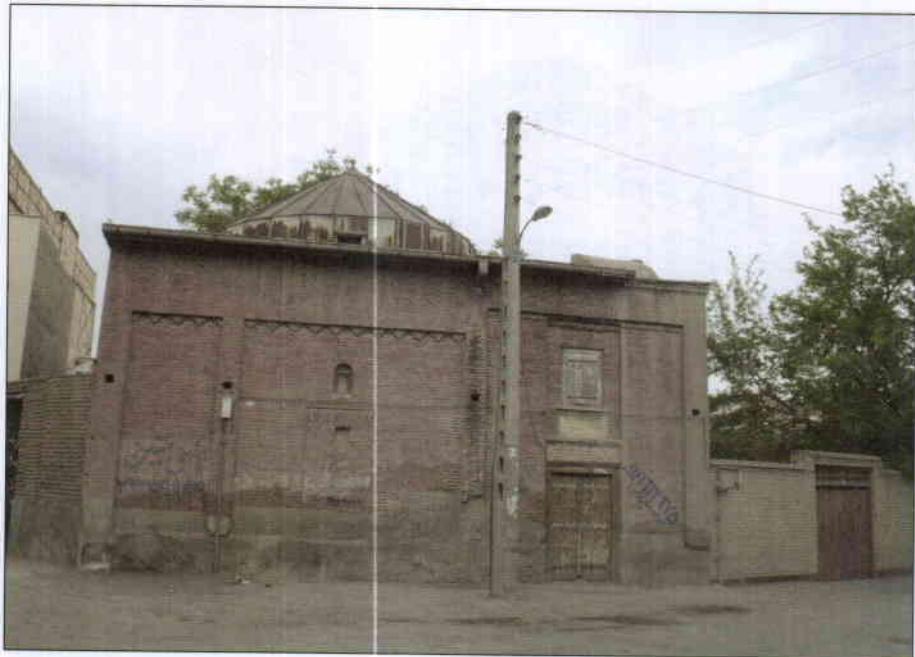
بقعه پیر موسی (واقع در روستای پیرموسی)



بقعه خاک مردان (واقع در روستای خاک مردان)



بقعه شاه محمد حنفیه



مقبره ذهبيه



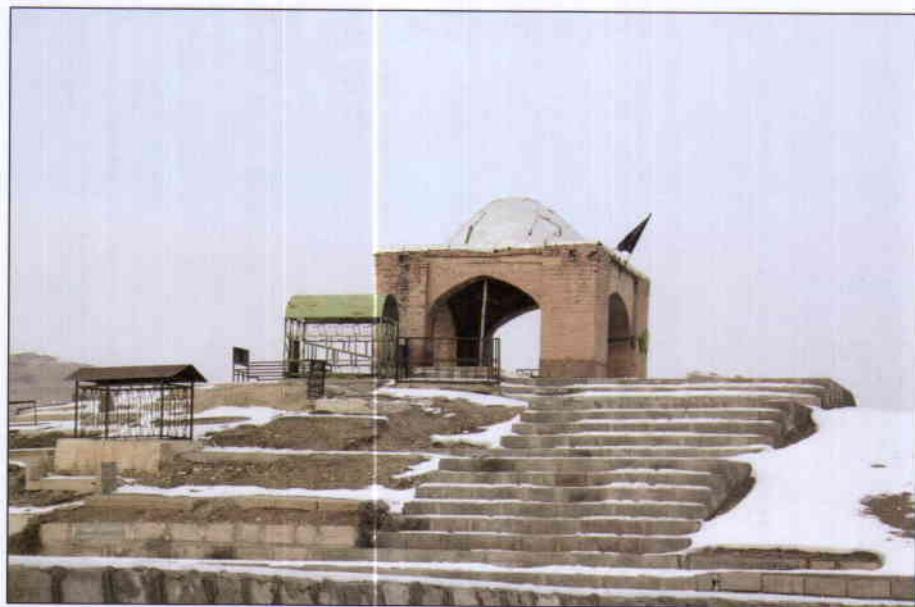
نمای داخلی مقبره ذهبيه



ضریح مقبره ذهبیه



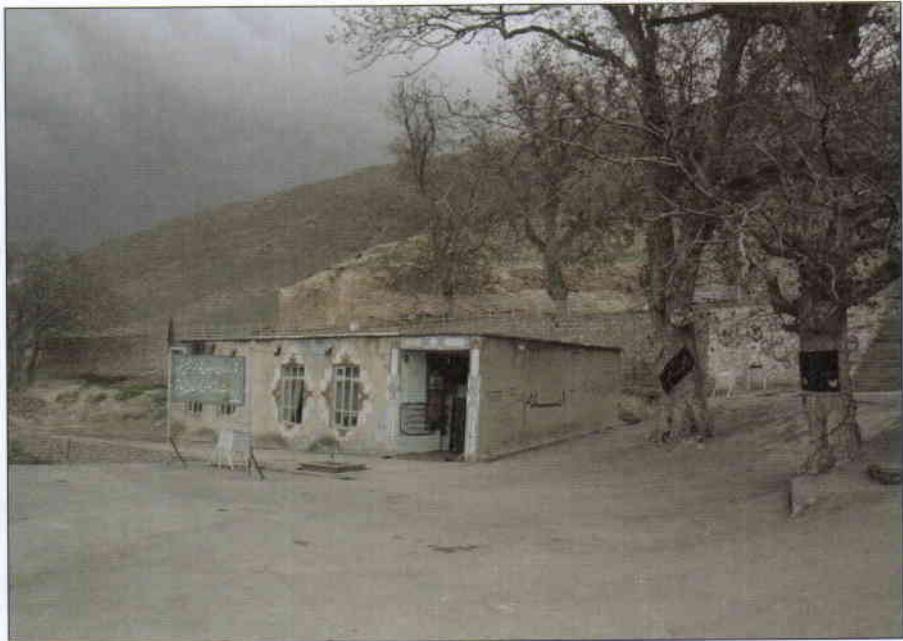
بقعه علمدار (واقع در روستای بدل آباد)



بقعه آخوند ملا علی خویی (زمستان ۱۳۸۷ ش)



بقعه آخوند ملا علی خویی (بهار ۱۳۸۹ ش)



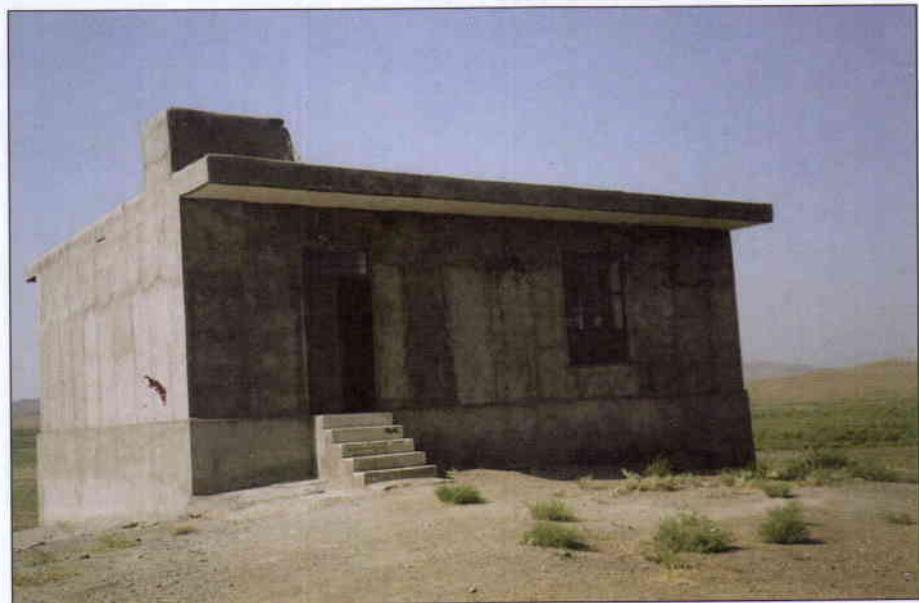
تکیه حضرت ابوالفضل العباس(ع) (اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ ش)



منار شمس تبریزی (قبل از انقلاب)



منار شمس تبریزی (نمای فعلی)



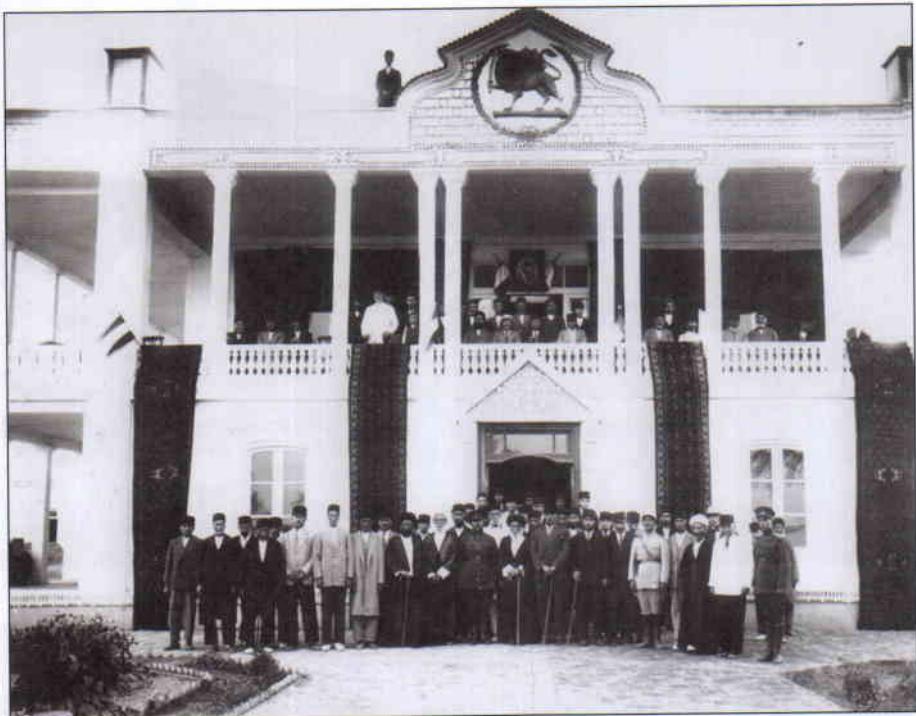
مقبره قره شعبان (واقع در روستای قره شعبان)



نمای ورودی مزار شهدا



درب ورودی قطعه مزار شهدا



### از راست به چپ:

حاج سرتیپ فرزند سیف الدوّله نوه حاج امیر تومنان امیری، حاج میر پنج فرزند حاج امیر، آیت الله شیخ قاسم واعظ مهاجر، مهدیزاده تاجر، رحیم خان خاکپور رئیس نظمیه، قاضی عدالیه، خشکنابی رئیس عدالیه، مرحوم کیمرام فرماندار وقت خوی، آیت الله حاج میر یعقوب دوم، سرهنگ زالتاش فرمانده تیپ، آیت الله حاج میرزا علی قلی شهیدی، حاج میرزا محمد حسنی ریاضی، حاج علی عارفی تاجر، حاج علی اصغر اخوان تاجر، اکبرزاده تاجر، کریم عمو جعفرزاده، فرهنگ و حکیمی تاجر فرش.

(حياط شیر خورشید خوی سال ۱۳۱۲ ش - این بیمارستان وقف مرحوم تاجر باشی می باشد).



**ردیف نشسته از راست به چپ:**

حاج میرشفیع تهامی، حاج امینالاسلام هاشمی، آقا میر عباس محدث، آیت‌الله حاج شیخ باقر شریف، آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله معروف به «حجت‌الاسلام»، آیت‌الله آقا میر هاشم مرقاتی، آیت‌الله حاج شیخ علی پیشمناز خویی، ناشناس، آیت‌الله حاج میر یعقوب دوم، وثوق‌الممالک حاکم خوی، ناشناس، ناشناس، لطفعلی خان سرتیپ و ناشناس.

(این عکس مربوط به زمان سلطنت احمد شاه قاجار در مدرسه اعتمادیه خوی واقع در کوچه باقرخان گرفته شده است).



از راست به چپ:

آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی، حاج میر محمدحسین واعظ، ناشناس، دکتر طیار، رحیم خان خاکپور رئیس نظمیه، امین‌اعظم فرماندار وقت، دو نفر ناشناس، مظفر اعلم استاندار رضائیه، آیت‌الله حاج میریعقوب دوم، حاج امین‌الاسلام هاشمی، آیت‌الله حاج میرزا علی قلی شهیدی، آیت‌الله حاج شیخ باقر شریف و آیت‌الله حاج شیخ قاسم واعظ مهاجر.



از راست به چپ:

شتربان، آیت‌الله حاج شیخ باقر آقا شریف، دو نفر ناشناس، حاج میرمهدی آقا مقبره، ناشناس، آیت‌الله حاج سید موسی مرتعی، بچه ایستاده در کنار ایشان: مرحوم میراسماعیل مقبره و بچه در بغل خدمتکار: آقا سید محمدعلی مقبره (حاج میرآقا مقبره).

(این عکس مربوط به پناهنده شدن شتر به آستان حضرت آقا میریعقوب مقبره می‌باشد).



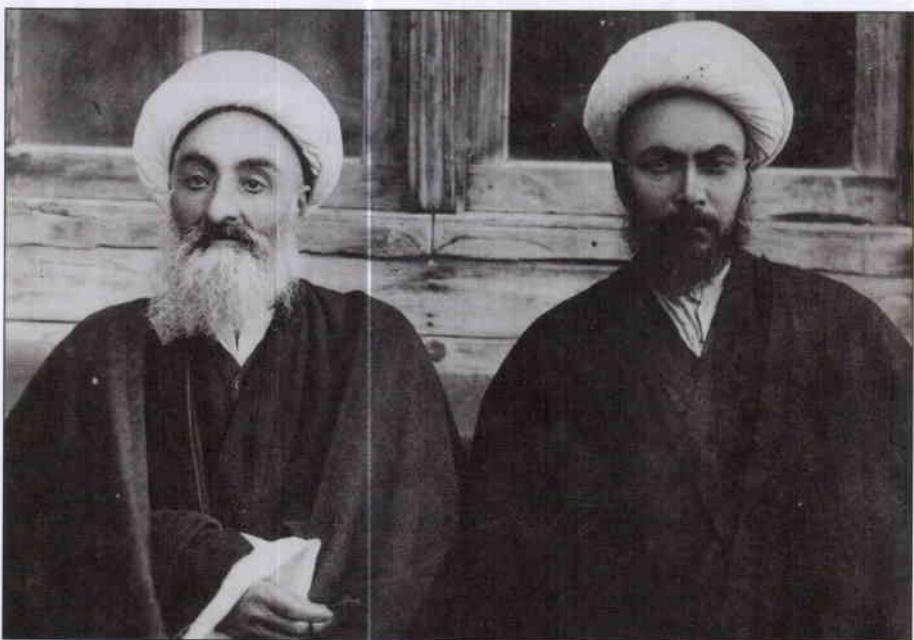
از چپ به راست: شریف السادات خویی، یوسف خان دنبلی و حاج سید مصطفی صادقی



هیئت عزادران محله امامزاده روحانی ایستاده: آیت الله حاج شیخ محمد وحیدی و روحانی  
نشسته: مرحوم ملا یعقوب روضه‌خوان (روز اربعین برابر با ۲۷ آذر ۱۳۲۷ ش)



از چپ به راست: دو نفر اول ناشناس، آیت الله حاج شیخ محمد باقر شریف و  
فرزندش آقا جواد شریف



آخوند ملا عباس روضه‌خوان و شیخ علی اکبر نوایی



ردیف اول از راست به چپ:

قوام (رئیس آمار)، اسکندری عباسی (رئیس دارایی)، عدالت (دادستان)، حاج امین  
الاسلام سلماسی، آیت الله حاج میرزا علیقلی شهیدی، آیت الله حاج شیخ محمدباقر  
شريف، عبدالله خان امیر نظام.

ردیف دوم از چپ به راست:

حسین یزدانی، رجبعلی وزیری، حیدرقلی رحیمی، نظام الدین خسرو پرویزی،  
ناشناس، حاج علی اصغر اخوان، ناشناس، میر غفار طوسی صراف، میر عیسی  
سعیدی، ناشناس و حاجی خان دیوان بگی.



نشسته از راست به چپ: ناشناس، حاج شیخ جابر فاضلی، آیت الله سید صادق روحانی، آیت الله حاج سید موسی مراغی، حاج سید حمزه هاشمی، آیت الله حاج سید جعفر مرقاتی، حاج شیخ حسن بصیری و حاج شیخ ابراهیم خلیل معصومی.



حضور فرزندان آیت الله خویی (شهید سید محمد تقی و شهید سید مجید خویی)  
در جمع علماء و فضلای شهرستان خوی در مدرسه نمازی



از راست به چپ: حاج شیخ ابوالفتح واعظ شهانقی و میهمان واردہ از تبریز.



نشسته از چپ به راست: حاج سید اسماعیل رسول زاده، حاج شیخ حسن بصیری، حاج سید محمد موسوی. ردیف دوم نشسته از چپ به راست: حاج شیخ ابراهیم معصومی، حاج سید محمد مصری، شهید سید محمد تقی خویی، آیت الله حاج سید جعفر مرقاتی، آیت الله حاج شیخ خلیل قبله‌ای و حاج سید رضا علوی. ردیف سوم: شهید سید عبدالجبار خویی، ناشناس، حاج شیخ

عباس محمدی



آیت الله سید ابراهیم علوی و علمای خوی در حضور میهمانان واردۀ از تبریز



ایستاده از راست به چپ: حاج شیخ عباس آزرم، حاج شیخ محمد مبلغی، حاج شیخ جعفر وحیدی، حاج شیخ احمد روحانیان، حاج شیخ مرتضی فرجبور، سید محی الدین ملکی، آقا سید کریم، حاج شیخ اسماعیل حجتی، حاج شیخ اسماعیل فلاحتیشته از راست به چپ: حاج شیخ ابراهیم معصومی، حاج شیخ محمدعلی دیلمقانی، حاج سید جعفر مرقاتی، حاج شیخ حسن بصیری و حاج شیخ جلیل هنرور.



از چپ به راست: حاج سید اسماعیل رسولزاده، حاج شیخ حسن بصیری، حاج سید محمد مصری، حاج شیخ جابر فاضلی، حاج شیخ حسین مروج.



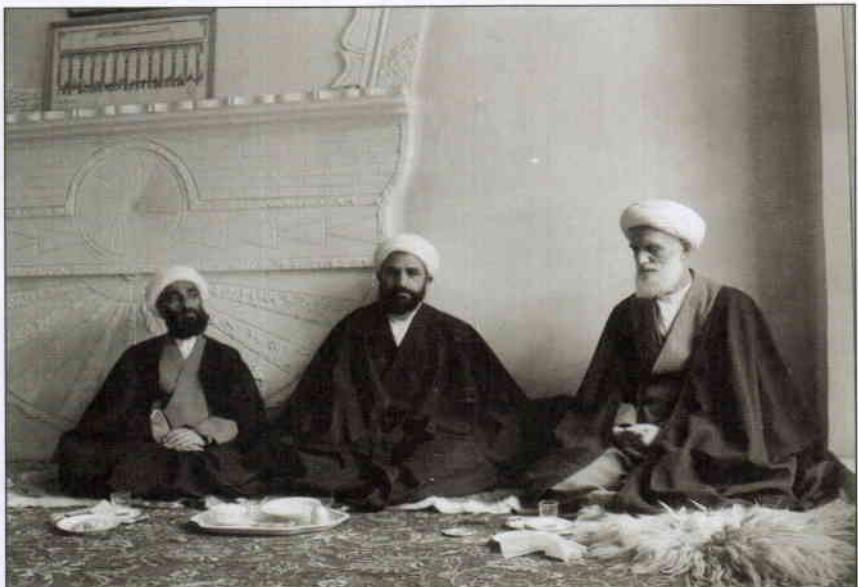
از چپ به راست: حاج سید اسماعیل رسول زاده، حاج سید حسن فتاحی، ناشناس، حاج شیخ ابراهیم معصومی، حاج شیخ عباس محمدی، حاج شیخ حسن بصیری و حاج شیخ یونس خیررویی.



آیت الله سید ابراهیم علوی در حال سخنرانی در مدرسه فمازی



حاج شیخ جابر فاضلی در حال سخنرانی در مسجد حاجی بابا



از راست به چپ: حاج شیخ جابر فاضلی، حاج شیخ ابراهیم معصومی و حاج شیخ عباس محمدی



از راست به چپ: حاج شیخ عباس محمدی، حاج شیخ حسن بصیری و حاج شیخ ابراهیم معصومی در جمع سربازان



حاج شیخ جلیل هنرور و علامه حاج شیخ محمدتقی جعفری



از چپ به راست: حاج شیخ حسن بصیری، حاج سید اسماعیل رسولزاده، ناشناس، حاج سید محمد مصری، حاج شیخ جلیل هنرور



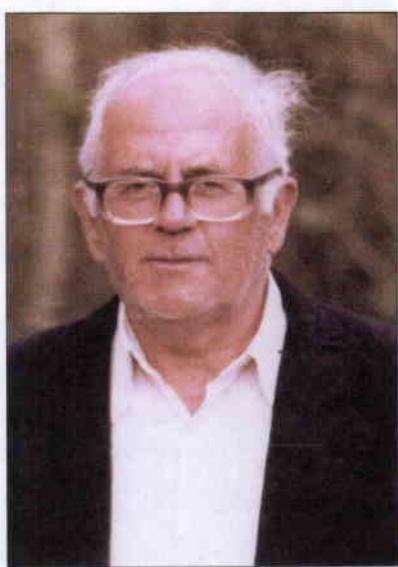
حاج شیخ عباس آزرم



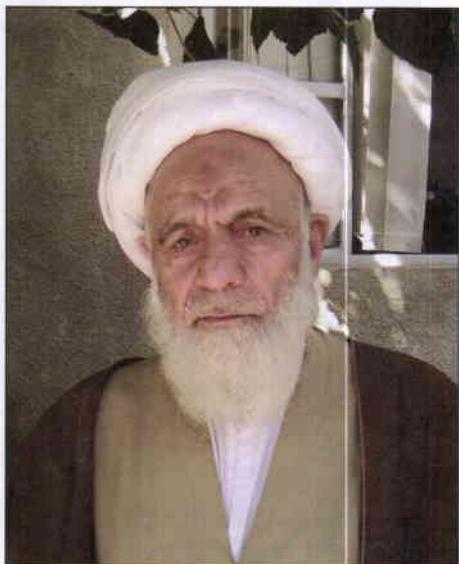
استاد محمد آقاسی



آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی



استاد مهدی آقاسی



حاج شیخ حسن بصیری



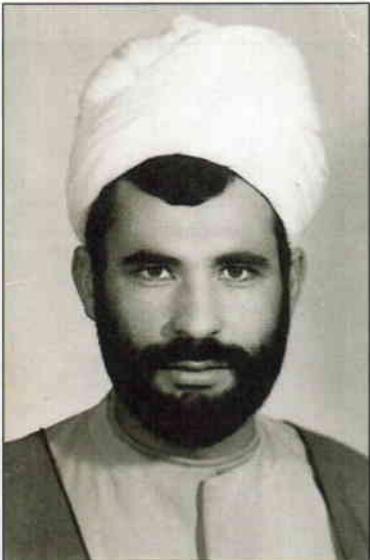
دکتر سید مجید آیت الله



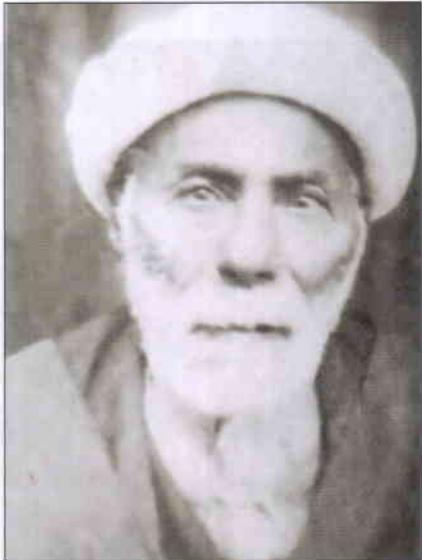
آیت الله حاج سید یعقوب حسینی خوبی  
(میر یعقوب دوم)



آیت الله حاج میرشفیع تهامی خوبی



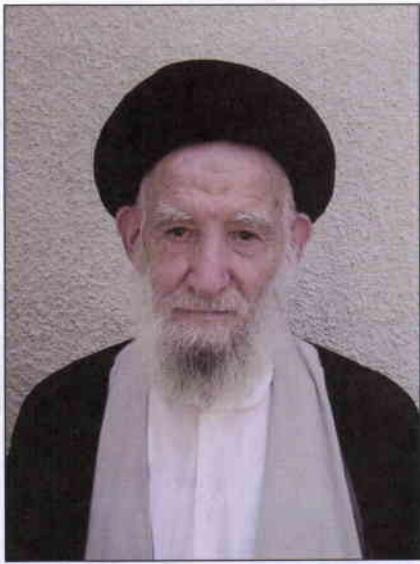
شہید شیخ محمدحسن خضرلو



آخوند ملا حیدر حلمی



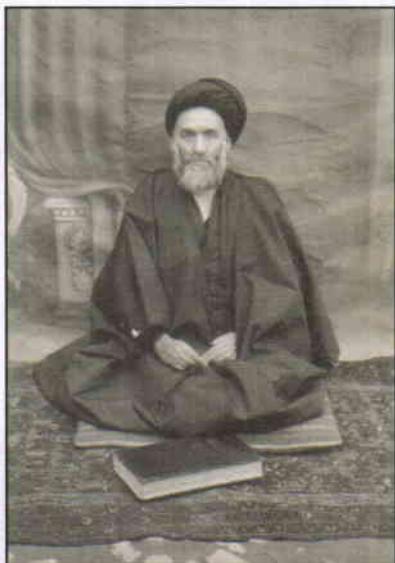
شہید حاج ولی حاجی قلیزاده  
(دادستان فقید خوی)



حاج سید اسماعیل رسولزاده



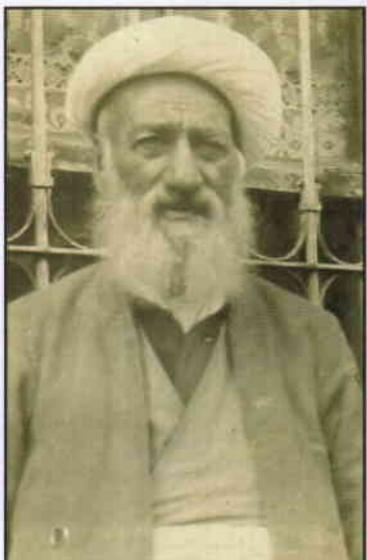
آخوند ملا حسین صادقی بدل‌آبادی



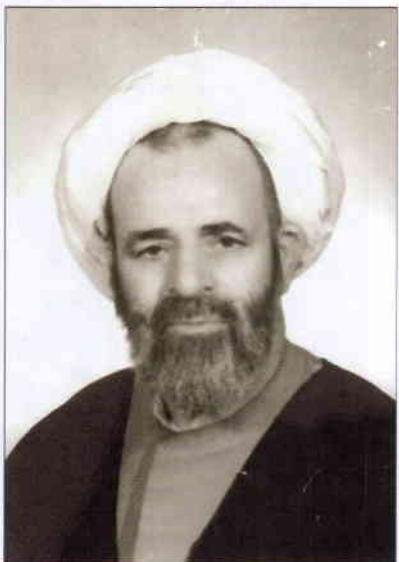
آیت الله سید محمود ساجدی



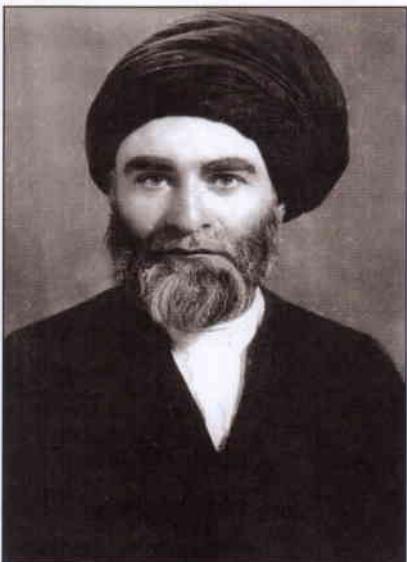
حاج شیخ سلطانعلی صادقی



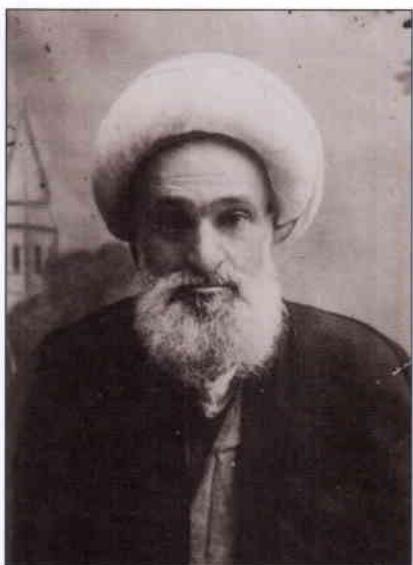
آخوند ملا موسی صادقی بدل‌آبادی



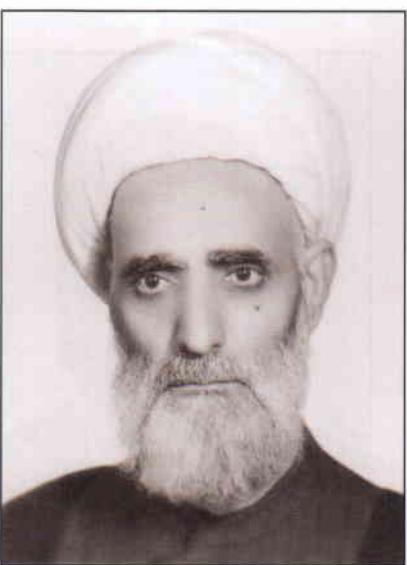
آیت الله حاج شیخ ابوطالب فاضلی



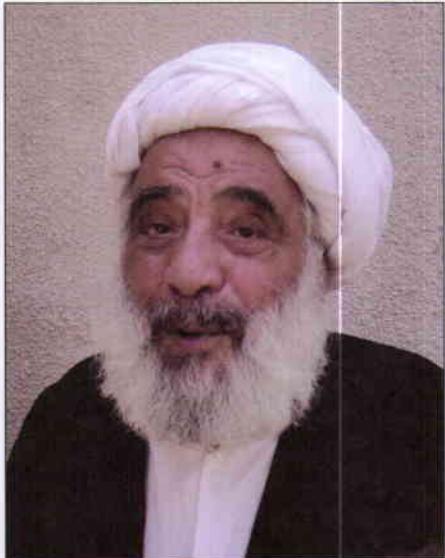
آیت الله حاج سید ابراهیم علوی



آیت الله حاج شیخ خلیل فاضلی



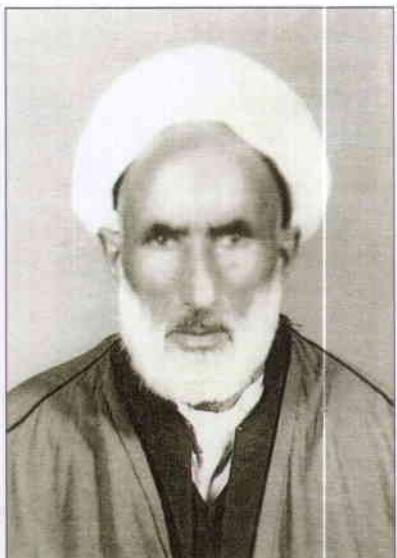
حاج شیخ جابر فاضلی



حاج شیخ اسماعیل فلاحتی



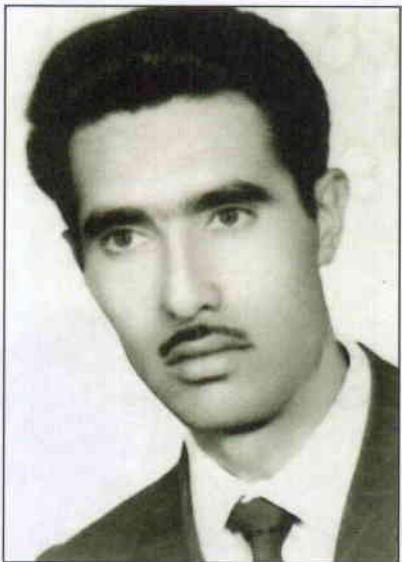
حاج سید حسن فتاحی



حاج شیخ اسدالله قاسمی



حاج شیخ عبدالله فیاضی



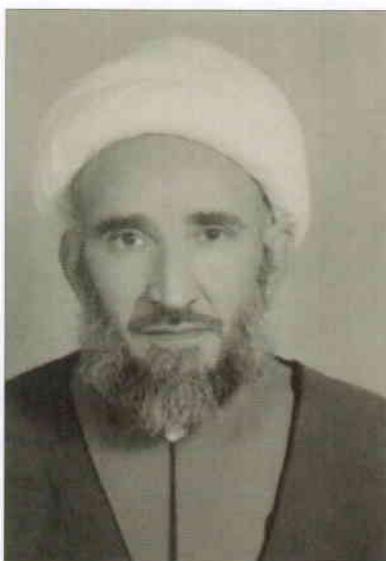
شهید کوچری  
(اولین فرماندار فقید خوی)



حاج شیخ علی افسر قویدل



استاد حسیننقی نوحه‌گر



حاج شیخ علی مجتهدی



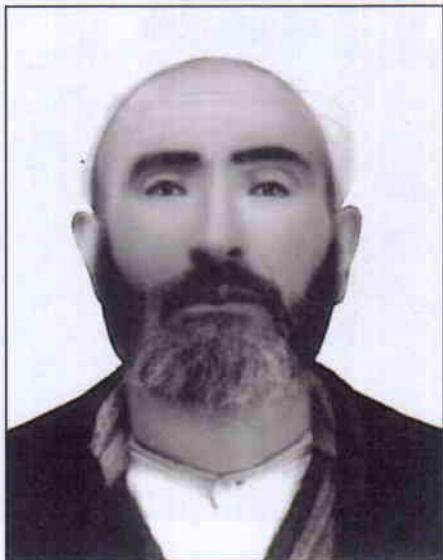
آیت الله حاج شیخ علی مدد  
محسنی بدل آبادی



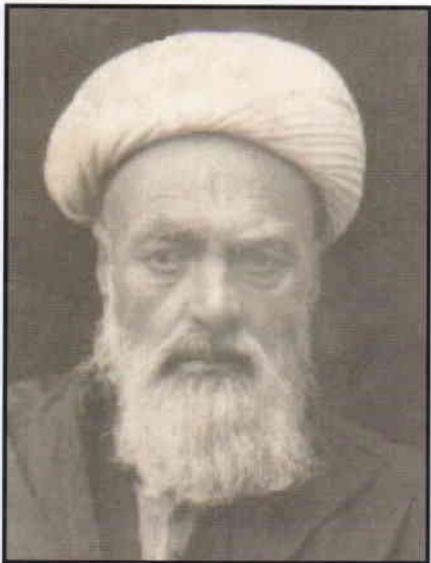
حاج شیخ حسین محسنی بدل آبادی



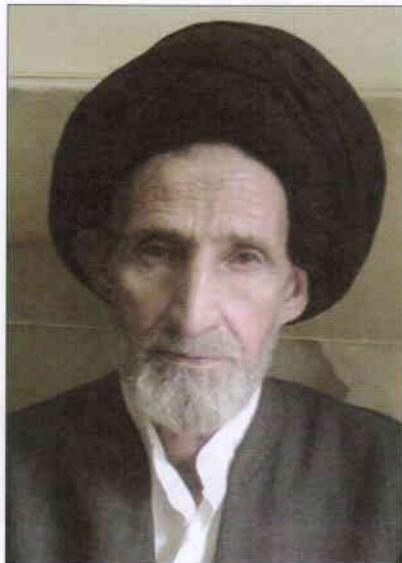
آیت الله حاج سید موسی مرجعی



آخوند ملا مرتضی محسنی بدل آبادی



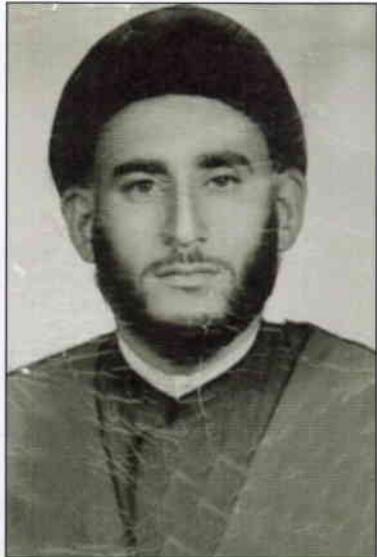
حاج شیخ فتح الله ملکی



حاج سید محمد مصری



آیت الله حاج شیخ قاسم واعظ مهاجر



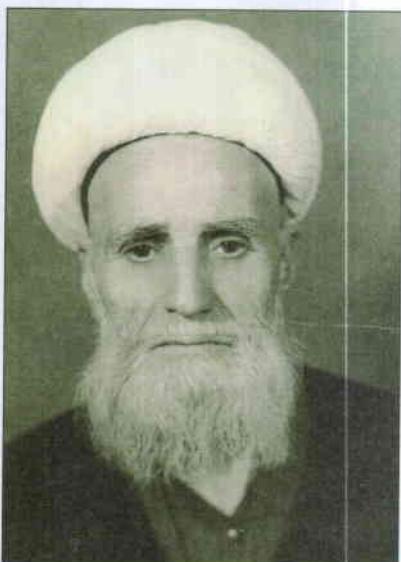
آقا میر کاظم موسوی



شيخ على اصغر واعظ شهانقى



شيخ على اكبر نوايى



حاج شيخ ابوالفتح واعظ شهانقى



آقا سید تاج الدین موسوی



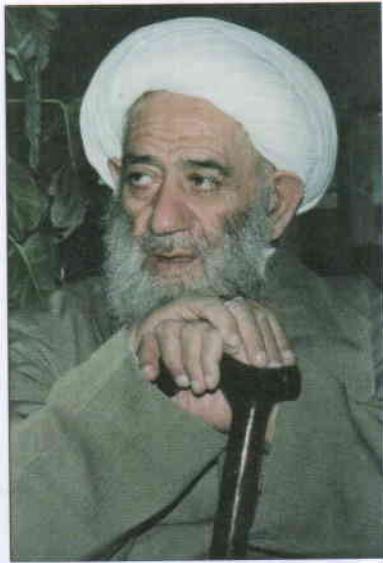
حاج شیخ جعفر وحدی



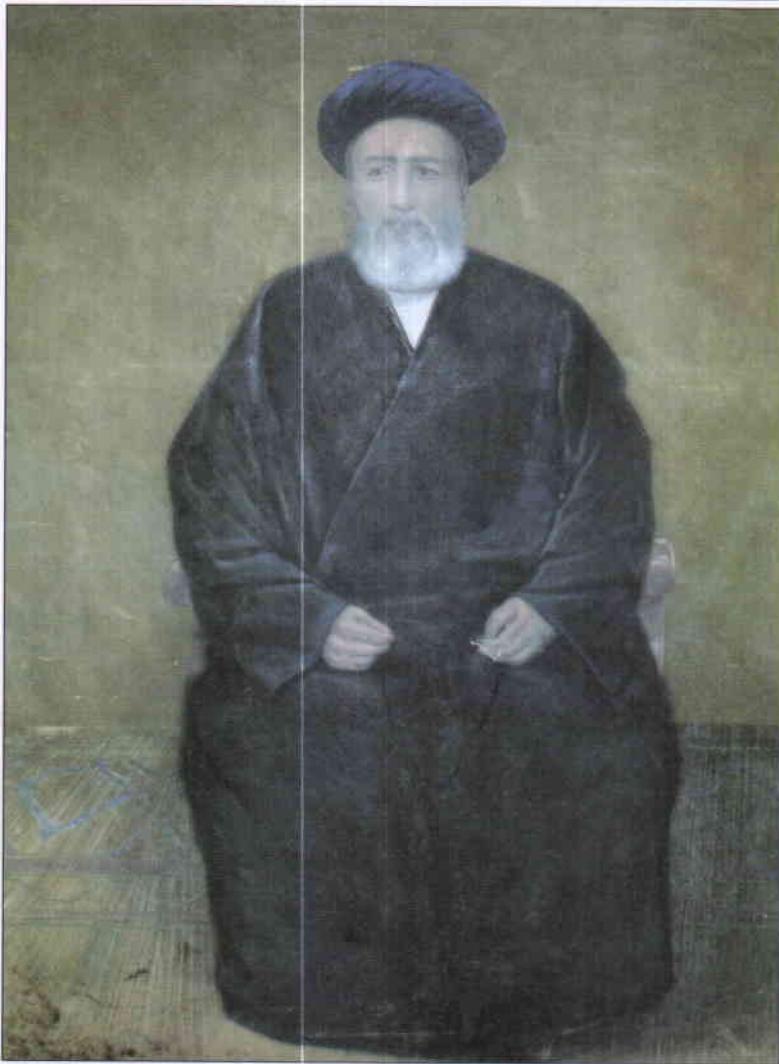
آیت الله حاج شیخ محمد وحدی



میرآقا حسینی کوهکمری



حاج شیخ جلیل هنور



میرزا عبدالکریم اعجوبه زنجانی



پرویز خان سلماسی



سنگ مزار یدی قارداشلار



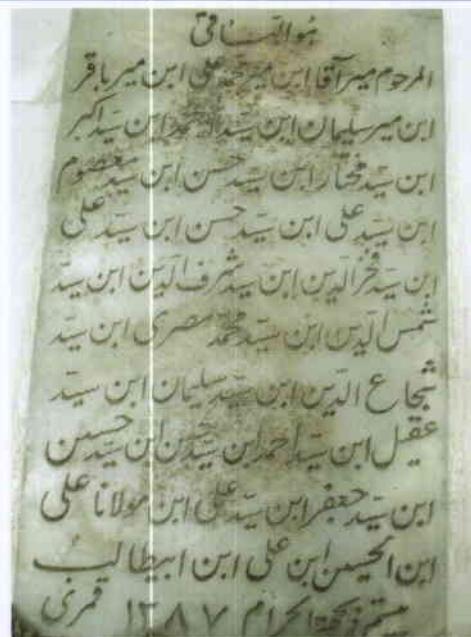
مرقد حضرت آقا میریعقوب مقبره



مرقد امامزاده سید نظر علی



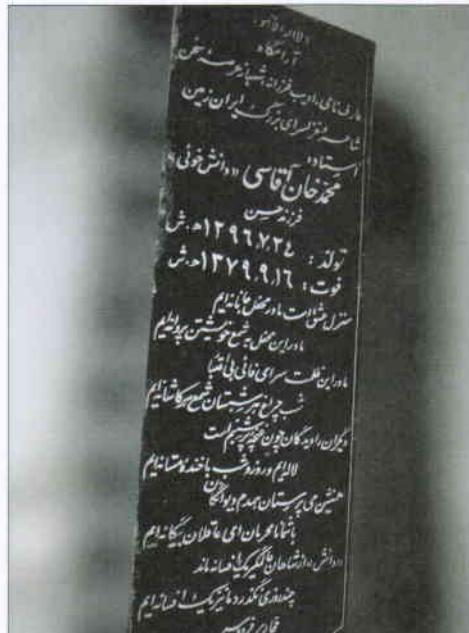
مرقد حضرت آقا میرهادی



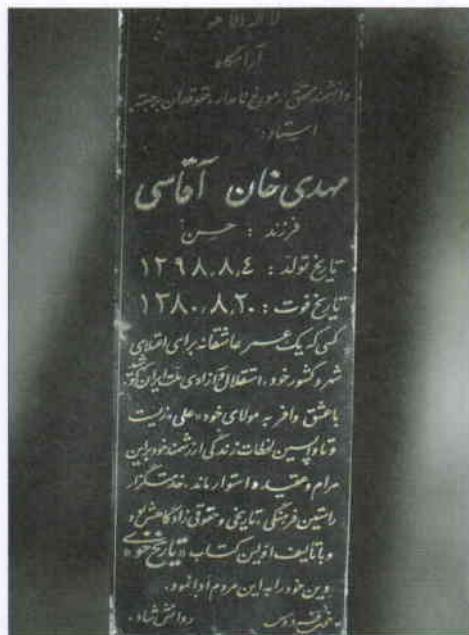
مرقد میر آقا حسینی کوه کمری



مرقد آقا میر ابراهیم



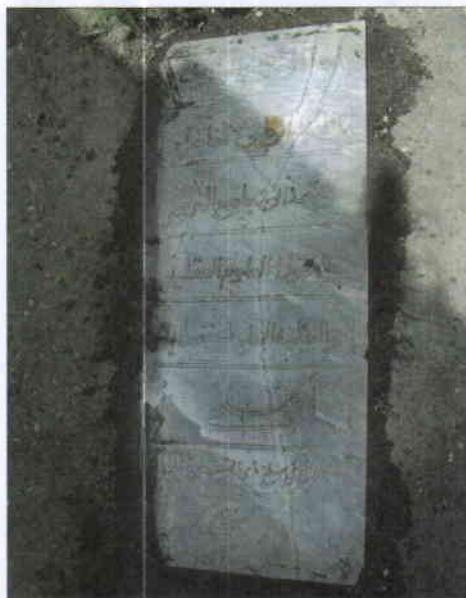
مرقد استاد محمد آقا سی



مرقد استاد مهدی آقا سی



مرقد دکتر سید مجید آیت الله



مرقد آیت الله حاج شیخ عبدالحسین اعلمی



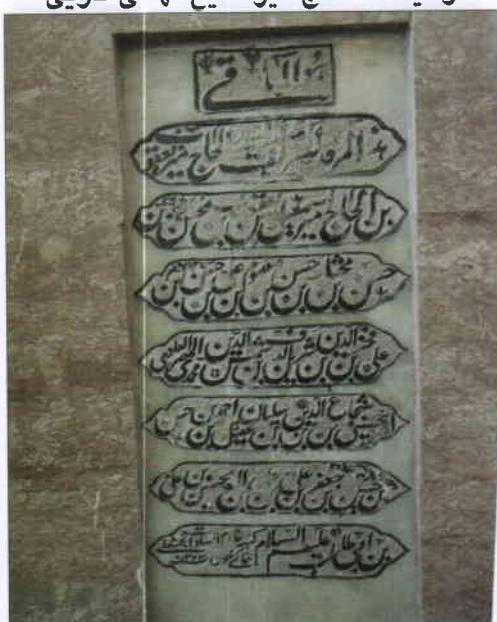
مرقد حاج شیخ عباس آزرم



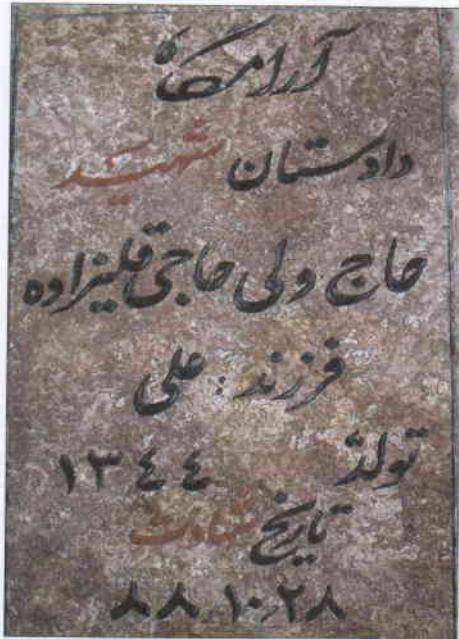
مرقد حاج شیخ حسن بصیری



مرقد آیت الله حاج میر عبدالعلی کوه کمری  
و آیت الله حاج میر شفیع تهامی خویی



مرقد آیت الله حاج میر یعقوب حسینی خویی  
(میریعقوب دوم)



مرقد شهید حاج ولی حاجی قلیزاده



مرقد حاج شیخ وهاب حاجیلاری



مرقد آیت الله حاج شیخ محمد باقر خویی



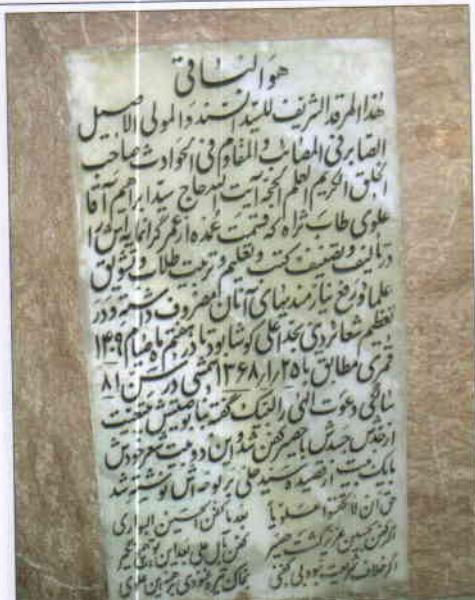
مرقد حاج سید اسماعیل رسول زاده



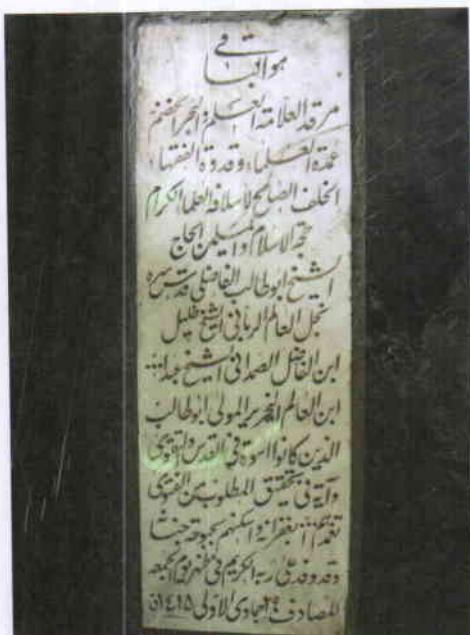
مرقد آیت الله حاج سید محمد ساجدی



مرقد حاج شیخ سلطان علی صادقی



## مرقد آیت الله حاج سید ابراهیم علوی



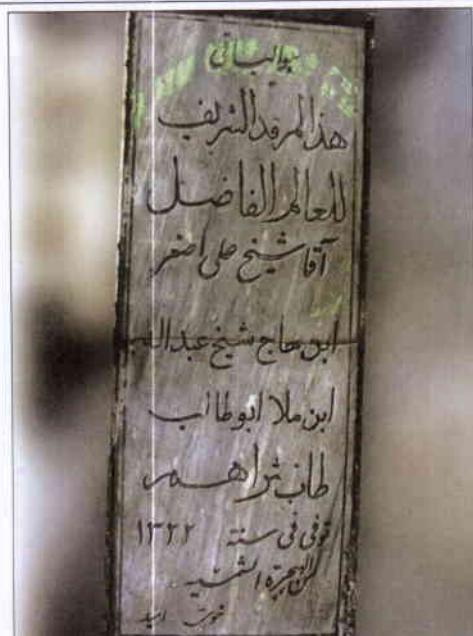
مرقد آیت الله حاج شیخ ابوطالب فاضلی



مرقد حاج شیخ جابر فاضلی



مرقد آیت الله حاج شیخ خلیل فاضلی



مرقد آقا شیخ علی اصفر فاضلی



مرقد حاج سید حسن فتای



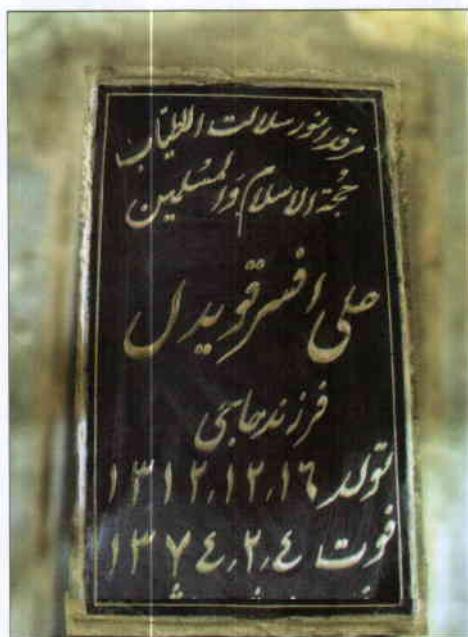
مرقد حاج شيخ اسماعيل فلاحي



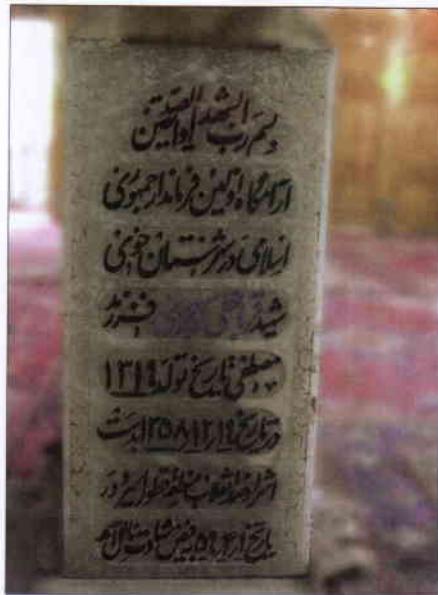
مرقد حاج شيخ حبيب فياضي



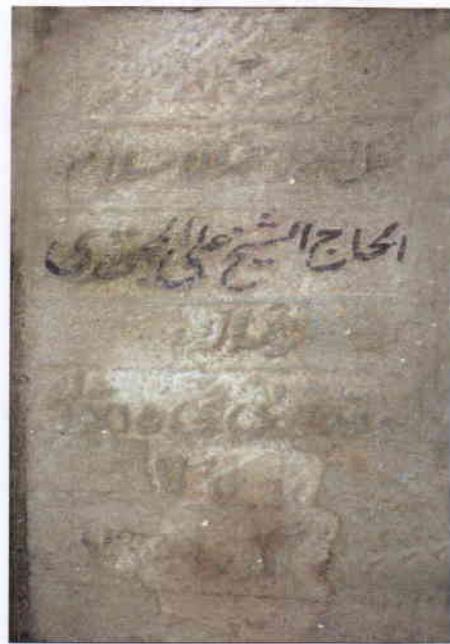
مرقد حاج شیخ اسدالله قاسمی



مرقد شیخ علی اصغر قویدل



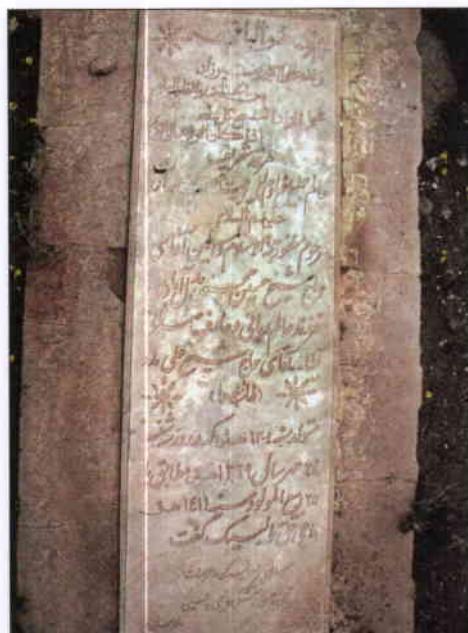
مرقد شهید قربانعلی کوچری



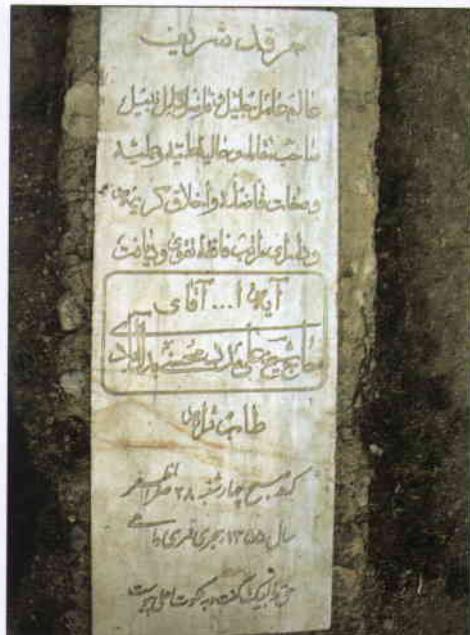
مرقد حاج شیخ علی مجتهدی



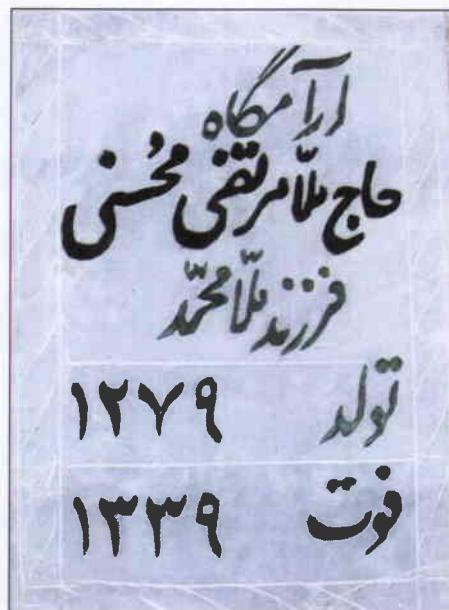
مرقد حاج میر علی آقا محدث



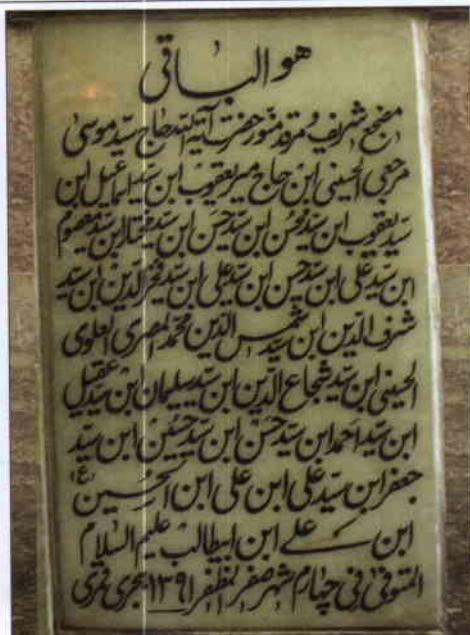
مرقد حاج شیخ حسین محسنی بدلا آبادی



مرقد آیت الله حاج شیخ علی مدد محسنی بدل آبادی



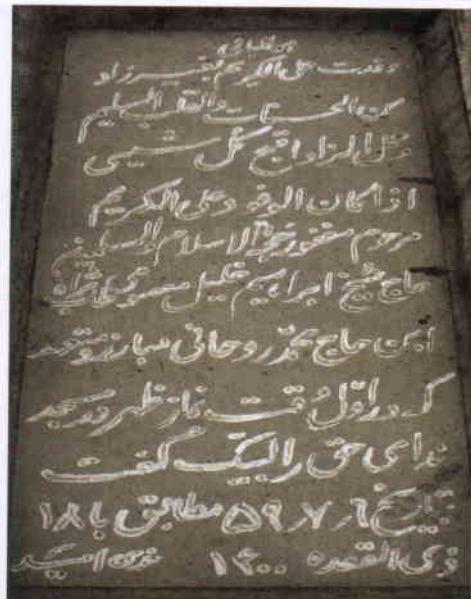
مرقد حاج ملا مرتضی محسنی



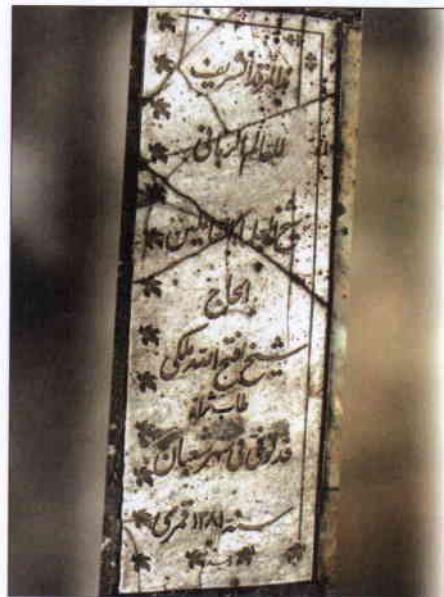
مرقد آیت الله حاج سید موسی مر جعی



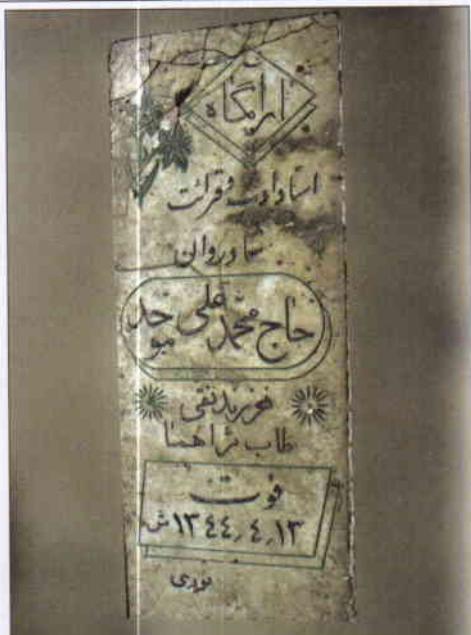
مرقد حاج سید محمد مصری



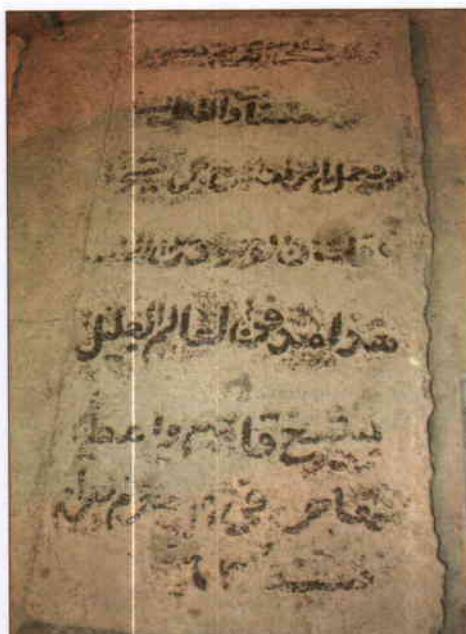
مرقد حاج شیخ ابراهیم معصومی



مرقد حاج شیخ فتح الله ملکی



مرقد حاج محمد على موحد



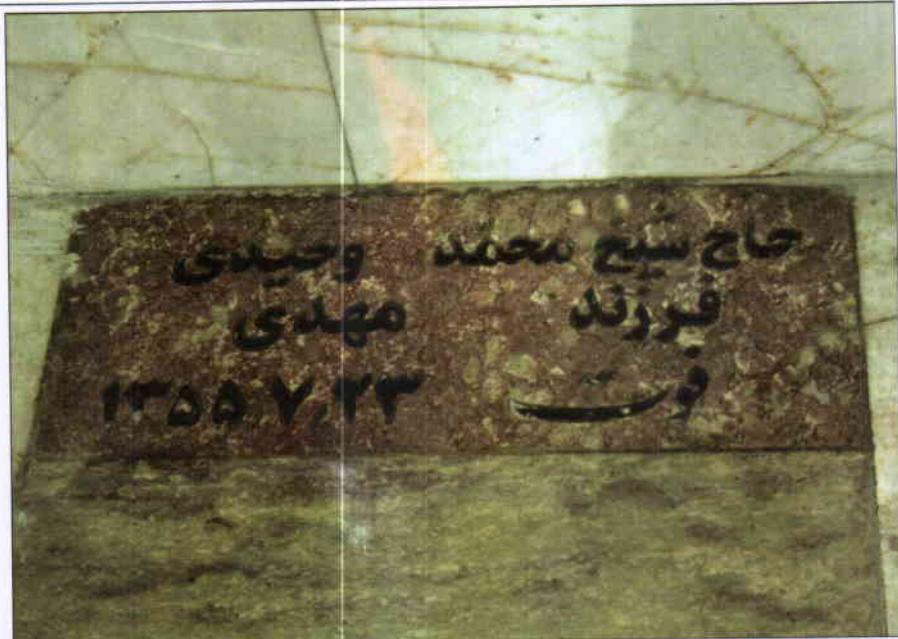
مرقد آیت الله حاج شیخ قاسم واعظ مهاجر



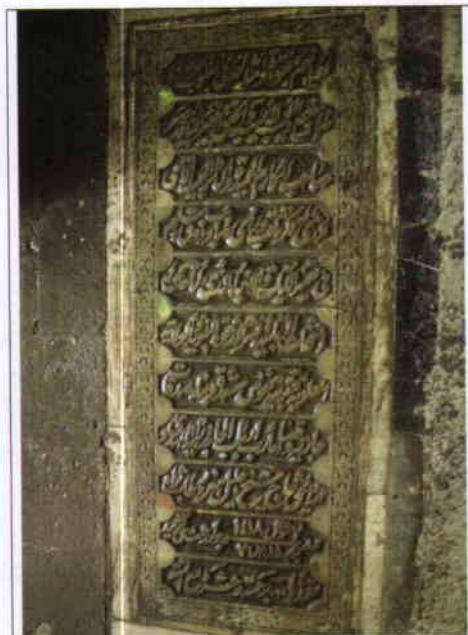
مرقد شیخ علی اکبر نوایی



مرقد استاد حسینقلی نوحه‌گر



مرقد حاج شیخ محمد و حیدی



مرقد حاج شیخ جلیل هنرور

وں محبت درعا نات و قائم و تکمیل اپنے شرف کر لے گیں اللہ وحیا

ب و دات عالیه دیگر اینست که میتوانند از این نظر این را درست کنند

درست کردن که این بزرگ درست کردن سایر ساخته است که بعثت شیخ اکبر کریمیان علامه شیخ

نگاهی شرافت نهاد با این امکان و میتواند از این طبقه خود را کنند

لر زعفران نهاد سلیمان زنگنه بنت محمد معموزه استادیت از دانشمندان علوم راهنمایی اسلامی  
سینا شیرازی از اکادمی علوم اسلامی استادیت این مسند استادیت، با این تقدیر بزرگ و شرافت ای امیر

در میان اولاد امیر حسین بنوی ندین این در تدبیر است که برای پذیرش از این

لیک و پهپنیت رحمنام و تکیل رتفلمان، بجز مسلم کوچک علی

لزوم است این که در صفاتی در حتم این نکته باشد که این انتخاب را داشت  
۲۰۵

باعك فوزي فتح الله والسلام على أباك السيد محمد بن عبد الله

تأیید سیاست سادات سید ناجی الدین که به تأیید بزرگانی همچون حضرت آقا میر  
یعقوب مقبره رسیده است.

لار آنکه، در هر آن کار نیز همچنان که در آن کارها

A decorative floral pattern on a book cover, featuring stylized leaves and flowers.

دیگر دو زیرخانه ای که نیز در این مکان قرار داشتند از آنها اطلاعاتی در

لکه در دری کشیده اند کنگره از زوره اصلی ای را در لارا کرد. بعد و بعیج ترین میراث این

لـ ۲۸۱  
مـ ۶۰  
جـ ۳۷

ادمکل کار را پس از اینجا و پر فرع بگتم فرمودیم که کار در کاخ را بخوبی میگذرد.

۱۵۴  
امور حکومی در این مورد را در خود نداشتند. حوزه انتخابیه

عفو پرداخت مالیات آقا میر عبدالله و آقا میر ابوطالب (از سادات سید تاج الدین)  
توسط بهمن میرزا فرزند عباس میرزا

دوفن خود را باخواهید

دندن کے میت میہیت دناب علی سید رحیم ہریان پھر کا وحدتی

تقریب نامہ



معافیت پرداخت آقا میرشکور (از سادات سید تاج الدین) از حقوق اربابی

لهم ارحنا برحمتک

فرمان برباران تیر نعمت را که آنکه حب مذهب سرمهای دوچرخ

ف

اخوند ملاعید و هب جو سله اره لئے بن برداشی که از ایشان شاء طرف  
لذت پذیری

لذت پذیری هر چند یهاد شنید و امور حسبيه و اخوند و جو شرعاً هستم  
لذت پذیری

امراج اهلین له الدنای و صرف مسدود را در میاش خو علیه نعمت  
لذت پذیری

والله انتیه بین ب داشتی در کلمه امور ارجاوه رحی حاج

دکان محبر دک ف ۱۳۳۳ مسنه الاحقر والملکوی



اجازه امور حسبيه آخوند حلمی از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِ  
وَلِعَزَّةُ نَعْمَانٍ

عین از تیر در قهقہت میچن پر برد سہیں جسوس

طراف دندر بسیار زد و بودست تند حکایت از

ویدھم بہ خالے و سلیمان در درجہ رادھک شرعیہ و بہ رادھک

مشیر فتح علیه رحیم خان عالم سلام و نصر اعظم

چنی سعی بپردازی و فیض نه در بباریت در رحیمه داشت.

شروعی دز طرف، اذون دطران چن طرا و مه خطران



بسم الله الرحمن الرحيم  
اَهْمَرْ رَبِّ الْعِزَّى وَلَيَكُنْ نَمَاءٌ وَصَدَوَةٌ وَلَيَسْمَعْ كُلُّ حَمْدٍ وَلَيَخْتَفِي كُلُّ حَمْدٍ

دینِ اکمل میزین هر چیز فخر پسر و ساره دیده خیر آنها که جای بسط شده است  
اعظم نثار احدها و بخواه مردی عادل اکتم قریب تر مدت مدرق بدل ایمانی شد  
که در جهنم عالم زاده و مرجع شر عیسیٰ طه و خضر حیزب نام علیه و بر این طبق  
و بسلام و در در این حادثه علیه و عذریه و صفات فضیله و ممتازه  
و خندق کریمه و مرتب فتحه تقدیر و دانت و زاده جهانگرد رشید و ایمان و ایمان  
از جنوب احمد و رضی و احمد و رضی و احمد و رضی و احمد و رضی و احمد و رضی  
اینها در فتح احادیث و روایت در کسب عقبه علیه بسلام فرسانه  
و اوصیه ان لایعنی طریق اوصی طالع بر سید ایمان و فوز رسانی عصیانی و ایمانی  
ورزنه هزار حب ارجمند ۱۳۴۶

اجازه اجتهاد نقل حدیث و امور حسبيه آیت الله محسنی بدال آبادی  
از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْأَعْصَمُ لِلَّهِ وَكُلُّ مُخَاهِرُ الْمُصْطَوْرَةِ وَيَدُمُ عَلَى حُرْفِ صَفَرٍ وَيَضْمُرُ عَلَى حُرْفِ حَمَرٍ

-  
٦٤

و مع اکھار میں اپنے صحیح خواص و معاشرہ و پیدھن خوارج نام سے جو سلطنتی  
بھل ایضاً نہ تراوید اور حرام مروج بیکھا۔ آنحضرت صد عین بردا جو  
سکھ ہے کا کہ زوجہ عمارت و مروج بیعت تھا، خضرت خیر الدین صاحب  
و دادا رحمت ماست یا لیے شکریہ و چمیہ و صفت فیضیہ و میانیہ و خود  
جھوڑ دھنچہ تھوڑ دیانت و دل رہ جبکہ حمد و شوک و عتماد علیہ دل رہ  
جھوڑ دھنچہ اور شرکتیہ حق ایسا و دل رہ جھوڑ دل عقاید و دل خواہ  
احد دیت روئیہ در کتب سعیرہ ملک عالم دل کس ایضاً خشم دل دل دل  
و اوصیان لام کھاں ایضاً دل خطا نہیں سید ایضاً دل ان دل نے خاص

جعفر بن سلیمان



اجازة اجتهاد و نقل حدیث و امور حسبيه آیت الله محسنی بدل آبادی  
از آیت الله میرزا محمدحسین نائینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
كُلُّهُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَفِي هَذَا كُلُّهُ لِلَّهِ دُولَتٌ وَلَهُ

الظاهرين وعبد الرحمن عاصم خاتمة عاصمه

مدد حمد را بجز سکون و آرامی خیلی می بینید نه از رشتن شنیده و همیشه

وَهُوَ يَقْرَئُ الْكِتَابَ شَرِيعَةً مُبَارَّةً نَظَرِيْنِ قَاتِلٌ دُوَّاقٌ شَنِيْنِ ازْبَارٌ

در حصر اسر شریعه حاج آنها و در جریان خود دینهاست و مکان و دریا نهاد

دراخ دیش تهیه می‌گردد و نسبت درصد بایه می‌گیرد

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَذِهِ الْأَنْوَارِ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ يُنْشَأُ بِهَا

الله عز وجل نسبه نسبه نسبه نسبه نسبه نسبه نسبه نسبه نسبه نسبه

١٣٤٨  
جذري



اجازة اجراء عقود و ايقاعات و نقل حديث آخوند حلمی  
از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين وفضل صلاته وآياته علماً أشرف الأندلس وله عونان

ی

اطيبين بظاهرین و بهم حکم خانه نه جن سلطنت عَـ افضل داشتند

- درن

در حیدر خواجه ران و قریب قفع جمال بیگ نه از شاهزادین شاهزاده  
- حسین

و قریب اصلی از شرعیه نه نظریه نیست و دوست اش اش از قبل  
- سعید

در شرعیه حجاج ایشان در جراحت در ایقانت و کنایا در نظر داشت  
- اکبر

بر اخطه و نسب در حساب اهمیت مخصوص صدوات ایشان  
- صدوق

مشبه ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان

و مشبه خدی و سید بن طاووس و محدث سه مجلسی اصول ایشان ایشان ایشان

رسه ره لتب مقدمه دستبرده راندراست - اسرار خواجه ران

مردمی دل

اجازة اجراء عقود و ایقاعات و نقل حدیث آخوند حلمی  
از آیت الله میرزا محمدحسین نائینی

عَالِمٌ لَوْلَا تُرَدِّدَ فَنُولَمُونَ سَلَالَ الْمَسَابَةِ أَفَمُرْصَطُونَ أَمْ مُرْسَدُوْرُومُ

تاریخ ۱۷ / ۶ ماه ۹۰۰۹

ضمیمه



## وزارت داخله

ایالت آذربایجان

حکومت ماکو

نمره

خوازه افزاں خدروسخانه دار

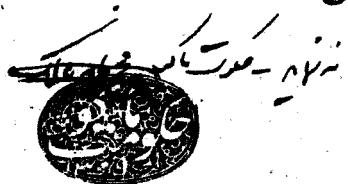
نظریه اداره صادرات و مسکن و زمین و زرده دار

و ساخت و ساز و زمین و مال و سرمه کشی و تأمین و توزیع

شرایعه از روزی ممال و قسم و بیان نهاده در قوه اسلامی

روابط و سفارت و سفارت و امور خارجی دار

خوازه افزاں خدروسخانه دار



تأیید آخوند حلمی از طرف حکومت ماکو

ل - ۵۱  
تاریخ / آماده ۱۳۴۵ / ۱۲

ضمیمه



وزارت عدالت  
ثبت اسناد و اطلاعات مملکتی

اداره

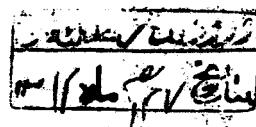
دانشگاه پرستی

نمره ۳۲۶۸۵

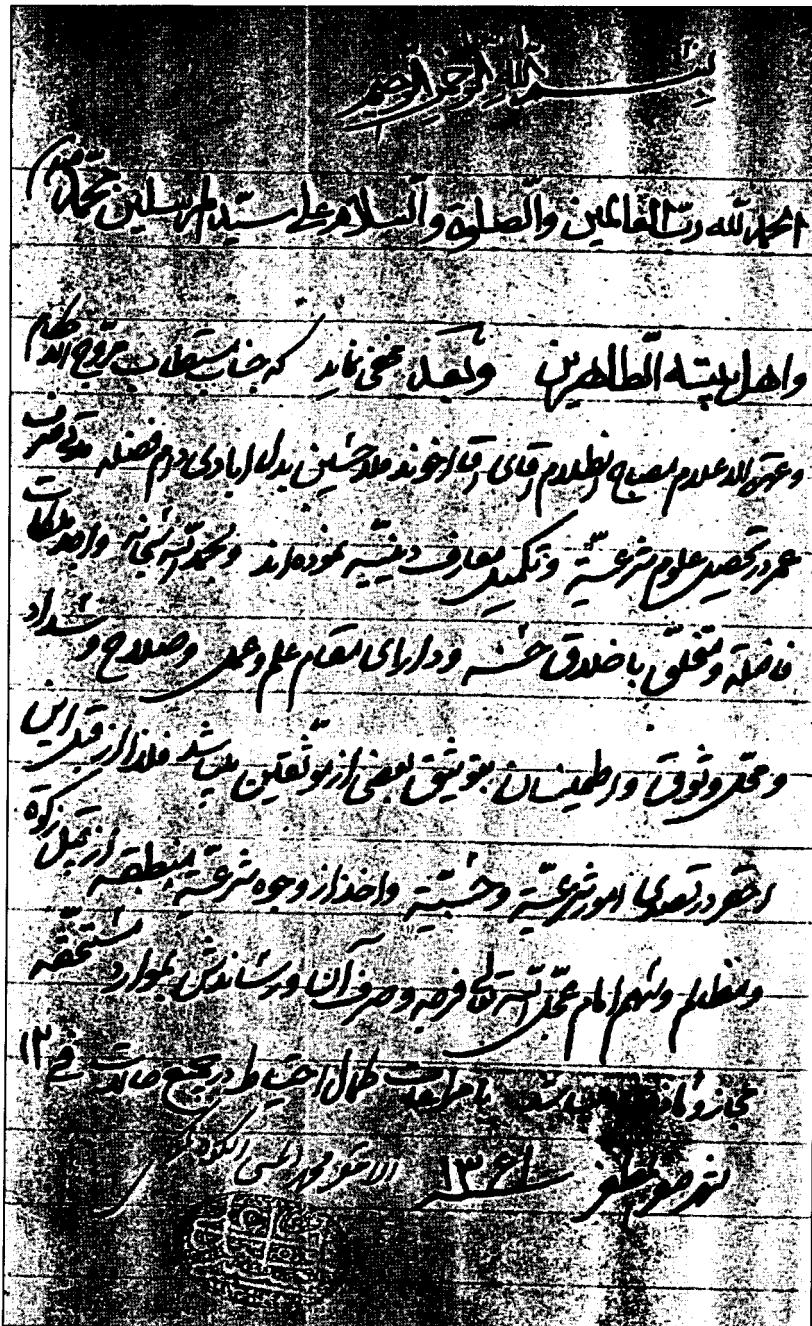
۱۱۱۲۸

جناب آقای شیخ حیدر حلمی

وزارت عدالت بسوجب این ابلاغ دفتر جنابعالی را در بلوک به به  
جگ خوی برای ازدواج و طلاق رسیت مهد هد  
وزیر عدالت



ابلاغیه دفتر ازدواج و طلاق آخوند حلمی از طرف وزارت عدالت



اجازة اجتهاد و امور حسبیه آخوند ملا حسین صادقی بدل آبادی  
از آیت الله سید محمد حجت کوه کمری



تأثید نسب نامه آقا سید علی النقی (از سادات سید تاج الدین)  
از طرف علمای قم و خوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَنْهَمَ اللَّهُ الْجَنَاحَ فَعَلَّمَ أَسَادَاتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلَمَّا مَرَّ

بِاللَّهِ وَبِرَبِّ الْعِزَّةِ أَكْلُ الْمَحْلُومَةِ وَأَنْتَ مَوْلَانِي وَأَنْتَ مَوْلَى أَنْفُسِي

العلي لاعي السراجون لا استكمان حدا المدى بغير قوى مساعدة فرقان

ابن سرخ سه قشت این نزد پسر و صدیقان بیکرد که همچنان خوب شد بهتر خود میباشد که خدا آن را برداشته باشد

ابن لا سید عی بن نبی محدث نبی صداق نبی نبی و ابن نبی نبی ایل نبی نبی نبی نبی نبی نبی

بن سبیح بن سیده حسن بن یحییٰ و رضی بن سیده ام ابی یحییٰ ام ابی یحییٰ فریدون بن سبیح بن سیده حسن

۷- جمیع اجنبیین نیز مجبور به اسلام نزد عرب ها که آنها را می خواستند قاتم باشند و در اینجا دویچه لندن  
که در اینجا نیز مجبور به اسلام نزد عرب ها که آنها را می خواستند قاتم باشند و در اینجا دویچه لندن

سَمِعَتْهُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ بِاللهِ أَكْبَرِ

لَا يَسْأَمُونَ الْمَسَكِينَ لَمْ يَنْهَا نَفْسٌ وَالْمَسَكِينُ هُوَ الْمُنْهَى إِلَيْهِ مَنْ يَرْجُوا رَحْمَةَ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَعْمَلُونَ

تأیید نسب نامه آقا میر ولی قرشی (از سادات سید ناج الدین) از طرف آیت الله سید علی کوه کمری و فرزندش آیت الله سید محمد حجت کوه کمری

## بسم الله الرحمن الرحيم

الله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه واسف بوفاة محمد  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الطيبين الطاهرين المعصومين ولعنة الله عزوجلها على من يسبهم

فليس في ديننا خيرٌ بحسب رفقة ما ذكرتني خدمة دو تحيين مصلحة ديني ودور حفظ  
نهضة هدى بصدق لبربرده وكم يهم طلاقه حدق حسر وصفات سمعت مني به ميلاده لذبح  
والتصدير من الكتبية كمزطباتن وحاجة حكم شرعاً تهان من جواز مكتبه ومحسن معجز  
أمير المؤمنين ووجه انتقامه حسرهم ببارك لهم عصري وعاليهم فضلهم فضلاً لهم ولهم دينهم  
مهلة دعوه لنهاده ديني بغير مقدار قتلهم خذلهم فربورده معتبرة منطبقه مصرفه  
وواجبه لذبحه ثم مروجته مكتبة علیکم اشرف بآيات بصير غافل وآلو  
دانه فرضية بغيره لغسله وملوك بغيره لغسله طلاقه ليس بغيره لغسله  
بسير لغسله طلاقه لغسله نافر صلح بغيره لغسله طلاقه لغسله

١٣٤٨ وسلام عليه وعاصم ذهننا بغيره وحترمه وبركاته تعالى ١٩٧٣  
سجدة رقمه فراره اهلاً لغسله بغيره لغسله ورثة ملوك بغيره اهلاً لغسله ورثة  
ما عشت ورثة اهلاً لغسله بغيره لغسله ورثة ملوك بغيره اهلاً لغسله ورثة اهلاً لغسله  
حرزه على عذر وارفع عنكها لذبحها بغيره اهلاً لغسله ورثة اهلاً لغسله ورثة اهلاً لغسله

خواص الحجوة والليلة



اجازة امور حسبيه حاج شیخ ابراهیم معصومی از آیت الله خویی که به تأیید  
آیت الله گلپایگانی نیز رسیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين صطفى ولهم حفظنا راز نله  
 الدهن خارج السلام عز الا عالم نجسه الا فضله صفة الباقي  
 ميرزا البراعم خطيب حوزي دام بركاته نظر الصالح وسلام ارجوا  
 حفظ مجاز سنه در امور شرعا وداخلي مظالم ومحابی  
 الملائكة ورحمهم لحال المسلمين بعد رحمة رسول الله حفظهم في  
 علومه من اجل الاحسان طلاق وذكر حججه من الدعا خلط المطافان وبر  
 بر ادوان دین مرتقب بست کر نعمت وحجه  
 را مختتم بسازید واجزت له رواية الاحد  
 الرواية عن الإمام علي بن ابي طالب عليه السلام  
 اليم وسلام على من يسمع المدرسين  
 سلام على المدرسين المعرضين  
 ١٣٧٩

بسم الله الرحمن الرحيم

الظرين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف برقة محمد زاده

الظاهرين وللمربي اعدائهم اجمعين الى يوم الدين

وبعد نظرنا في بحثكم طلبتم مسائل ثقافية جليلة العدد

موجّهة من ابراهيم معصومي خوش داشتنيا سنه دادا مرزا عز الدين

علم و عمل و لسانه تصفيات حسنه سنه الدافت

بيان و ماذون لم در تصدقكم انكم حسبيكم لا يجوز التغافل عن

الرسال للعالم البحري او ماذون عن قديم سنه و مذکون

در اخذ حقوق شرعاً منطبق بالان طلاق نزول

در در اخط اعید و مجهول طلاق و صرف در کوادر اصره

در عذر و ستر من زندرا خذهم بـ رـ اـ هـ اـ دـ اـ حـ وـ

خـ دـ اـ وـ صـ رـ لـ صـ فـ اـ دـ رـ صـ فـ دـ لـ كـ فـ وـ طـ لـ بـ وـ مـ صـ لـ

هزـ عـ مـ عـ لـ بـ خـ وـ مـ حـ دـ وـ نـ صـ دـ دـ دـ اـ بـ كـ فـ اـ بـ دـ دـ

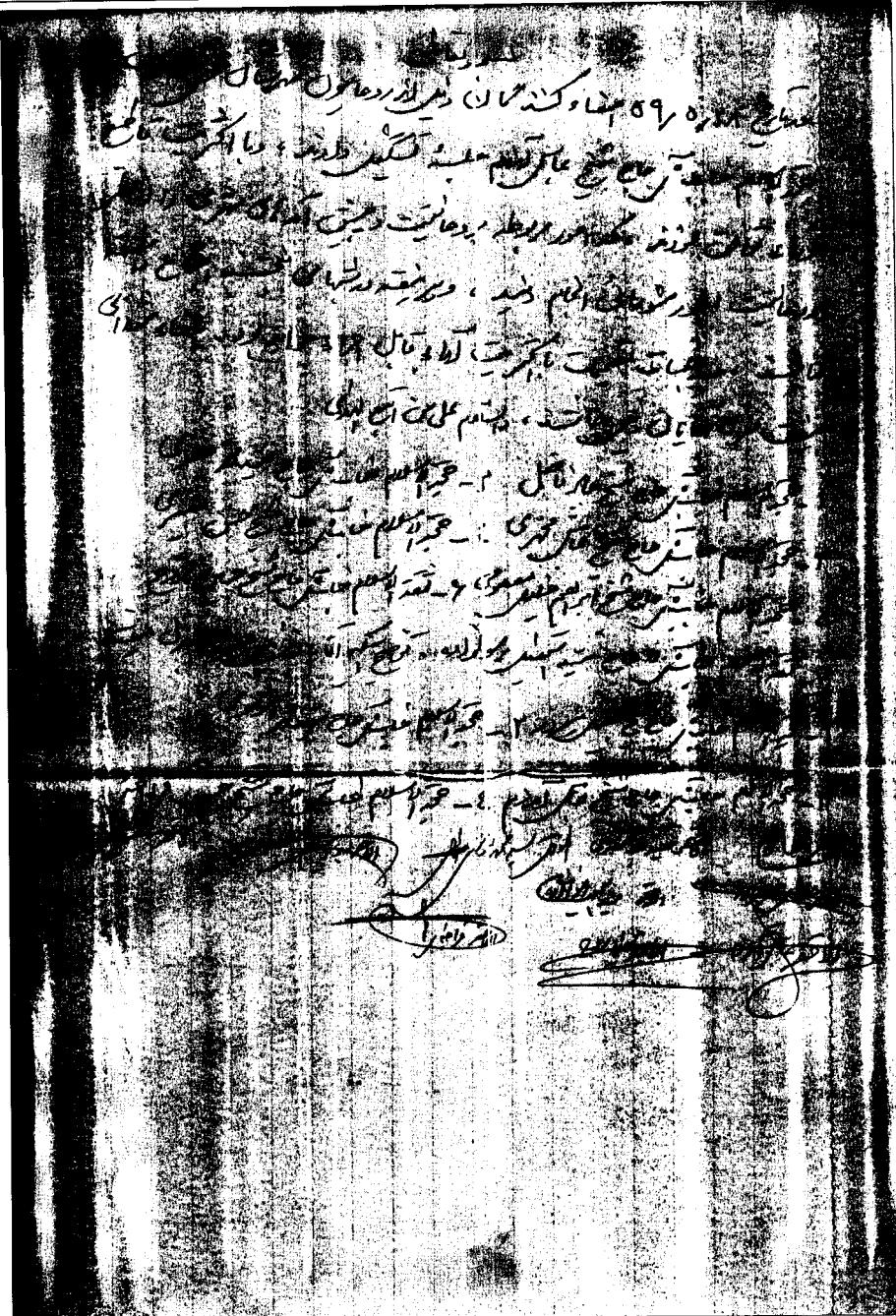
دـ دـ صـ فـ دـ دـ لـ كـ عـ عـ لـ كـ قـ بـ بـ دـ دـ اـ وـ صـ بـ دـ دـ اـ بـ

فـ اـ نـ لـ يـ لـ يـ بـ بـ لـ بـ عـ لـ بـ لـ بـ لـ بـ لـ بـ لـ بـ لـ بـ

دـ دـ لـ عـ اـ مـ دـ دـ حـ دـ دـ حـ

محمد زاده





صورة جلسة روحانیت خوی و انتخاب شورای روحانیت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالْكَيْمُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَضَلَّ السَّادَاتُ تَبَيَّنَ الْجَعْلُ  
بِالْفَضْلِ الْجَلِيلِ وَمَرْفُهُمْ بِأَفْوَى الْوَسْلِيَّةِ يَا شَفِّيْلِ الْعَالَمِينَ  
وَالصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ مِنْ أَهْلِ الْهُدَى  
الْعَالَمِيْلِ الْأَعْلَى بِثَرَافَتِهِ «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اعْلَمُ عَلَيْنَا بِإِحْرَارِ الْأَمْوَالِ»

اما بعده : مسماح خامه جان فروز در افغان باهای ان ده یا صدق شان نهاد پک عویض ملکه  
چون خواب در رات نسبت بهی سیار فروکش کرد چیزی بز نسلخی میزد لاحب نمیگشند تم تقویت بخت  
غذای اطهار بز نسب سلاط عالید بجات از او بحسب جات و نهم متحاب است با عیند احتجت بست و بحسب  
نید محمد صالح بن سید ابراهیم میرزا بدهم غیره سهاده افغان بران احمد علیه بالان زاده امان پیغمبر اعلیٰ  
محمد حسین علی محمد حسین ترکی بخواهی محمد حمود حسین نیده محمد حسین حضرت امام الہمام مؤمن المکاظم یا علی  
کرام پیشوائی بن جان و مهدیات برگاطهم من الشفیعین هن الادس واضح و لایح است و همین قدر فرموده است  
حالیست هن لاشون با قران قدر بخواهی محل و بنی اسرائیل والادب و مللات مشتمی لکم و مید لکاظم فرزند و فخری شنبه خواه

شیعیان معظم ۱۴۰۲ هجری شمسی

١٤٠٢ محرى نهران  
بيان العظم

تأثیر نسب نامه سید محمد صالح موسوی (از سادات سید تاج الدین) از طرف علماء

چه فرمایند علمازیرجه و فقها رئی مشترکه که زردا مشالم یعنی که مشترکه  
 دو نظر هم یا که در مخالفت باشند تمام خواه را اولین مرتبه در مسلمه مذکور  
 داشتند متفق شدند از طرفین خواسته مژده چهارمین مسلمه ترا عرضه آمد  
 و ادله مژده پایان یافته و هر کام چنانچه مژده شدند مذکور شدند و با قسم  
 حزوده و بامه و نکول کردند فنا مسخره خصوصی مژده ایجاد شدند  
 در مسلمه مذکور میگذرد که مژده او اعدل شدند اعلیٰ موضع باشد و هر کام مذکور  
 میگذرد که از آن دو نظر اقام کرد و با قسم حزوده در صورت عجز از مژده تمام  
 میگذرد و میگذرد که اهل ادب شدند که میگذرد و با این قسم حزوده است در صورت عجز از مژده  
 بین این دو احتمال است

استفتاء از آیت الله شیخ هادی تهرانی از سوی آخوند حلمی و جواب معظم له

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابن حجر العسقلاني واصفهانی واسلام علی سیدنا مهرالله طیبین طاهر بن حماد.

پیغ اخوان رئیسین پرشنی شعیب سلام به علیه السلام بحدار در پیش است  
داد جایست که در حکایت علم دینه در نفع تعالی شرعیه عالم ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵  
برجع نمایند و در عواید علم اسلام در میان حداستی عالم اسلام اطمینان داشت  
سرنیشیده در فرماج سرزنشق فاسد است خواست که ز حفظ علیه السلام  
نمایند و کمال چهار را در حکایت علم شرعیه بجز نزدیک بجهود این افراد خواست  
جایست عالیه فارسکه دلذتگیرت در عواید همچو کوکول و لند در عواید این افراد  
خدم شرع دند پسندان نموده و حکایت بهم طلب شد و درین فرایند این افراد  
این را در مفاده در حکایت نزد قدر صرف برداخته اند و می‌گذرد  
در آن دیده این افراد دلیل در این دلیل در دیده این افراد در این دیده این افراد  
نمود و بحث اخوان رئیسین نیز  
این افراد این طرز حفظ این کاملاً ممکن است که این افراد این کاملاً ممکن است که این

اجازة امور حسبيه آيت الله حاج مير شفيع تهامي خويي  
از آيت الله سيد محمد کاظم طباطبائي يزدي

عَمَّارُكَ

حضرت سَقِيقَةُ الدِّسْدَمِ دَبَّيْنَ هَبَّهَنَ فِي الْمَرْضَى هَرَقَّ

دَرَسَ بَلَّا

مَرْكَبَ

صَبَعَطَ بِهِ لَهَلَّارَ هَرَجَ حَوْزَهَ عَمَدَ حَوْزَهَ دَلَّ

دَرَكَتَ بَدَا فَرَهَ سَهَرَ عَرَفَهَ دَارَهَ  
الْأَحْمَاءَ بَلَّهَ الْمَوْرَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَابَ سَطَلَهَ قَهْرَانَ حَبَّ ، بَوَلَ دَلَّ زَيْنَهَ

دَلَّصَهَزَ لَهَرَ ثَرَعَسَهَ دَهَلَلَهَ رَفَقَ دَارَهَ صَادَهَ

آَئَهَ فَرَهَهَ الْمَدَسَرَ عَسَبَهَ كَهْرَمَهَ هَرَهَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 أَمْرُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
 وَسَلَّمَ  
 دِينُهُ طَهِيْرٌ الطَّاهِرُونَ وَالْغَنَّمَ حَمَدُهُمْ جَمِيعُهُمْ وَبِذَلِكَ أَنَّ  
 صَفَرَ  
 وَالْقَضْلَ الْبَشِيرَ الْجَمِيعَ مِنْ خَلْقِهِ إِذْ أَدَمَ لَهُمْ  
 هُمْ  
 حَمَرٌ فَتَحَصَّرُونَ لِمَرْءَةٍ وَتَسْقَحُونَ  
 لِهِمْ صَوْلَاهُ وَجَهَهُ  
 حَرَزَهُ بِالنَّصْبَيْنَ الْأَدَوْرَ وَرَاسَهُمْ الْأَشْرَحَيْنَ مَرْبَيْهِمْ  
 حَرَزَهُ  
 فَعَوِيْهُمْ بِهَا نَاهَهُمْ مَرْبَيْهِمْ وَلَهُمْ لَعْنَاهُ  
 يَسْتَبْطِئُونَ  
 أَشْرَعُهُمْ بِهِمْ لَهُمْ مَتَّعْرِفُونَ بَيْنَهُمْ لَهُمْ عَدُوْنَ وَلَهُمْ  
 مَلِكُوْنَهُمْ  
 وَاجْرَتْ لَهُمْ رِوَى غَرْبَهُ صَحَّ لَهُمْ رِوَايَتْ  
 وَسَنَنْهُ لَهُمْ لَهُمْ لَهُمْ رِزْقَهُمْ هَذِهِ وَالَّذِي لَهُمْ  
 لَهُمْ  
 لَهُمْ طَافَ لَهُمْ سَبِيلُهُمْ وَالَّذِي لَهُمْ  
 لَهُمْ  
 الْأَحْقَرُ آتَوْهُمْ الْمُؤْرِسَيْ  
 الْأَصْبَارَ الْأَيْمَانَ

اجازه اجتهاد آیت الله حاج میر شفیع تهمامی خویی  
 از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

لِتَعْمَلُ الرَّحْمَنُ

سُجْدَةِ الْمَنْ وَتَحْصِلُ بِهِ الْعِلْمُ عَلَى دِمَاءِ الرَّسُولِ وَالْمُحَمَّدِ وَذَرَرَ لِلْأَيْمَانِ وَتَحْسِلُ بِهِ  
أَرْبَعَ الْأَيْمَانِ وَسِدَّدَ الْأَيْمَانَ وَعَلَى الدِّرْكِ أَكْرَمَهُ لِلْأَيْمَانِ وَتَحْصِلُ بِهِ  
وَالْعَصْلُ الْكَلِيلُ خَاتِمُ الْمُعْقَلِ الْمُسْوَلُ حَادِي الْفَرْعَوْنِ وَلِلْأَعْوَالِ الْمُرْسَلُ وَالْمُجْلَسُ  
الْأَمَانُ وَلِلْأَنَافِي مِنْ صِرْفِ شَرِهِ الرِّزْقِ فَتَحْصِلُ رِئَاطَ الْمُنْتَهِ وَتَسْلِي أَهْلَكَ  
صَاهِرَيْهِ فَتَرْكِي الصَّاهِيرَ الْأَعْلَامِ وَهُوَ حَدَّالُمُ وَأَعْدَدُ الْمَكَافِتُ الْأَنْدَارُ الْأَنْدَارُ  
الْأَحْمَادُ وَسِرْلَدُ الْأَبْعَرُ مَا سَطَرَ عَنِ الْأَدَلِمِ مُصْلِيهِ مِنْ رِئَاطِ الْمُرْسَلِ وَالْأَوْلَادِ الْأَوْلَادُ  
أَحْسَنُهُ الْأَنْجَى مِنْ الدَّسَهِ وَأَحْرَثَهُ الْأَنْجَى مَدِيَهُ مَهْمَدِيَهُ طَافِيَهُ الْأَنْجَى  
الْأَسْرَطَهُ دَلَّاجِيَهُ حَيْرَهُ لَعْمَيَهُ تَحَادِرُهُ مُسْلَكُ الْأَحْمَاطِ الْمُعَاصِرُ دَلَّلُ الْأَسْرَطَهُ وَلَرَجَعَ



اجازه اجتهاد آیت الله حاج شیخ محمد باقر شریف  
از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

برگشته

بی عذر

امداده در در کا هدف

هر مردم هر کس

زده

که همین سیدم

سر زده که طلب راه همراه می شد

محلن را

ذوق د و فرط ط اور همراه همراه می شد

لای عالم طلب

که شو

محروم

دعا که عجی بر این شمع خود پندل است

پر از

حصیر دم

دیں نام چهار سخنی اور ندر رهجه خود خالی کرد

شیوه

که در بنا وجود همراه لای دیا شم

دی همراه می شد

در هر عله اور شروع می شد

فران و فنمه ده مکاره در گلستان

دیلم خرم دیا شد

اجازه امور حسبيه آيت الله حاج مير شفيع تهامي خوي

از آخوند خراساني

# هُوَ الْأَقْوَدُ هُوَ الرَّجُلُ

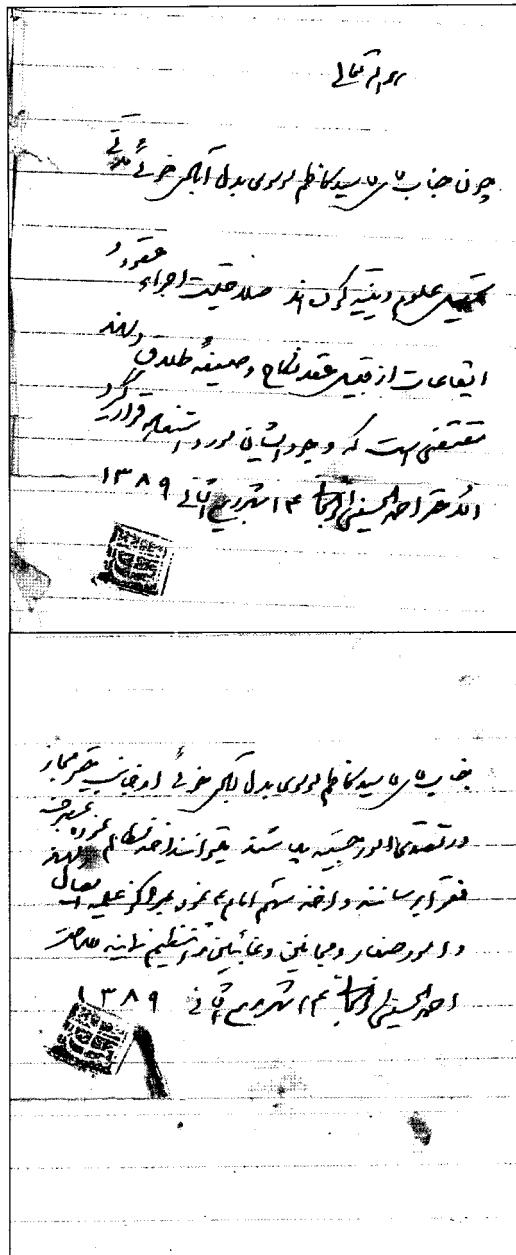
در مردم عذر حرم المرام ۱۳۸۹ هجری شمسی صلی الله علیه وسالم خضرگردید زنجاب آغازین  
 دامائی ملا سعید خلیفه ای خلیفه علام و داکت پدرش میر خلیفه علام شهید ولد امیر کنین فریدین شمشیری  
 دویجه الحجه بعینان قصیده عذر و صیغه ایشی نخوازند و هر راه از ارشاد  
 شکر کشم علیک آنها بایسته ملکه دسیمه باستاشا ملکه ابی و ندا رجویا را و دلها  
 ملکه کشم نجودیان بایسته حق بصر علیه در دین آنها بایسته و بخلی دفن ملائیش  
 قبر استاد علی حق ملکی رودید که مومنین لر بمحاجه ای آن معتبر علیه مستقید شوند و فتح  
 بزر شعلق بعین علیه بایسته و صیغه قصیده عذر طاف دلها قصیده حرم جباری رودید و در  
 نصرت تحمله نخوازند و متعال را فلا قصیده حرم قبول خواهد و اجر جزئی عطا فردا داد  
 لکم بر سر و قضاۓ روز علی (گردیده مردم) ۱۴/۱۶/۱۳۸۹ هجری شمسی  
 امیر سید نجف سید ولیلو امیر سید سعید شمشیری امیر سید علی چانی

تقدیم و قرع بهار قمی المتن بالطاع لذلک اسرار و جریت همهی العوqقیله ایل السادات  
 میر سید نجف سید ولیلو

میرزا امیر ۱۳۵۷ قبضی و محل است راهنم مهری ولی آن (اوجاق) تورط

هست که در تحریر و تدوین آن است <sup>سکونت</sup> راهنم مهری ولی آن (اوجاق) تورط  
 هست سید علی‌خانی فرزند راهنم مهری ولی آن سید علی‌الدینی مقطوعه نهضتی واقعه  
 رطف شرق زیر نفاه آقا قدری سید علی‌الدینی مقطوعه نهضتی واقعه  
 مژده معراجیت بسته بزرگان به معتبره امامزاده نهضتی واقعه  
 و ملاک طلاق (امزاده) مردم بارض و عیش طلاق شده، خداوند متعال  
 قبل فخر امجد ب ملت مهری ولی و محبوب از در  
 اراده اهل حکمرانی الای بد صادق دهم راضی خیر هفت عظیمه بر وابی شد معتبره ایان  
 اسد ملک آن نیز هم به واقعه بزرگان سید علی کوچک از این طلاق  
 سه هزار و خیل آن راهنم مهری ولی و راهنم مهری ولی  
 کمالی ای امداد مولانا  
 راهنم مهری ولی و راهنم مهری ولی

قبض وصول ثلث سهم مرحوم ولی الله به امامزاده سید تاج الدین



اجازه اجراء عقود و ایقاعات و امور حسابی  
مرحوم سید کاظم موسوی  
از آیت الله سید احمد شبیری زنجانی



به پاس تجلیل از پدر بزرگوارم مرحوم علی الوانساز که در عمر ۴۸ ساله خود درس زندگی  
به من آموخت و مرا با خاندان پیامبر رحمت و مهربانی آشنا ساخت، ثواب این اثر شریف  
را به روح پاک ایشان تقدیم می‌دارم و از خداوند متعال خواهانم که روحش را شاد و از  
ما راضی گرداند.

---

## نمایه‌ها

نامها و خاندانها  
جایها  
کتابها و نشریات

---



## ♦ نامها و خاندانها

- آذرکیوان، ۱۳۴  
 آزرم، عباس (شیخ)، ۲۲، ۱۴۰، ۱۳۹-۱۴۰  
 آزرم، علی اکبر (حاج)، ۱۱۶، ۱۳۹  
 آقا اصغر، ۷۵  
 آفاسی، حسن، ۲۸۶  
 آفاسی، محمد، ۱۴۱-۱۴۳  
 آفاسی، مهدی (خان)، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۴۱-۱۴۳  
 آندرانیک، ۱۷۱-۱۷۲  
 آیتالله، ۴۵  
 آیتالله، علی التقى (حاج سید)، ۱۶۸  
 آملی، هاشم (آیت الله میرزا)، ۲۴۴  
 آندرانیک، ۱۷۱-۱۷۲  
 آیتالله، ۴۵  
 آیتالله، زهره (دکتر سیده)، ۱۴۹  
 آیتالله، زینب (سیده)، ۱۴۹  
 آیتالله، شهره (دکتر سیده)، ۱۴۹  
 آیتالله، فاطمه (دکتر سیده)، ۱۴۹  
 آیتالله، مجید (دکتر سیده)، ۱۴۹  
 آیتالله، هاله (دکتر سیده)، ۱۴۹  
 ائمه اطهار (ع) ← ائمه هدی (ع)
- ائمه هدی (ع)، ۱۸، ۳۸، ۲۵۳  
 ابراهیم (امیر)، ۸۳-۸۴  
 ابراهیم (حاج میر)، ۲۲۱  
 ابراهیم (ع)، ۱۸۳  
 ابراهیم آقا (آقا)، ۲۳۱  
 ابراهیم بن حسین بن علی بن حسین (ع) (سید)، ۸۳  
 ابراهیم پاشا، ۱۲۸  
 ابراهیم تاجر (حاجی)، ۱۱۴  
 ابراهیم خلیل خان (سرتیپ)، ۱۰۰  
 ابراهیم خلیل، (حاجی)، ۱۵۲  
 ابطحی اصفهانی (آیت الله)، ۲۴۴  
 ابوالفضل العباس (ع) (حضرت)، ۱۲۱-۱۲۲  
 احتاقی تبریزی، عبدالرسول (میرزا)، ۲۰۸  
 احمد (جلابری، سلطان)، ۸۶  
 احمد بیگ، امیر، ۸۴  
 احمد مختار ← محمد (ص)  
 احمدینا، محمود (شهید سرهنگ)، ۲۳۸  
 احمدی، احمد، ۱۲۲  
 اخطاری، محمدحسن (حاج)، ۴  
 اخوان، عبدالله (میرزا)، ۲۱۹

- امام موسی بن جعفر (ع)، ۹، ۱۹، ۲۵، ۵۵، ۵۸، ۶۲  
 امامی خویی، محمد امین (صدرالاسلام)، ۸۳، ۹۲  
 ۱۱۳
- امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) ← امام علی (ع)  
 امیری، منوچهر (دکتر)، ۱۳۰  
 امین (سید)، ۱۰  
 امین دیوان (امینی خویی)، میرزا محمود خان، ۱۶۸  
 امینالاسلام (حاج)، ۳۰۱  
 امین الشرع خویی، ابوالقاسم (آیت‌الله میرزا)، ۴۷  
 ۲۷۸، ۱۱۴، ۷۹، ۷۳  
 امین‌الله (سید)، ۲۷۱-۲۷۲  
 انوشیروان، ۱۳۴  
 اوژن اوین، ۴۶، ۵۴، ۱۷۲  
 اهل بیت (ع)، ۱۸، ۲۲، ۲۱-۲۳  
 ایروانی، عبدالنبی (حاج شیخ)، ۲۱۵  
 ایزد دوست، بیوک آقا، ۲۲  
 ایوبی (قوم کرد)، ۱۳۴
- بادامچی، جلیل (حاج)، ۲۲۲  
 بادبک، پیرعلی، ۸۶  
 باقدرهای خویی، محمد (شیخ)، ۲۳۱  
 باقر (آقا سید)، ۳۶  
 باقلو، سلیمان، ۵۶  
 بايزید دوم، ۱۲۹  
 بحرالعلوم، مهدی (آیت‌الله سید)، ۴۶-۴۷  
 بحرانی، غلامرضا (حاج)، ۴  
 بختیاری‌نژاد، علی (سید)، ۹۴  
 بختیاری‌نژاد، یحیی (حاج میرزا)، ۲۹۰، ۹۴  
 بدراذین گهرتاش (امیر)، ۱۳۲  
 بدلابدی (حاج آخوند)، ۲۶۰  
 بروجردی، حسین (آیت‌الله حاج سید)، ۲۱۳-۲۱۴  
 ۳۰۴، ۲۷۱، ۲۴۴، ۲۲۶  
 برهان (سید)، ۱۴  
 بصیری، حسن (حاج شیخ)، ۱۱، ۱۲، ۳۰-۳۲  
 ، ۱۱۴-۱۱۵، ۱۰۷-۱۰۸، ۷۴، ۴۹-۵۰، ۳۷-۳۸  
 ، ۲۱۶، ۲۰۳، ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۹۹، ۱۱۸  
 ۳۰۴، ۲۷۴، ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۳۲، ۲۱۹
- ادیب تهرانی، محمدعلی (حاج میرزا)، ۲۰۸، ۲۱۵  
 اراکی، محمدعلی (آیت‌الله شیخ)، ۲۴۴  
 اردبیلی، محمد (آیت‌الله سید، مقتنی الشیعه)، ۲۴۴  
 ارسسطو، ۱۲۴  
 اسدالله (حضرت آقا میر)، ۲۵-۲۶  
 اسکندر، (حاجی)، ۷۷  
 اسلام پرست، علی (شیخ)، ۲۰۸، ۲۷۸، ۲۶۵، ۱۴۷  
 اسماعیل (حاج میر)، ۲۸  
 اسماعیل (سید کربلاجی)، ۲۸  
 اسماعیلی، امید (کیا بزرگ)، ۱۲۴  
 اسماعیل بیگ، امیر، ۸۴  
 اصغرثزاد، محمود (حاج شیخ)، ۲۴  
 اصغری، غلامحسین (حاج شیخ)، ۳۰۲، ۲۶۸  
 اصفهانی، ابوالحسن (سید)، ۱۶۴، ۱۸۵-۱۸۶، ۲۰۰، ۲۵۸-۲۵۹، ۲۱۹، ۲۰۸  
 اصفهانی، اسدالله، (حاج)، ۲۴۳  
 اصفهانی، محمدحسین (آیت‌الله شیخ)، ۲۶۵  
 اعلمی، عبدالحسین (آیت‌الله حاج شیخ)، ۳۰۷، ۲۲۵، ۱۹۷، ۱۵۷، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۳۹-۱۴۰  
 اعلمی، محمد (سرهنج)، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۳  
 افلاطون، ۱۸۲، ۲۲۴  
 افلاکی، ۱۲۶، ۱۳۱-۱۳۳  
 اکبرلو، زین‌العابدین (حاج شیخ)، ۳۰۲  
 امام جمعه خویی، یحیی (آیت‌الله حاج میرزا)، ۱۴۹، ۱۹۷  
 امام جمعه، حسین (حاج آقا)، ۱۱۶  
 امام حسن عسگری (ع)، ۴  
 امام حسین (ع)، ۲۶، ۳۷، ۴۲، ۳۷، ۶۴، ۷۷، ۱۱۳، ۱۱۵، ۲۲۶، ۲۰۸، ۱۹۲، ۱۵۸، ۲۲۴، ۲۳۷  
 امام رضا (ع)، ۱۰، ۱۹  
 امام زین‌العابدین (ع)، ۳۵، ۴۱، ۳۵، ۲۹، ۴۵، ۵۹، ۵۵  
 امام سجاد (ع) ← امام زین‌العابدین (ع)، ۲۰۷، ۱۹۱، ۱۶۳  
 امام علی (ع)، ۱۱، ۴۶، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۱۵، ۱۰۱، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۰۷-۱۰۸، ۷۴، ۴۹-۵۰، ۳۷-۳۸  
 ۱۸۳، ۱۶۴، ۱۵۱، ۱۲۲، ۱۱۵، ۱۱۰، ۱۱۸  
 ۲۲۹، ۲۰۴

- بکانی، محمدحسن (حاج شیخ)، ۲۱۶، ۲۴۷، ۳۰۴
- بکناتش ولی خراسانی (حاج)، ۱۲۸-۱۲۹
- بلغاری گلبلغاری نخجوانی، حسن (شیخ)، ۸۵
- بنی عباس، ۴
- بنی فضل (آیت الله)، ۲۶۳
- بهرامعلی (سید)، ۱۱
- بهلول (امیر)، ۹۳، ۹۰
- بیگم، شیرین، ۳۶
- پارسا، علی اصغر (حاج)، ۱۵۲
- پارسا، محمددرضا (حاج)، ۱۶۸
- پارسای خوبی، محمددرضا (حاج)، ۱۳۴
- پایانی اردبیلی، احمد (آیت الله شیخ)، ۲۳۵
- پچری، ابراهیم، ۱۲۸
- پرویز خان، ۱۰۰-۱۰۲
- پرویزی، شریف الدین، ۱۰۱
- پرویزی، شمس الدین، ۱۰۲
- پسیان کشاف الاسرار، محمدعلی گلپسیان، محمدعلی خان
- پسیان، محمدعلی خان، ۱۰۱-۱۰۳
- پکیار، محمود (بهلوان)، ۹۳، ۹۱
- پورناتاکی (شیخ آقا)، ۱۸۶
- پوریا، محمد (بهلوان)، ۹۱، ۴۸
- پوریای ولی (بهلوان)، ۸۹-۹۴
- پهلوی، محمد رضا (شاه)، ۱۰۷
- پیامبر گلپیامبر محمد (ص)
- پیر عمر نخجوانی، ۱۲۷، ۸۵
- پیر ولی گلپیر ولی (بهلوان)
- پیر عمر نخجوانی، ۸۵-۸۶
- پیشمناز نوابی، علیاکبر (شیخ)، ۲۹۵
- پیشمناز، خلیل (حاج شیخ)، ۲۱۸
- پیشه‌وری، جعفر (سید)، ۱۴۵-۱۴۶
- پیغمبر اسلام گلپیغمبر محمد (ص)
- تائب، ۱۶۲
- تاجر باشی خوبی، ۱۷۰
- تاجر، هاشم (حاجی سید)، ۱۱۴
- تازه کنده (قاسمی خوبی)، اسدالله (حاج شیخ)، ۲۶۱، ۲۲۲
- تبیریزی، جواد آقا (آیت الله میرزا)، ۲۴۴
- تبیریزی، عبدالمناف (میرزا)، ۱۶۷
- تبیریزی، کاظم (آیت الله میرزا)، ۲۴۴
- تجلیل تبریزی، ابوطالب (آیت الله شیخ)، ۲۲۴
- تحسین یازیجی، ۱۲۴
- تریبیت، محمدعلی، ۱۳۳-۱۳۴، ۷۳
- ترکمان، قرا محمد، ۸۶
- تسوجی، علی (حاج شیخ)، ۱۵۷
- تفی (کربلاجی)، ۲۰۷
- تنکابنی، محمدحسن (شیخ)، ۲۰۸
- تهامی خوبی، شفیع (آیت الله حاج میر)، ۲۱۵، ۱۶۳، ۲۰۸
- تهامی، حسین، ۱۶۴
- تهامی، دولت (سیده)، ۳۲
- تهرانی، محمد، ۲۵۴
- تهرانی، هادی (آیت الله شیخ)، ۱۵۱، ۱۶۷، ۱۸۰
- تیمور، ۸۶
- ثابت خوبی، حسین (ملأا)، ۱۶۵
- جان، (سیدآقا)، ۱۰
- جعفر بیگ، امیر، ۸۴
- جعفر طیار، ۱۱
- جعفری، محمد (میر)، ۵۶
- جعفری، محمدرضا (حاج شیخ)، ۲۲۷، ۲۴۹، ۲۸۶
- جلال الدین (حاج سید)، ۳۰۱
- جلال الدین بلخی گلپلخی مولوی
- جمشید (امیر)، ۹۳، ۹۰، ۸۳-۸۴
- جیمز موریه، ۱۳۰
- چرخگر، حبیب، ۴۴
- چرخگر، حسن، ۴۴
- چلبی، حسام الدین گلپحسام الدین چلبی

- چورسی، محمد بن عبدالرحیم (آخوند ملا)، ١٧٥  
 چهرقانی، محمد (شیخ)، ٢٠٨  
 چهل ستونی، حسن (آیت الله میرزا)، ٢٤٤
- حائری یزدی، عبدالکریم (آیت الله حاج شیخ)، ٢٥٩، ٢٤٧، ٢٣١، ٢٠٨، ١٨٩  
 حائری، محمد علی (شیخ)، ٢٨٢  
 حاج آخوند گه غلامعلی (حاج شیخ)  
 حاجی بیگ، امیر، ٨٤  
 حاجی قلیزاده، ولی (شید حاج)، ١٧٧-١٧٨  
 حاجیلاری، عبدالوهاب (حاج شیخ)، ١٨٠  
 حافظ (شیرازی)، ١٣٥  
 حافظ ابرو، ٨٦  
 حافظ حسین (کربلایی)، ٨٥  
 حبیب (آقا سید)، ٥٥  
 حبیب بن مظاہر، ١١٣  
 حجت، محمد (آیت الله سید)، ٢٠٨  
 حسام گه طاهری چورسی، محمد علی خان (میرزا)  
 حسام الدین چلبی، ١٢٦  
 حسن (آقا)، ١٤٥  
 حسن (حاج سید)، ٨٢  
 حسن (سید) گه حسن بابا (سید)  
 حسن بابا (سید)، ٢٩، ٣٥، ٤٥، ٨٢، ٨٥، ٨٤  
 حسین (سید)، ١٤٧  
 حسین (آقا سید)، ٥١  
 حسینقلی (کربلایی)، ٢٣١  
 حسینی خوبی، ٤٥  
 حسینی خوبی، اسماعیل (حاج میر)، ٢٧٧  
 حسینی خوبی، رضا (سید)، ٢٦٦-٢٦٧، ١٦٨-١٦٩  
 حسینی خوبی، یعقوب (حاج میر)، ١٠، ٥٤، ١٦٧  
 حسینی کوه کمری، عبدالعلی (آیت الله حضرت آقامیر)، ٦٥، ٢٩-٣١  
 حسینی کوه کمری، حسن (سید)، ١٨٨  
 حسینی کوه کمری، رحساره (سیده خانم)، ٦٧  
 حسینی کوه کمری، محمد (میر)، ٦٧  
 حسینی، اسماعیل (کربلایی میر)، ٢٧  
 حسینی، جلال (سید)، ٢٨
- حسینی، جمال (سید)، ٢٨  
 حسینی، زهرا (سیده)، ٦٥  
 حسینی، عزیز (میر)، ٦٧  
 حسینی، عصمت (سیده)، ٦٧  
 حسینی، علی (سید)، ٢٨  
 حسینی، علی افسر (سید)، ٢٨  
 حسینی، محمد علی (میر)، ٦٥  
 حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) گه امام حسین (ع)  
 حضرت ابوالفضل العباس (ع) گه ابوالفضل العباس (ع) (حضرت)  
 حضرت امیر المؤمنین (ع) گه امام علی (ع)  
 حضرت ثامن الانئمہ (ع) گه امام رضا (ع)  
 حضرت رضا (ع) گه امام رضا (ع)  
 حضرت زهرا (س)، ١١، ٢٠٤  
**حضرت سید الساجدین (ع) گه امام زین العابدین (ع)**  
 حضرت سید الشهدا (ع) گه امام حسین (ع)  
 حقولی (سید)، ١٠  
 حکمیم، محسن (آیت الله سید)، ٢٠٨، ٢٢٦  
 حلمی مهاجر، حیدر (ملا)، ١٨٥  
 حلی، حسین (آیت الله شیخ)، ٢٤٤  
 حیدر کرار گه امام علی (ع)  
 خاقانی، ١٣٣  
 خان لک، اسماعیل (حاجی)، ١٠٠  
 ختایی، علی اصغر (شیخ)، ١٦٧  
 خداوردی، (حاجی)، ١٦١  
 خراسانی، محمد کاظم (آیت الله آخوند ملا)، ١٦٤، ١٥١  
 خسرو پرویزی، حسام الدین، ١٠١  
 خسرو خان، ١٠١-١٠٢  
 خضرلو، علی (حاج شیخ)، ١٨٧  
 خضرلو، محمد حسن (سعود)، (شیخ)، ١٨٧-١٨٨  
 خلیل خدا گه ابراهیم (ع)  
 خلیل معصومی، ابراهیم (حاج شیخ)، ٢٧٣، ٢٧٥  
 خلیل زاده، عبدالصمد (حاج شیخ)، ٢٠١

- ذهبيه (سلسله)، ١٠٠
- راز شيرازى، ١٠٠
- رازى، شمس الدين (شيخ)، ٨٥
- رایض الدین زنجانی، عبدالکریم (میرزا)، ٩٩
- ربابه خانم، ٢٣
- رباطي، حسين (سید)، ١٠١
- ربطي، على (ملا)، ٣٠٣
- رسنم (ملا)، ٤٨
- رسول (آقا میر)، ٢٢٥
- رسول خدا (ص) ← محمد (ص)
- رسول عربي ← محمد (ص)
- رسول زاده، اسماعيل (حاج میر)، ١٩٣، ١٩١، ١٩٦، ٢١٦
- رضايي، ابراهيم (سید حاج میر)، ١٤، ١٣، ١٨٩
- رضايي، پسته خانم (حاجي سید)، ١٣
- رفعي (حاج سید)، ٥٢
- رنجكش زاده، محمد حسین (حاج)، ٤
- روحانى، محمد صادق (آيت الله سید)، ١٥٨، ٢٧٣
- رياحي، محمد امين (دكتر)، ٨٥، ١٢٣، ١٨٢
- رياض الدين اعجوبه، ١٠٢
- رياضي، فيض الله (حاج سید)، ٣٠١
- زائر، على (حاج میرزا)، ٢٠٨
- Zahedi، ابوالفضل (آيت الله حاج میرزا)، ٢٠٨
- Zahedi، على، ١٨٢
- زردىشيان هند، ١٣٤
- زرياب خوبي، عباس (دكتر)، ١٥١
- زغال فروش، ولی (حاج)، ٤، ٤٣-٤٤
- زنجانی، احمد (آيت الله سید)، ٢١
- زنوzi خوبي، محمد حسن (علامه حاج میرزا)، ١٦١، ١٧٥
- خوانسارى، سيد على (حاج)، ٥٢
- خوانسارى، محمد تقى (سید)، ٢٠٨، ٢١٥
- خوانسارى، محمد على (ملا)، ١٦٧
- خوبى، ابوالقاسم (آيت الله سید)، ١٠، ٢١٣-٢١٤، ٢٢٦، ٢٢٩، ٢٤٤
- خوبى، تاج الدين (حضرت سید)، ١٩، ٩
- خوبى، حسن (شيخ الاسلام ملا)، ١١٦، ١١٣
- خوبى، ركن الدين (مدوح خاقاني)، ١٣٣-١٣٤
- خوبى، على (ملا)، ١١٣، ١١٦، ١٨٩-١٩٠، ٢٤٨
- خوبى، على اصغر (آيت الله سید)، ١٥٧، ٥٠، ٢١٧
- خوبى، على اكبر (آيت الله سید)، ١٩١، ١٨٢، ٢٢٧
- خوبى، فضل الله (حجت الاسلام حاج شيخ)، ١٦٨
- خوبى، محمد (حاج آقا)، ١٦٧
- خوبى، محمد امين (حاجي)، ٧٦-٧٧
- خوبى، محمد كاظم (حاج شيخ)، ١٨٩
- خوبى، محمد امين (صدرالاسلام)، ١٧١
- خوبى، محمد باقر (آيت الله حاج شيخ)، ١١٦، ١٨٩-١٩٠
- خوبى، مهدى (حاج شيخ)، ٢٠٣
- خوبى، نجف (شيخ)، ١٨٦
- خيانى، على (آيت الله ملا)، ١٥٣، ١٧٢، ١٨٩، ١٩٧
- خيم (نيشابوري)، ١٣٥
- خير النساء ← حضرت زهرا (س)
- دلمقانى، ١٥٧
- دنبلي، اميرابراهيم، ٩٣، ٩٠
- دنبلي، عبدالرزاق بيگ، ١٣٤
- دنبلي، نجفقلی خان، ١٦١
- دنبلي خوبى، ابراهيم (آيت الله شهيد حاج میرزا)، ٢٥٧، ١٩٧، ١٥١
- دوزدوزانى، يد الله (آيت الله حاج شيخ)، ٢٣٥-٢٣٦
- دوستي، محمد (حاج)، ٢٥
- دينورى، كاظم (آيت الله حاج میرزا)، ٨٣
- ذوالرياستين (مولانا)، ١٤١

- شیری زنجانی، موسی (آیت الله سید)، ۲۴۴  
 شجاع‌الدّینی، محمد حسین (آیت الله حاج سید)، ۴۵، ۳۹  
 شریانی، محمد فاضل (آیت الله ملا)، ۲۴۳  
 شریعتمداری، کاظم (آیت الله سید)، ۲۱۴، ۲۰۸، ۲۲۶  
 شریف به محمد باقر (آیت الله حاج شیخ)  
 شریف رازی، محمد (شیخ)، ۷۴  
 شریف، غلامعلی، ۱۱۶  
 شریف‌الدّین خان، ۱۰۲-۱۰۳  
 شفعتی، محمد باقر (سید)، ۴۷  
 شفیع آقا (حاج میر)، ۳۳  
 شفیع تهمی (آیت الله حاج میر)، ۲۴۹، ۳۲  
 شکوری، رضی (سید)، ۲۸۳  
 شمس‌الملک، ۱۳۳  
 شمس‌تبریزی، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۲۹-۱۲۳  
 شهانق (садات)، ۶۴  
 شهریار، محمد حسین (سید)، ۱۴۱  
 شهرزاده، علی (شیخ)، ۸۶  
 شیخ آقا محله‌ای → محله، مصطفی (آیت الله شیخ)  
 شیخ بهایی، ۱۸۱  
 شیخ الشریعه اصفهانی، فتحالله (آیت الله ملا)، ۱۶۴، ۳۰۳، ۲۱۷  
 شیرازی، عبدالهادی (آیت الله سید)، ۲۴۴  
 شیرین، ۱۶۲  
 صاحب جواهر → نجفی، محمد حسن (آیت الله شیخ)  
 صادق، آقا میر، ۶۴  
 صادقزاده، رمضان، ۱۲۲  
 صادقی (садات)، ۶۰  
 صادقی اگری بوجاق، (садات)، ۵۹  
 صادقی بدآبادی، حسین (آخوند ملا)، ۱۹۹، ۱۵۷، ۲۰۰  
 صادقی، ۲۵۸، ۲۰۸، ۲۴۹  
 صادقی، ۴۵  
 صادقی، جعفر (حاج شیخ)، ۲۰۰  
 صادقی، سلطانعلی (حاج شیخ)، ۲۰۱-۲۰۲  
 زین‌العابدین ← نوایی، زین‌العابدین (حضرت آخوند ملا) ۲۳۱  
 ساجدی، محمود (آیت الله حاج میر)، ۱۹۷، ۱۵۷، ۲۲۵  
 ساجدیلو، محمود (سید)، ۱۹۷  
 سادات مشهور اوچاق اولادی، ۲۵  
 سالم خوبی، یوسف (حاج)، ۴  
 سیحانی، توفیق (دکتر)، ۱۲۸، ۱۳۱  
 سعدی (شیرازی)، ۱۳۵  
 سعیدی، امیر عیسی، ۱۵۲  
 سلامت، علی (حاج)، ۱۹۹  
 سلطان سلیمان، ۱۲۷  
 سلطان ولد، ۱۲۶-۱۲۵، ۱۳۱-۱۳۲  
 سلطانی طباطبائی، محمد باقر (آیت الله سید)، ۲۴۴، ۲۷۱  
 سلاماسی صدقیانی، پرویزخان، ۹۹  
 سلاماسی، پرویز خان، ۱۰۰-۱۰۲  
 سلاماسی، نیماج، ۱۴۲  
 سلمان، (کربلایی)، ۱۸۵  
 سمعیتو، اسماعیل، ۱۰۰  
 سید جعفری، منور (سیده خانم)، ۵۵  
 سید غریب به موسوی، علی اکبر (حاج سید)  
 سید مرغی، اسماعیل (مرحوم آقا میر)، ۵۷  
 سید مرغی، حسن (садات)، ۵۸  
 سید مرغی، حسین (مرحوم آقا میر)، ۵۷  
 سیستانی، علی (آیت الله سید)، ۲۴۴  
 شادرخ، ابراهیم (حاج)، ۴۳  
 شاکری، غلامرضا (حاج)، ۲۰۴  
 شامخ، ۴۵  
 شاه اسماعیل، ۱۰۹، ۱۲۹-۱۳۰  
 شاه خوبی، محمد (حاج ملا)، ۱۵۱  
 شاه قلی، حسین، ۸  
 شاه‌آبادی، محمدعلی (حاج میرزا)، ۲۰۸  
 شاهرودی، محمود (آیت الله حاج سید)، ۲۵۱

- صادقی، مجتبی (آقا میر)، ۵۹  
 صادقی، مصطفی (آقا میر)، ۵۹  
 صادقی خوبی، علی اصغر (آیت الله حاج سید)، ۱۰  
 ۲۵۸، ۱۸۵، ۱۸۲، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۵۳، ۱۱۹، ۸۹  
 صالح (آقا سید)، ۵۹، ۳۶  
 صداری خوبی، علی، ۱۶۵  
 صدر، صدرالدین (سید)، ۲۱۵  
 ۳۰۴،  
 صدرالعلماء،  
 صفا، ذبیح الله (دکتر)، ۱۴۱  
 صفوی، شاه اسماعیل ← شاه اسماعیل  
 صفوی، نواب (شهید)، ۲۶۷  
 صفیر ۱۰۰  
 صفیر العارفین ← سلماسی، پرویز خان  
 صلاح لو، عزت ۳۲  
 طاهباز، صادق (آیت الله حاج میرزا)، ۲۷۱  
 طاهری اصفهانی (آیت الله)، ۱۴۰  
 طاهری چورسی، محمد علیخان (میرزا)، ۱۸۳-۱۸۴  
 طاهری، علیخان (میرزا)، ۱۹۰  
 طاپر ← نوحه گر، حسینقلی  
 طباطبائی، محمدحسین (علامه سید)، ۲۲۶، ۲۱۳، ۲۴۳  
 ۲۷۱، ۲۴۴  
 طسوجی، احاج قلی طسوجی (ملا)، ۱۱۳  
 طسوجی، تاری ویردی (ملا)، ۱۱۳  
 طسوجی، علی نقی (ملا)، ۱۱۳  
 طسوجی، محمدنقی (ملا)، ۱۱۳  
 عابد، محمد (سید)، ۹  
 عارف چلبی، ۱۳۲  
 عارفی، علی (حاج)، ۱۶۸  
 عالی نسب، حبیب (کربلایی میر)، ۷  
 عالی نسب، حسین (میر)، ۷  
 عالی نسب، یعقوب (کربلایی میر)، ۷  
 عباچی پور، عباسعلی، ۴  
 عباس میرزا (نایب السلطنه)، ۱۸۱  
 عبدالحسین، (میرزا)، ۱۰۱  
 عبدالرحمن، (مرحوم آقا میر)، ۲۶
- عبدالرحیم (ملا)، ۱۵۶  
 عبدالعلی (سید / میر)، ۳۲  
 عبدالکریم (میرزا)، ۹۹  
 عبدالله (سید)، ۱۰، ۷۵، ۲۸۱  
 عبدالله پاشاکوپولو، ۱۳۰  
 عبدالله (ملا)، ۱۱۳  
 عبدالله تسوجی (ملا)، ۱۱۳  
 عبدالله هات (حاج شیخ)، ۴۸  
 عراقی، ضیاء الدین (آیت الله آقا)، ۲۶۵  
 عرب، مهدی (حاج شیخ)، ۲۰۴  
 عزیز (سید)، ۱۴۷  
 عسگرزاده، علی اکبر (حاج)، ۴  
 عطار (نیشابوری)، ۱۳۵  
 علمایی، ابوالفضل (آیت الله حاج میرزا)، ۲۳۵  
 علوی خوبی، ابراهیم (آیت الله حاج سید)، ۲۹-۳۰، ۴۵، ۵۲، ۴۷، ۶۰، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۶۳-۱۶۴  
 ، ۳۰۲، ۲۳۵، ۲۲۵-۲۲۶، ۱۸۶، ۲۰۷-۲۰۹، ۱۸۶  
 ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۶۵، ۲۵۴، ۲۵۱، ۳۰۷  
 علوی، ابراهیم (حاج سید آقا)، ۲۱۰  
 علوی، جواد (حاج میر)، ۱۴۹  
 علوی، خلیل (حاج میر)، ۱۸۶  
 علوی، شمس الدین (سید)، ۱۸۶  
 علوی، علمند، ۱۰۹  
 علی (آقا میر)، ۸۲  
 علی (سید)، ۲۷  
 علی (ملا حاجی)، ۱۱۵  
 علی (ملا)، ۱۱۴  
 علی آقا، ۱۴۵  
 علی اصغر (ملا)، ۲۰۰  
 علی اکبر (حاج میر)، ۱۰، ۱۴۰، ۵۶، ۲۲۱، ۱۴۰  
 علی اکبر، ۱۵۷  
 علیقلی آقا (حاج میرزا)، ۱۹۷  
 علیللو، عزیز (میرزا)، ۱۶  
 عمر برنج فروش (خواجه)، ۸۵  
 غازان خان، ۸۳  
 غلامعلی (حاج آخرند ملا)، ۱۶۴، ۲۴۰، ۲۶۵

- فضللله (حاج شیخ)، ۱۶۹  
 فلاحت کوه کمری، اسماعیل (حاج شیخ)، ۵۴، ۲۰۸  
 ۳۰۴، ۲۴۹، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۲۶، ۲۱۶  
 فلسفی تهرانی، علی آقا (آیت الله میرزا)، ۲۴۴  
 فنا، عبدالرسول (میرزا)، ۴۷  
 فیاضی، حبیب (حاج شیخ)، ۲۲۷-۲۲۸، ۲۳۵، ۲۷۴  
 فیاضی، عبدالله (حاج شیخ)، ۲۲۷، ۲۲۹  
 فیاضی، علی اکبر (حاج)، ۲۲۸-۲۲۹  
 فیاضی، محمد (مشهدی)، ۴  
 فیروزآبادی، محمد (آقا سید)، ۲۵۹  
 فاتانی، ۱۸۲  
 قاری، ابراهیم (حاج میرزا)، ۲۰۷  
 قاسم (حاج سید)، ۱۰، ۸۲  
 قاسی خوبی، اسدالله (حاج شیخ)، ۲۳۱-۲۳۳  
 ۲۵۸، ۲۴۷  
 قاسی، یعقوب (حاج شیخ)، ۲۳۳  
 قبله‌ای، خلیل (حاج میرزا)، ۱۸۶، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۴۷  
 ۹۳، قتالی  
 قدسی، ابراهیم، ۱۴۵  
 قدکچی، علی (استاد)، ۲۸۹، ۹۵  
 قرا محمد، ۸۶  
 قراجه‌ای، حبیب (حاج شیخ)، ۱۷۸، ۳۰۰  
 قربان (آخوند ملا)، ۲۵۸  
 قرشی کوهکمری، عبداللطیف (آیت الله حاج سید)،  
 ۲۴۹، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۲۷، ۲۴۷  
 قزوینی دیزجی زنجانی، محمد (ملا علی)، ۲۴۳  
 قلیزاده، کاظم (شهید حاجی)، ۱۷۷  
 قره‌باغی، علی اکبر (آیت الله سید)، ۲۳۷  
 قرشی، علی اکبر (آیت الله سید)، ۲۳۷  
 قزلباش (خاندان)، ۱۲۸  
 قزوینی دیزجی زنجانی، محمد (ملا علی)، ۲۴۳  
 قلیزاده، کاظم (شهید حاجی)، ۱۷۷  
 قمی، عباس (آیت الله حاج شیخ)، ۲۳۲  
 قمی، محمدعلی (آیت الله حاج شیخ)، ۲۰۸  
 قنبرلو، حیدر (حاج)، ۴۳-۴۴  
 قویدل، علی افسر (حاج شیخ)، ۱۷، ۲۱۶، ۲۲۵-۲۲۷  
 غلامعلیزاده اصل، زهرا، ۷  
 فاضل شریانی، محمد (ملا)، ۱۶۷  
 فاضلی، ابوطالب (آیت الله حاج شیخ)، ۲۱۳-۲۱۴  
 ۲۲۸، ۲۲۶، ۲۱۸، ۲۱۶  
 فاضلی، جابر (حاج شیخ آقا)، ۲۵۸  
 فاضلی، جابر (حاج شیخ)، ۱۱۷، ۳۲، ۲۱، ۱۵۷،  
 ۲۳۵، ۲۲۵-۲۲۶، ۲۲۷، ۲۱۵، ۹۲، ۲۱۷  
 ۳۰۷، ۲۷۴، ۲۴۸، ۲۴۱  
 فاضلی، خلیل (حاج شیخ)، ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۳  
 فاضلی، سعید (شیخ)، ۱۶۵  
 فاضلی، عبدالله (حاج شیخ)، ۲۱۹، ۲۱۷  
 فاضلی، علی اصغر (آقا شیخ)، ۲۵۸، ۲۱۹، ۵۰  
 فاطمه خاتون، ۱۳۲  
 فاطمه معصومه (س)، ۲۰۷  
 فتاح (حضرت آقا میر)، ۶۶، ۳۵-۳۹  
 فتاحی، حسن (حاج سید)، ۳۰۴، ۲۲۱-۲۲۳  
 فتاحی، حسین (حاج سید)، ۳۸  
 فتاحی، حمید (سید)، ۲۲۳  
 فتاحی، قاسم (حاج میر)، ۲۲۳  
 فتاحی، محسن (آقا میر)، ۲۸  
 فتحعلی شاه قبار، ۱۱، ۱۳۴  
 فتحی ماکویی، خلیل (حاج)، ۱۶۸  
 فراحی خوبی، صادق (آیت الله حاج شیخ)، ۱۸۸  
 ۳۰۷، ۲۲۵-۲۲۶، ۲۲۲، ۱۸۲  
 فرامرزی، عبدالله الرحمن، ۱۴۱  
 فریخ، محمود، ۱۲۷  
 فرخنده، علی (حاج میرزا)، ۳۰۲  
 فردی، مرتضی (سید)، ۳۶  
 فرقانی، یحیی (حاج میرزا)، ۲۰۷  
 فرهاد، ۱۶۲  
 فرید، ۱۴۲  
 فریدون بیگ، ۱۲۷-۱۲۸  
 فریدون سپهسالار، ۱۳۲  
 فربور، ۴۵  
 فصیحی هروی، ۱۳۳، ۱۲۷

- لالهزاری (حسینی طهرانی)، محمدحسین (آیت‌الله سید)، ۲۴۴، ۱۹۱
- لطعلی خان (سرتیپ)، ۱۵۲
- لطفی، زهرا (بانو)، ۱۶
- لنکرانی، محمدفضل (حاج شیخ)، ۲۰۱
- لواسانی، ۲۵۵
- اللهور دیزاده، توحید (حاج میرزا)، ۳۰۲
- اللهیارخان، ۱۲۱
- مؤمن، محمد (آخوند ملا)، ۱۱۷
- مازندرانی، لطف‌الله (آیت‌الله شیخ)، ۳۰
- مازندرانی، مهدی (آیت‌الله آقا شیخ)، ۲۱۵، ۲۰۸
- ماکویی ذہبی، محمد رحیم خان نصرت‌الملک (حاج)، ۱۰۱-۱۰۳
- ماکویی، حسین خان، ۲۹۴
- مالک (آخوند ملا)، ۲۵۸
- مامقانی، محمدحسن (شیخ)، ۲۱۷، ۱۶۷
- مانوک جی هاتریا، ۱۳۴
- متولی، ذبیح‌الله (حاج شیخ)، ۱۸۸، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۲۶
- مجاهدی تبریزی، محمد (آیت‌الله حاج میرزا)، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۱۳
- مجتبی (آقامیر)، ۲۲۲-۲۲۳
- مجتبد تبریزی، رضا (آقا میرزا)، ۱۶۷
- مجتبد تبریزی، صادق آقا (میرزا)، ۲۸۵
- مجتبد خوبی ← مجتبد خوبی، علی (حاج آقا)
- مجتبد خوبی، باقر (آقا میر)، ۲۳۱
- مجتبد خوبی، علی (حاج آقا)، ۲۴۸-۲۴۱-۲۴۲
- مجتبده، باقر (آیت‌الله حاج میر آقا)، ۳۰۱
- مجتبده، باقر (آیت‌الله حاج میر)، ۲۴۹
- مجتبه‌دی زنجانی، جمال‌الدین (آیت‌الله حاج شیخ)، ۲۴۵، ۲۴۳
- مجتبه‌دی، ابولقاسم، ۲۶۷
- مجتبه‌دی، شمس‌الدین (شیخ)، ۲۴۳
- مجتبه‌دی، علی (حاج شیخ)، ۱۵۷، ۲۲۵، ۲۲۵، ۳۰۷
- مجتبه‌دی، کمال‌الدین (شیخ)، ۲۷۳-۲۷۴، ۲۵۸، ۲۴۷-۲۴۹
- گلپایگانی، کاظم (سید)، ۲۰۸
- گلپایگانی، محمدرضا (آیت‌الله سید)، ۲۷۳، ۲۴۴
- گلپناری، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۲۸-۱۲۳
- گیلانی، ابراهیم (شیخ)، ۲۳۹
- گیلانی، محمدحسن (شیخ)، ۲۳۹
- لاکنی رشتی، ۲۴۳
- کاتبی، امین (حاج)، ۱۹۱
- کارگر، محمدحسین (میرزا)، ۲۰۷
- کارگر، یوسف (میرزا)، ۲۰۷
- کارنگ، عبدالعلی، ۸۴
- کبیر (آقا سید)، ۴۵
- کبیر، ابوالقاسم (آیت‌الله شیخ)، ۲۳۱
- کربلایی، (میرعلی اصغر)، ۲۱
- کریم‌زاده، چهارده
- کشاف الاسرار → پسیان، محمدعلی خان
- کشاورز، غلامرضا (حاج)، ۲۰۷
- کشفی تهرانی، مهدی (سید)، ۲۰۸
- کفاش، حسینعلی (کربلایی)، ۵۳
- کماری، محمدحسن (ملا)، ۲۲۵
- کمره‌ای، خلیل (حاج میرزا)، ۲۱۶، ۲۰۸
- کنی تهرانی، علی (آیت‌الله حاج ملا)، ۵۲
- کوثر (میر)، ۴۱
- کوثری، میرهادی (سید)، ۴۱
- کوچری، قربانعلی (شهید) فرزند مصطفی، ۲۳۷-۲۳۸
- کوه‌کمر (садات)، ۴۵، ۲۹
- کوه‌کمری، حسن حجت (آیت‌الله سید)، ۲۲۵
- کوه‌کمری، حسین (آیت‌الله سید)، ۳۰
- کوه‌کمری، محمدحجت (آیت‌الله سید)، ۱۸۵، ۱۵۳
- کوه‌کمری، ۲۷۱، ۲۴۷، ۲۴۴، ۲۱۵، ۱۹۹
- کوه‌کمری، عبدالعلی (حاج میر)، ۳۰۰، ۱۶۴
- کوه‌کمری، عبدالله (سید)، ۲۲۵
- کیانی، قلی خان ( حاجی)، ۱۱۶
- کیسانی، ۱۰۵

- محمدحسین ( حاج آخوند ملا )، ۲۰۸  
 محمدحسین (شیخ)، ۱۵۲  
 محمدخان والی، ۲۷۸  
 محمدرضا (آخوند ملا)، ۲۵۸  
 محمدعلی (سید)، ۱۱۴  
 محمدی، رضا، چهارده  
 محمدی، عباس ( حاج شیخ )، ۲۷۴، ۲۶۳  
 محمود ← قتالی  
 محمود آقا ( حاج میر )، ۱۹۷  
 محمود امیر، ۹۳، ۹۰  
 مدنی، اسدالله ( آیت الله سید )، ۱۴۰  
 مرادعلی (سید)، ۱۰  
 مرتضایی، مهدی ( کربلایی )، ۴۳  
 مرتضی ( حاج آقا )، ۲۴۲  
 مرتضی (سید)، ۵۹  
 مرتضیزاده، مرتضی ( حاج )، ۴  
 مرجعی خویی، موسی ( آیت الله حاج سید )، ۲۰۸  
 ۲۶۷\_۲۶۸، ۲۶۵  
 مرجعی، حسن ( حاج سید )، ۵۴، ۴۵  
 ۲۶۷\_۲۶۸، ۵۴  
 مرشدی، فاطمه، ۱۰۹\_۱۱۰  
 مرعشی نجفی، شهاب الدین ( آیت الله سید )، ۱۰  
 ۲۷۳، ۱۳۹، ۱۵۸  
 مرقانی خویی، جعفر ( آیت الله حاج سید )، ۳۲،  
 ۲۴۷، ۲۲۷، ۱۹۹، ۱۸۷  
 مرقانی، میرهاشم، ۱۶۹  
 مرندی، حمید ( آیت الله سید )، ۲۷۱  
 مرندی، زین العابدین ( ملا )، ۱۶۷  
 مروج، سعید ( حاج شیخ )، ۱۵۹  
 مروج، ید الله ( حاج میرزا )، ۳۰۲  
 مشکینی، علی ( آیت الله حاج میرزا )، ۱۳۹  
 مصدق، ۱۴۶  
 مصری خویی، محمد ( حاج سید )، ۴۵، ۳۹، ۲۹  
 ۲۷۱\_۲۷۲، ۱۶۹  
 مصطفی ( حاج آقا )، ۲۵۵  
 مصطفی ← محمد (ص)  
 مصطفی، آقا میر )، ۵۹  
 مصور (خاتم)، ۴۴
- مجتبه‌ی، مرتضی ( دکتر )، ۲۶۸  
 مجتبه‌ی، نجم الدین ( آیت الله حاج شیخ )، ۲۴۳  
 ۲۴۵  
 محبوب (سید)، ۵۶  
 محدث، عباس ( میر )، ۱۵۳  
 محدث، علی آقا ( حاج میر )، ۱۶۴، ۱۵۷، ۳۰۷، ۲۵۰  
 ۲۵۸، ۲۴۷\_۲۴۸  
 محسن ( آقا سید )، ۲۰۷، ۳۶  
 محسنزاده، قاسم ( حاج )، ۴  
 محسنی بدل‌آبادی، حسین ( حاج شیخ )، ۲۵۱  
 ۲۵۵\_۲۶۰، ۲۵۷، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۴۷، ۲۵۵  
 ۲۳۱  
 محسنی بدل‌آبادی، محمد ( ملا )، ۲۶۱  
 محسنی بدل‌آبادی، مرتضی ( حاج ملا )، ۲۶۱  
 محسنی خویی، علی ( آیت الله حاج شیخ )، ۱۸۸  
 ۲۵۷، ۲۵۲  
 محسنی، حسن ( حاج )، ۲۵۱  
 محسنی، حسین ( حاج شیخ آقا )، ۲۵۳  
 محقق داماد، محمد ( آیت الله سید )، ۲۷۱  
 محققی، علی اکبر ( شیخ )، ۲۰۸  
 محلاتی، ذبیح الله ( حاج شیخ )، ۱۲  
 محله‌ای، علی ( حاج )، ۴  
 محله‌ای، مصطفی ( آیت الله شیخ )، ۲۲۹، ۲۲۷، ۱۷۳  
 ۲۶۰، ۲۴۹  
 محمد ( سید )، ۱۰، ۱۱۴، ۸۲، ۲۷، ۱، ۱۱۳  
 محمد (ص)، ۱۲، ۱۱\_۱۲، ۱۱۴، ۱۱۱، ۴۹، ۲۰، ۱۹۳  
 ۲۱۳  
 محمد ( ملا )، ۵۳، ۲۸۹، ۹۵، ۱۱۸، ۱۰۶  
 محمد آقا ( حاج شیخ )، ۲۳۱  
 محمد آقا ( میر )، ۶۶  
 محمد باقر ( شیخ )، ۱۹۰  
 محمد بیگ، امیر، ۸۴  
 محمد شاه قاجار، ۱۴۵، ۱۸۲  
 محمد شرف الدین، ۱۱۳  
 محمد، آقا میر )، ۲۶  
 محمد، محمد شاه ( حاج ملا )، ۱۵۳  
 محمد جعفر، ( حاجی )، ۱۵۲

- مطلب خان، ۱۸۱-۱۸۲  
 مظہر (از سران خوی)، ۱۴۲  
 موصوم (سید)، ۲۹  
 موصوم (خانم)، ۳۶  
 موصومہ (سیدہ بانو)، ۲۶  
 موصومہ (سیدہ)، ۹۴، ۵۶  
 موصومی، ابراهیم خلیل (حاج شیخ)، ۲۱۶، ۲۰۸، ۳۰۴  
 مفصومی، غلام رضا (حاج شیخ)، ۲۷۴  
 مفتی اعظم مصر، ۲۵۳  
 مفیدی، علی (حاج شیخ)، ۱۹۲  
 مقبره، اسحاق (دکتر سید)، ۵۴  
 مقبره، اسماعیل (حاج میر)، ۵۰، ۲۷۷  
 مقبره، اسماعیل (حاج سید)، ۱۶۷، ۵۱-۵۲  
 مقبره، محمد علی (حاج سید)، ۵۴  
 مقبره، مهدی (حاج میر)، ۱۹۰  
 مقبره، یعقوب (حضرت آقا میر)، ۱۰، ۲۹  
 مقبره، یعقوب (حضرت آقا میر)، ۲۰۹، ۱۴۹، ۱۴۷، ۲۰۹، ۲۷۷، ۲۶۵  
 مقیم، محمد (ملأ)، ۲۵۸  
 مکارم شیرازی، ناصر (آیت الله حاج شیخ)، ۲۴۴، ۱۳۹-۱۴۰  
 ملانکه، علی (شیخ)، ۲۲۹  
 ملکوتی سرابی، مسلم (آیت الله میرزا)، ۲۴۴  
 ملکی، علی (حاج)، ۲۸۰  
 ملکی، فتح الله (حاج شیخ)، ۲۷۹-۲۸۰، ۲۲۹، ۲۲۷  
 منصور (امیر)، ۹۳، ۹۰  
 منصوری، فیروز، ۱۲۸  
 موحد، جمیل (مهندس)، ۲۸۲  
 مؤحد، محمد علی (حاج میرزا)، ۲۸۱-۲۸۲، ۲۰۷  
 موحد، محمد علی (دکتر)، ۱۳۳، ۱۲۵  
 موسوی (خانواده)، ۶۲  
 موسوی (садات)، ۸۲، ۶۱، ۵۸  
 موسوی بدل آبادی، کاظم (حاج سید)، ۲۱  
 موسوی تبریزی، ابوالفضل (حاج سید)، ۱۸۷  
 موسوی خوبی، ابوالقاسم (حضرت آیت الله العظمی حاج سید)، ۱۲، ۲۵۱، ۳۰۴  
 موسوی زنجانی، ابراهیم (آیت الله سید)، ۱۰  
 موسوی ملکی، جلیل (آیت الله سید)، ۱۵۷  
 موسوی، اسلام (حاج میر)، ۱۸۶  
 موسوی، تاج الدین (آقای سید)، ۱۰، ۱۹-۲۰  
 موسوی، جعفر (شادروان سید)، ۲۴  
 موسوی، جلال (آقا میر)، ۶۱-۶۲  
 موسوی، جلیل (آقا میر)، ۶۱-۶۲  
 موسوی، حمزه (حاج سید)، ۳۰۷  
 موسوی، رضا (سید)، ۲۰  
 موسوی، صادق (حاج سید)، ۳۰۷  
 موسوی، عبدالشکور (آیت الله سید)، ۲۸۳  
 موسوی، عبدالله (سید)، ۲۲، ۲۸۳، ۶۱  
 موسوی، علی اکبر (حاج سید)، ۱۹، ۳۰۵  
 موسوی، فتاح (حاج میرزا)، ۱۸۶  
 موسوی، قاسم (سید)، ۶۲  
 موسوی، محسن (حاج میر)، ۱۸۶  
 موسوی، محمد (حاج سید)، ۱۲، ۶۲، ۱۵۸  
 موسوی (آقا سید)، ۵۱  
 موسی (شیخ)، ۲۳۹  
 مولانا → مولوی  
 مولانا جلال الدین → مولوی  
 مولانا، ابوالحسن (آیت الله سید)، ۲۴۴  
 مولوی ۱۲۴-۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۳۱  
 مولوی علی ← امام علی (ع)  
 مهاجر خوبی، قاسم (شیخ)، ۱۸۶، ۲۸۵، ۲۸۷  
 مهدی (آقا سید)، ۵۵-۵۶  
 مهدی پور، علی اکبر، ۷-۸  
 مهدی زاده، مجید، ۳۳  
 میر جبار (آقا)، ۹۵  
 میر جلال (آقا)، ۶۱  
 میر آقا (مرحوم)، ۵۷  
 میر آقا، ۶۵، ۶۷  
 میران شاه، ۸۶  
 میربابا بی، هادی (سید)، ۱۹۲  
 میر باقر (حاج)، ۲۲۱  
 میرینج آقاسی، حسن علی خان، ۱۴۱، ۱۶۸  
 میر حبیب، (حاج)، ۸۲

- نوح، ۱۷۱، ۱۸۳  
نوحه گر، حسینقلی، ۴، ۲۱۰، ۲۹۷  
نیکلسن، ۱۲۴
- واعظ شهانقی، ابوالفتح ( حاج شیخ )، ۲۰۷  
واعظ شهانقی، علیاصغر (شیخ)، ۳۱، ۳۰۰  
واعظ مهاجر، قاسم (آیت الله شیخ)، ۴۲، ۱۸۶، ۲۰۸  
واعظ، نصرالله ( حاج میرزا )، ۳۰۲  
واقف، ۱۴۲  
الوانسان، احمد آقا، ۹۵  
الوانسان، علی، ۹۵، ۲۸۹  
وحیدی، جعفر ( حاج شیخ )، ۴، ۱۷، ۶، ۳۰۵-۳۰۴، ۳۰۴-۳۰۳  
وحیدی، علی ( حاج )، ۲۲۲، ۳۰۵  
وحیدی، محمد (آیت الله حاج شیخ)، ۴، ۶-۸، ۱۷  
وحیدی، مهدی (آقا شیخ)، ۳۰۳  
وردی، میرالله ( سید )، ۱۰، ۱۱  
وفایی، مختار ( کربلایی )، ۱۵۳  
ولی الدین (امیر)، ۹۰، ۹۳  
ولی زادگان، حسین ( حاج )، ۴  
ولی زاده، عبادالله، ۱۲۲
- هاجر ( سیده )، ۹۵  
هادی (ع) ← امام حسن عسگری (ع)  
هادی، (حضرت آقا میر)، ۴۱-۴۲  
هادی، (حضرت آقا میر)، ۴۴، ۷  
هاسونی، علی اکبر (شیخ)، ۱۸۶  
هاشمزاده، حسن ( حاج شیخ )، ۴، ۶، ۱۷، ۲۹۰  
هاشمی، حبیب الله (آیت الله حاج میرزا)، ۲۵۸  
هاشمی، حمزہ ( سید )، ۱۶۹-۱۷۰  
هدایت خویی، محسن ( سید )، ۷۱، ۷۶  
هدایت، رضاقلی خان، ۹۱  
هدایتی، محسن ( سید )، ۲۰۷  
همایی، جلال الدین، ۱۲۴، ۱۱۵  
همدانی، محمد (آیت الله میرزا)، ۲۰۸، ۲۳۱، ۲۴۷
- میرصادق، ۳۶  
میرعبدالرحمن، ۲۶  
میرعبدالله (آقا)، ۲۶  
میرفتح (آقا)، ۲۱۷  
میرفتح ( حاج )، ۲۹، ۴۵، ۲۲۱-۲۲۲  
میری، کربلایی، ۲۱
- میریعقوب دوم ← حسینی خویی، یعقوب ( حاج )  
میر) نائب خویی ← خداوردی، حاجی  
نائینی، حسین (آیت الله حاج میرزا)، ۲۶۵  
نائینی، محمد حسین (آیت الله میرزا)، ۱۸۵-۱۸۶  
نادرشاه، ۲۰۰  
ناصح، ۱۴۲  
ناصرالدین شاه ( قاجار )، ۱۳۴  
ناصری، حسن، ۲۸۹  
ناصری، رحساره، ۲۸۹  
نجفی، عبدالرحیم (شیخ)، ۵۲  
نجفی، محمد حسن (آیت الله شیخ)، ۲۴۱  
نجیمی، محمدصادق ( حاج شیخ )، ۳۰۸  
نجیب پاشا ( زنرا )، ۷۷  
نحوچانی، حسین آقا ( حاج )، ۱۳۴  
نظر بیگ (لطر)، امیر، ۸۴  
نظرعلی معروف به «نظرگاه» (حضرت آقا سید)، ۱۳  
نقی (کربلایی)، ۲۸۱  
نقی (ملا)، ۲۰۱  
نمازی، عبد الوهاب (شیخ)، ۲۹۲  
نمازی، محمد (آخوند حاج شیخ)، ۲۹۴، ۲۹۲  
نمازی، محمد جعفر (آخوند ملا)، ۲۹۴، ۴۸  
نمازی، محمد رضا (ملا)، ۲۹۴  
نوایی، زین العابدین (حضرت آخوند ملا)، ۵۳، ۱۹۷، ۱۸۰، ۱۵۳، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۱۵  
نوایی، عبدالله ( حاج ملا )، ۷۱-۷۸  
نوایی، علی اکبر (شیخ)، ۲۹۵-۲۹۶  
نوایی، علی اکبر (شیخ)، ۷۵، ۲۹۵

- يعقوب (سيد)، ١٦٩، ٧٨، ٥٣، ١٦٩
- يعقوب آقا (حاج مير)، ١٧١-١٧٣
- يعقوب اول (حضرت آقا مير)، ١٦٧، ١٧٣
- يعقوب دوم (آيت الله سيد/ حاج مير/ حضرت آقا مير)، ٢٧٨، ٢٦٨، ٢٦٥، ٢٢٩، ٢٢٧، ١٧٢
- يعقوب، (حضرت آقا مير)، ٥١
- هترور، جليل (حاج شيخ)، ٨، ٢١، ٣٢، ٧٦، ١٤٩، ١٨٦-١٨٧، ١٩٢، ٢١٤، ٢٠٨-٢٠٩، ١٩٩، ٢٤٧، ٢٤٩، ٢٢٥، ٢١٦
- يزدي طباطبائي، محمدكاظم (آيت الله سيد)، ١٦٤، ٣٠٩، ٣٠٧، ٣٠٤، ٢٥٥
- يعقوب (آقا مير)، ٤٥، ٤٧، ٤٩، ٥٤
- يعقوب (حاج مير)، ٢٢١





## جاها

- آذربایجان، ۸۳، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۰۲،  
جمهوری (ـ)، ۱۴۵، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۷۱-۱۷۲  
اردن، ۲۵۱، ۱۸۶، ۱۹۲، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۸،  
ارس (رود)، ۴۲، ۲۹۰، ۲۹۷  
ارسیاران، ۳۰۱، ۱۷۰- سُغری، سیزده، ۶۱  
ارضروم، ۱۵۷، ۱۶۹، ۱۴۷  
ارمنستان، ۶۱، ۱۶۸، ۲۸۵  
ارومیه، ۱۰۰، ۱۶۸-۱۷۰، ۱۸۷، ۱۲۸-۱۲۵۴  
استانبول، ۵۰، ۱۲۸، ۲۵۳-۱۲۵۴  
اسوائیل، ۲۵۵  
اصفهان، ۴۵، ۴۷، ۴۳-۴۴، ۱۸۱  
اغدیر ترکیه، ۲۵۸  
اگری بوجاق، ۶۰  
امازاده؛ ~ حضرت آقا میرهادی، ۴۱؛ ~ سید  
بهلوو، ۱، ۴۵، ۱۸، ۷، ۱۰۵-۱۱۸، ۸۹، ۴۴، ۴۱، ۱۷۸  
؛ ۳۰۵، ۲۹۷-۲۲۳  
~ سید تاج الدین خویی، ۱۱-۱۳، ۲۸۳، ۵۵، ۲۵  
~ سید حسن، ۱۵؛ ~ سید محمد، ۱۷؛ ~  
کوچک، ۱۹- نظر علی، ۱۰، ۱۴؛ ~ یبدیلر،  
امیرآباد، ۱۱  
۱۲۱، ۱۱۳، ۱۰۵، ۱۰۲، ۱۰۰، ۸۳  
۱۶۸-۱۶۹، ۱۴۵، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۷۱-۱۷۲  
~ شرقی، ۱۷۰؛ سُغری، سیزده، ۶۱  
آرامگاه، ~ آخوند نوابی، ۲۲۷؛ ~ فردوسی، ۱۳۵  
~ ملا علی خویی، ۲۳۰  
آستان/ آستانه؛ ~ آقا میرفتح، ۳۸-۳۹  
میرعقوب، ۵۰، ۵۲؛ ~ امامزاده  
میرهادی، ۴۱، ۴۳؛ سید عبدالعظيم حسنی،  
~ علی، ۸۹- میرعقوب، ۵۰، ۵۴  
آسیای میانه، ۱۵۸  
آنجلو، ۲۱  
آلمان، ۱۵۸، ۲۰۱، ۲۰۳  
آموزش و پرورش (خویی)، ۱، ۱۷۷، ۱۴۶، ۲۳۷  
اتریش، ۲۵۱  
اداره؛ ~ ارشاد (خویی)، ۴۰؛ ~ اوقاف خویی،  
چهارده، ۱۰۲، ۱۲۲، ۱۹۳؛ ~ ساواک، ۱۹۲؛ ~  
فرهنگ، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۵- کل فرهنگ و

- پاکستان، ۲۵۱  
 پُر موسی (رستا)، ۸۸  
 پیر کنندی، ۱۲۷
- تازه کنید شهرستان خوی، ۲۳۱  
 تبریز، سیزده، ۳۶، ۵۲، ۸۳، ۸۵-۸۶، ۱۰۱، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۴۱  
 ترکیه، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۷۰، ۲۰۹، ۲۲۵، ۲۱۳، ۳۰۸، ۲۸۵، ۲۸۱  
 تپه غضنفر، ۱۰، ۱۱۵، ۱۹، ۲۴۸، ۱۱۵، ۱۲۱، ۲۷۷، ۲۵۳، ۲۵۱، ۱۸۵، ۱۵۷-۱۵۸، ۱۲۹، ۱۲۱  
 تفلیس، ۲۶۰  
 تکاب، ۲۴۴  
 تکیه؛ سـ حضرت ابوالفضل العباس، ۱۲۱-۱۲۲  
 عباسیه، ۱۲۲  
 تهران، ۱۱، ۱۶، ۵۲، ۹۹، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۲۴۴، ۲۱۴، ۲۱۱، ۲۰۹، ۱۹۲-۱۹۳، ۱۸۷، ۲۹۷، ۲۵۳
- جمهوری آذربایجان ~ آذربایجان  
 جهاد دانشگاهی مجتمع آموزش عالی قم، ۱۵۹  
 چالدران، ۶۱، ۱۰۹، ۱۲۹، ۲۰۱، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۷۹  
 چکسلواوی، ۲۵۱  
 چله خانه (جبل)، ۸۴  
 چمن سلطانیه، ۱۱  
 چورس، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۷۶، ۱۸۳
- حجاز، ۲۰۳  
 حرم مطهر علوی ~ نجف  
 حرم مقدس حسینی ~ کربلا  
 حسینیه صادقیه، ۶۴  
 حوزه علمیه؛ سـ اصفهان، ۷۱؛ سـ خوی، ۴۶، ۱۹۹، ۳۰۷، ۲۰۸، ۲۰۰  
 سـ قم، ۱۶۳، ۱۸۷، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۰۸، ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۲۰  
 سـ مرند، ۳۰۱؛ سـ نمازی، ۲۰۲؛ سـ هزار  
 ساله نجف اشرف، ۱۶۷
- انجمان مشاهیر ایران، ۱۴۳  
 اندرس، ۱۷۰  
 اهواز، ۱۸۷  
 ایران، ۴، ۴۶، ۵۴، ۹۳، ۱۲۸، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۳۴-۱۳۵، ۲۲۱، ۲۱۴، ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۸۵، ۱۶۹-۱۷۰  
 ایرون، ۶۱  
 ایغدر، ۱۸۵  
 ایواوغلى، ۲۲-۲۴
- بارگاه حضرت آقا میریعقوب مقبره ~ آستانه، آقا  
 میریعقوب  
 بازار خوی، ۲۱۶  
 باغ، سـ حاج علی، ۲۰۱؛ سـ دوغ، ۲۱؛ سـ شاه، ۱۳۰  
 بقعه؛ سـ آستانه علی، ۸۱؛ سـ امیر جمشید، ۶۸۳  
 پسوریا ولی / پسروولی، ۹۵، ۸۹؛ سـ پیر عمر  
 نخجوانی، ۸۵-۸۶؛ سـ جمشید بیگ، ۶۸۴  
 حضرت آخوند نوابی، ۲۱۶؛ سـ ذهیبه، ۸۹، ۹۹  
 محمد حنفیه، ۱۰۵؛ سـ عارف سالک آخوند ملا  
 علی خویی، ۱۳۹؛ سـ قره شعبان، ۱۱۱؛ سـ ملا  
 علی، ۱۱۵؛ سـ یدی قاره اشlar، ۶۲  
 بلغارستان، ۲۵۱  
 بلوار؛ سـ ۲۲ بهمن ۲۵۶؛ سـ رسالت ۹۵ ~ شیخ  
 نوابی، ۷۱  
 بلوک بیجیک، ۱۸۵  
 بمیثی، ۱۳۴  
 بن بست؛ سـ دکتر آیت الله، ۵۰؛ سـ گلکار، ۲۹  
 بندر مقبره، ۵۳  
 بوئن، ۱۱  
 بهداشت شبانه روزی شهید جباری مقدم، ۱  
 بیت الله الحرام ~ مکه ۱۹۲  
 بسیارستان؛ سـ ۵۰۰ تختخوابی آیت الله سید  
 ابوالقاسم خویی، ۳۰۸ ~ ۵۱۵ تختخوابی  
 آیت الله سید ابوالقاسم خویی، ۱۴۹؛ سـ آیت الله  
 خویی، ۱۹۲؛ سـ آیت الله قاضی طباطبائی، ۳۰۸  
 شهید مدنی، ۱۴۸

- خرمده، ۱۹  
خوازمند، ۹۳، ۹۲، ۹۱  
خوی، در اکثر صفحات  
خیابان؛ سـ آیـ اللـهـ طـ الـقـانـیـ، ۴۵، ۵۰؛ سـ شـهـید  
کوچری، ۷، ۸۱؛ سـ طـ الـقـانـیـ، ۱۸۱  
خیارچ، ۱۱
- دادگستری شهرستان خوی، ۱۷۸  
دارالسلام، ۱۹۲  
داروخانه دکتر فخری، ۱۴۸  
دانسفهان، ۱۱  
دانشسرای خوی، ۲۳۷  
دانشکده؛ سـ ادبـیـاتـ وـ عـلـومـ اـنسـانـیـ، ۲۳۵  
پژوهشکی دانشگاه تهران، ۱۴۷
- دانشگاه؛ سـ آزاد اسلامی تبریز، ۱۵۹؛ سـ آزاد  
اسلامی واحد خوی، ۲۷۲  
دبستان؛ سـ شاهپور، ۲۳۷، ۲۹۷؛ سـ هاجر، ۱؛ سـ  
هدایت، ۱۸۷
- دبیرستان؛ سـ ۲۹۷؛ سـ امیرکبیر، ۱۴۶؛ سـ حجاب، ۱؛  
سـ خسروی، ۲۳۷؛ سـ شرف تهران، ۱۴۵  
دروازه؛ سـ سلماس خوی، ۱۰۷؛ سـ شهانق، ۱۱۸؛ سـ  
 محله، ۱۱۰؛ دره میریعقوب، ۴۷  
دفتر دارالشورای روحا نیت، ۱۹۲  
دمشق، ۱۲۶  
دهستان؛ سـ رهـالـ، ۵۷؛ سـ سـکـمنـ آـبـادـ، ۳۵
- ذهبی مسجدی، ۹۹
- سلمان، ۲۰۲؛ سـ خـوـیـ، ۲۶۴  
سـکـنـ آـبـادـ، ۱۱  
سلمان، ۱۰، ۱۲، ۱۹، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸  
۲۶۶، ۱۶۷\_۱۷۱  
سـیـاهـ باـزـ (ـقـرـیـهـ)، ۸۴
- شام، ۱۲۵  
شاهین دز، ۱۷۷  
شورای اوقاف (خوی)، ۱۹۳، ۱۹۲  
شوروی  $\leftrightarrow$  روسیه  
شوروی  $\leftrightarrow$  روسیه  
شهانق، ۴۰، ۳۰۱  
شهرک مهدیه، چهارده  
شیراز، ۹  
صان قلعه، ۱۱
- ربط، ۱۱۹، ۱۱۹  
ربع (روستا)، ۱۱
- رودخانه؛ سـ النـدـ، ۸۸؛ قـرهـ سـوـ، ۱۰۵؛ سـ قـطـورـ جـایـ، ۵۶
- روس، ۱۵۲، ۱۷۱  
روستای؛ سـ اگـرـیـ بـوـجـاقـ، ۵۷؛ سـ بـدـلـ آـبـادـ، ۲۱\_۲۲، ۱۰۹، ۱۱۸  
ـ پـیـرـکـنـدـیـ، ۸۵\_۸۶؛ سـ تـمـرـ، ۲۲۷؛ سـ چـاـوـقـونـ، ۱۸۵  
ـ حـمـزـهـ کـنـدـیـ، ۱۰۰
- زنجان، ۲۴۳  
زنوز، ۴۷
- سازمان تبلیغات اسلامی، ۲۶۴؛ سـ خـوـیـ، ۲۰۲  
سـکـنـ آـبـادـ، ۱۱

صفائیه (بخش)، ۲۷

قوینی، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۳

کاخ شاه اسماعیل، ۱۳۶، ۱۳۰

کتابخانه؛ سـ آرامگاه مولانا، ۱۳۳؛ سـ آیت الله

مرعشی نجفی، ۲۴۰؛ سـ دانشگاه استانبول،

۲۴۰؛ سـ مدرسه فتح‌الله، ۲۱۶

کربلا معلی، ۶۱، ۱۹۲، ۷۷-۷۸

کمیته امداد (خوی)، ۱۴۰

کمیته انقلاب اسلامی (خوی)، ۲۴۵، ۲۶۴

کنسول ایران (استانبول)، ۲۵۴

کوچه؛ سـ امین الشرع، ۴۰۲؛ سـ امیر، ۲۲۶

پل، ۸؛ سـ دره، ۵۳؛ سـ شمس تبریزی، ۲۸۶

شهید غفوری، ۸۱؛ سـ شهید نصیرزاده، ۹۹

قره سو، ۵۸؛ سـ مقبره، ۲۹، ۵۰-۵۱، ۴۰۰

یدیلر، ۱۵

کوه؛ سـ احمد کلگی، ۸۸؛ بـ دره، ۵۶؛ سـ علمدار،

۱۰۹؛ سـ قرمزی گونی، ۵۶؛ سـ قره قشون، ۸۸

ـ کمر، ۴۷

کوهستان اورین، ۱۳۱

کوی شهانق، ۲۰۴

کویت، ۲۵۱

گردنه خرسنه گدلوکی، ۹

گلپایگان، ۱۴۲، ۱۴۵

گنج، ۹۲، ۱۶۵

گورستان روسنای قره شعبان، ۱۱۲

لبنان، ۲۵۱

لک (قبیله)، ۱۰۰

مؤسسه؛ سـ خاورشناسی کاما، ۱۳۴؛ سـ فرهنگی

سما، ۱۵۳

ماکو، ۲۲۳، ۱۶۷-۱۶۸، ۱۸۵-۱۸۶، ۲۲۲

ماماشخان اوجاقی، ۳۵

مجموعه فرهنگی شمس تبریزی، ۱۲۳

محله؛ سـ آستان علی، ۳۶؛ سـ امامزاده، ۱، ۴۳، ۸، ۴،

۵۲-۵۳، ۲۹۷، ۲۲۲، ۲۹۳، ۱۶۹

ضریح مبارک حسینی ـ کربلا

عتبات عالیات (کربلا و نجف)، ۱۹۷، ۲۱۷

۲۰۳، ۲۶۵، ۲۲۱

عراق، ۱۹۳

عرب آقا، ۱۰۷

عربستان، ۲۵۱

عشرت آباد تهران (پادگان ولی‌عصر فعلی)، ۲۲۵

عشق‌آباد، ۱۴۲

عمان، ۲۵۱

فرانسه، ۴۶، ۱۷۲، ۵۴

فلسطین، ۲۵۱

فیروزق، ۶۵-۶۶

قادسیه، ۱۷۰

قارص ترکیه، ۲۵۸

قاتلو دلان، ۴۸

قبـ؛ سـ بابا مزید، ۸۵؛ سـ بردادلـین گهرناش، ۱۳۲؛

ـ حضرت اعجوبـ، ۱۰۳؛ سـ حضرت خـانـ،

۱۰۳؛ سـ مـلا عـلـیـ، ۶۹

قبـرسـ، ۲۵۱

قـبرـستانـ؛ سـ ابو طـالـبـ مـکـہـ مـکـرـمـهـ، ۱۹۹؛ سـ اـمـامـزادـهـ،

۱؛ سـ بـقـیـعـ، ۴۰؛ سـ پـیـرـولـیـ، ۹۵؛ سـ ۲۹۰، ۹۵

ـ روـستـایـ پـیـرـ مـوـسـیـ، ۶۸؛ سـ سـیـاـبـازـ، ۸۴

ـ شـهـانـقـ، ۷۵؛ سـ فـعـلـیـ کـمـرـلـوـ، ۱۵؛ سـ قـوـچـلـوـ،

ـ کـوـهـ عـلـمـدارـ، ۱۹۹؛ سـ محلـةـ اـمـامـزادـهـ، ۲۳۰

ـ قـرـایـوـسـفـ، ۸۶

ـ قـرـهـ ضـيـاءـ الدـينـ، ۲۴۵، ۲۴۴

ـ قـرـوـينـ، ۱۱

ـ قـفـقـازـ، ۲۸۵، ۲۷۷، ۲۶۰، ۲۲۱

ـ قـلـعـةـ تـبـرـيزـ، ۱۶۱

ـ قـمـ، سـ زـيـذهـ، ۲۱، ۱۳۹، ۱۸۹، ۱۵۸، ۱۳۹، ۲۱۵، ۲۰۷

ـ ۲۲۱، ۲۷۳، ۲۶۴، ۲۴۳-۲۴۴، ۲۲۵

ـ ۲۲۶ سـ شهدای خوی، ۱۰۸، ۲۷۲، ۳۰۵، ۲۷۷  
 شیخ نوایی، ۸۹ سـ کربلائی صادق، ۱۱۰، ۱۱۵  
 مرحومه فاطمه مرشدی، ۱۱۰ سـ ملا علی،  
 حضرت آقا میرهادی، ۴۴ سـ یدیلر، ۹۹  
 خان، ۸۹ سـ خان، ۹۹  
 مسجد، سـ آستانه علی، ۸۱ سـ آقا ابراهیم،  
 امام رضا (ع)، ۲۵۶ سـ امام زمان  
 (عج)، ۲۳ سـ امام سجاد (ع)، ۲۰۲ سـ  
 امامزاده، ۲۳ سـ امامزاده سید بهلول،  
 امیر بیگ (مسجد اعظم فعلی)، ۲۲۲، ۳۰۴  
 سـ بازار، ۲۳ سـ بالا امامزاده، ۱۷ سـ  
 بزرگ تخته پل (مسجد سه گوش فعلی)، ۳۰۴  
 بزرگ شهان، ۲۲۷ سـ بزرگ نورالله خان،  
 ناز، ۳۰۲ سـ تاز، ۳۰۱ سـ تفليس، ۴۶۰ سـ جامع،  
 جامع بالا، ۴۵۶ سـ جامع قره  
 ضیالدین، ۴۴۵ سـ حاج شفیعی، ۲۳ سـ حاج  
 علی اکبر، ۱۳۹ سـ حاجی بابا، ۲۱۷ سـ رنجبران،  
 حجتیه، ۳۰۱ سـ خانقا، ۲۵۶ سـ رنجبران،  
 سـ سائل، ۲۲۶ سـ سلامانی، ۱۵۸ سـ  
 سلمان خان، ۲۴۷-۲۴۸ سـ سید الشهداء،  
 شعبان، ۱۵۸ سـ شعبان، ۲۴۸ سـ شیخ، ۲۶۷ سـ  
 صاحب الزمان، ۶ سـ فاطمیه، ۲۱۶ سـ قاری،  
 قره بُرک، ۲۳ سـ کربلائی شرف، ۲۳ سـ  
 متوسطی، ۲۱۴ سـ مطلب خان، ۱۸۱-۱۸۲  
 سـ ملا احمد، ۲۲۶ سـ ملا علی، ۲۶۴-۲۶۵  
 سـ ملا حسن، ۱۱۶، ۱۴۰، ۲۴۷-۲۴۸ سـ  
 ملا عسگر، ۱۱۹ سـ ملا علی، ۲۷۴ سـ  
 نو، ۱۵۸ سـ نورالله خان، ۳۰۸ سـ  
 یدیلر، ۱۶ سـ یادگار، ۲۲۲، ۱۶  
 مشهد، ۲۴، ۱۴۱، ۱۸۵، ۱۹۲  
 مصر، ۲۵۱  
 مقبره، سـ آقا میرابراهیم بن میراسماعیل، ۲۳-۲۴  
 آقا میریعقوب مقبره، ۱۶، ۴۵ سـ آقای میر  
 عبدالعلی، ۲۱۶-۲۳ سـ العلی، ۷۱ سـ حاج  
 سید کاظم موسوی، ۲۲ سـ حضرت آقا  
 میرفتح، ۱۶ سـ خاندان فتاحی، ۲۲۱ سـ  
 ذہبی، ۹۹ سـ سادات سید جعفری، ۵۵

ـ ۲۵۶ سـ خیابان، ۱۳۹ سـ دوچی، ۸۳ سـ ریط،  
 شاهانه، ۱۱۷ سـ شمس تبریزی، ۲۲۹  
 شهانق، ۶۴، ۹۳، ۲۲۷، ۲۸۱، ۳۰۰، ۳۰۲ سـ  
 قاضی، ۹۳، ۹۰، ۲۰۱، ۲۹۰، ۲۳۵ سـ  
 قاضی خوی، ۸۹ سـ گذر مستوفی، ۲۱۴ سـ  
 یدیلر، ۱۵  
 مدرسه، سـ حاج آقا حسین امام جمعه، ۱۱۶ سـ  
 حجتیه، ۲۲۵ سـ حکیم قطران، ۲۸۲ سـ  
 دخترانه شیخ نوایی، ۷۶ سـ دینی نمازی، ۲۶۰ سـ  
 علمیه نمازی، ۲۰۸ سـ علوم دینی شفیعیه،  
 ۱۰۰ سـ علوم دینی محمدیه، ۱۸۷ سـ نمازی  
 خوی، ۱۶۵، ۱۶۴-۱۸۷، ۱۸۱، ۱۹۲، ۲۲۷، ۲۲۵، ۲۰۱،  
 ۲۲۹، ۲۵۸، ۲۴۷، ۲۳۹، ۲۷۱، ۲۸۶، ۲۸۰، ۲۹۷ سـ  
 ۳۰۷  
 مدینه منوره، ۲۰۲  
 مراغه، ۲۴۴  
 مرقد، سـ آخوند ملا علی خویی، ۱۸۶، ۲۴۱،  
 ۲۵۶ سـ بالا امامزاده، ۱۷ سـ حضرت آخوند  
 نوایی، ۲۲۰ سـ شریف سید یعقوب، ۵۳ سـ  
 کریمه اهل بیت (ع)، ۲۱۵، ۲۳۱ سـ حضرت آقا  
 سید نظر علی، ۱۳ سـ علی بن موسی الرضا،  
 ۱۸۵

مرکز تربیت معلم شهید مطهری (خوی)، ۱۷۷  
 مرند، ۲۳، ۴۶، ۸۵، ۱۵۹، ۸۶، ۱۶۷، ۲۲۵، ۲۶۶ سـ  
 مزار، سـ آقا سید صالح صادقی، ۵۷ سـ آقا میر  
 محمد صادقی، ۵۷ سـ آقا میر یعقوب، ۵۱ سـ  
 اکبر مصوّر زاده، ۴۴ سـ امامزاده قره شعبان،  
 ۱۱۱ سـ امیر شمس الملک، ۲۴ سـ بالا  
 امامزاده، ۱۸ سـ بانو رخشندۀ صادقی، ۵۷ سـ  
 بانو سیده علیه، ۴۴ سـ بانو کبری، ۴ سـ بانو  
 مشهدی زهر، ۴۴ سـ پرویز خان، ۹۹ سـ پوریای  
 ولی / پیروی، ۹۳، ۹۱ سـ پیر عمر نخجوانی،  
 ۸۶ سـ پیر موسی، ۸۸ سـ حاج سید حسن، ۸۲ سـ  
 حاجیه سیده لطفیه، ۴۴ سـ دختر کربلائی  
 صادق، ۱۱۰ سـ ریط، ۸۹ سـ سید عباس  
 موسوی، ۸۲ سـ شمس تبریزی، ۸۹، ۱۲۹ سـ  
 ۱۳۴-۱۳۶ سـ شهله، ۱۹۲، ۱۴۰ سـ شهله، ۱۹۵

- سادات سید مرغی، ۵۶ ~ سادات صادقی،  
۶۶ ~ سادات موسوی، ۶۱ ~ سرخاب، ۸۵  
~ سید حسن، ۲۱۶ ~ شمس‌الملک دنبلي،  
۱۲۳ ~ صادقیه، ۶۴ ~ نعلبند، ۵۶  
مکه، ۱۹۲ ~ ۲۰۰، ۲۵۲ ~ ۲۸۲  
منار شمس تبریز، ۱۲۴ ~ ۱۳۳-۱۳۴  
منطقه قطور، ۲۳۸ ~ ۲۴۰  
موقفات حسینیه (خوی)، ۱۳۹  
مهاباد، ۲۴۴ ~ ۲۰۰  
میاندوآب، ۲۴۴ ~ ۲۰۰  
میدان؛ ~ بسیج (خوی)، ۹۹ ~ ولیعصر (خوی)،  
۱۷۸  
ناحیه یک شهری شهید حبشهی (خوی)، ۱  
نجف اشرف، ۳۰ ~ ۴۶، ۵۶ ~ ۱۵۱، ۱۵۶ ~ ۱۶۳-۱۶۴  
هندوستان، ۲۵۱ ~ ۲۱۷، ۲۱۳-۲۱۵ ~ ۱۸۰، ۱۹۲ ~ ۲۰۰  
هنرستان شهید رجایی (خوی)، ۱۱۸ ~ ۲۷۳  
یونان، ۲۵۱ ~ ۲۷۳، ۲۶۵ ~ ۲۵۵، ۲۴۴ ~ ۲۴۱ ~ ۲۳۹ ~ ۲۱۹  
یوگسلاوی، ۲۵۱ ~ ۲۵۱



## ◀ كتابها و نشريات

- الآيات المستشهد بها في الكتب الادبية، ٢١٤  
 آية بصيرت يا آرام بخش روح، ١٥٨  
 آیین جهانداری، ٢٠٩  
 آیین پرهیزگاران، ٢٠٩
- 
- ابواب الجنان، ٢٨١  
 احاديث اربعين ديني و اخلاقي (ج ٢)، ١٩٤  
 اخلاق و رفتار پیشوایان اسلام، ١٩٣  
 ادبیات فارسی، ٢٠٧  
 ادعیه، ١٨٦  
 ارزش دانش و دانشمند در اسلام، ١٩٤  
 ارمنان مور، ١٥٨  
 ازدواج موفق و نشاط خانواده، ٢٧٢  
 استئله پرویزیه، ١٠١  
 استخراج شجره نامه حاندان مقبره و خانواده های  
 وابسته، ٢٠٩  
 اصول ازدواج، ٢٨٧  
 اعجازات در قرآن و ائمه اسلام، ١٩٤  
 اقامۃ الحجۃ فی ازالۃ الشبهه، ١٥٣  
 انیس الطالبین، ٩١
- 
- برهان نظم در خلقت، ١٩٤  
 بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی، ١٧٢، ٧٣  
 بصیرت نامه، ١٥٨  
 بیانات شایسته، ١٩٤
- پاسخ هشتاد سوال علمی، ١٩٤  
 تاریخ خوی، ١٤٦، ١٧٢  
 تاریخ دنبله، ١٣٤  
 تاریخ دنبله خوی، ١٣٠  
 تاریخ دنبلان، ٨٤  
 تاریخ و جغرافیا، ٢٠٧  
 تجوید نامه، ٢٨٢  
 تجوید، ٢٣٧  
 تحقیقات نعم فردی و اجتماعی، ١٩٤  
 تذکرة الفضلاء، ٢١٦  
 تذکرة المعاصرین، ٧٧  
 تشریح و فنای دنیا، ١٩٤  
 تقریرات اصول فقه (یک دوره اصول) آیت الله سید  
 ابوالقاسم خویی، ٢١٤

- تقریرات فقه (از اول طهارت الی احکام الموات)،  
رسائل، ۲۲۵، ۳۰۱
- رسالهای در ترجمه منظوم احادیث از هر امام  
معصوم، ۱۵۸
- رسالهای منظوم در نام و باد شهدای خوی، ۱۵۸
- رسالة تحفة المجاهدين، ۲۳۹
- رسالة تطبيقيه، ۱۰۱
- رساله زندگانی فردوسی، ۱۲۹
- رساله سؤال و جواب، ۱۰۱
- رساله یوسفیه، ۱۰۱
- رساله الجنۃ، ۱۷۵
- ریاض الجنۃ، ۲۰۷
- حادائق الاشارات، ۲۹۱
- حقوق حیوانات، ۱۹۴
- حقوق و عایدات مستحقین در اسلام، ۱۹۴
- حکومت عدالتخواهی علی بن ابیطالب (ع)، ۱۹۳
- خطاطرات شش ماهه جبهه جنگ، ۱۹۴
- خطاطرات من از استاد حاضر، ۲۱۴
- خطبه عرفه، ۲۰۹
- خمس، ۱۵۸
- خوانین ماکو، ۱۰۲
- خوی در عصر سلسۀ پهلوی و انقلاب اسلامی، ۱۴۶
- دانشمندان آذربایجان، ۱۳۳
- درهای هدایت، ۱۹۴
- دربیجههای از علوم قرآن، ۱۹۴
- الدرة النجفیة فی شرح نهج البلاغه الحیدریة، ۲۵۸
- دفائن الاصول، ۲۴۳
- دوازده امام منظوم، ۴۷
- دیوان آقاسی، ۱۴۲
- دیوان طایر خویی، ۲۹۷
- راهنمای راهنمایان یا شرایط مبلغین اسلامی، ۱۹۳
- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، ۱۷۱
- رحمت و شفاعت، ۱۹۴
- رسائل کفایة الاصول، ۲۴۳
- عادت یا طبیعت ثانوی، ۱۹۴
- عباس بن علی در کربلا، ۱۴۲
- عدة السالكین، ۹۱
- علل الشرایع، ۲۳۱
- علم الاشیاء هندسه، ۲۰۷
- ظلمهای معاویه، ۱۹۴
- الطريق الوسطی یا تعادل در زندگی، ۱۹۴

- علوم مقدماتی، ۲۳۱
- غربزدگی و تقلید از بیگانگان، ۱۹۴
- الغرف فی الاصول، ۲۰۹
- الفقه، ۲۴۳
- الفیه در کلام و فلسفه، ۴۷
- قدیریه، ۱۴۲
- قرآن کریم، ۲۸۹، ۲۳۷
- قرآن مجید، ۲۰۷
- قرآن، ۲۸۱
- قصمهای ائمه، ۱۹۴
- القضاء فی الاسلام، ۲۱۴
- قضاؤتها و حکومت عدالتخواهی علی بن ابیطالب(ع)، ۱۹۵
- قوانين، ۲۴۳
- كتاب البيع، ۲۰۹
- كتاب التيمم، ۲۰۹
- كتاب الخمس، ۲۰۹
- كتاب الصوم، ۲۰۹
- كتاب الطهارة، ۲۰۹
- كتاب الغسل، ۲۰۹
- كتاب النجاسات، ۲۰۹
- كتاب الوضوء، ۲۰۹
- كتاب ترسیل، ۳۰۱
- كتاب دماء ثلاث، ۲۰۹
- كتاب قضایا، ۱۵۸
- كتابچه مرانی، ۱۶۵
- کرامات آقا سید یعقوب مقبره، ۲۷۷
- کرامات مرحوم آقا میرفتاح، ۲۷۲، ۳۹
- کرامات و حکایات پندآموز، ۱۵۸
- کشکول، ۱۵۸
- کفایة الاصول، ۲۴۴، ۲۲۵
- کلمة سوا، ۱۵۳
- کلید خیر و شر یا سه عضو خطروناک، ۱۹۳
- گلستان سعدی، ۲۸۱
- لغات متشابه، ۱۹۴
- لمعه، ۲۴۳-۲۴۴
- لهوف، ۲۶۰
- مبدأ الاسلام، ۲۸۷
- مثنوی راد و رود، ۱۴۶
- مجالس العشاق، ۹۱
- مجلة آذربی استانبول، ۲۸۷
- مجلة الاسلام شیراز، ۲۸۷
- مجلة روشنفکر، ۱۴۲
- مجله کلک، ۱۲۳
- مجمل فضیحی، ۱۲۷
- مجموعه اخبار و احادیث، ۲۱۷
- مجموعه حاوی اشعار، ۱۶۵
- مجموعه مدایح و مرانی، ۱۸۶
- مختصر المرانی، ۱۰۱
- مرأة الشرق، ۹۲
- مرد ایمان و آموزش، ۲۸۲
- مسندنشین قدس، ۵۴
- مسؤولیت و وظایف روحانیت، ۱۹۴
- مطолов و حاشیه، ۲۴۳
- معاشرت و مصاحبت چهارده معصوم، ۱۹۳
- معالم، ۲۴۳
- مفتاح الرياض فی شرح الرياض، ۳۰
- مقتل حضرت سید الشهداء(ع)، ۲۵۰
- مکارم الاخلاق، ۱۹۳
- مکاسب، ۲۲۵، ۳۰۱، ۲۴۳-۲۴۴
- منشآت السلاطین، ۱۲۷
- منظومهای در اراث و نکاح، ۲۹۱
- منظومه حاج ملا هادی سبزواری، ۲۴۳
- مواعظ، ۱۸۶
- نصاب الصیبات، ۳۰۱
- نصایح و توسّلات، ۱۵۸
- نعمتهای الهی برای بندگان، ۱۹۳

نفحات الانس، ۹۱

نوای شهر شمس، ۷۶

ولایت تکرینی و علوم ائمه اسلام، ۱۹۴

ولایت نامه بکتاشی، ۱۲۸

## ❖ کتاب نامه

۱. آئینه پرهیزگاران ، سید ابراهیم علوی خوبی، کتابخانه صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ ق.
۲. آثار باستانی آذربایجان ، عبدالعلی کارنگ ، انتشارات طرح نو ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۷۴ ش.
۳. آینه دانشوران ، سید علیرضا ریحان یزدی ، بااهتمام ، ناصر بافری بیدهندی ، چاپ سوم ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، قم ، ۱۳۷۲ ش.
۴. ابجساد جاویدان ، علی اکبر مهدی پور ، نشر حاذق ، چاپ دوم ، قم ، ۱۳۷۷ ش.
۵. اختزان تابناک ، ذبیح الله محلاتی ، کتابپروردی اسلامیه ، تبریز ، ۱۳۴۹ ش.
۶. الذریعه الى تصانیف الشیعه ، ۲۶ جلد ، شیخ آقا بزرگ تهرانی ، دارالا ضواء ، بیروت ، ۱۴۰۳ ق.
۷. ایران امروز ، اوژن ابون ، ترجمه ، علی اصغر سعیدی ، زوار ، تهران ، ۱۳۶۲ ش . ۸. بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی ، محمود رامیان ، محمد تمدن و علاءالدین تکش .
۹. تاریخ خوی ، مهدی آقاسی ، چاپ اول ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، تبریز ، ۱۳۵۰ ش .
۱۰. تاریخ خوی ، دکتر محمد امین ریاحی ، توس ، تهران ، ۱۳۷۲ ش .

۱۱. تذکرة جامع الانساب، سید ابراهیم احمدی صائینقلعه ابهری، ناشر کتابفروشی بوذر جمهوری مصطفوی، تهران، بی‌تا.
۱۲. جامع الانساب، جلد اول، سید محمد علی روضاتی، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۳۵ ش.
۱۳. داشمندان آذربایجان، محمد علی تربیت، طبع دوم، انتشارات فخر آذر، تبریز، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی، مؤسسه دایرة المعارف تشیع، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. دیوان آقاسی، محمد آقاسی، انتشارات ستوده، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. دیوان طایر خوبی، حسینقلی نوحه‌گر، انتشارات قراقوش، چاپ اول، خوی، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، مهدی مجتهدی، چاپ خانه نقش جهان، ۱۳۲۷ ش.
۱۸. روضات الجنان، ۲ جلد، حافظ حسین کربلایی، تصحیح حاج میرزا جعفر سلطان القرایی، تهران، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۹ ش.
۱۹. ریحانة الادب، ۸ جلد، میرزا محمد علی مدرس تبریزی، چاپ سوم، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۲۰. زعماء الشیعه، سید محسن هدایت خوبی، (خطی).
۲۱. ستارگان درخشان، حسین دوستی، چاپ اول، نوید اسلام، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. سخنران آذربایجان (از قطران تا شهریار)، ۲ جلد، عزیز دولت آبادی، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. سیمای خوی، علی صدرایی خوبی، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. علمای معاصر آذربایجان، محمد الوانساز خوبی، (آماده چاپ)،
۲۵. فرهنگ نام‌آوران خوی (از سده اول تا چهارده هجری قمری)، بهروز نصیری، زهراء عشر زاده، چاپ اول، انتشارات قرقوش، خوی، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. کرامات آقا سید یعقوب، (خطی).

٢٧. کرامات مرحوم آقا میر فتاح، سید محمد مصری، (خطی).
٢٨. کرامات و حکایات پندآموز، حاج شیخ حسن بصیری، تحقیق و تعلیق محمد الوانساز خویی، چاپ اول، انتشارات نهادنی، پاییز ۱۳۸۷ ش، قم.
٢٩. کلمة سواء، آیة الله الحاج الشیخ علدهالحسین الاعلمی، تقدیم و اعداد علی الصدرایی الخویی، الناشر مؤسسه فرهنگی سماء، الطبعة الاولی، قم المقدسة، ۱۴۲۳ ق.
٣٠. گنجینه دانشمندان، ۹ جلد، حاج شیخ محمد شریف رازی، چاپ اول، کتابفروشی اسلامیة، قم.
٣١. مجله آینه پژوهش، ش نهم، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۷، ص ۱۰۸.
٣٢. مجلة الغری، س ۱۴۲۳، ش ۱۱، ص ۴۸.
٣٣. مرآة الشرق، ۲ جلد، المؤلف صدرالاسلام محمد امین الامامی الخویی، تصحیح و تقدیم علی الصدرایی الخویی، باشراف سید محمود المرعشی النجفی، الطبعة الاولی، قم المقدسة، ۱۴۲۷ ق.
٣٤. مسند نشین قدس، محمد الوانساز خویی، انتشارات همای غدیر، چاپ اول، قم، بهار ۱۳۸۹ ش.
٣٥. المشجر الوافي، السيد حسين ابوسعيدة الموسوي، مؤسسه عاشوراء، الطبعة الاولی، قم المقدسة، ۱۴۲۵ ق.
٣٦. مقابر آذربایجان، ۵ جلد، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، نشر آذربایجان، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۵ ش.
٣٧. میراث اسلامی ایران (تذكرة المعاصرین و ذخایر الاسفار)، بکوشش رسول جعفریان، ناشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸ ش.
٣٨. نامه مورخین، بهروز نصیری، انتشارات قراگوش، چاپ اول، خوی، ۱۳۸۴ ش.
٣٩. نوای شهر شمس، محمد الوانساز خویی، طلوع شمس، چاپ اول، قم، بهار ۱۳۸۸ ش.
٤٠. نسب نامه سادات کوه کمره، استخراج آیت الله سید ابراهیم علوی.
٤١. نعمتهای الهی برای بندگانش، سید اسماعیل رسول زاده خویی، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، ۱۳۷۹ ش.

۴۲. یادداشت‌های سرهنگ محمد اعلمی.

۴۳. یادداشت‌های سید رضا حسینی خویی.

### گفتگوهای

۱. آیت الله حاج سید عبداللطیف قرشی خویی،

۲. آیت الله حاج شیخ علی محسنی خویی،

۳. استاد حاج سید حمید فتاحی،

۴. حاج حیدر قنبرلو،

۵. حاج سید حسن مرجعی،

۶. حاج شیخ جعفر صادقی،

۷. حاج شیخ حبیب قراجه‌ای،

۸. حاج شیخ علی صدرایی خویی،

۹. حاج شیخ غلامرضا معصومی،

۱۰. حاج شیخ کامل خلف خانی

۱۱. حاج شیخ محمود اصغر نژاد،

۱۲. حاج علی اکبر فیاضی،

۱۳. حاج علی ملکی،

۱۴. حاج علی وحیدی،

۱۵. حاج میر ابراهیم سید رضایی،

۱۶. حاج میرزا نصرالله واعظ،

۱۷. حاج میر علی اکبر جعفری،

۱۸. حاج ولی زغال فروش،

۱۹. حاجی نوایی،

۲۰. کربلا بی مهدی مرتضایی،

۲۱. دکتر مرتضی مجتهدی ،
۲۲. سرهنگ محمد اعلمی ،
۲۳. سید حسن سید مرغی ،
۲۴. سید حسین تهامی ،
۲۵. سید عبدالله موسوی ،
۲۶. سید قاسم موسوی ،
۲۷. سید معصوم سیدی ،
۲۸. عزیز میرزا علیلو .

### آرشیوها

۱. آرشیو آیت الله حاج سید جعفر مرقاتی ،
۲. آرشیو بنیاد شهید شهرستان خوی ،
۳. آرشیو حاج حیدر قبرلو ،
۴. آرشیو حاج شیخ کامل خلف خانی ،
۵. آرشیو حاج شیخ جمیل هنرور ،
۶. آرشیو حاج شیخ غلام رضا معصومی ،
۷. آرشیو حاج میر ابراهیم سید رضایی ،
۸. آرشیو مدرسه نمازی ،
۹. آرشیو سید رضا حسینی ،
۱۰. آرشیونگارنده ،
۱۱. آرشیو مهندس غلامعلی شریف .

## فهرست آثار منتشره

### کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شورای اسلامی به ترتیب شماره ردیف انتشار

۲۱۲. معیار جمالی و مفتاح ابوسحاقی (علم عروض، علم قوافی، علم بدبای الصنایع)، تألیف: شمس الدین محمد بن فخرالدین سعید فخری اصفهانی (سده ۷-۸ ق)، تحقیق و تصحیح: دکتر یحیی کاردگر، ۱۳۸۹
۲۱۴. ریاعیات نکری مشهدی، به اهتمام سید علی میراضلی، ۱۳۸۹
۲۱۵. نهرستواره دستنوشتهای ایران (دن)، در ۱۲ مجلد، به کوشش: سید مصطفی درایتی، ۱۳۸۹
۲۱۶. نصوص الکلم علی کتاب فصوص الحکم، تألیف ابوفراس محمد بدراالدین حلیسی (۱۳۶۲-۱۲۹۸ ق)، تحقیق و تصحیح علی اوجی، ۱۳۸۹
۲۱۷. قرآن کریم (به خط نیریزی)، نظارت هنری: احسان الله شکرالله و داود نظریان، ۱۳۸۹
۲۱۸. فهرست مجله‌های فارسی کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شورای اسلامی (از ابتدای تا پایان سال ۱۳۸۶)، به کوشش: آزاده حیدری، ۱۳۸۹
۲۱۹. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شورای اسلامی (ج ۴۳-۱۵۰۱ تا ۱۵۰۰)، تألیف سید صادق حسینی اشکوری، ۱۳۸۹
۲۲۰. میراث بهارستان (۳)، (نویسنده‌گان مختلف) مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹
۲۲۱. استناد فارس در دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی، (استناد بهارستان ۵)، به کوشش منصور نصیری طبی، ۱۳۸۹
۲۲۲. فهرست کتابهای چاپ سنگی کتابخانه میر جلال الدین محثث ارمومی، نگارش حسین متغیر - فتح الله ذوقی، ۱۳۸۹
۲۲۳. دیوان آذری اسفراینی، سروده نوالدین حمزه بن علی ملک طوسی اسفراینی، تحقیق و تصحیح دکتر محسن کیانی و سید عباس رستاخیز، ۱۳۸۹
۲۲۴. گزیده استناد نظام آموزش و مجلس شورای ملی (دوره سوم تا پنجم)، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی، ۱۳۸۹
۲۰۰. مصحف قرآن (برگهای زرین از قرآن‌های تقیی در کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شورای اسلامی)، به کوشش داود نظریان و احسان الله شکرالله، ۱۳۸۹
۲۰۱. فهرست گنجینه‌های دستنوشته‌های اسلامی، ترجمه افزوده احمد رضا رحیمی ریسه، ۱۳۸۹
۲۰۲. الشفائق التعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، مصطفی بن احمد (طاشکبریزاده)، تصحیح سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، ۱۳۸۹
۲۰۳. العقد المنظوم فی ذکر افاضل السرور (ذیل الشفائق التعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة)، تألیف علی بن بالی الأیدینی، تصحیح سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، ۱۳۸۹
۲۰۴. دیوان عضد، سروده عضد (سرابینه ناشناخته سده ۸ق)، تحقیق و تصحیح علیرضا قوچه‌زاده
۲۰۵. اوراق عتیق (مجموعه مطالعات متن پژوهی، نسخه‌شناسی و فهرستگاری)، دفتر اول، به کوشش سید محمد حسین حکیم، ۱۳۸۹
۲۰۶. تاریخ اولاد الاطهار، تألیف سید محمد رضا بن سید محمدصادق طباطبائی تبریزی، به کوشش محمد الوانساز خوبی، ۱۳۸۹
۲۰۷. رجال دینون، تألیف محمد دینوری، به کوشش محمد الوانساز خوبی، ۱۳۸۹
۲۰۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۴ ندیم با افزوده‌ها و تجدیدنظر)، عبدالحسین حائری و سوسن اصلیلی، ۱۳۸۹
۲۰۹. چکیده و متن کامل سالنامه‌های ایران (۱۳۲۱-۱۴۲۹ق)، ج ۱-۲، تهیه و تدوین: سید فرید قاسمی، ۱۳۸۹
۲۱۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه، موزه و مرکز استناد مجلس شورای اسلامی (ج ۲۰-۲۱)، نسخه‌های ۶۴۱۱ تا ۷۰۰۰، تألیف سید جعفر حسینی اشکوری، ۱۳۸۹
۲۱۱. تحولات منطقه‌ای افغانستان (مجموعه مقالات)، به کوشش حسین احمدی، ۱۳۸۹
۲۱۲. میرداماد، تألیف علی اوجی، ۱۳۸۹

۲۲۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۲۴۳)، مجموعه اهدایی سید محمد صادق طباطبائی، تأثیف محمود نظری، ۱۳۸۹
۲۲۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۴۴) نسخه های ۱۵۷۰۱ تا ۱۶۱۰۰ تأثیف ابوالفضل حافظیان بالي، ۱۳۸۹
۲۲۵. تاریخ صاحب قرآنی، تأثیف محمود میرزا قاجار، تصحیح نادره جلالی، ۱۳۸۹
۲۲۶. شرشنامه، تأثیف روح الله شیرازی، مستخلص به فتوحی، تصحیح دکتر محمدباقر وشوی، باهمکاری خدیجہ عالمی و متوجه ایرانی، ۱۳۸۹
۲۲۷. فهرست اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجلد سوم (اسناد انتخابات مجلس شورای ملی ادوار دوم تا پنجم)، به کوشش علی ظفری و زهرا غلامحسین پور، ۱۳۸۹
۲۲۸. گنجینه بهارستان (علوم قرآنی و روانی ۴ - تجوید و قرائت)، به کوشش سید حسین مرعشی، ۱۳۸۹
۲۲۹. سفرنامه مازندران (گزارش روزانه محمد جعفرخان در سال ۱۲۸۱ خورشیدی)، به اهتمام محمد لیگ و احمد شکیب آذ، ۱۳۸۹
۲۳۰. مزارات خوی، تأثیف محمد الوانساز خویی، ۱۳۸۹
۲۲۵. فهرست اسناد عرب‌پش کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلد دوم)، به کوشش: مریم نیل قاز، ۱۳۸۹
۲۲۶. رسائل پرچمال اردستانی (دفتر اول: کنز الدقائق، تنبیه العارفین و محبوب الصدیقین)، تحقیق و تصحیح: امید سوری، ۱۳۸۹
۲۲۷. قند فلسفه دارون، تأثیف: أبي المجد الشیخ محمد الرضا التجفی اصفهانی، تحقیق: الدكتور حامد ناجی اصفهانی، ۱۳۸۹
۲۲۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۲۷۲)، تأثیف: محمود نظری، ۱۳۸۹
۲۲۹. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (جلد ۲۰)، تأثیف: سید محمد حسین حکم، ۱۳۸۹
۲۳۰. دستور حکایکی، تأثیف: مهدداد خلقی، ۱۳۸۹
۲۳۱. عرفات‌الماشین، تأثیف تقى الدین اوحدی، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر‌احمد، با همکاری مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹
۲۳۲. کتاب الصلوة، کتاب الدعاوى والبيات، کتاب السیر از الابان، تأثیف ابو جعفر محمد بن یعقوب هوسمی، همراه با زوائد الابانه تأثیف شمس الدین محمد بن صالح گیلانی، با مقدمه محمد عمادی حائزی، ۱۳۸۹ (چاپ عکسی)

## هزار آثار فلسفی

### تهران

خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه، انتشارات توسع؛ تلفن: ۰۶۶۴۶۱۰۰۷ - ۰۶۶۴۹۸۷۴۰، شماره ۱۳۰، مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرتع؛ تلفن: ۰۸۸۹۶۳۷۶۸، خیابان انقلاب، رویرویدن فخر رازی، انتشارات طهوری؛ تلفن: ۰۶۶۰۰۶۳۳۰

### شهرستانها

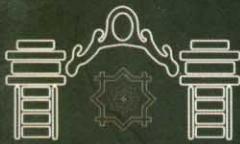
- اصفهان - خیابان چهارباغ، دروازه دولت، فرهنگسرای اصفهان؛ تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۳۹۰۰۳ - ۰۲۲۰۴۰۲۹
- تبریز - خیابان طالقانی، تقاطع خیابان ارگ، انتشارات دهداد؛ تلفن: ۰۴۱۱-۵۵۶۰۰۱
- شیراز - چهارراه مشیر، کتابفروشی هاشمی؛ تلفن: ۰۷۱۱-۲۲۵۶۶۹
- شیراز - میدان دانشجو، اول ساحلی غربی، نبش کرچه ۲۶، کتاب اسفند؛ تلفن: ۰۷۱۱-۲۲۵۲۸۷۶
- قم - ابتدای خ صفائیه، جنب دفتر آیت‌الله سیّد سیّد حسین کروق؛ تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۴۲
- قم - خیابان چهارمردان، پاساژ صاحب‌الزمان انتشارات بیدار؛ تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۴۲۹
- قم - فروشگاه کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی؛ تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۱۹۷۱-۵
- کاشان - کتابخانه کاشان شناسی آیت‌الله غروی؛ تلفن: ۰۹۱۳-۳۶۱۶۱۶۹
- مشهد - چهارراه دکترا، انتشارات امام؛ تلفن: ۰۵۱۱-۸۴۳۰۱۴۷

# **Khoy's Tombs**

**Authored by:**

**Muhammad Alvansaz Khoyi**

**Tehran-2011**



Library, Museum and Documentation Center of  
The Islamic Consultative Assembly  
(Majles-e Sorā-ye Eslami)

# **Khoy's Tombs**

**Authored by**  
**Muhammad Alvansaz Khoyi**



TEHRAN-2011